



بنیاد عبد الرحمن برومند

## مجموعه اسناد حقوق بشر در مدیریت قضایی سازمان ملل متحد



ترجمه / ویراستار: بنیاد برومند

3220 N St NW, Suite 357  
Washington, DC 20007

در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران  
طرح بنیاد عبدالرحمن برومند

## فهرست

|     |   |
|-----|---|
| 2   | ..... مقدمه ناشر  |
| 3   | ..... کلمات کلیدی در اسناد حقوق بشر سازمان ملل متحد   |
| 4   | ..... مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان   |
| 19  | ..... اصول اساسی در رفتار با زندانیان   |
| 20  | ..... مجموعه اصول در حمایت از کلیه افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت یا حبس قرار دارند  |
| 27  | ..... قواعد سازمان ملل متحد در حمایت از نوجوانان محروم از آزادی   |
| 38  | ..... اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز  |
| 40  | ..... معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز  |
| 40  | ..... مقاله نامه { پروتکل } اختیاری ملحق به معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز   |
| 50  | ..... اصول اخلاق پزشکی ناظر بر پرسنل درمانی، به ویژه پزشکان، جهت حمایت از زندانیان و بازداشت شدگان در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز |
| 60  | ..... اصول روش های کارآمد در اجرای تحقیقات کیفری و جمع آوری مدارک در مورد اعمال شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی، و یا اهانت آمیز                           |
| 62  | ..... موازین تضمینی در حمایت از افراد در معرض مجازات اعدام  |
| 64  | ..... دومین مقاله نامه اختیاری ملحق به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ناظر بر الغای مجازات اعدام  |
| 65  | ..... قواعد سلوک حرفه ای مأموران حفظ نظم و اجرای قانون  |
| 67  | ..... اصول اساسی در توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون   |
| 71  | ..... قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد ناظر بر موازین جایگزین حبس ( قواعد توکیو)   |
| 76  | ..... قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل در باب دادرسی نوجوانان (قواعد پکن)   |
| 83  | ..... رهنمودهای سازمان ملل متحد ناظر بر پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)  |
| 101 | ..... اعلامیه اصول اساسی عدالت در باره قربانیان بزه کاری و قربانیان سوء استفاده از قدرت   |
| 108 | ..... اصول بنیادین استقلال قضات   |
| 111 | ..... اصول اساسی نقش و وظایف وکلای دعاوی  |
| 114 | ..... اصول راهنما ناظر بر نقش و وظایف مقامات قضایی دادرسی   |
| 118 | ..... اصول مربوط به پیشگیری مؤثر از اعدام های فرا قضایی، خودسرانه و شتابزده و انجام تحقیقات کیفری کارآمد در مورد این اعدام ها   |
| 123 | ..... اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل مفقودالاثر شدن به عنف  |
| 126 | ..... اصول اساسی و رهنمودهای مربوط به حق دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی                       |
| 132 | ..... معاهده بین المللی ناظر بر حمایت از کلیه افراد در مقابل مفقود الاثر شدن به عنف   |
| 139 | .....   |

## مقدمه ناشر

ایران در شش ماه پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و اعتراضات وسیع مردم به نتایج این انتخابات شاهد تشدید سرکوب و اعمال خشونت توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون بوده است. مقامات دولتی حق طبیعی اجتماعات را برخلاف تعهدات قانونی و بین المللی کشور مدام نقض می کنند و نیروهای انتظامی برای ارباب شهروندان و منع آن ها از مطالبه حقوق انسانی شان از ضرب و شتم و تیراندازی به آنان ابا نمی کنند. هزاران شهروند ایرانی در شش ماه اخیر به شکل غیر قانونی، بازداشت و شکنجه شده اند. ده ها نفر به دست مأموران انتظامی چه در زندان و تحت شکنجه و چه در خیابان ها بر اثر ضرب و شتم و یا اصابت گلوله جان باخته اند. در این شرایط و در حالیکه بسیاری از شهروندان ایران در بازداشتگاه های قانونی و غیرقانونی، بدون برخورداری از حقوق و حمایت قانون در خطر جدی ناشی از سوءاستفاده نیروهای انتظامی از قدرت قرار دارند، بنیاد عبدالرحمن برومند برآن است که روز دهم دسامبر، نوزدهم آذرماه، روز جهانی حقوق بشر، را با انتشار مجموعه ای از اسناد حقوق بشر در مدیریت قضایی گرامی بدارد.

حقوق بشر متهمان یکی از محورهای اصلی کار بنیاد برومند است و به همین جهت در کتابخانه الکترونیکی بنیاد **مجموعه ای به اسناد حقوق بشر در مدیریت قضایی** اختصاص داده شده است و پیش از این نیز برخی از این اسناد، از جمله اسناد مربوط به حقوق افراد بازداشت شده و استقلال قوه قضائیه، توسط بنیاد به فارسی ترجمه شده و در اختیار عموم قرار گرفته بود. در نظر داشتیم که همراه با مستند ساختن موارد نقض حقوق بشر در مورد افرادی که با اعمال خشونت دولتی، چه قضایی و چه فراقضایی، جان خود را از دست داده اند، مجموعه کامل تری از این اسناد را ترجمه و در اختیار عموم قرار دهیم تا شهروندان ایرانی از حقوق خود که در عرف بین الملل در امر قضا به رسمیت شناخته شده آگاه شوند.

آگاهی از این حقوق، در وضعیتی که رویارویی مردم با نیروهای انتظامی و امنیتی به امری روزمره بدل گشته است، بیش از پیش ضروری می نماید. از یک سو، شهروندان باید بتوانند از حقوق خود، چه در بازداشت و چه به عنوان متهم آگاه باشند، و از سوی دیگر مأموران نظامی و غیرنظامی دولت نیز با شناخت از مفاد قوانین بین المللی، باید بدانند که دولت ایران متعهد به رعایت این قوانین است، و بر اساس ماده ۲۶ **اصول اساسی در توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون**: "مأمور اجرای قانون هنگامی که به وضوح از غیرقانونی بودن دستور توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم که موجب فوت و یا صدمه شدید جسمی فردی شده است آگاه بوده و امکانات منطقی در سرپیچی از دستور را در اختیار داشته است، نمی تواند برای تبرئه خود به اجرای دستورات مافوق استناد کند. در هر صورت مقام مافوق صادر کننده دستور غیر قانونی نیز باید مسئول شناخته شود."<sup>1</sup>

بنیاد عبدالرحمن برومند  
واشنگتن، ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹

<sup>1</sup> طرح ترجمه و ویراستار مجموعه اسناد حقوق بشر در مدیریت قضایی به اهتمام نیکی پارسا به انجام رسیده است. سیزده سند حقوق بشر در مدیریت قضایی برای اولین بار به فارسی ترجمه شده و در مجموع ۲۴ سند منتشر شده و در اختیار عموم قرار می گیرد.

## کلمات کلیدی در اسناد حقوق بشر سازمان ملل متحد

|   |                   |
|---|-------------------|
| کشورهای عضو: منظور از کشورهای عضو کشورهای عضو سازمان ملل متحد است.  | Member States     |
| در ترجمه این اصطلاح از کشورهای "معاهد" (در مورد معاهده ها) یا کشورهای "متعاقد" (در مورد مقاله نامه ها) که مترادف هستند استفاده شده است و منظور از آن کشورهایی اند که یک معاهده و یا مقاله نامه را پذیرفته اند.  | States Parties    |
| کلمه کنوانسیون که در مجموعه حاضر با کلمه معاهده ترجمه شده است به معنی توافقات بین المللی ای است که بر طبق آن کشورها به طور رسمی متعهد اجرای مفاد یک توافقنامه بین المللی در کشور خود شده و بدان اعتبار حقوق بین الملل می بخشند.   | Convention        |
| در چهارچوب اسناد حقوقی سازمان ملل متحد اعلامیه به معنی اعلام اصول اساسی به عنوان اصول جهانشمول در یک زمینه خاص حقوقی است و تفاوت آن با کنوانسیون در این است که از نظر حقوقی اجرای اعلامیه برای کشورهای امضاء کننده آن الزام آور نیست و روالی که کشورها باید پس از پذیرش یک معاهده از جمله اقدامات بالفعل در اجرای معاهده و ادخال مفاد آن در قوانین داخلی و ارسال گزارش به مرجع مربوطه به اجرا گذارند، در مورد اعلامیه وجود ندارد. با این حال اعلامیه های سازمان ملل متحد در سطح بین المللی نوعی اخلاق و حقوق عرفی بین المللی ایجاد می کنند و گاه چون اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه الزام آور به خود می گیرند و گاه با عقد معاهدات بین المللی دنبال می شوند. از جمله اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای بی رحمانه، غیر انسانی یا توهین آمیز که با معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز بسط یافته است. | Declaration       |
| مقاله نامه {پروتکل} اختیاری توافقنامه بین المللی الحاقی است که موضوعات یک معاهده را بسط داده و به شکلی متمم آن است. اصطلاح اختیاری از این جهت به کار رفته است که کشورهایی که معاهده را پذیرفته اند ملزم به پذیرش مقاله نامه الحاقی بدان نیستند، به عنوان مثال پذیرش مقاله نامه اختیاری ملحق به معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز که از جمله تشکیل کمیته منع شکنجه را پیشبینی کرده است برای کشورهای معاهد این معاهده الزامی نیست و کشورهایی که بدان نپیوسته اند منحصرأ در چهارچوب معاهده متعهد اند.   | Optional Protocol |
| امضاء یک سند حقوقی سازمان ملل متحد (معاهده مقاله نامه ...) توسط نماینده یک کشور عضو، اعلام قصد آن کشور مبنی بر پذیرش و تنفيذ رسمی سند مربوطه است.   | Signature         |
| تنفيذ تأیید نهایی یک سند حقوقی یا توافقات بین المللی است توسط مقام یا نهاد عالی یک کشور (رئیس جمهور، قوه قضائیه، نخست وزیر و غیره...).  | Ratification      |
| الحاق به یک سند حقوقی سازمان ملل متحد به معنی پذیرفتن آن سند توسط کشورهایی است که هنگام تصویب آن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دلیل عدم موافقت و یا عدم حضور در جلسه و یا به دلایل دیگر آن را امضاء نکرده اند. در واقع الحاق به معنی امضاء و تنفيذ به طور همزمان است.  | Accession         |

## مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان<sup>2</sup>

مجموعه قواعد حاضر در اولین کنفرانس سازمان ملل متحد ناظر بر پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین که در سال ۱۹۵۵ در ژنو برگزار شد به تصویب رسید و توسط شورای اقتصادی اجتماعی طی قطعنامه (XXIV) C ۲۲۳ ژوئیه ۱۹۵۷ و قطعنامه ۲۰۲۶ (LXII) مورخ ۱۳ می ۱۹۷۷ تأیید شد.

### ملاحظات مقدماتی

۱. هدف از تدوین قواعد حاضر ترسیم جزئیات الگوی یک نظام زندانبانی نبوده است بلکه مقصود از آن با الهام از مفاهیمی که امروزه به طور عام پذیرفته شده و نیز با الهام از مناسبترین عناصر اساسی نظام های عصر حاضر، استقرار معیارها و قواعدی است که اساس یک زندانبانی اصولی و رویه صحیح رفتار با زندانیان را بنا نهد.

۲. با توجه به وجود نظام های متفاوت قضایی و تنوع شرایط اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی در جهان، بدیهی است که کلیه قواعد حاضر را نمی توان در تمامی زمانها و مکانها اجرا کرد، معهدا باید تلاشی مستمر جهت تشویق اجرای این قواعد انجام گیرد و همواره به این نکته اندیشیده شود که این قواعد، در کل خود، شرایط حداقلی را عرضه می کنند که توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است.

۳. از سوی دیگر مجموعه قواعد حاضر به زمینه ای مربوط می شود که اندیشه در آن در تحول دائمی است. لیکن این قواعد مانع از انجام تجربیات و آزمایشات عملی که با اصول و اهداف این مجموعه منافاتی نداشته باشد، نیست. با چنین رویکردی سازمان مرکزی زندانها می تواند استثنائاتی را بر قاعده مجاز کند.

۴. (۱) اولین بخش از مجموعه قواعد به سازماندهی عمومی تشکیلات زندانها اختصاص دارد و کلیه گروه های زندانی اعم از جزائی یا مدنی، متهم یا محکوم را در بر می گیرد و شامل متهمانی که به دلایل احتیاطی یا تربیتی به دستور قاضی در حبس قرار دارند نیز می شود.  
(۲) قواعد بخش دوم منحصراً به گروه های خاص زندانیان که در هر زیر بخش مشخص شده اند اختصاص دارد. معهدا قواعد زیر بخش الف که مربوط به زندانیان محکوم به اعدام است در مورد زندانیان گروه ب، ج، و د نیز قابل اجرا است، به شرط آنکه با قواعد خاص آن گروه منافاتی نداشته و اجرای آن برای این دسته از زندانیان سودمند باشد.

۵. (۱) در قواعد حاضر سازماندهی مؤسسات نگهداری از نوجوانان بزهکار (چون نهادهای بورستال<sup>3</sup> BORSTAL یا مدارس بازپروری و غیره) مد نظر نبوده است، لیکن مجموعه قواعد بخش اول می تواند در مورد این مکانها نیز اجرا شود.  
(۲) گروه زندانیان جوان بایستی جوانانی را که به سن قانونی نرسیده اند و داخل در صلاحیت دادرسی ویژه نوجوانانند نیز دربر گیرد.

<sup>2</sup> بخشی از مواد سند حاضر از کتاب حقوق بشر و زندانها ترجمه سازمان اصلاحات جزایی بین المللی اقتباس شده است و جهت هماهنگی با سایر مواد این سند و نیز اسناد حقوقی دیگری که در این مجموعه آمده است اصلاحاتی در ترجمه و ویرایش آن انجام گرفته است.

<sup>3</sup> نوعی از مراکز تأدیبی برای جوانان که اولین بار در منطقه ای به این نام در انگلستان تأسیس شده است. {مترجم}

## بخش اول

### قواعد کلی

#### اصول اساسی

۶. (۱) قواعد زیر بایستی در کمال بی طرفی اجرا شود. هیچ نوع تبعیضی در رفتار با زندانیان به دلیل پیشداوری های مبتنی بر نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان مذهب عقاید سیاسی و یا عقاید در سایر زمینه ها، منشاء ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد، و یا به دلیل هر وضعیت دیگر، جایز نیست.

(۲) از جانب دیگر، رعایت اعتقادات مذهبی و تعلیمات اخلاقی خاستگاه اجتماعی زندانیان، بسیار حائز اهمیت است.

#### دفتر ثبت

۷. (۱) در کلیه مکان هایی که افراد محبوس نگهداری می شوند باید يك دفتر ثبت صحافی شده با شماره گذاری صفحات وجود داشته باشد و موارد زیر در مورد زندانیان در آن به ثبت برسد:

(الف) هویت زندانی؛

(ب) علت حبس و مرجع صلاحیت دار تصمیم گیرنده؛

(ج) تاریخ روز و ساعت ورود به زندان و خروج از آن.

(۲) پذیرش هر زندانی در مکان حبس منحصراً باید به دنبال حکم قضایی معتبر و پس از درج جزئیات آن در دفتر ثبت صورت گیرد.

۸. گروه های مختلف زندانیان باید در زندان های مجزا و یا بخش های مجزای يك زندان نگهداری شوند و این امر باید با توجه به جنسیت، سن، گذشته، علت حبس، و مقتضیات رفتار با آنها صورت گیرد که از جمله مستلزم انجام اقدامات زیر است:

(الف) حتی الامکان زندان زنان باید از زندان مردان جدا باشد. در زندان هایی که هم مردان و هم زنان را می پذیرند بخش جداگانه ای باید به زنان اختصاص داده شود؛

(ب) متهمان باید از محکومان جدا نگهداری شوند؛

(ج) افرادی که به دلیل عدم پرداخت دین و یا به دلایل دیگر مدنی زندانی می شوند باید از زندانیان به دلایل جرائم کیفری جدا نگهداری شوند؛

(د) جوانان زندانی باید از بزرگسالان جدا نگهداری شوند.

۹. (۱) اگر سلول یا اتاق های انفرادی برای استراحت شبانه استفاده می شود، هر زندانی باید از يك اتاق یا یک سلول برای خواب استفاده کند. چنانچه سازمان زندان ها به دلایل خاصی چون ازدحام موقتی، ملزم به عدول از قاعده شود باید از اسکان دو نفر در یک سلول یا اتاق انفرادی اجتناب شود.

(۲) در زندان هایی که از خوابگاه استفاده می شود باید انتخاب زندانی ها با دقت صورت گیرد و افراد ظرفیت سازگاری با شرایط خوابگاه همگانی را دارا باشند. خوابگاه باید در طول شب تحت مراقبت منظم قرار گیرد، نحوه مراقبت باید متناسب با نوع زندان باشد.

۱۰. در کلیه مکان های حبس خصوصاً مکان خواب باید اصول بهداشتی با توجه به شرایط اقلیمی رعایت شود. از جمله فضای کافی، مساحت حداقل، وجود نور، گرما، و تهویه هوا.

۱۱. در هر مکانی که برای زندگی یا کار زندانی اختصاص داده شده است، باید شرایط زیر رعایت شود:

الف) وجود پنجره‌هایی با وسعت کافی که امکان مطالعه و کار در نور طبیعی را برای زندانی مهیا کند و به طریقی تعبیه شده باشد که هوا بتواند در صورت عدم وجود دستگاه تهویه مصنوعی به داخل سلول جریان پیدا کند؛  
ب) وجود نور مصنوعی کافی برای اینکه زندانی بتواند بدون آنکه آسیبی بر قوه بینایی او وارد آید، به مطالعه و کار بپردازد.

۱۲. تأسیسات بهداشتی باید به صورتی پاکیزه و مناسب، جهت تأمین نیازهای طبیعی زندانی در مواقع لزوم، در دسترس باشد.

۱۳. دوش و حمام باید به تعدادی موجود باشد که هر زندانی بتواند در دمای متناسب آب با محیط، به دفعات لازم برای حفظ بهداشت عمومی با توجه به فصول سال و شرایط اقلیمی استحمام کند. تعداد دفعات استحمام، در آب و هوای معتدل، باید حداقل یک بار در هفته باشد.

۱۴. مکان‌هایی که اغلب مورد استفاده زندانی‌ها قرار می‌گیرد باید تمیز و منظم نگهداری شوند.

### بهداشت شخصی

۱۵. زندانیان باید ملزم به بهداشت شخصی شوند، بدین منظور باید آب و وسائل بهداشتی لازم برای حفظ سلامتی و نظافت در اختیارشان قرار گیرد.

۱۶. برای حفظ ظاهری منظم که متناسب با منزلت شخص زندانی باشد، باید امکاناتی برای اصلاح موی سر و ریش در اختیارشان گذاشته شود؛ مردان باید بتوانند منظماً ریش خود را اصلاح کنند.

### لباس و اسباب خواب

۱۷. (۱) زندانیایی که مجاز به پوشیدن لباس شخصی خود نیستند، باید پوشاکی که با آب و هوا و برای حفظ سلامتی مناسب باشد دریافت کنند. این لباس‌ها نباید تحقیرآمیز باشند.  
(۲) لباس‌ها باید پاکیزه و مرتب و در وضعیتی مناسب باشند. برای حفظ بهداشت، لباس‌های زیر باید به دفعات کافی عوض و شسته شوند.

(۳) در شرایط استثنائی که زندانی بنا بر دلایل مجاز از زندان خارج می‌شود، باید بتواند از لباس‌های خود استفاده کند و یا لباس‌هایی بر تن کند که جلب توجه نکند.

۱۸. هنگامی که زندانیان مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود هستند، باید از همان بدو ورود به مکان حبس از پاکیزگی و قابل استفاده بودن لباس‌های آنها اطمینان حاصل شود.

۱۹. هر زندانی باید طبق عرف محلی یا ملی، تخت‌خواب جداگانه و رختخواب کافی در اختیار داشته باشد. برای پاکیزه ماندن این وسائل باید در نگهداری از آن دقت به عمل آمده و منظماً تعویض شوند.

### تغذیه

۲۰. (۱) اداره زندان باید در ساعات معمول صرف غذا، خوراک زندانی را که باید از ارزش غذایی لازم برخوردار و برای حفظ سلامتی و نیروی وی مناسب باشد، به طرز شایسته تهیه و ارائه کند.

(۲) زندانی باید در لحظه نیاز، آب آشامیدنی در اختیار داشته باشد.

۲۱. (۱) همه زندانیانی که به انجام کاری در فضای باز نمی‌پردازند باید بتوانند حداقل يك ساعت در روز را، در صورتی که هوا مساعد باشد، به تمرینات ورزشی در هوای آزاد بپردازند.  
(۲) نوجوانان و زندانیانی که سن و شرایط جسمانی‌شان اجازه می‌دهد، باید در ساعاتی که به تمرینات ورزشی اختصاص یافته است، بتوانند از آموزش های ورزشی و تفریحی برخوردار شوند. بدین منظور، زمین و تجهیزات لازم باید به این امر اختصاص داده شود.

## خدمات پزشکی

۲۲. (۱) در هر زندانی باید حداقل يك پزشک صلاحیت‌دار و مطلع از روانپزشکی موجود باشد. خدمات پزشکی باید در ارتباط نزدیک با اداره کل بهداشت منطقه یا کشور سازماندهی شود و شامل خدمات روان درمانی برای تشخیص بیماری و در صورت لزوم معالجه موارد غیر عادی باشد.  
(۲) بیمارانی که به درمان تخصصی نیاز دارند، باید به يك نهاد تخصصی و یا بیمارستان شهری منتقل شوند. چنانچه زندانی در داخل زندان درمان می‌شود، زندان باید به وسائل و ابزار پزشکی و فرآورده‌های دارویی لازم، برای مراقبت‌های پزشکی و درمان مناسب زندانی، مجهز باشد. پرسنل پزشکی زندان باید دارای صلاحیت حرفه‌ای باشند.  
(۳) هر زندانی باید بتواند به خدمات دندان‌پزشک متخصص دسترسی داشته باشد.

۲۳. (۱) در زندان‌های زنان باید تسهیلاتی برای ضروریات مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان وجود داشته باشد. باید در صورت امکان، ترتیباتی داده شود تا کودک در بیمارستانی خارج از زندان متولد شود. اگر کودک در زندان متولد شد، محل تولد نباید در شناسنامه او درج شود.

(۲) هنگامی که به مادران اجازه داده می‌شود فرزندان شیرخوار خود را در زندان به همراه داشته باشند، باید تدابیری جهت تأسیس شیرخوارگاه با کارکنان صلاحیت‌دار، اتخاذ شود تا هنگامی که کودکان تحت مراقبت مادران خود نیستند، در این مکان نگهداری شوند.

۲۴. پزشک باید زندانی را بلافاصله پس از پذیرش و پس از آن به دفعاتی که لازم باشد، به ویژه به منظور کشف بیماری جسمی یا روحی، مورد معاینه قرار دهد و تدابیر لازم را اتخاذ کند؛ بیمارانی مشکوک به بیماریهای مسری یا عفونی را از سایر زندانیان جدا کند؛ به نواقص جسمی و روحی که مانع بازپروری زندانی است پی ببرد؛ توانایی جسمی زندانیان را برای اشتغال به کار مشخص کند.

۲۵. (۱) پزشک زندان مسئول مراقبت از سلامتی جسمی و روحی زندانی است. او باید هر روز از بیمارانی و افرادی که از بیماری شکایت دارند و نیز افرادی که خود مشکوک به ابتلا ی آن‌ها به بیماری است، عیادت کند.

(۲) هرگاه پزشک تشخیص دهد که وضعیت سلامتی جسمی یا روحی یک زندانی به دلیل تداوم و یا شکل خاصی از حبس لطمه دیده است و یا لطمه خواهد دید، موظف است گزارشی تهیه و به مدیر زندان ارسال کند.

۲۶. (۱) پزشک باید منظمأ از زندان بازدید به عمل آورد و در موارد زیر توصیه‌های لازم را به مدیر زندان ارائه دهد.

(الف) کمیت و کیفیت غذا و نحوه تهیه و توزیع آن؛

(ب) بهداشت و پاکیزگی زندان و زندانیان؛

(ج) تأسیسات بهداشتی، گرما، نور، تهویه هوای زندان؛

(د) مناسب و پاکیزه بودن پوشاک و رختخواب؛

(ه) مراقبت از قواعد مربوط به تربیت بدنی و ورزش، هنگامی که این مقررات توسط شخصی غیر حرفه‌ای سازماندهی شده باشد.



(۲) مدیر زندان باید گزارش و توصیه های پزشک را که طبق بند ۲ قاعده ۲۵ و قاعده ۲۶ پیش بینی شده است مورد توجه قرار دهد و در صورت توافق با نظرات پزشک فوراً اقدامات لازم را جهت اجرای توصیه ها به عمل آورد و در صورت عدم توافق و یا عدم اختیار در تصمیم گیری، بدون فوت وقت، گزارش پزشک و نظرات خود را به مقام مافوق خود گزارش کند.

## حفظ نظم و تنبیه

۲۷. در برقراری نظم و انضباط باید با قاطعیت برخورد شود و لیکن نباید محدودیتی بیش از آنچه برای امنیت زندان و انضباط زندگی جمعی ضروری است مقرر گردد.

۲۸. (۱) هیچ زندانی نباید به انجام کاری در زندان گمارده شود که متضمن اختیارات انضباطی است.

(۲) این قاعده نباید مانعی بر سر راه اجرای نظام های مبتنی بر خودگردانی در زندان شود. چنین نظام هایی مستلزم سپردن فعالیت و مسئولیت های اجتماعی، آموزشی، ورزشی به گروه های زندانی است، این امر در هر صورت باید تحت نظارت انجام گیرد.

۲۹. موارد زیر باید توسط قانون و یا آیین نامه هایی که توسط مرجع صلاحیت دار و اداری وضع شده است، پیش بینی شود:

- (الف) رفتاری که تخلف از انضباط محسوب می شود؛
- (ب) نوع و مدت تنبیهی، که می تواند اعمال شود؛
- (ج) مرجع صالح تعیین کننده تنبیهات؛

۳۰. (۱) زندانیان باید منحصراً طبق قوانین و آیین نامه های مذکور تنبیه شوند، هیچ زندانی ای نباید برای تخلف واحدی به طور مضاعف تنبیه شود.

(۲) هیچ زندانی ای را نباید بدون تفهیم تخلفی که به دلیل آن تنبیه می شود و یا بدون ارائه امکان مناسب برای دفاع از خود، تنبیه کرد. مرجع صلاحیت دار باید مورد را تحت بررسی کامل قرار دهد.

(۳) در صورت لزوم حتی الامکان زندانی باید بتواند از طریق یک مترجم از خود دفاع کند.

۳۱. اتخاذ موازینی مبنی بر مجازات های بدنی، حبس در سلول تاریک و تمامی مجازات های خشن، غیر انسانی، و اهانت آمیز به عنوان تنبیه باید کاملاً ممنوع شود.

۳۲. (۱) مجازات حبس در مکان بسته و یا کاهش جیره غذایی منحصراً پس از معاینه پزشک و تأیید کتبی او مبنی بر امکان توانایی زندانی در تحمل مجازات، امکان پذیر است.

(۲) این امر در مورد سایر مجازات هایی که موجب اضرار به سلامتی جسمی یا روانی زندانی می شود نیز جاری است. در هر صورت چنین تدابیری هرگز نباید با اصول مقرر در بند ۳۱ مغایرت داشته باشد و یا از آن منحرف شود.

(۳) زندانیانی که تحت چنین تنبیهاتی قرار دارند باید هر روزه توسط پزشک مورد معاینه قرار گیرند و چنانچه پزشک تغییر و یا توقف تنبیه را به دلیل سلامتی جسمی و یا روانی زندانی لازم بداند، موظف است توصیه های لازم را در اختیار مدیر زندان قرار دهد.

## ابزار و آلات مهار کننده

۳۳. از ابزارهایی که برای مهار کردن زندانی به کار می رود چون دستبند، غل و زنجیر، و پیراهن مخصوصی که دست زندانی را در زیر لباس محبوس می‌گرداند نمی توان به عنوان تنبیه استفاده کرد. برای مهار کردن زندانی نیز نباید از غل و زنجیر استفاده شود. از سایر ابزارهای مهارکننده بدنی منحصرأ می توان در موارد زیر استفاده کرد:

الف) برای ممانعت از فرار زندانی هنگام انتقال او، به شرط آنکه قبل از حضور زندانی نزد مقام قضایی یا اداری آلات محدود کننده از بدن او برداشته شود؛

ب) بنابر دلایل پزشکی و طبق دستور پزشک؛

ج) به دستور مدیر زندان، هنگامی که روش‌های دیگر برای کنترل زندانی در جلوگیری از ایراد صدمه توسط وی به خود یا دیگری و یا تخریب، کارایی نداشته باشند. در چنین وضعیتی مدیر زندان باید فوراً با پزشک مشورت کند و گزارش کار را به اطلاع مقام مافوق خود برساند.

۳۴. طرح و شیوه استفاده از ابزار و آلات مهار کننده باید طبق دستور اداره مرکزی زندان تعیین شود. استفاده از این ابزار نباید هنگامی که دیگر ضرورت مبرم ندارد، ادامه پیدا کند.

## آگاه ساختن زندانی و حق طرح شکایت

۳۵. (۱) هر زندانی، باید هنگام پذیرش در زندان کتباً اطلاعات مربوط به نحوه نگهداری گروه زندانیانی که بدان تعلق دارد، مقررات انضباطی زندان، روش‌های مجاز دسترسی به اطلاعات و تنظیم شکایات و سایر مواردی که برای آگاهی از حقوق زندانی، تکالیف و سازگاری با محیط زندان لازم است، دریافت کند.

(۲) برای زندانیانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانند این اطلاعات باید شفاهاً توضیح داده شود.

۳۶. (۱) زندانیان باید بتوانند هر روزه به استثنای روزهای تعطیل عریضه و یا شکایات خود را به مدیر زندان یا کارمندی که نماینده مجاز او محسوب می‌شود، تسلیم کنند.

(۲) تقاضا و یا شکایات را می توان به بازرس زندان هنگام بازرسی از زندان، تسلیم کرد. زندانی می‌تواند بدون حضور مدیر و کارکنان دیگر زندان، با بازرس زندان و یا هر فرد دیگری که مأمور انجام بازرسی در زندان است، گفتگو کند.

(۳) زندانیان باید مجاز باشند عریضه یا شکایت خود را بدون سانسور محتوی و به شکلی صحیح، در چهارچوب مقرر در قانون، به اداره مرکزی زندان، مرجع قضایی، و یا مراجع صلاحیت‌دار دیگر، تسلیم کنند.

(۴) تقاضا و شکایت در مواردی که بی‌پایه و اساس نباشد، باید بدون تأخیر مورد بررسی قرار گرفته و در مدت زمانی معقول به زندانی پاسخ داده شود.

## تماس با محیط خارج از زندان

۳۷. زندانیان باید تحت مراقبت‌های ضروری بتوانند با خانواده و دوستان صالح خود به طور منظم ارتباط مراسله ای و یا ملاقات حضوری داشته باشند.

۳۸. (۱) زندانیان تبعه کشورهای بیگانه باید از تسهیلات کافی جهت تماس با نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی خود برخوردار شوند.

(۲) زندانیان تبعه کشورهای که فاقد سفارتخانه یا کنسولگری در کشور محل حبس هستند و نیز پناهندگان و افراد بدون ملیت، باید از امکانات مشابهی برای تماس با نماینده سفارت کشوری که حافظ منافع آنهاست و یا مرجع ملی و بین‌المللی دیگری که مسئول حمایت از این دسته از زندانیان است، برخوردار باشند.

۳۹. زندانیان باید منظم‌اً در جریان اخبار مهم قرار گیرند. این امر می‌تواند با مجوز و نظارت زندان، از طریق خواندن روزنامه، گاهنامه و یا نشریات ویژه زندان و یا از طریق برنامه‌های رادیویی، سخنرانی‌ها و یا هر وسیله مشابه دیگر، صورت گیرد.

## کتابخانه

۴۰. هر زندان باید مجهز به یک کتابخانه و مجموعه کافی از کتب سرگرم‌کننده و آموزشی جهت استفاده زندانیان باشد. زندانیان را باید به استفاده از کتابخانه تشویق کرد.

## مذهب

۴۱. (۱) چنانچه در زندان تعداد قابل توجهی از زندانیان مذهب مشترکی را دارا باشند، اداره زندان باید یک نماینده مذهبی صالح این مذهب را به کار در زندان منصوب و یا ورود او به زندان را تأیید کند. در صورتی که شمار زندانیان با مذهب مشترک نیاز به حضور تمام وقت نماینده مذهبی داشته باشد، با توجه به امکانات، شخص مذکور را بایستی به طور تمام وقت استخدام کرد.

(۲) نماینده صلاحیت‌دار منصوب یا مورد تأیید مذکور در بند (۱) باید مجاز به ارائه خدمات مذهبی خود به طور منظم باشد و در هر زمان بتواند برای انجام وظایف دینی با فرد زندانی دیدار کند.

(۳) زندانی حق برقراری ارتباط با نماینده صالح هر مذهبی را دارا است. این حق را نمی‌توان از زندانی سلب کرد. لیکن از سوی دیگر چنانچه یک زندانی نخواهد با نماینده یک مذهب ملاقات کند باید به خواست او احترام گذاشته شود.

۴۲. هر زندانی باید در حد امکانات بتواند نیازهای مذهبی خود را با شرکت در مراسم مذهبی که در زندان برگزار می‌شود و با در اختیار داشتن کتب آیین و احکام مذهبی خود، برطرف کند.

## نگهداری اشیاء متعلق به زندانی

۴۳. (۱) هنگامی که مقررات زندان اجازه نگهداری وجوه نقدی، اشیاء قیمتی، پوشاک و سایر اشیاء را به زندانی نمی‌دهد، این اشیاء باید در بدو ورود زندانی در مکان امنی به امانت گذاشته شود. فهرستی از این اشیاء باید تهیه شده و به امضای زندانی برسد. موازینی نیز جهت حفظ این اشیاء باید اتخاذ شود.

(۲) این اشیاء و وجوه نقد زندانی باید هنگام آزادی به وی مسترد شود به استثنای وجوه نقدی که او مجاز به مصرف آن بوده و اشیائی که توانسته به خارج از زندان بفرستد و پوشاکی که به دلایل بهداشتی در زندان امحاء شده است. استرداد وجوه نقد و اشیاء باید به امضای زندانی برسد.

(۳) این مقررات در مورد وجوه نقد و اشیائی که از خارج از زندان برای زندانی فرستاده می‌شود نیز جاری است.

(۴) چنانچه زندانی در بدو ورود، دارو و مواد مخدر به همراه داشته باشد، پزشک در مورد چگونگی استفاده از این مواد تصمیم خواهد گرفت.

۴۴. (۱) در صورت وقوع فوت، بیماری خطرناک، تصادف شدید و یا انتقال زندانی به بیمارستان روانی مدیر زندان باید در اسرع وقت همسر او (در صورت تأهل زندانی) و نیز نزدیکان وی و افرادی که زندانی مشخص کرده است را مطلع گرداند.

(۲) زندانی باید در اسرع وقت از فوت و یا بیماری خطرناک نزدیکانش مطلع شود. در صورت بیماری خطرناک چنین افرادی، چنانچه شرایط مجاز گردانند، زندانی بایستی بتواند، تحت الحفظ و یا آزادانه، از این فرد عیادت کند.

(۳) زندانی حق دارد در اسرع وقت، خانواده اش را از دستگیری و یا انتقال خود از زندانی به زندان دیگر مطلع سازد.

### نقل و انتقال زندانی

۴۵. (۱) حتی الامکان باید زندانی را هنگام نقل و انتقال از مکان حبس از دید و فحاشی و کنجکاوای عموم و هر نوع تبلیغاتی حفظ کرد.

(۲) نقل و انتقال زندانی در شرایط نامساعد تهویه هوا یا نور و یا هر شرایطی که رنجی جسمانی را بر او تحمیل کند باید ممنوع شود.

(۳) مخارج نقل و انتقال زندانی باید بر عهده سازمان زندان ها قرار گیرد و در شرایط مساوی برای کلیه زندانیان اجرا شود.

### کارکنان زندان

۴۶. (۱) سازمان زندان ها باید در گزینش کارمندان تمامی رده‌های شغلی در زندان، دقت کامل به عمل آورد. زیرا اداره صحیح زندان به درستکاری، انسانیت، توانایی‌های حرفه‌ای، و قابلیت‌های فردی کارکنان آن بستگی دارد.

(۲) اداره زندان باید همواره این اعتقاد را در اذهان کارکنان زندان و افکار عمومی احیا کند که وظایف کارکنان زندان ارائه خدمات اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. بدین منظور، تمامی ابزارهای مناسب باید برای آگاه ساختن مردم در این زمینه به کار گرفته شود.

(۳) برای نیل به اهداف مذکور، کارکنان زندان باید به طور تمام وقت و به عنوان کارمند تخصصی زندان، استخدام شوند و موقعیت کارمند دولت را دارا شوند و نتیجتاً از امنیت شغلی‌ای که برای استخدام رسمی در نظر گرفته می‌شود و به امری جز رفتار درست و کارایی و استعدادهای جسمی بستگی ندارد، برخوردار شوند. میزان دستمزد باید به مقداری باشد که موجب جلب زنان و مردان لایق و تداوم استفاده از خدمات آنها شود. مزایا و شرایط کار باید با توجه به ماهیت دشوار کار تعیین شود.

۴۷. (۱) کارکنان زندان باید از سطح تعلیم و تربیت و هوش کافی برخوردار باشند.

(۲) به کارکنان زندان باید قبل از آغاز کار، آموزش‌های حرفه‌ای عمومی و تخصصی داده شود و باید در امتحانات نظری و عملی موفق شوند.

(۳) کارکنان زندان باید پس از آغاز کار و در طول سال‌های خدمت از طریق شرکت در کلاس‌های تکمیلی و تجدید دانش که به طور ادواری برگزار می‌شود، به حفظ و بهبود دانش و قابلیت‌های حرفه‌ای خود بپردازند.

۴۸. رفتار و کردار کارکنان زندان در انجام وظایف خود باید در هر موقعیتی به گونه‌ای باشد که به عنوان سرمشق تأثیر مثبتی بر زندانیان بگذارد، و احترام آنان را نسبت به خود بر انگیزند.
۴۹. (۱) در میان کارکنان زندان باید، حتی الامکان، به تعداد کافی متخصص از جمله روانپزشک، روانشناس، مددکار اجتماعی، آموزگار، و مربی فنی وجود داشته باشد.
- (۲) مددکاران اجتماعی، آموزگاران، و مربیان فنی باید به طور دائمی استخدام شوند. ولیکن این امر مانع از وجود کارمندان نیمه وقت و یا استفاده از خدمات داوطلبان نیست.
۵۰. (۱) مدیر زندان باید واجد صلاحیت شخصی و توانایی مدیریتی بوده و از آموزش‌های لازم و تجربه کافی برای انجام وظایف خود برخوردار باشد.
- (۲) مدیر زندان باید به طور تمام وقت به وظایف رسمی خود عمل کند. استخدام مدیر نباید به طور نیمه وقت انجام گیرد و یا این شغل، شغل ثانوی او باشد.
- (۳) مدیر زندان باید در محوطه زندان و یا در مجاورت آن اقامت داشته باشد.
- (۴) هنگامی که دو یا چند زندان تحت مدیریت مدیر واحدی قرار گرفته است، او باید به طور منظم از زندان‌ها بازدید به عمل آورد، در رأس هر زندان باید يك مسئول وجود داشته باشد.
۵۱. (۱) مدیر و معاونت زندان و نیز اغلب کارکنان زندان باید به زبان اکثر زندانیان و یا به زبانی که توسط اکثریت درک می‌شود، تکلم کنند.
- (۲) در موارد لزوم باید بتوان از خدمات یک مترجم استفاده کرد.
۵۲. (۱) در زندان‌هایی که به دلیل وسعت‌شان، به خدمات يك یا چند پزشک تمام وقت نیاز است، حداقل یکی از آنها باید در محوطه زندان و یا مجاورت آن زندگی کند.
- (۲) در زندان‌های دیگر پزشک باید هر روز از بیماران بازدید به عمل آورد و مسافت محل سکونت او تا زندان باید در حدی باشد که در موارد اضطراری بتواند بدون فوت وقت در محل حاضر شود.
۵۳. (۱) در زندان‌های مختلط بخش زنان باید تحت مدیریت مسئول زن قرار گیرد و کلیه کلیدهای این بخش به او سپرده شود.
- (۲) هیچ يك از کارکنان مرد زندان بدون همراهی یک کارمند زن نمی‌تواند وارد بخش ویژه زنان شود.
- (۳) زنان زندانی منحصراً باید تحت مراقبت کارمندان زن قرار گیرند، اما این امر مانع از انجام وظیفه برخی از کارکنان مرد زندان چون پزشکان، آموزگاران در زندان زنان و یا بخش مخصوص زنان نمی‌شود.
۵۴. (۱) کارکنان زندان نباید در روابط خود با زندانیان به قهر متوسل شوند، مگر در موارد دفاع مشروع، ممانعت از فرار زندانی، و یا مقاومت قهر آمیز یا کاهلی در قبال اجرای نظم بر طبق قانون و مقررات. کارکنانی که به قهر متوسل می‌شوند، نباید به استفاده از آن بیش از حد ضروری مبادرت ورزند و باید گزارش کار را فوراً به اطلاع مدیر زندان برسانند.
- (۲) به کارکنان زندان باید تمرین‌های لازم جهت ورزیدگی جسمانی برای مهار زندانیان مهاجم داده شود.

(۳) مأمورانی که در تماس مستقیم با زندانیان اند نباید به هیچ وجه مسلح باشند مگر در شرایط خاص. از سوی دیگر به هیچ وجه نباید اسلحه در اختیار مأمورانی قرار داد که در مورد استفاده از آن آموزش ندیده اند.

## بازرسی از زندان

۵۵. بازرسان صلاحیت‌دار و با تجربه، که از سوی مرجعی صالح منصوب می‌شوند باید به طور منظم از مکان‌های حبس و بخش‌های آن بازرسی به عمل آورند. آنها به ویژه باید مراقب باشند مکان‌های حبس مطابق قانون و مقررات جاری اداره شود و در رسیدن به اهدافی که برای مراکز کیفری و تأدیبی در نظر گرفته شده است، تلاش کنند.

## بخش دوم

### قواعد ناظر بر گروه‌های خاص

#### الف: محکومان

##### اصول راهنما

۵۶. هدف از رهنمودهای اساسی که شرح آن خواهد آمد مشخص ساختن روح حاکم بر مدیریت نظام جزایی و تعیین اهدافی است که این نظام باید در تطابق کامل با مفاد مذکور در بند ۱ ملاحظات مقدماتی متن حاضر، دنبال کند.

۵۷. حبس و تدابیری که برای جدا ساختن یک مجرم از جامعه صورت می‌گیرد فی نفسه، به دلیل اینکه خودمختاری مجرم با محروم شدن از آزادی سلب می‌شود، عذاب آور است. نظام کیفری به استثنای مواردی که موازین جداسازی و حفظ نظم ایجاب می‌کنند، نباید این رنج را تشدید نماید.

۵۸. هدف غایی مجازات و سلب آزادی، حمایت از جامعه در مقابل جرم است. چنانچه از دوران سلب آزادی، در حد امکان، جهت ایجاد میل و قادر ساختن مجرم به احترام به قانون و توانایی او در تأمین احتیاجاتش پس از آزادی استفاده نشود، نیل به چنین هدفی امکان‌پذیر نخواهد بود.

۵۹. برای نیل به هدف مذکور نظام کیفری باید از تمامی ابزارهای درمانی، تربیتی، معنوی و ابزارهای دیگر و نیز کلیه روش‌های معاضدتی که در اختیار دارد استفاده کرده و آن‌ها را با توجه به نیازهای هر مجرم به طور جداگانه به کار گیرد.

۶۰. (۱) نظام زندان بایستی کوشش کند تفاوت‌های میان زندگی در داخل زندان و زندگی در خارج از آن را که موجب کاهش مسئولیت‌پذیری مجرم و یا کاهش احترام به شخصیت اوست تقلیل دهد.

(۲) پیش از آزاد ساختن زندانی و یا پیش از پایان تدابیر تعیین شده، باید جهت بازگشت تدریجی مجرم به جامعه موازینی اتخاذ شود. این هدف، حسب مورد، از طریق ایجاد نظام آماده‌سازی مجرم برای آزادی قابل حصول است. این نظام می‌تواند در همان محل حبس مجرم و یا در مکان‌های مناسب دیگر اجرا شود و یا از طریق آزادی آزمایشی تحت نظارت مأموران غیر انتظامی و همراه با کمک‌های اجتماعی صورت گیرد.

۶۱. برخورد با زندانیان نباید موجب تشدید انفعال آن‌ها از جامعه باشد، بلکه بایستی به آن‌ها همواره چون عضوی از اعضای جامعه نگریست. برای نیل به این هدف باید از نیروی سازمان‌های اجتماعی برای همکاری با کارکنان زندان جهت بازپروری زندانی استفاده شود. مددکاران اجتماعی که با زندان‌ها همکاری می‌کنند باید کوشش کنند روابط زندانی را با نزدیکانش و با سازمان‌های اجتماعی سودمند به حال او، حفظ و تقویت کنند.

همچنین در تطابق با قانون و مجازات مورد حکم، موازینی باید اتخاذ گردد که حقوق مدنی و بیمه های درمانی و یا سایر کمک های اجتماعی که شامل حال مجرم می شود تداوم یابد.

۶۲. مراکز درمانی زندان باید کوشش کنند مشکلات و بیماری های جسمی یا روحی زندانی را که امکان دارد مانع از توان بخشی و بازپروری او شود تشخیص داده و معالجه کنند. برای نیل به این هدف تمامی معالجات پزشکی، روانپزشکی، عمل جراحی که لازم به نظر می رسد، باید انجام گیرد.

۶۳. (۱) اجرای این اصول به فردی کردن برخورد با مجرم و در نتیجه وجود نظام قابل انعطاف برای دسته بندی زندانیان در گروه های مختلف نیاز دارد. بهتر است هر گروه خاص زندانیان در مکان حبس جداگانه ای نگهداری شوند تا بتوانند از برنامه مورد نیاز خود برخوردار شوند.

(۲) موازین امنیتی در مکان های حبس نباید برای همه گروه های زندانی یکسان باشد. بایستی بر حسب خصوصیات هر گروه درجه خاصی از موازین امنیتی در نظر گرفته شود. در مؤسسات باز نگهداری مجرمان به دلیل اینکه از تدابیر امنیتی مادی جهت ممانعت از فرار مجرمین استفاده نمی شود و نظم این مراکز بر انضباط شخصی هر مجرم استوار است، بهترین مکان برای توان بخشی اجتماعی محکومانی است که ظرفیتشان برای حضور در این مکان ها به دقت بررسی شده است.

(۳) روند فردی کردن رفتار با زندانی نبایستی به دلیل ازدحام جمعیت در زندان مختل شود. طبق مقررات کشورهای خاصی تعداد زندانیان در یک زندان نباید از پانصد تن تجاوز کند. در مکان های باز تعداد مجرمین باید حتی الامکان اندک باشد.

(۴) از سوی دیگر زندان های بسیار کوچک که فاقد ظرفیت اجرای نظام مناسب تدابیر تربیتی با زندانی اند باید برچیده شوند.

۶۴. وظایف جامعه با آزاد شدن مجرم پایان نمی پذیرد. نتیجتاً باید سازمان های دولتی یا خصوصی به کار گرفته شوند که بتوانند مراقبت های پس از خروج را برای زندانی با کاهش قضاوت های منفی جامعه نسبت به زندانی و کمک به او در بازیابی جایگاه خود در اجتماع تأمین کنند.

## رفتار با زندانی

۶۵. رفتار با محکومان به زندان و یا محکومان به هر تدبیر مشابه دیگر، باید تا آنجا که مدت محکومیت امکان می دهد با هدف تقویت اراده در زندانی برای پیشبرد یک زندگی توأم با احترام به قانون و قادر ساختن او در تأمین مایحتاج زندگی پس از آزادی، صورت گیرد. ماهیت این رفتار باید به گونه ای باشد که عزت نفس و حس مسئولیت را در او تقویت کند.

۶۶. (۱) بدین منظور باید از شیوه های مختلف از جمله مراقبت های مذهبی در کشورهایی که امکان آن موجود است، تعلیم و تربیت، جهت دهی قابلیت ها و آموزش حرفه، مددکاری اجتماعی فردی، مشاوره برای اشتغال، تربیت بدنی و تقویت شخصیت اخلاقی با توجه به احتیاجات فردی هر زندانی، استفاده شود. در اجرای این امور باید گذشته اجتماعی، سابقه جنائی، توانائی ها و قابلیت های بدنی و روانی، خلقیات شخصی، مدت محکومیت و چشم انداز پس از آزادی مجرم در نظر گرفته شود.

(۲) پس از پذیرش هر فردی که به مدت نسبتاً طولانی به زندان محکوم شده است، مدیر زندان باید در اسرع وقت گزارش های کاملی مربوط به موضوعات مختلف مذکور در بند ۱ ماده حاضر دریافت کند. از جمله گزارش متخصص امور پزشکی یا در صورت امکان روان پزشک در مورد وضعیت جسمی و روانی زندانی.

(۳) گزارش ها و سایر داده های مربوطه باید در یک پرونده شخصی جمع آوری شود. در این پرونده باید تحولات جدید ثبت گردد و به صورتی طبقه بندی شود که در مواقع لزوم برای افراد مسئول قابل ارجاع باشد.

### طبقه بندی و تفرد {individualisation}

۶۷. طبقه بندی زندانیان باید اهداف زیر را دنبال کند:

الف. مجزا کردن زندانیانی که به دلیل سابقه جنایی و یا به دلیل انحراف شخصیتی اثرات منفی بر هم بندیان خود می گذارند؛  
ب. طبقه بندی به دلیل برنامه های توان بخشی اجتماعی.

۶۸. به منظور اجرای برنامه های ویژه هر گروه زندانی، باید حتی الامکان مکان های حبس مختلف موجود باشد و یا یک مکان حبس به بخشهای مختلف تقسیم شود.

۶۹. در اسرع وقت پس از پذیرش هر فردی که به مدت نسبتاً طولانی به زندان محکوم شده است باید پس از انجام مطالعات در مورد شخصیت وی و با توجه به اطلاعاتی که در مورد نیازها، قابلیت ها و وضعیت روحی او در دست است برنامه ای جهت تدابیر تربیتی ویژه او تدوین شود.

### امتیازات

۷۰. در هر زندانی باید یک نظام امتیازاتی متناسب با گروه های زندانی و روش های تربیتی، جهت تشویق زندانی به حسن رفتار و تقویت حس مسئولیت در او و ایجاد علاقه در او به همکاری در توان بخشی اجتماعی خود، برقرار شود.

### کار

۷۱. (۱) کار در زندان نباید عذاب آور باشد.

(۲) محکومان به زندان، با توجه به توانائی جسمی و روانی اشان که باید توسط پزشک بررسی شود، موظف به انجام کارند.

(۳) برای زندانیان باید کارهایی فراهم شود که ثمربخش بوده و آنها را به انجام فعالانه کار در طول یک روز عادی کاری مشغول کند.

(۴) این کار باید حتی الامکان دارای ماهیتی باشد که به حفظ و افزایش توانایی زندانیان در امرار معاش شرافتمندانه پس از رهایی از زندان کمک کند.

(۵) آموزش حرفه های مفید باید در دسترس زندانیانی که قادر به استفاده از آن هستند، خصوصاً زندانیان جوان، قرار داده شود.

(۶) زندانیان باید بتوانند در چهارچوب روند گزینش منطقی نوع کار و مقتضیات مدیریت و انضباط زندان، نوع کاری را که باید بدان اشتغال ورزند خود انتخاب کنند.

۷۲. (۱) سازماندهی و شیوه های کار در زندان باید حتی الامکان به سازماندهی و شیوه های کار در خارج از زندان نزدیک باشد تا زندانیان برای کار در شرایط عادی آماده شوند.

(۲) معذالک منافع و آموزش حرفه ای زندانیان نباید تابع هدف سودآوری کار در زندان باشد.



۷۳. (۱) اداره صنایع و مزارع زندان‌ها بهتر است توسط سازمان زندان‌ها انجام گیرد تا توسط پیمان‌کاران خصوصی.

(۲) هنگامی که زندانیان به انجام کارهایی می‌پردازند که تحت نظارت سازمان زندان‌ها قرار ندارد، باید همچنان تحت مراقبت کارکنان زندان باشند، به استثنای مواردی که کار در بخش‌های دیگر دولتی صورت می‌گیرد. کارفرمایان باید دستمزد معمول برای این کار را با توجه به میزان بازدهی زندانی به اداره زندان بپردازند.

۷۴. (۱) تدابیری که برای حفاظت از ایمنی و سلامتی کارگران آزاد پیشبینی شده است باید عیناً برای زندانیان رعایت شود.

(۲) برای جبران خسارت وارده به زندانیان در اثر سوانح و بیماری‌های ناشی از کار، باید موازینی اتخاذ شود، شرایط جبران خسارت باید مطابق با موازینی باشد که برای کارگران آزاد در نظر گرفته شده است.

۷۵. (۱) حداکثر ساعات کار زندانیان در روز و در هفته باید توسط قانون یا آیین‌نامه‌های اداری با توجه به قواعد و عرف محلی ناظر بر کار آزاد، تعیین شود.

(۲) تعیین این ساعات باید با احتساب یک روز استراحت در هفته و وقت کافی برای آموزش و سایر فعالیت‌هایی که در برنامه توان بخشی و بازپروری زندانیان پیش‌بینی شده است، انجام گیرد.

۷۶. (۱) به زندانیانی که به کار اشتغال دارند باید دستمزد عادلانه پرداخت شود.

(۲) زندانیان باید مجاز باشند حداقل بخشی از درآمد خود را صرف خرید اشیاء مجاز برای استفاده شخصی کنند و بخشی از آن را برای خانواده خود بفرستند.

(۳) در مقررات باید همچنین پیش‌بینی شود که بخشی از درآمد زندانی توسط اداره زندان پس‌انداز شود تا منبع مالی‌ای برای زندانی تشکیل دهد که هنگام آزادی از زندان به او مسترد شود.

### **تعلیم و تربیت و سرگرمی**

۷۷. (۱) به منظور گسترش تعلیم و تربیت زندانیانی که قابلیت و ظرفیت پذیرش آن را دارند باید امکاناتی مهیا شود، از جمله آموزش مذهبی در کشورهای که امکان آن موجود است. سواد آموزی و تحصیل باید برای جوانان اجباری شود. اداره زندان باید این امر را جدأ مورد مراقبت قرار دهد.

(۲) حتی‌الامکان تعلیم و تربیت زندانیان باید با نظام آموزشی کشور هماهنگ باشد تا آنها بتوانند تحصیلات خود را پس از خروج از زندان، بدون برخورد به موانع خاص، ادامه دهند.

۷۸. به منظور مراقبت از بهداشت جسمی و روانی زندانیان باید در کلیه زندان‌ها فعالیت‌های سرگرم‌کننده و فرهنگی برنامه‌ریزی شود.

### **روابط اجتماعی، مراقبت پس از خروج**

۷۹. حفظ و بهبود روابط میان زندانی و خانواده‌اش باید با در نظر گرفتن منافع دو طرف، مورد توجه خاص قرار گیرد.

۸۰. از همان آغاز محکومیت باید به آینده زندانی پس از خروج از زندان توجه شود. زندانی باید به حفظ یا برقراری رابطه با افراد و سازمان‌های خارج از زندان تشویق شود. این امر می‌تواند به تأمین منافع خانواده زندانی و روند توان‌بخشی اجتماعی او کمک کند.

۸۱. (۱) مراکز و سازمان‌های رسمی و غیر رسمی که عهده‌دار کمک به زندانیان در باز یافتن جایگاه اجتماعی‌شان هستند، باید حتی الامکان اسناد و اوراق هویتی لازم، مسکن، کار، پوشاک مناسب و متناسب با شرایط اقلیمی، و هزینه لازم برای رسیدن به مقصد و مخارج معاش چند روز پس از خروج از زندان شخص را تأمین کنند.

(۲) نمایندگان معتبر چنین سازمان‌هایی باید مجاز به ورود به زندان و ایجاد ارتباط با زندانی باشند. این افراد باید از همان آغاز محکومیت زندانی در مورد برنامه بازپروری او مورد مشورت قرار گیرند.

(۳) فعالیت‌های این سازمان‌ها بهتر است حتی الامکان به طور متمرکز یا هماهنگ صورت گیرد تا نتایج بیشتری از تلاش‌های آنها حاصل شود.

### **ب. بیماران روانی و زندانیانی که مبتلا به اختلالات روانی اند**

۸۲. (۱) بیماران روانی را نباید زندانی کرد بلکه باید آن‌ها را در اسرع وقت به بیمارستان روانی منتقل نمود.

(۲) زندانیانی که از مشکلات و اختلالات روانی رنج می‌برند، باید در نهادهای تخصصی با مدیریت پزشکی، تحت درمان مناسب قرار گیرند.

(۳) این افراد در مدت اقامت در زندان، باید تحت مراقبت ویژه پزشکی قرار گیرند.

(۴) مراکز خدمات پزشکی یا روان‌پزشکی زندان‌ها باید خدمات درمانی روان‌پزشکی را برای زندانیانی که بدان نیاز دارند، تضمین کنند.

۸۳. کمال مطلوب انجام توافقاتی با سازمان‌های ذیصلاح است که متضمن ادامهٔ معالجات روان‌پزشکی و کمک‌های اجتماعی بر مبنای روان‌درمانی برای زندان‌ای که بدان نیاز دارد باشد.

### **ج. افراد تحت توقیف و بازداشت احتیاطی**

۸۴. (۱) در چهارچوب قواعد زیر از افرادی که به اتهام ارتکاب جرمی در بازداشتگاه پلیس و یا در بازداشتگاه زندان بسر می‌برند و هنوز توسط دادگاه محاکمه نشده‌اند تحت عنوان «متهم» نام برده می‌شود.

(۲) متهم از حق برائت برخوردار است، نتیجتاً باید با او به عنوان یک بیگناه رفتار شود.

(۳) با رعایت موازین قانونی ناظر بر حفاظت از آزادی‌های فردی و روال رسیدگی به امور متهمان، این دسته از افراد باید از نظام ویژه‌ای که منحصرأ نکات اساسی آن در قواعد زیر بیان شده است برخوردار شوند.

۸۵. (۱) متهمان باید از محکومین مجزا شوند.

(۲) متهمان جوان باید از بزرگسالان مجزا شوند. به ویژه آن‌ها باید در مکان‌های حبس جداگانه نگهداری شوند.

۸۶. متهمان باید شب‌ها در اتاق‌های جداگانه نگهداری شوند، مگر اینکه عرف محل به دلایل اقلیمی وضعیت دیگری را اقتضاء کند.

۸۷. در محدوده حفظ انضباط در زندان، متهمان می‌توانند در صورت تمایل خوراک خود را به خرج خود به وسیله اداره زندان، خانواده، یا دوستانشان از بیرون از زندان تهیه کنند. در غیر این صورت زندان موظف به تأمین خوراک آنهاست.

۸۸. (۱) بازداشتی‌ها باید مجاز به استفاده از پوشاک شخصی خود باشند، به شرطی که این پوشاک تمیز و مناسب باشد.

(۲) در صورتی که متهمان مجبور به پوشیدن لباس مخصوص زندان باشند، این لباس باید با لباس محکومان متفاوت باشد.

۸۹. به متهمان باید امکان کار کردن داده شود ولیکن نباید مجبور به انجام آن شوند. متهم باید در مقابل انجام کار دستمزد دریافت کند.

۹۰. متهمان باید بتوانند به هزینه خود یا به هزینه شخص ثالث کتاب، روزنامه، و نوشت افزار یا دیگر وسائل سرگرمی تهیه کنند، این امر باید در محدوده مصالح اجرای عدالت، امنیت، و نظم زندان صورت گیرد.

۹۱. يك متهم باید مجاز به ملاقات با پزشك و دندانپزشك معالج خود و مداوا توسط آن‌ها باشد، این امر در صورتی امکان پذیر است که دلایل منطقی برای ملاقات وجود داشته باشد و متهم خود مخارج آن را پرداخت کند.

۹۲. متهم باید بتواند در اسرع وقت خانواده خود را از بازداشت مطلع سازد و از تمامی تسهیلات عادی برای برقراری ارتباط با خانواده و دوستان و ملاقات با آنها برخوردار شود، مگر اینکه اجرای عدالت کیفری و امنیت و برقراری نظم صحیح در زندان محدودیت و نظارت بیشتری را ایجاب کنند.

۹۳. متهم در دفاع از خود می‌تواند، در جایی که این امکان پیش‌بینی شده است، تقاضای وکیل تسخیری کند و حق دارد برای تهیه و تنظیم دفاعیه با وکیل خود ملاقات کند. او باید بتواند اطلاعاتی را تهیه و به طور محرمانه در اختیار وکیل خود قرار دهد، بدین منظور، در صورت تقاضای متهم، نوشت افزار لازم باید در اختیار او قرار گیرد. ملاقات زندانی با وکیل خود می‌تواند تحت مراقبت مأمور پلیس یا زندان صورت گیرد ولیکن نباید توسط آنها استماع شود.

## د. محکومین مدنی

۹۴. در کشورهایی که افراد به دلیل عدم ایفای دین و یا دلایل دیگر مدنی به مجازات حبس محکوم می‌شوند نباید تحت نظام انضباطی شدید و سختگیرانه‌تر از آنچه برای حفظ امنیت و نظم ضروری است قرار گیرند. تدابیر توان بخشی برای آن‌ها، به استثنای اجبار به کار، باید به همان ترتیبی باشد که برای سایر متهمان در نظر گرفته می‌شود.

## ه. مظنونین

۹۵. با رعایت مفاد ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، افراد مظنونی که توقیف و یا حبس شده‌اند و هنوز اتهامی به آن‌ها وارد نشده است از حمایتی که در بخش اول و زیر بخش ج در بخش دوم برای زندانیان تضمین شده است برخوردارند. موازین ذریبیط در زیربخش الف بخش دوم نیز در صورتی که اجرای آن برای این دسته از بازداشتی‌ها مفید باشد نیز باید اجرا شود مگر اینکه طبق حکمی کلی، شمول برنامه‌های بازپروری و توان بخشی به کلیه بازداشتی‌ها، پیش‌بینی شده باشد.

## اصول اساسی در رفتار با زندانیان

مصوب قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۱ مجمع عمومی، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰

۱. با کلیه زندانیان باید با احترامی که در خور شأن و ارزش ذاتی بشر است رفتار شود.
۲. هیچ گونه تبعیضی به دلیل نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، اعتقادات سیاسی و سایر اعتقادات، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، نسب، و سایر خصوصیات جایز نیست.
۳. احترام به اعتقادات مذهبی و الزامات فرهنگی محیط اجتماعی زندانی در هر موردی که شرایط محلی اقتضا می کند، توصیه می شود.
۴. زندان‌ها در اجرای وظایفشان در نگهداری زندانیان، و حفظ جامعه از گزند جرائم موظفند با توجه و هماهنگی با سایر اهداف اجتماعی دولت و مسئولیت اساسی او در قبال توسعه رفاه اجتماعی و پیشرفت احاد ملت، عمل کنند.
۵. کلیه زندانیان، صرف نظر از محدودیت‌هایی که مشخصاً اقتضای طبیعت زندان است، از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر برخوردارند. همچنین حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مندرج در **میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و مقاله نامه (پروتکل) اختیاری ملحق به آن، و سایر اسناد حقوقی سازمان ملل متحد، در صورت الحاق کشور زندانی به این اسناد، برای زندانی ابقاء می شود.**
۶. کلیه زندانیان حق دارند در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی که هدف از آن شکوفائی شخصیت انسانی است، شرکت کنند.
۷. الغای مجازات حبس در سلول انفرادی و محدود ساختن توسل بدان بایستی مورد تشویق قرار گرفته و برای نیل به این هدف تلاش شود.
۸. باید شرایطی مهیا شود که زندانیان بتوانند کاری مفید و با دستمزد که جذب آنها را به بازار کار در کشور تسهیل می کند به عهده گیرند و بتوانند احتیاجات مالی خود و خانواده اشان را تأمین کنند.
۹. کلیه زندانیان باید بتوانند، بدون اعمال هر گونه تبعیض به دلیل وضعیت قضایی اشان، به خدمات پزشکی موجود در کشور دسترسی داشته باشند.
۱۰. با توجه به منافع قربانیان جرم، باید شرایطی با شرکت و مساعدت نهادهای محلی و نهاد های خدمات اجتماعی ایجاد گردد که زندانی را به بهترین وجه جهت بازگشت به جامعه آماده سازد.
۱۱. اصول مذکور در فوق باید به طریقی بیطرفانه اجرا شود.

## مجموعه اصول در حمایت از کلیه افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت یا حبس قرار دارند

مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸

### دامنه شمول مجموعه اصول

کاربرد این اصول در حمایت از کلیه افرادی است که تحت هر شکلی از بازداشت یا حبس قرار دارند.

### کاربرد کلمات

در مجموعه اصول:

الف) «توقیف» به موقعیت فردی اطلاق می شود که به دلیل جرمی که به او نسبت داده شده و یا در نتیجه اقدام یک مقام مسئول دستگیر شده است؛

ب) اصطلاح «بازداشتی» به فردی اطلاق می شود که از آزادی شخصی خود محروم شده است بدون آنکه حکم محکومیت به حبس در مورد او صادر شده باشد؛

ج) کلمه " زندانی" به فردی اطلاق می شود که در اثر محکومیت به ارتکاب جرم، از آزادی شخصی خود محروم شده است؛

د) کلمه «بازداشت» به وضعیت فرد بازداشتی طبق تعریف مذکور در فوق، اطلاق می شود؛

ه) کلمه «حبس» به وضعیت فرد زندانی طبق تعریف مذکور در فوق، اطلاق می شود؛

و) منظور از عبارت «مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر» مقام قضایی و یا مقام مسئول قانونی ای است که مقام و دوره تصدی اش معتبرترین تضمینات را در صلاحیت، بی طرفی و استقلال او تأمین کنند.

### اصل اول

با کلیه افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت یا حبس قرار دارند، باید با انسانیت و احترام به شأن ذاتی بشر رفتار شود.

### اصل دوم

توقیف، بازداشت، و حبس افراد منحصراً در صورتی امکان پذیر است که با رعایت کامل مقررات قانونی و توسط مقام صلاحیتدار و یا افراد مجاز در این امر، انجام گیرد.

### اصل سوم

در مورد افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت و حبس، قرار دارند، نمی توان هیچ حقی از حقوق بشر را که طبق قوانین داخلی و یا معاهده {کنوانسیون} و یا قواعد و رسوم در کشور جاری است و یا به رسمیت شناخته شده است محدود یا نقض کرد به بهانه اینکه چنین حقوقی در مجموعه اصول به رسمیت شناخته نشده و یا به طور محدود شناخته شده است.

### اصل چهارم

هر حکمی به بازداشت و حبس، تحت هر شکل از آن، و هر تصمیمی که حقی از حقوق بنیادین شخص بازداشتی یا زندانی به هر شکل را تحت تأثیر قرار دهد، باید به دستور و یا تحت نظارت کامل یک مقام قضایی و یا یک مقام مسئول انجام گیرد.

### اصل پنجم

۱. این اصول در مورد کلیه افرادی که در قلمرو یک کشور به سر می‌برند، بدون اعمال کمترین تبعیض از هر نوع از جمله نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب یا اعتقادات مذهبی، عقاید سیاسی یا غیر آن، خاستگاه ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، تولد و یا هر خصوصیت دیگر، جاری خواهد بود.

۲. موازینی که بر طبق قانون منحصراً در حمایت از حقوق و وضعیت خاص بانوان، به ویژه بانوان باردار، مادران نوزادان، کودکان، نوجوانان، سالمندان، بیماران و معلولین اجرا می‌شود، اعمال تبعیض محسوب نمی‌شود، لزوم و اعمال این موازین می‌تواند همواره مورد تجدید نظر مقام قضایی و یا مقام مسئول دیگر قرار گیرد.

### اصل ششم

اعمال شکنجه و یا رفتار و مجازات‌های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز<sup>4</sup> نسبت به کلیه افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت یا حبس به سر می‌برند منع می‌شود. هیچ وضعیتی شکنجه و یا رفتار و مجازات‌های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز را توجیه نمی‌کند.

### اصل هفتم

۱. کشورها بایستی قوانینی جهت ممنوعیت اعمالی که موجب نقض حقوق و وظایف مذکور در این اصل است وضع و مجازات‌های مناسبی برای عاملین آن پیش‌بینی کنند. همچنین باید در صورت دریافت شکایات، تحقیقات بی‌طرفانه‌ای را به موقع اجرا گذارند.

۲. مأموران دولت که دلایل قانع‌کننده‌ای مبنی بر نقض و یا شروع به نقض مجموعه اصول در دست دارند، باید مراتب را به مافوق خود و یا در صورت لزوم به مقام و یا مراجع صالح بازرسی و دادرسی دیگر، گزارش کنند.

۳. هر فرد دیگری که دلایل قانع‌کننده‌ای مبنی بر نقض و یا شروع به نقض مجموعه اصول در دست داشته باشد حق دارد مراتب را به مافوق مأمورانی که در این امر دخالت دارند و یا به مقام و یا مراجع صالح بازرسی و دادرسی دیگر، گزارش کند.

### اصل هشتم

نگهداری بازداشتی‌ها باید طبق نظامی که مناسب وضعیت افراد بدون محکومیت است، صورت گیرد. بنابراین در صورت امکان آنها باید مجزا از محکومین به زندان نگهداری شوند.

### اصل نهم

مقامات مسئول توقیف، بازداشت، و انجام بازجویی و تحقیقات باید دقیقاً در محدوده اختیارات قانونی خود عمل کنند. اقدامات ناشی از این اختیارات باید قابل تجدیدنظر توسط یک مقام قضایی و یا مقام مسئول دیگر باشد.

### اصل دهم

افرادی که دستگیر می‌شوند باید در همان لحظه دستگیری از علت آن و در اسرع وقت از اتهاماتی که به آن‌ها وارد شده‌است مطلع شوند.

### اصل یازدهم

۱. هیچ فردی را نمی‌توان بدون آنکه امکان رسیدگی به پرونده‌اش توسط یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر در اسرع وقت پس از توقیف وجود داشته باشد، در بازداشت نگاهداشت. فرد بازداشتی حق دارد رأساً و یا توسط یک وکیل، در محدوده قانون، از خود دفاع کند.

<sup>4</sup> از واژه‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و یا تحقیرآمیز باید تفسیری موسع به عمل آید تا بیشترین حمایت در مقابل اذواء جسمانی و یا روانی انجام گیرد و نگاهداشتن بازداشتی و یا زندانی چه به طور موقت و چه به طور دائمی در شرایطی که وی نتواند از حواس طبیعی خود بهره‌مند شود، از جمله دیدن، شنیدن، و بی‌خبری از زمان و مکان را نیز در بر گیرد.

۲. فرد بازداشتی و یا در صورت وجود وکیل، وکیل او، باید در اسرع وقت ابلاغیه‌ای مشروح از حکم بازداشت و دلایل آن دریافت کنند.

۳. جهت نظارت بر لزوم ادامه بازداشت باید به يك مقام قضایی و یا مقام مسئول دیگر اختیاراتی تفویض شود.

#### اصل دوازدهم

۱. نکات زیر باید به دقت به ثبت برسد:

الف) دلایل توقیف؛

ب) ساعت توقیف، و ساعتی که بازداشتی به مکان بازداشت تحویل داده می‌شود و ساعت اولین حضور در مقابل مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر؛

ج) هویت مأموران اجرای قانون که در دستگیری دخیلند؛

د) اطلاعات دقیق مربوط به بازداشتگاه.

۲. اطلاعات ثبت شده بایستی به اطلاع بازداشتی و در صورت وجود وکیل، به اطلاع وکیل او برسد در این مورد به نحوی عمل خواهد شد که در قانون پیش‌بینی شده است.

#### اصل سیزدهم

هر فردی که در هنگام توقیف یا در شروع بازداشت و یا پس از آن در اسرع وقت، بایستی حسب مورد، توسط مقام مسئول توقیف، بازداشت و یا حبس، اطلاعات و توضیحات لازم را در مورد حقوق خود و چگونگی تحقق آن، دریافت کند.

#### اصل چهاردهم

افرادی که در فهم و تکلم به زبان مقام مسئول توقیف، بازداشت و یا حبس، دچار مشکلند، حق دارند در اسرع وقت از مفاد اصل ۱۰ و بند ۲ اصل ۱۱، بند ۱ اصل ۱۲ و اصل ۱۳ به زبانی که بخوبی درک می‌کنند مطلع شوند و در مراحل بعد از دستگیری و در جریان دادرسی، از وجود مترجم، در صورت لزوم به رایگان، برخوردار شوند.

#### اصل پانزدهم

قطع‌نظر از استثنائات پیش‌بینی شده در بند ۴ اصل ۱۶ و بند ۳ اصل ۱۸ منع ارتباط فرد بازداشتی یا زندانی با دنیای خارج، به‌خصوص با خانواده و یا وکیل‌اش بیش از چند روز مجاز نمی‌باشد.

#### اصل شانزدهم

۱. فرد بازداشتی یا زندانی باید بتواند رأساً و یا توسط مقامات صلاحیت‌دار پس از توقیف و یا پس از هر نقل و انتقال از بازداشتگاه یا زندان به بازداشتگاه یا زندان دیگر، در اسرع وقت خانواده و یا هر فرد دیگر به انتخاب خود را، حسب مورد، از توقیف، بازداشت، حبس و یا نقل و انتقال و محلی که در آن بازداشت یا محبوس است، با خبر سازد.

۲. اتباع کشورهای بیگانه نیز باید در اسرع وقت از حق خود در برقراری تماس به طریقی مناسب با کنسولگری یا نمایندگی دیپلماتیک کشور متبوع خود و یا کشور دیگری که بر طبق قوانین بین‌المللی صالح است و یا نماینده يك سازمان صلاحیت‌دار بین‌المللی در صورتی که شخص پناهنده است و یا به دلیلی دیگر تحت حمایت سازمانهای بین‌الدولتی قرار دارد، مطلع شوند.

۳. مقام مسئول بازداشت موظف است در مورد نوجوانان بازداشتی و یا زندانی و فردی که قادر به درک حقوق خود نباشد، رأساً ابلاغ خبر مذکور در این اصل را به عهده گیرد و به ویژه خانواده و یا قیم شخص را مطلع سازد.

۴. ابلاغیه مذکور در این اصل بایستی بدون فوت وقت به موقع اجرا گذاشته شود و یا اجازه اجرای آن صادر شود. در صورت وجود مقتضیاتی استثنایی در انجام امر تحقیق، مقامات صالح می‌توانند این اطلاع رسانی را برای مدت زمانی معقول به تعویق اندازند.

#### اصل هفدهم

۱. کلیه افرادی که بازداشت شده‌اند باید بتوانند از کمک یک وکیل برخوردار شوند. مقام صالح در این امر موظف است در اسرع وقت پس از دستگیری، آن‌ها را از حقوقشان مطلع سازد و امکانات معقول برای تحقق این حقوق را در اختیارشان بگذارد.

۲. در موارد عدم انتخاب وکیل توسط بازداشتی، در صورت لزوم حضور وکیل در اجرای عدالت، مرجع قضایی یا مرجع صالح دیگر باید وکیل تسخیری نصب کند. مخارج نصب وکیل در صورت عجز بازداشتی از پرداخت آن رایگان خواهد بود.

#### اصل هجدهم

۱. هر فرد بازداشتی یا زندانی حق دارد با وکیل خود تماس برقرار کرده و با وی مشورت کند.

۲. هر فرد بازداشتی یا زندانی حق خواهد داشت برای مشورت با وکیل خود، وقت کافی و تسهیلات لازم در اختیار داشته باشد.

۳. هر فرد بازداشتی یا زندانی باید از حق ملاقات، مشورت و ارتباط با وکیل خود بدون تأخیر و بدون اعمال سانسور و در شرایطی کاملاً محرمانه برخوردار باشد. این حق نباید معلق و یا محدود شود، مگر هنگامی که یک مقام قضایی یا مرجع صالح دیگر، در شرایط استثنائی مصرح در قانون یا موازین قانونی، این امر را برای حفظ امنیت و نظم عمومی لازم تشخیص دهد.

۴. گفتگوهای فرد بازداشتی یا زندانی با وکیل خود می‌تواند تحت مراقبت مأموران اجرای قانون انجام گیرد، لیکن نباید توسط آنها استماع شود.

۵. تبادل اطلاعات مذکور در این اصل میان بازداشتی یا زندانی و وکیل وی را نمی‌توان به عنوان مدرک جرم بر علیه او مورد استناد قرار داد، مگر اینکه در ارتباط با ادامه جرم و یا نقشه ارتکاب جرمی در آینده باشد.

#### اصل نوزدهم

فرد بازداشتی یا زندانی باید از حق ملاقات و مکاتبه، به ویژه، با اعضای خانواده خود برخوردار شود و باید بتواند با در نظر گرفتن شرایط و محدودیت‌های معقول که توسط قوانین و مقررات قانونی تعیین شده‌است، از امکانات مناسبی برای ارتباط با دنیای خارج از زندان بهره‌مند شود.

#### اصل بیستم

در صورت درخواست فرد بازداشتی یا زندانی، باید او را در صورت امکان به بازداشتگاه و یا زندانی منتقل کرد که در نزدیکی متعارف محل زندگی او قرار دارد.

#### اصل بیست و یکم

۱. سوءاستفاده از وضعیت فرد بازداشتی یا زندانی در اجبار او به اقرار و یا به عهده گرفتن جرم توسط او به گونه ای دیگر، و یا شهادت بر علیه دیگری، ممنوع است.

۲. هیچ فرد بازداشتی را نمی‌توان در طی مراحل بازجویی تحت رفتار خشونت آمیز قرار داد و یا تهدید کرد. همچنین نباید از روش‌های بازجویی‌ای استفاده شود که توان تصمیم‌گیری وی را مختل کند.



### **اصل بیست و دوم**

هیچ فرد بازداشتی یا زندانی را نمی‌توان، حتی با رضایت وی، تحت آزمایشات تجربی پزشکی یا علمی‌ای قرار داد که سلامتی او را به خطر می‌اندازد.

### **اصل بیست و سوم**

۱. مدت زمان بازجویی از فرد بازداشتی یا زندانی و فواصل زمانی میان آن، همچنین هویت بازجوها و افراد دیگری که در جلسه بازجویی حضور دارند باید در برگه‌هایی که قانون معین کرده است ثبت و صحت آن تأیید شود.

۲. فرد بازداشتی یا زندانی و یا وکیل آن‌ها، در صورت پیش‌بینی قانون، باید به اطلاعات مذکور در بند یک این اصل دسترسی داشته باشند.

### **اصل بیست و چهارم**

فرد بازداشتی یا زندانی باید حتی‌الامکان در اسرع وقت پس از پذیرش در بازداشتگاه یا زندان، مورد معاینه پزشکی مناسب قرار گیرد. پس از آن هرگاه لازم باشد باید از او مراقبت و درمان پزشکی به عمل آید، این مراقبت و درمان به رایگان صورت خواهد گرفت.

### **اصل بیست و پنجم**

هر فرد بازداشتی یا زندانی حق دارد رأساً و یا توسط وکیل خود، در محدوده شرایط منطقی در حفظ امنیت و نظم بازداشتگاه یا زندان، از مقام قضایی و یا مقام مسئول دیگر درخواست تجدید آزمایشات پزشکی و یا نظر خواهی از پزشک دیگر کند.

### **اصل بیست و ششم**

انجام آزمایشات پزشکی در مورد یک بازداشتی و یا زندانی، همچنین نام پزشک و نتایج آزمایشات بایستی به‌دقت ثبت شده و دسترسی به آن طبق مقررات داخلی تضمین شود.

### **اصل بیست و هفتم**

چنانچه در کسب مدارک جرم، اصول حاضر نقض شده باشد، تصمیم‌گیری در مورد پذیرش مدارک اکتسابی بر علیه بازداشتی یا زندانی باید با توجه به این نقض اصول صورت گیرد.

### **اصل بیست و هشتم**

با توجه به شرایط منطقی در حفظ امنیت و نظم بازداشتگاه یا زندان، هر بازداشتی یا زندانی حق دارد در چهارچوب امکانات مالی، در حد معقولی از امکانات آموزشی، فرهنگی و اطلاعاتی، چنانچه تأمین‌کننده آن دولت است، برخوردار شود.

### **اصل بیست و نهم**

۱. به منظور نظارت بر رعایت دقیق قوانین و مقررات مربوط به زندان، مکان حبس باید مورد بازرسی منظم افراد با صلاحیت و مجرب قرار گیرد. این افراد باید توسط مرجع صلاحیت‌دار، مستقل از مقامات مدیریت بازداشتگاه و یا زندان منصوب شوند و در مقابل او مسئول و پاسخگو باشند.

۲. فرد بازداشتی یا زندانی حق دارد به طور آزادانه و به طور کاملاً محرمانه با بازرسان مکان بازداشت یا زندان، با در نظر گرفتن مفاد بند یک اصل حاضر و با توجه به شرایط منطقی حفظ امنیت و نظم این مکان‌ها، گفتگو کند.

### اصل سی ام

۱. اعمالی که انجام آن توسط بازداشتی یا زندانی در طی دوران بازداشت یا حبس، تخلف انضباطی محسوب می‌شود، نوع و مدت تنبیه انضباطی و مقام صالح تصمیم گیرنده آن باید توسط قانون و یا آیین‌نامه‌های قانونی وضع و به‌طور صحیح منتشر شود.
۲. هر بازداشتی یا زندانی حق دارد قبل از اتخاذ هر تصمیم به تنبیه انضباطی، طی محاکمه‌ای انضباطی از خود دفاع کند. او باید بتواند نسبت به تصمیم، از مراجع بالاتر تقاضای تجدید نظر کند.

### اصل سی و یکم

۲. مقامات مسئول باید بکوشند معاضدت‌های مورد نیاز افراد تحت تکفل بازداشتی یا زندانی به ویژه افرادی که به سن قانونی نرسیده‌اند تأمین شود. همچنین موازین خاصی را جهت تضمین شرایط مناسب برای نگهداری از کودکانی که بی‌سرپرست شده‌اند، اتخاذ نمایند.

### اصل سی و دوم

۱. فرد بازداشتی حق خواهد داشت هر آینه، در چهارچوب قوانین داخلی، رأساً و یا توسط وکیل خود نزد مراجع قضایی و یا مقامات مسئول دیگر به غیر قانونی بودن بازداشت خود اعتراض کند و در صورت احراز غیر قانونی بودن بازداشت، آزادی خود را فوراً بازیابد.
۲. روال مذکور در بند ۱ این اصل باید بدون تشریفات و به سرعت انجام گیرد و در صورت عدم بضاعت بازداشتی، رایگان باشد. مقام مسئول بازداشت موظف است بدون تأخیر غیر موجه، بازداشتی را به حضور مقام مرجع تجدید نظر، حاضر کند.

### اصل سی و سوم

۱. فرد بازداشتی یا زندانی حق دارد رأساً و یا توسط وکیل خود، در مورد رفتاری که در زندان نسبت به او انجام می‌گیرد، خصوصاً در صورت اعمال شکنجه و یا رفتار خشن، غیر انسانی، یا اهانت آمیز، به مقامات مسئول مدیریت مکان حبس و یا مقامات بالاتر، و در صورت لزوم به مقامات مسئول نظارت و یا دادرسی صالح عریضه دهد یا شکایت کند.
۲. در مواردی که فرد بازداشتی یا زندانی و نیز وکیل آنها قادر به استفاده از حقوق مذکور در بند یک اصل حاضر نباشند، عضوی از اعضای خانواده بازداشتی یا زندانی، و یا هر فرد آگاه به موضوع می‌تواند حقوق مذکور را اعمال کند.
۳. در صورت تقاضای شاکی، عریضه و یا طرح شکایت باید محرمانه باقی بماند.

۴. به تمامی عرایض و شکایات باید در اسرع وقت رسیدگی و بدون تأخیر غیر موجه پاسخ داده شود. در صورت رد عریضه یا شکایت و یا در صورت اطاله دادرسی، شاکی حق دارد به مراجع قضایی و یا مراجع صلاحیت‌دار دیگر رجوع کند. هیچ فرد بازداشتی یا زندانی و هیچ شاکی دیگر موضوع بند ۱ این اصل نباید به دلیل عریضه و یا شکایت متحمل خسارتی شود.

### اصل سی و چهارم

- چنانچه یک فرد بازداشتی یا زندانی در طی دوران بازداشت یا حبس فوت کند یا ناپدید شود، یک مقام قضایی و یا مقام مسئول دیگر بایستی رأساً و یا به دنبال تقاضای عضوی از اعضای خانواده متوفی یا مفقودالایر و یا فرد دیگری که با موضوع آشنائی دارد، برای انجام تحقیقات و بازجویی درباره علت مرگ یا مفقودالایر شدن اقدام کند. در صورتی که مرگ یا مفقودالایر شدن در زمانی کوتاه پس از پایان بازداشت و یا حبس رخ دهد، چنانچه اوضاع و احوال ایجاب کند، باید تحقیقاتی به همین منوال انجام گیرد. نتایج تحقیقات و گزارش تحقیق باید در صورت تقاضا، قابل دسترسی بوده مگر اینکه مضر به روال تحقیقات جرم که در دست اجراست، باشد.

### اصل سی و پنجم

۱. جبران خسارت ناشی از فعل و یا ترك فعل مأموران دولتی در نقض حقوقی که در اصول حاضر اعلام شده است، بر طبق قوانین داخلی انجام خواهد گرفت.

۲. اطلاعاتی که بر طبق این اصول ثبت خواهند شد، باید برای استفاده در درخواست جبران خسارت، طبق روال قوانین داخلی، قابل دسترسی باشند.

### اصل سی و ششم

۱. در مورد بازداشتی مظنون و یا متهم به ارتکاب جرم، اصل برائت جاری خواهد بود و تا زمانی که محکومیت این فرد طی محاکمه‌ای علنی و در شرایطی که امکان دفاع به طور کامل تأمین شده است محرز نشده باشد، با او با توجه به این اصل رفتار خواهد شد.

۲. افراد مظنون یا متهم را نمی‌توان پیش از آغاز تحقیقات و تشکیل دادگاه دستگیر یا بازداشت کرد، مگر در مواردی که اجرای عدالت ایجاب کند. در چنین صورتی بازداشت باید مستدل و تحت شرایط و روال قانونی انجام گیرد. تحمیل محدودیت در مورد چنین افرادی بایستی هنگامی که برای امر بازداشت و یا جلوگیری از اختلال در انجام تحقیقات و یا اجرای عدالت و یا حفظ نظم و انضباط دقیق بازداشتگاه ضرورت اکید ندارد، ممنوع شود.

### اصل سی و هفتم

کلیه افرادی را که به اتهام ارتکاب جرمی بازداشت شده اند باید به سرعت پس از توقیف، در محضر يك مقام قضایی و یا مقام صالح دیگر که قانون مشخص کرده است، حاضر نمود. این مقام باید در اسرع وقت، در مورد قانونی بودن و ضرورت بازداشت این افراد تصمیم بگیرد. هیچ فردی را نمی‌توان بدون دستور کتبی این مقام، پیش از شروع تحقیقات یا محاکمه، تحت بازداشت قرار داد. فرد بازداشتی حق دارد هنگام حضور در محضر مقام مذکور نظرات خود را در مورد طریقه رفتار با او در بازداشتگاه، اظهار کند.

### اصل سی و هشتم

۳۸. کلیه افراد بازداشتی متهم به ارتکاب جرم حق دارند در مهلت معقولی محاکمه شوند و یا تا زمان تشکیل دادگاه آزاد بمانند.

### اصل سی و نهم

۳۹. به استثناء مواردی که در قانون پیش بینی شده است، هر متهم به ارتکاب جرمی حق دارد با توجه به شرایط قانونی که احتمالاً تحمیل خواهد شد پیش از تشکیل دادگاه آزاد بماند، مگر اینکه مقامی قضایی یا مقام صلاحیت‌دار دیگر، با توجه به مصالح اجرای عدالت، تصمیم دیگری اتخاذ کند. ادامه بازداشت باید توسط این مقام مورد بازبینی قرار گیرد.

### شرط عام

هیچ مقرره‌ای از مجموعه اصول را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که حقی از حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی را محدود یا نقض کند.

## قواعد سازمان ملل متحد در حمایت از نوجوانان محروم از آزادی<sup>5</sup>

مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی، قطعنامه ۴۵/۱۱۳

### ۱. دیدگاه‌های بنیادین

۱. نظام دادرسی ویژه نوجوانان باید از حقوق و امنیت و رفاه جسمی و روانی نوجوانان حمایت کند. به زندان تنها باید به‌عنوان آخرین راه‌حل متوسل شد.
۲. سلب آزادی نوجوانان منحصراً باید برطبق اصول و روال مندرج در قواعد حاضر و قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن) صورت گیرد. به محرومیت از آزادی نوجوان تنها باید به‌عنوان آخرین راه حل و برای کمترین مدت ممکنه و در موارد استثنائی متوسل شد. مدت مجازات باید توسط مقام قضایی مسئول تعیین شود و امکان آزادی پیش از موعد موجود باشد.
۳. هدف از قواعد حاضر ایجاد استانداردهای حداقل پذیرفته شده توسط سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانانی است که آزادی آنها به هر نحوی از انحاء سلب شده است. این استانداردها در انطباق با حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین است و هدف از آن مبارزه با آثار زیانبار انواع بازداشت و تسهیل سازگاری نوجوانان با جامعه است.
۴. قواعد حاضر باید به صورت بی‌طرفانه و بدون اعمال هر نوع تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، ملیت، عقاید سیاسی و غیره، معتقدات یا رسوم فرهنگی، دارایی، تولد یا وضعیت خانوادگی، منشاء قومی، خاستگاه اجتماعی و عدم توانایی، اعمال شوند. باورهای مذهبی و فرهنگی و رسوم و مفاهیم اخلاقی نوجوانان باید محترم شمرده شود.
۵. تنظیم این قواعد به گونه‌ای انجام گرفته است که استانداردهای مرجع و سهل‌الوصولی جهت تشویق و راهنمایی متخصصان مسئول دادرسی نوجوانان ارائه شود.
۶. متن ترجمه شده قواعد حاضر به زبان‌های ملی باید در اختیار کارکنان تشکیلات دادرسی ویژه نوجوانان هر کشوری قرار گیرد. نوجوانانی که به زبان مورد تکلم کارکنان بازداشتگاه مسلط نیستند، در موارد لزوم، از حق استفاده از خدمات ترجمه به‌طور رایگان، به خصوص هنگام معاینات پزشکی و در مراحل مختلف رسیدگی انتظامی برخوردارند.
۷. دولت‌ها باید در موارد مقتضی قواعد حاضر را در قوانین خود داخل کرده و یا در تطابق با آن به اصلاحاتی در قوانین خود دست زنند. دولت‌ها همچنین باید مراجع رسیدگی به نقض این قواعد و تعیین جبران خسارت وارده ناشی از آن به نوجوان را پیش‌بینی کرده و بر اجرای قواعد نظارت داشته باشند.
۸. مقامات مسئول باید همواره در بیدار کردن وجدان‌های عموم نسبت به این نکته که: مراقبت از نوجوانان محروم از آزادی و آماده ساختن آن‌ها برای بازگشت به جامعه و مطابقت با آن، یک مساعدت اجتماعی خطیر و حائز اهمیت است، بکوشند و در راستای این هدف گام‌های مؤثری جهت تسهیل ارتباط مستقیم میان نوجوانان و جامعه محلی بردارند.
۹. هیچ‌یک از قواعد حاضر نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که مانع از اعمال اسناد و استانداردهای سازمان ملل متحد ناظر بر حقوق بشر که توسط جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند و حقوق، مراقبت‌ها و حمایت از نوجوانان، جوانان و کودکان را به طور کامل‌تری تأمین می‌کنند، شود.

<sup>5</sup> سند حاضر توسط سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی PENAL REFORM INTERNATIONAL ترجمه شده است. جهت هماهنگی با ترجمه سایر اسناد حقوق بشر در این مجموعه، اصلاحاتی در آن صورت گرفته است.

۱۰. در صورتی که اجرای قواعد خاصی در بخش‌های ۲ تا ۵ با قواعد مندرج در بخش حاضر (بخش اول) در تعارض باشد، اجرای قواعد بخش حاضر اولویت دارد.

## ۲. قلمرو و کاربرد قواعد

۱۱. در قواعد حاضر تعاریف زیر به‌کاربرده می‌شود:  
الف) نوجوان به فردی اطلاق می‌شود که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد. تعیین حداقل سنی که سلب آزادی نوجوان کمتر از آن سن مجاز نخواهد بود، به عهده قانون است؛  
ب) سلب آزادی به معنای هر نوع بازداشت یا حبس یا قرار دادن فرد در بازداشتگاه‌های خصوصی یا عمومی است بامنوعیت ترک محل، به‌حکم مقام قضایی یا اداری یا مقام رسمی دیگر.

۱۲. سلب آزادی نوجوانان باید طبق شرایط و مقتضیاتی صورت گیرد که احترام به حقوقی که آنها به عنوان یک بشر دارا هستند تضمین شود. نوجوانان در حبس باید بتوانند به فعالیت‌ها و برنامه‌های مفیدی دسترسی داشته باشند که موجب حفظ سلامتی و ارتقاء عزت نفس و پرورش حس مسئولیت آنها شود و آنها را به اتخاذ رفتار و کسب مهارت‌هایی که موجب شکوفایی‌شان به عنوان عضوی از اعضای جامعه می‌شود، تشویق کند.

۱۳. جوانانی که آزادی آنها سلب شده است نباید به هر دلیلی که در ارتباط با وضعیت آنها ست از حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی که به موجب حقوق داخلی یا بین‌المللی، مطابق با مستلزمات ناشی از سلب آزادی، به آنها تفویض شده است، محروم شوند.

۱۴. حفظ حقوق فردی نوجوانان به ویژه قانونی بودن اجرای موازین بازداشت باید توسط مقامات صلاحیت دار تضمین شود و نیل به هدف سازگار ساختن نوجوانان با جامعه باید با بازرسی‌های منظم و روش‌های دیگر نظارت، توسط هیئت ذیصلاح در امر بازدید و مستقل از نهاد حبس، در تطابق با استانداردهای بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی، تسهیل شود.

۱۵. قواعد حاضر ناظر بر کلیه مکان‌های است که نوجوانان در آن از آزادی خود محروم شده‌اند. بخش‌های ۱، ۲، ۴، ۵ بر کلیه نهادهای سالب آزادی و تشکیلات رسمی‌ای که نوجوانان در آن نگهداری می‌شوند اعمال می‌شود و بخش ۳ به طور خاص ناظر بر نوجوانان تحت بازداشت موقت یا در انتظار محاکمه است.

۱۶. قواعد حاضر باید با توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خاص هر کشور به موقع اجرا گذارده شود.

## ۳. نوجوانان تحت بازداشت موقت و یا بازداشت احتیاطی (در انتظار محاکمه)

۱۷. نوجوانان تحت بازداشت موقت یا در انتظار محاکمه (قبل از احراز محکومیت) بیگناه فرض می‌شوند و باید با آنها بر این اساس رفتار شود. از بازداشت پیش از محاکمه باید حتی‌المقدور اجتناب و توسل بدان را محدود به اوضاع و احوال استثنایی کرد. بنابراین باید برای استفاده از راه‌های جایگزین تلاشی همه‌جانبه صورت گیرد. مع‌هذا در صورت استفاده از بازداشت احتیاطی، دادگاه‌ها و دادرهای نوجوانان باید به‌منظور تضمین تقلیل بازداشت به کوتاهترین زمان ممکنه، بیشترین اولویت را به رسیدگی سریع به چنین پرونده‌هایی دهند. بازداشت شدگان متهم باید از نوجوانان محکوم جدا نگهداری شوند.

۱۸. شرایط بازداشت نوجوانان در انتظار محاکمه باید علاوه بر مقررات مقتضی و ضروری ناظر بر فرض برائت، مدت بازداشت و وضعیت حقوقی و اوضاع و احوال نوجوان، مطابق با قواعد زیر باشد، اما لزوماً محدود به این موارد نخواهد بود:

الف) نوجوانان بایستی از حق داشتن مشاور حقوقی و درخواست کمک‌های حقوقی رایگان در صورت وجود چنین کمک‌هایی، برخوردار باشند و بتوانند با مشاوران حقوقی خود ارتباط منظم برقرار کنند. حفظ حریم خصوصی و احترام به محرمانه بودن ملاقات‌ها باید تضمین شود؛

ب) امکان کار با مزد، تعلیم‌وتربیت و کارآموزی باید حتی‌المقدور برای نوجوانان مهیا شود ولیکن نباید به انجام آن مجبور شوند. کار، تعلیم‌وتربیت و کارآموزی نباید موجب ادامه‌بازداشت شود؛

ج) نوجوانان بایستی بتوانند وسائل لازم برای سرگرمی و تفریح که منافاتی با مصالح تشکیلات قضایی نداشته باشد دریافت کنند و با خود نگهدارند.

#### ۴. مدیریت مراکز نگهداری نوجوانان

##### الف. پرونده جزایی

۱۹. کلیه گزارشات، از جمله سوابق جزایی، پرونده پزشکی پرونده مربوط به دادرسی انضباطی و تمامی مدارک دیگر مربوط به شکل، محتوی و جزئیات نحوه رفتار با نوجوانان باید در پرونده‌ای انفرادی به‌طور محرمانه نگهداری شده و حاوی اطلاعات جدید باشد. این پرونده باید تنها برای اشخاصی که قانوناً مجازاند قابل دسترسی بوده و به صورتی طبقه‌بندی شود که به سهولت قابل فهم باشد. هر نوجوانی باید حق داشته باشد حتی‌الامکان، صحت وقایع و نظرات مندرج در پرونده را به طریقی که امکان تصحیح مطالب واهی و بی اساس و ناعادلانه وجود داشته باشد، مورد اعتراض قرار دهد. به منظور تحقق این حق باید راهکارهایی ایجاد شود که طبق آن شخص ثالث صالحی بتواند بنابه درخواست، به پرونده رجوع کند. به محض آزادی نوجوان، پرونده باید مهر و موم شده و در زمان مقتضی امحا گردد.

۲۰. هیچ نوجوانی نباید بدون حکم معتبر صادره توسط مقامات قضایی یا اداری یا رسمی در مکان‌های حبس پذیرفته شود. جزئیات حکم باید بلافاصله در دفتر ثبت درج شود. هیچ نوجوانی نباید در مکانی که فاقد دفتر ثبت است بازداشت شود.

##### ب. پذیرش، ثبت، نقل و انتقال

۲۱. در کلیه مکان‌های حبس نوجوانان باید دفتر ثبت محرمانه‌ای وجود داشته باشد که حاوی مطالب زیر در مورد هر نوجوان باشد:

الف) اطلاعات مربوط به هویت نوجوان؛

ب) واقعه و دلایل منجر به حبس و مرجع صادرکننده حکم؛

ج) روز و ساعت پذیرش، انتقال یا آزادی؛

د) جزئیات اطلاعیه‌های ارسال شده به والدین یا سرپرستان در مورد پذیرش، انتقال یا آزادی نوجوان تحت سرپرستی‌شان در زمان پذیرش؛

ه) اطلاعات کامل در مورد مشکلات روانی و جسمی، از جمله اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی.

۲۲. اطلاعات مربوط به پذیرش، مکان بازداشت، انتقال و آزادی نوجوان باید در اسرع وقت به اطلاع والدین، سرپرستان یا نزدیک‌ترین خویشاوند نوجوان برسد.

۲۳. گزارشات کامل و اطلاعات مربوط به وضعیت و موقعیت شخصی نوجوان باید در اولین فرصت پس از پذیرش، جمع‌آوری و در اختیار مدیریت حبس قرار گیرد.

۲۴. هنگام پذیرش هر نوجوانی باید نسخه‌ای از مقررات حاکم بر مکان حبس، شرح مکتوبی از حقوق و تعهداتش به زبانی که برای او قابل فهم است همراه با نشانی مراجع صالح دریافت شکایات و نیز نشانی سازمان‌های خصوصی یا دولتی مخصوص معاضدت‌های حقوقی، دریافت کند. برای نوجوانانی که با خواندن و نوشتن آشنایی ندارند و یا قادر به درک مطالب به زبان مکتوب نیستند، مطالب باید به طریقی کاملاً قابل فهم توضیح داده شود.

۲۵. نوجوانان باید برای درک مقررات حاکم بر تشکیلات داخلی مکان حبس اهداف و روش‌های رفتاری، مقررات انضباطی روش‌های مجاز کسب اطلاعات و طرح شکایت و کلیه مسائل لازم دیگر جهت درک کامل حقوق و تکالیف خود در دوران بازداشت، مساعدت شوند.

۲۶. انتقال نوجوانان باید با هزینه مدیریت با وسایلی که دارای نور و هوای کافی باشد و در شرایطی که رنجی به آنها تحمیل نشود یا شأن آنها خدشه‌دار نشود صورت گیرد. انتقال نوجوان از یک مکان حبس به مکان حبس دیگر نباید خودسرانه و بی‌دلیل صورت گیرد.

### ج. طبقه‌بندی و تعیین جا

۲۷. در اولین فرصت پس از پذیرش یک نوجوان بزه‌کار در مکان حبس بایستی مصاحبه‌ای با وی انجام گیرد، و گزارشی ناظر بر وضعیت روانی و اجتماعی و تشخیص عوامل مربوط به نوع و سطح مراقبت و برنامه لازم جهت نوجوان تهیه گردد. این گزارش بایستی همراه با گزارش پزشک که پس از معاینه نوجوان به محض پذیرش، تدوین خواهد شد، به مدیریت تحویل شود تا محل مناسبی برای نوجوان در داخل نهاد حبس و نوع و سطح برنامه و تدابیر لازم معین گردد. در مواردی که برنامه‌های ویژه بازپروری و توان بخشی اجتماعی ضروری باشد و مدت اقامت نوجوان در مکان حبس اجرای آن را ممکن گرداند پرسنل مسئول این امر بایستی کتابچه برنامه‌ای را در مورد اهداف و چارچوب زمانی و طرق و مراحل و فواصل زمانی برای نیل به هر یک از اهداف تدوین کند.

۲۸. بازداشت نوجوانان تنها باید تحت شرایط خاص با توجه کامل به نیازها، وضعیت و ضرورت‌های خاص و براساس سن، شخصیت، جنسیت و نوع جرم و نیز وضعیت سلامتی جسمی و روحی آنها صورت گیرد و متضمن حمایت از نوجوانان در مقابل تأثیر و نفوذ مضر افراد و شرایط مخاطره‌آمیز باشد. معیار اصلی تفکیک نوجوانانی که آزادی آنها سلب شده است بایستی نوع مراقبتی که برحسب نیازهای فردی آنان و حمایت از سلامتی روحی و روانی و اخلاقی و رفاه آنها مناسب است، باشد.

۲۹. در تمامی مکان‌های حبس، نوجوانان باید از افراد بالغ تفکیک شوند، مگر اینکه اعضای یک خانواده باشند. امکان دارد تحت شرایط کنترل شده، بتوان نوجوانان را با افراد بالغی که با دقت انتخاب شده‌اند به عنوان بخشی از یک برنامه ویژه که منافع آن برای نوجوانان محرز باشد، در یک محل جای داد.

۳۰. بایستی کوشش شود مؤسسات باز جهت نگهداری نوجوانان ایجاد شود. مؤسسات باز مؤسساتی هستند بدون تدابیر امنیتی و یا با تدابیر عادی امنیتی به میزان حداقل ممکن. تعداد نوجوانانی که در این مکان‌ها نگهداری می‌شوند باید به میزان باشد که اقدامات و اجرای برنامه‌های فردی ممکن شود. این مؤسسات باید غیرمتمرکز و در مقیاسی باشد که امکان دسترسی و تماس با خانواده برای نوجوانان تسهیل شود. به ویژه بایستی مؤسسات کوچکی بنا نهاد که در محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ادغام گردد.

### د. محیط زیست و شرایط محل اقامت

۳۱. نوجوانانی که آزادی آنها سلب شده است حق دارند در مکان‌هایی که از جهت حفظ بهداشت و سلامتی مناسب و در خور شأن انسان است نگهداری شوند.

۳۲. طرح مؤسسات نگهداری نوجوانان و محیط زیست آن بایستی مطابق با اهداف بازپروری نهاد و با توجه به نیاز نوجوان برای امور شخصی، سرگرمی، فرصت تماس با همسالان و شرکت در فعالیت‌های ورزشی باشد. طرح و ساخت تأسیسات بازداشت نوجوانان باید خطرات آتش‌سوزی را به حداقل برساند و امکان تخلیه محل را به صورت صحیح تضمین کند و دارای سیستم اخطار در مواقع آتش‌سوزی بوده و نیز روش‌های رسمی و تمرین شده‌ای جهت تضمین ایمنی نوجوانان پیشبینی شود. تأسیسات حبس نباید در محیط‌هایی که در معرض خطرات شناخته شده برای سلامتی و یا خطرات دیگر است، مستقر شود.

۳۳. مکان خواب بایستی به طور معمول با توجه به استانداردهای محلی از خوابگاه‌های کوچک و یا انفرادی تشکیل شود. در طول ساعات استراحت شبانه بایستی نظارت منظم و بدون ایجاد مزاحمت در کلیه مناطق خوابگاه، از جمله اتاق‌های انفرادی و گروهی به‌منظور تضمین حمایت از نوجوانان برقرار باشد. هر نوجوان باید بر طبق استانداردهای ملی یا محلی دارای وسایل خواب جداگانه و کافی باشد که هنگام تحویل پاکیزه و در وضعیتی مناسب بوده و برای حفظ بهداشت آن در فواصل معین تعویض گردد.

۳۴. تأسیسات بهداشتی بایستی با در نظر گرفتن استانداردهای لازم در مکان‌هایی ساخته شود که نوجوانان بتوانند در شرایط قابل قبول و بهداشتی و در کمال حفظ حریم خصوصی احتیاجات خود را رفع کنند.

۳۵. در اختیار داشتن وسایل شخصی از عناصر اساسی حق برخورداری از حریم خصوصی است و از لحاظ رفاه روانی نوجوان حائز اهمیت است. حق به‌همراه داشتن وسایل شخصی و در اختیار داشتن محلی جهت حفظ آن بایستی برای هر نوجوانی به رسمیت شناخته شده و رعایت شود. وسایل شخصی‌ای که نوجوان نمی‌خواهد نزد خود نگاه دارد یا وسائلی که ضبط شده‌اند باید در محل امنی به امانت گذاشته شود و هنگام تحویل به امضاء نوجوان برسد و در حفظ و نگهداری آن دقت شود. کلیه وسایل و جوهی که به این ترتیب دریافت می‌شود بایستی به محض آزادی نوجوان به او مسترد گردد، مگر این که او مجاز باشد وجوه نقدی خود را مصرف کرده و یا آن را چون اموال دیگر به بیرون از مؤسسه بفرستد. اگر نوجوان دارویی در اختیار داشته باشد مسئولین بخش پزشکی باید در مورد چگونگی استفاده از آن تصمیم‌گیری کنند.

۳۶. نوجوانان بایستی حتی‌الامکان مجاز به استفاده از لباس‌های شخصی خود باشند. مسئولین بازداشتگاه باید اطمینان حاصل کنند که هر نوجوان لباس شخصی مناسب برای شرایط اقلیمی موجود و حفظ سلامتی در اختیار دارد و اینکه لباس‌ها موجب تحقیر نوجوان و یا بی‌احترامی به او نباشد. نوجوانانی که از بازداشتگاه منتقل می‌شوند یا آن را ترک می‌کنند بایستی مجاز به استفاده از البسه شخصی خود باشند.

۳۷. بازداشتگاه‌های نوجوانان باید از تغذیه نوجوانان با کیفیت مناسب در ساعات معمول صرف غذا به میزان کافی و مطابق با استانداردهای تغذیه، بهداشت، سلامتی و فعالیت‌های بدنی و حتی‌الامکان مطابق با الزامات فرهنگی و مذهبی، اطمینان حاصل کنند. آب آشامیدنی پاک بایستی همواره در اختیار نوجوان قرار داشته باشد.

## ه. تعلیم و تربیت، حرفه‌آموزی و کار

۳۸. نوجوانانی که در سن تحصیلات اجباری قرار دارند باید جهت آماده شدن برای بازگشت به اجتماع از حق تعلیم و تربیت، مطابق با نیازها و توانایی‌های خود، برخوردار شوند. تعلیم و تربیت نوجوانان بهتر است در مدارس خارج از مکان حبس انجام گیرد. در هر صورت وجود آموزگاران با صلاحیت و برنامه آموزشی یکسان با مدارس کشور برای سهولت ادامه تحصیل نوجوانان پس از خروج از بازداشتگاه ضروری است. مدیریت مکان‌های حبس باید به آموزش نوجوانان خارجی یا دارای نیازهای خاص قومی یا فرهنگی توجه کند. نوجوانانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانند و یا نوجوانانی که مشکلاتی در درک و یادگیری دارند باید مورد توجه خاص قرار گیرند.

۳۹. نوجوانانی که سن تحصیلات اجباری را پشت‌سر گذاشته‌اند ولیکن خواستار ادامه تحصیل‌اند باید مجاز و تشویق به ادامه تحصیل شوند. باید کوشش شود تا آنها به برنامه‌های آموزشی مناسب دسترسی داشته باشند.

۴۰. مدارک و گواهینامه‌های تحصیلی که در دوران بازداشت به نوجوانان داده می‌شود نباید نشانی از حضور نوجوان در بازداشتگاه داشته باشد.



۴۱. در مکان‌های نگهداری نوجوانان بایستی امکان دسترسی به کتابخانه‌ای با کتب آموزشی و سرگرم‌کننده و مجلات مخصوص نوجوانان به مقدار کافی، وجود داشته باشد و نوجوانان باید قادر و تشویق به استفاده از آن شوند.

۴۲. هر نوجوانی بایستی حق داشته باشد از آموزش‌های حرفه‌ای که او را برای اشتغال به کار در آینده آماده کند، برخوردار شود.

۴۳. نوجوانان باید بتوانند با توجه به انتخاب آموزش‌های حرفه‌ای مناسب و مقتضیات مدیریت و نظم مکان حبس، نوع کاری را که مایل به انجام آن هستند، انتخاب کنند.

۴۴. کلیه استانداردهای حمایتی بین‌المللی و ملی که قابل اعمال بر کار کودکان و کارگران جوان است باید شامل نوجوانان محروم از آزادی نیز بشود.

۴۵. به‌منظور تقویت امکان اشتغال مناسب پس از بازگشت به جامعه حتی‌الامکان بایستی امکان کار با مزد برای نوجوانان در جامعه محلی به عنوان مکمل آموزش حرفه‌ای که به آنها داده می‌شود فراهم شود. نوع کار باید متضمن آموزش حرفه‌ای و در جهت منافع نوجوان پس از آزادی باشد. برنامه ریزی و روش‌هایی که برای کار در بازداشتگاه به کار می‌رود باید حتی‌الامکان مشابه کارهای داخل جامعه باشد تا بتوان نوجوانان را برای شرایط عادی اشتغال در زندگی آماده کرد.

۴۶. هر نوجوانی باید در ازای کار، مزد عادلانه دریافت کند. مصالح نوجوانان و آموزش حرفه‌ای آنها نباید فدای هدف کسب منافع برای مکان حبس یا شخص ثالثی شود. بخشی از درآمد نوجوان باید به‌طور معمول پس‌انداز شود و در زمان آزادی به او تحویل شود. نوجوان باید مجاز باشد بخش دیگر درآمد خود را صرف خرید اجناس به میل خود یا جبران خسارت متضرر از جرم کند و یا برای خانواده یا اشخاص دیگر به بیرون از بازداشتگاه ارسال کند.

## و. تفریح و سرگرمی

۴۷. نوجوانان بایستی در صورت مساعد بودن هوا، زمان کافی برای پرداختن به ورزش در هوای آزاد در اختیار داشته باشند، این فعالیت باید با آموزش‌های تفریحی و ورزشی همراه باشد. برای انجام این فعالیت‌ها باید فضای کافی، تسهیلات و تجهیزات مناسب فراهم شود. نوجوانان بایستی وقت اضافی جهت پرداختن به فعالیت‌های سرگرم‌کننده روزانه که بخشی از آن به دلخواه آنان می‌تواند به امور هنری و کارهای دستی اختصاص یابد، در اختیار داشته باشند. بازداشتگاه باید اطمینان حاصل کند که هر نوجوان از لحاظ جسمانی قادر به شرکت در برنامه‌های موجود ورزشی است. توان بخشی و درمان برای نوجوانی که بدان نیاز دارد بایستی تحت نظارت پزشک مهیا باشد.

## ز. مذهب

۴۸. هر نوجوانی در حبس بایستی مجاز باشد نیازهای مذهبی و روحانی خود را، به خصوص با شرکت در مراسم و جلساتی که در بازداشتگاه برگزار می‌شود یا با انجام امور مذهبی به تنهایی و یا با در اختیار داشتن کتب مربوط به تعالیم و مراسم مذهبی خود، برطرف کند. اگر در بازداشتگاهی تعداد کافی از نوجوانان پیرو یک مذهب وجود داشته باشد، یک یا چند نماینده‌ی صلاح آن مذهب باید انتخاب یا تأیید و مجاز شوند مراسم منظم مذهبی برگزار کرده و در صورت درخواست نوجوانان با آنها به‌طور خصوصی، دیدار مذهبی به‌عمل آورند. هر نوجوانی حق دارد نماینده صلاحیت‌دار هر مذهبی که بخواهد را ملاقات کند و همچنین حق دارد در مراسم مذهبی شرکت نکرده و آزادانه از آموزش، مشاوره یا تعالیم مذهبی اجتناب ورزد.

## ح. مراقبت پزشکی

۴۹. هر نوجوانی در حبس حق دارد از مراقبت‌های کافی پزشکی، به صورت پیشگیری یا درمان، از جمله مراقبت‌های دندانپزشکی، چشم‌پزشکی و روان‌پزشکی و نیز استفاده از دارو و رژیم غذایی بنا به توصیه پزشک برخوردار باشد، کلیه این مراقبت‌ها در موارد ممکن باید از طریق تأسیسات بهداشتی و خدمات پزشکی مناسب در محله مکان حبس ارائه شود تا از خفت نوجوان جلوگیری شود و عزت نفس و تطبیق او با جامعه تقویت شود.

۵۰. به منظور ثبت پیشینه بیماری و وضعیت جسمانی و روانی‌ای که مستلزم مراقبت خاص است، هر نوجوانی از حق معاینه پزشک بلافاصله پس از پذیرش در بازداشتگاه برخوردار است.

۵۱. مراقبت‌های پزشکی باید با هدف تشخیص و معالجه بیماری‌های جسمانی و روانی، اعتیاد یا وضعیت دیگری که بازگشت نوجوان را به جامعه با مشکل روبرو می‌کند، باشد. مکان‌های نگهداری نوجوانان باید به تأسیسات پزشکی و تجهیزات لازمه با توجه به تعداد و احتیاجات ساکنین خود، دسترسی فوری داشته و از وجود پرسنل آموزش دیده در امور پیشگیری و درمان در موارد اضطراری برخوردار باشند. هر نوجوانی که بیمار است یا ابراز ناخوشی می‌کند و یا علائم بیماری جسمی یا روانی در او بروز کرده است باید فوراً توسط پزشک معاینه شود.

۵۲. مسئولان پزشکی که به دلایلی سلامتی روحی یا جسمی نوجوان را در اثر بازداشت مداوم یا اعتصاب غذا یا هر شرایط دیگری که ناشی از بازداشت است در خطر ببینند، باید مراتب را فوراً به مدیر بازداشتگاه و مقام مستقلی که مسئول حفاظت از رفاه نوجوانان است، گزارش دهند.

۵۳. نوجوانی که از ناراحتی روانی رنج می‌برد بایستی برای معالجه در اختیار مؤسسات تخصصی که تحت مدیریت پزشکی مستقل است، قرار گیرد. توافقاتی نیز باید با مراکز تخصصی جهت ادامه معالجات روانی پس از آزادی صورت گیرد.

۵۴. مراکز نگهداری نوجوانان بایستی برنامه‌های خاص پیشگیری و توان بخشی در ارتباط با اعتیاد به مواد مخدر به سرپرستی پرسنل صلاحیت‌دار را در دستور کار خود قرار دهند. این برنامه‌ها بایستی با الزامات ناشی از سن، جنس و دیگر ملاحظات مربوط به نوجوانان همخوانی داشته باشد. همچنین مراکز و تسهیلات ترک اعتیاد توسط پرسنل متخصص برای نوجوانان معتاد به مواد مخدر یا الکل نیز بایستی در دسترس باشد.

۵۵. دارو منحصراً باید برای معالجه پزشکی و حتی‌الامکان پس از کسب رضایت نوجوان به استعمال آن، تجویز شود. خصوصاً، دارو نباید برای کسب اطلاع یا اعتراف و یا به عنوان مجازات و تنبیه یا مهار نوجوان استفاده شود. نوجوانان نباید مورد آزمایشات تجربی برای استفاده از داروها یا معالجات خاصی قرار گیرند. دادن دارو به نوجوانان منحصراً باید با کسب مجوز از متخصص امور پزشکی انجام گیرد.

## ط. اعلام بیماری، جراحت یا فوت

۵۶. خانواده و یا سرپرست نوجوان و هر فرد منتخب او حق دارند از وضعیت سلامتی نوجوان در صورت درخواست و نیز در موارد بروز تغییرات مهم در شرایط سلامتی او با خبر شوند. مدیر بازداشتگاه باید بلافاصله خانواده یا سرپرست نوجوان یا فرد منتخب او را از مرگ، یا بیماری، یا وضعیتی که انتقال وی به خارج از بازداشتگاه را ایجاب می‌کند، یا شرایط دیگری که مستلزم مراقبت در بازداشتگاه برای مدت بیش از ۴۸ ساعت است، مطلع کنند. اعلام این موضوع به مقامات کنسولی کشور متبوع نوجوان نیز ضروری است.

۵۷. به محض فوت نوجوان در حبس، نزدیکترین خویشاوند او باید حق داشته باشد گواهی مرگ را بررسی و جسد را رونیت کند و نحوه تدفین جسد را مشخص نماید. به محض فوت نوجوان در بازداشتگاه باید تحقیقات مستقلی از علت مرگ به عمل آمده و گزارشی به نزدیکترین خویشاوند وی ارائه شود. یک چنین تحقیقاتی در

صورت مرگ نوجوان در عرض ۶ ماه پس از تاریخ آزادی از بازداشتگاه و وجود دلایلی مبنی بر ارتباط فوت با اقامت در بازداشتگاه نیز باید انجام گیرد.

۵۸. نوجوان باید در اولین فرصت ممکنه از مرگ، بیماری جدی یا جراحت خویشاوندان خود آگاه شود و بتواند در مراسم خاکسپاری شرکت کند و یا از خویشاوندی که به شدت مریض است عیادت کند.

### ی. تماس با جامعه

۵۹. از هر وسیله‌ای باید برای ایجاد ارتباط کافی نو جوان با دنیای خارج استفاده شود. این اقدام جزء مکمل حق رفتار عادلانه و انسانی با نوجوان است و از لحاظ آماده ساختن نوجوان جهت بازگشت به جامعه اهمیت بسزایی دارد. نوجوانان بایستی مجاز به برقراری ارتباط با خانواده، دوستان، افراد دیگر و نمایندگان سازمان‌های معتبر خارج از زندان باشند و بتوانند برای ملاقات با خانواده خود بازداشتگاه را ترک کنند و یا برای تحصیل و آموزش‌های حرفه‌ای و یا دلایل مهم دیگر از بازداشتگاه خارج شوند. چنانچه نوجوان محکومیت خود را می‌گذراند مدت زمانی را که بیرون از بازداشتگاه به‌سر می‌برد بایستی جزء مدت محکومیت او لحاظ شود.

۶۰. هر نوجوانی حق دارد به طور منظم و بدفعات، علی‌الاصول یک بار در هفته و یا حداقل یک بار در ماه با افراد خانواده خود با رعایت حق حریم خصوصی، ملاقات داشته باشد و همچنین حق ارتباط و مراسله با اعضای خانواده و وکیل خود را بدون محدودیت دارا است.

۶۱. هر نوجوانی باید حق داشته باشد حداقل دو بار در هفته، به طور کتبی یا تلفنی، با فردی که می‌خواهد تماس برقرار کند مگر این که به موجب قانون از این حق محروم شده باشد. برای استفاده درست از این حق باید به او مساعدت شود. نوجوانان بایستی حق دریافت مکاتبات را دارا باشند.

۶۲. نوجوانان باید بتوانند از طریق مطالعه روزنامه، مجله و سایر نوشتجات و دسترسی به رادیو و تلویزیون و پخش فیلم و نیز از طریق ملاقات با نمایندگان انجمن‌ها و سازمان‌های قانونی مورد علاقه‌شان، در جریان اخبار قرار گیرند.

### ک. محدودیت در استفاده از ابزار مهارکننده و توسل به زور

۶۳. توسل به ابزارهای مهارکننده بدنی و توسل به زور باید ممنوع و محدود به قاعده ۶۴ باشد.

۶۴. استفاده از ابزارهای مهارکننده بدنی و توسل به زور تنها در موارد استثنایی و زمانی که تمامی راه‌های دیگر کنترل بی‌نتیجه مانده باشد مجاز است. این امر منحصراً می‌تواند در محدوده‌ای که به طور مشخص توسط قوانین و مقررات تعیین شده است، انجام گیرد. این روش‌ها بایستی موجب هتک حیثیت و تحقیر نوجوان شود و باید منحصراً در کوتاهترین مدت زمان ممکنه مورد حکم قرار گیرد. این گونه ابزارها ممکن است به دستور مدیر بازداشتگاه برای جلوگیری از صدمه زدن نوجوان به خود یا دیگران یا تخریب جدی اموال به کار رود، در این گونه موارد مدیر مربوطه باید با پرسنل پزشکی و یا افراد ذی‌ربط مشورت کرده و گزارشی به مقام مافوق خود ارسال کند.

۶۵. حمل و استفاده از اسلحه توسط پرسنل در بازداشتگاه نوجوانان بایستی ممنوع شود.

### ل. روش‌های انضباطی

۶۶. کلیه تدابیر و روش‌های انضباطی باید متضمن حفظ امنیت و نظم سالم زندگی جمعی بوده و منطبق با رعایت شأن ذاتی نوجوان و هدف اصلی رفتار در بازداشتگاه، یعنی ترویج مفهوم عدالت و عزت نفس و همچنین رعایت حقوق بنیادین همگان، در اذهان نوجوانان باشد.

۶۷. روش‌ها یا تدابیر انضباطی که متضمن رفتارهای خشن، غیر انسانی و اهانت آمیز باشد از جمله تنبیه بدنی، حبس در سلول‌های تاریک، حبس در سلول انفرادی یا هر تنبیه دیگری که سلامت جسمی یا روانی نوجوان را به خطر اندازد، بایستی اکیداً منع شود. تقلیل جیره غذایی، محدودیت یا لغو تماس با اعضای خانواده نباید به هیچ وجه به عنوان تنبیه انضباطی به کار گرفته شود. اشتغال به کار بایستی همواره به عنوان یک ابزار آموزشی و وسیله‌ای جهت ارتقای اعتماد به نفس و آماده سازی نوجوان جهت بازگشت به جامعه تلقی شود و نه به عنوان یک اقدام انضباطی. هیچ نوجوانی را نبایستی به خاطر یک خطای انضباطی بیش از یک بار مجازات کرد. مجازات‌های جمعی بایستی ممنوع شود.

۶۸. با عنایت کامل به خصوصیات، نیازها و حقوق نوجوانان، بایستی قوانین یا آیین نامه هایی توسط مقامات اداری صلاحیت‌دار برای امور زیر پیشبینی شود:  
(الف) رفتاری که تخلف انضباطی محسوب می‌شود؛  
(ب) نوع و مدت مجازات انضباطی؛  
(ج) مقام ذی‌صلاح در تصمیم‌گیری؛  
(د) مقام ذی‌صلاح در تجدیدنظر.

۶۹. گزارش تخلف بایستی فوراً به مقام ذی‌صلاح ارسال شود و وی باید بدون تأخیر تصمیم‌گیری کند. مورد بایستی به‌طور دقیق توسط این مقام بررسی شود.

۷۰. هیچ نوجوانی را نبایستی به مجازات انتظامی محکوم کرد مگر براساس قوانین و مقررات موجود. نوجوان باید از تخلف خود آگاه شود و به او فرصت مناسبی برای دفاع از خود و همچنین درخواست پژوهش از یک مقام بی‌طرف داده شود. موازین و تصمیمات انضباطی باید به دقت ثبت و نگهداری شود.

۷۱. هیچ نوجوانی نباید مسئول امور انتظامی شود مگر در امور نظارت بر فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، ورزشی یا در برنامه‌های خودگردانی.

## م. بازرسی و شکایات

۷۲. بازرسان صلاحیت‌دار یا مقامات هم سطح آنها که به مدیریت بازداشتگاه وابسته نباشند باید بتوانند بازرسی‌های منظم یا غیر منتظره به‌عمل آورند و باید در انجام وظیفه خود از استقلال کامل برخوردار باشند. بازرسان باید به کارکنان مکان‌هایی که نوجوانان در آن حضور دارند یا ممکن است در آن محبوس شوند، همچنین به کلیه نوجوانان و نیز دفاتر ثبت بازداشتگاه دسترسی داشته باشند.

۷۳. مسئولان صلاحیت‌دار امور پزشکی مرتبط به مقام بازرسی یا به سازمان رسمی بهداشت کشور باید در بازرسی‌ها شرکت کرده و میزان رعایت قواعد مربوط به محیط زیست، بهداشت، مکان حبس، تغذیه، ورزش و خدمات پزشکی و سایر شرایط زندگی که بر سلامتی روحی و روانی جوان تأثیر می‌گذارد بررسی کنند. هر نوجوان باید حق داشته باشد به‌طور آزادانه با هر کدام از بازرسانی که مایل باشد گفتگو کند.

۷۴. بازرسان بایستی پس از انجام هر بازرسی گزارشی از یافته‌های خود ارائه دهند. گزارش مزبور باید شامل ارزیابی میزان اجرای قواعد حاضر و مقررات کشور توسط بازداشتگاه و نیز توصیه‌هایی برای تضمین رعایت آنها باشد. هر گونه مطلبی که به نظر بازرسی نقض مقررات مربوط به حقوق نوجوانان یا طرز اداره بازداشتگاه باشد باید به مقام صلاحیت‌دار جهت تحقیق و پیگیری منعکس شود.

۷۵. نوجوانان بایستی بتوانند تقاضاها و شکایات خود را نزد مدیر بازداشتگاه یا نماینده او مطرح کنند.

۷۶. نوجوانان حق دارند درخواست یا شکایات خود را، بدون سانسور مطالبی از اصل موضوع، از طرق مقرر، به مدیریت مرکزی، مقام قضایی یا مقامات صالح دیگر تسلیم کنند و بدون تأخیر از نتیجه آن مطلع شوند.

۷۷. باید کوشش شود مرکز بازرسی مستقل و یا (بازرس ویژه) جهت دریافت و انجام تحقیقات و حل و فصل عادلانه آن در خصوص شکایات نوجوانانی که آزادی آنها سلب شده است، تعیین گردد.

۷۸. هر نوجوانی حق دارد از اعضای خانواده خود، مشاوران حقوقی، گروه‌هایی که به فعالیت‌های بشردوستانه می‌پردازند و در صورت امکان از منابع دیگر برای ارائه شکایت خود درخواست کمک کند. نوجوانانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانند باید برای استفاده از خدمات سازمان‌های دولتی یا خصوصی که مشاوره حقوقی ارائه می‌دهند یا رجوع به مراجع صالح رسیدگی به شکایات راهنمایی و مساعدت شوند.

## ن. بازگشت به جامعه

۷۹. کلیه نوجوانان باید از تسهیلات پیش‌بینی شده جهت بازگشت به جامعه و خانواده، ادامه تحصیل و اشتغال به کار برخوردار شوند. بدین منظور باید روالی ناظر بر آزادی پیش از موعد و نیز کلاس‌های آمادگی جهت بازگشت به جامعه پیش‌بینی شود.

۸۰. مقامات صلاحیت‌دار باید تمهیدات لازم جهت کمک به نوجوانان در یافتن مکانی در اجتماع و کاهش پیش‌داوری منفی بر علیه آنها تأمین یا تضمین کنند. این تمهیدات حتی‌الامکان باید شامل تأمین محل اقامت، کار، لباس و امکانات کافی برای بازگشت موفقیت‌آمیز به جامعه باشد. نمایندگان سازمان‌هایی که چنین خدماتی را تأمین می‌کنند باید مورد مشورت قرار گرفته و به نوجوانان در دوران بازداشت دسترسی داشته باشند تا بتوانند به آنها در بازگشت به جامعه یاری کنند.

## پرسنل

۸۱. کارکنان مؤسسات نگهداری نوجوانان بزه کار را بایستی افراد صلاحیت‌دار تشکیل دهند. در میان آن‌ها باید به تعداد کافی افراد متخصص چون مربیان تربیتی، آموزگاران حرفه‌وفن، مشاوران، مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و روان‌پزشکان موجود باشد. قاعدتاً این افراد و سایر کارکنان متخصص بایستی به عنوان پرسنل دائمی به کار گرفته شوند. این امر مانع از استفاده از کارمندان نیمه‌وقت یا داوطلبانی که سطح آموزش و حمایت‌های آنها قابل قبول و مفید است، نمی‌شود. بازداشتگاه‌ها باید از تمامی منابع درمانی، آموزشی، اخلاقی، روحانی و سایر منابعی که در جامعه وجود دارد و می‌تواند به حل مسائل و پاسخگویی به نیازهای نوجوانان بازداشت شده کمک کند، استفاده کنند.

۸۲. مدیریت مکان‌های حبس نوجوانان بزه کار باید برای انتخاب دقیق و استخدام افراد مختلف در هر رده شغلی اقدام کند زیرا مدیریت صحیح بازداشتگاه‌ها به صداقت انسانیت، لیاقت و توانایی حرفه‌ای کارکنان آن در رویارویی با مسائل نوجوانان و نیز صلاحیت آن‌ها برای وظایف موجود، بستگی دارد.

۸۳. برای نیل به اهداف مذکور کارکنان مکان‌های حبس نوجوانان بزه کار باید به عنوان مسئولان متخصص با حقوق مکفی استخدام شوند به نحوی که زنان و مردان شایسته‌ای جذب این حرفه شده و در آن ابقاء شوند. پرسنل بازداشتگاه‌های نوجوانان باید همواره تشویق شوند الزامات و وظایف خود را به روشی انسانی، با تعهد و صداقت و به طریقی کارآمد انجام داده و حس احترام نوجوانان را نسبت به خود برانگیزند و سرمشق مثبتی برای آنها باشند.

۸۴. مدیریت مکان‌های حبس نوجوانان بزه کار باید از انواع روش‌های سازماندهی و مدیریت که ارتباط بین سطوح مختلف کادر مؤسسه را تسهیل می‌کند استفاده نموده و همکاری میان مراکز مختلف درگیر امور نوجوانان

را گسترش دهد و نیز تماس میان پرسنل و مدیریت را به منظور حصول اطمینان از مناسب بودن شرایط کاری برای انجام وظیفه به نحو احسن، توسط پرسنلی که در تماس مستقیم با نوجوانان است، تقویت کند.

۸۵. کارکنان مؤسسات نگهداری نوجوانان بزه کار باید برای انجام مؤثر مسئولیت‌های خود آموزش دیده باشند، از جمله آموزش درباره روانشناسی کودک، رفاه کودک و استانداردها و قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک، و همچنین قواعد حاضر. کارکنان باید سطح آگاهی علمی و ظرفیت حرفه‌ای خود را با شرکت در دوره‌های آموزش حین خدمت که در فواصل منظمی تشکیل می‌شود، تقویت کنند.

۸۶. مدیر بازداشتگاه باید برای انجام وظایف خود از صلاحیت کافی، توانایی مدیریت، آموزش لازم، و تجربه کافی برخوردار باشد و وظایف خود را به‌طور تمام وقت انجام دهد.

۸۷. پرسنل بازداشتگاه باید به وظایف خود با احترام به شئون انسانی و حقوق بنیادین فردی کلیه نوجوانان و به ویژه با رعایت امور زیر عمل کند:

الف) هیچ‌یک از کارکنان بازداشتگاه‌ها و مؤسسات نگهداری، تحت هیچ عنوانی و تحت هیچ شرایطی نباید مرتکب شکنجه، یا مجازات یا تنبیه انضباطی خشن یا غیر انسانی یا اهانت آمیز شوند یا آنرا تشویق کنند یا مورد تساهل قرار دهند؛

ب) کلیه کارکنان باید اکیداً با فساد اداری مخالفت و مبارزه کنند و وقوع چنین اعمالی را فوراً به مقامات صلاحیت‌دار گزارش دهند؛

ج) کلیه کارکنان باید به مفاد این قواعد احترام بگذارند. کارکنانی که دلایلی مبنی بر نقض این قواعد و یا مبنی بر شروع به نقض در دست دارند باید مراتب را فوراً به مقام مافوق خود و یا ارگان‌های بالاتر با اختیارات بازرسی و تجدیدنظر گزارش دهند؛

د) کلیه کارکنان باید از انجام مراقبت کامل از سلامتی جسمی و روانی نوجوانان، و حمایت از آنها در مقابل سوء استفاده جسمی، جنسی و عاطفی و بهره‌کشی از نوجوانان اطمینان حاصل کنند؛

ه) کلیه کارکنان باید به حق برخورداری از حریم خصوصی و محرمانه بودن مسائل خصوصی نوجوان یا خانواده‌اش که به دلایل حرفه‌ای بدان آگاهی دارند، احترام بگذارند.

و) کلیه کارکنان باید تلاش کنند اختلافات میان وضعیت زندگی در داخل و خارج از بازداشتگاه را به حداقل برسانند زیرا این تفاوت می‌تواند موجب کاهش احترام به حیثیت نوجوان به عنوان موجود بشر شود.

## اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز

مصوب مجمع عمومی سازمان متحد طی قطعنامه (۳۰) ۳۴۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ .

### ماده ۱

۱. در چهارچوب این اعلامیه واژه شکنجه به هر فعل عمدی ای اطلاق می شود که سبب درد و رنج شدید جسمانی یا روانی یک فرد شود و انگیزه هایی چون: کسب اطلاعات و یا اقرار از فرد و یا شخص ثالث، مجازات فرد به دلیل عملی که مرتکب شده است یا مظنون به ارتکاب آن است و یا ارباب فرد یا شخص ثالث، محرک آن باشد. یک چنین درد و رنجی باید توسط یا به تحریک یک مأمور دولتی و یا مأمور یک نهاد رسمی کشور ایجاد شده باشد. این تعریف درد و رنجی که ناشی از آثار طبیعی و یا تصادفی مجازات های قانونی مطابق با قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان است را در بر نمی گیرد.

۲. شکنجه شکل افراطی و عمدی رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز است.

### ماده ۲

انجام هر عملی که تحت عنوان شکنجه و یا رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار گیرد اهانتی است به شأن انسان. چنین عملی محکوم است زیرا اهداف منشور سازمان ملل متحد را نفی کرده و تجاوز شدید و آشکاری است به حقوق بشر و آزادی های بنیادین مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر.

### ماده ۳

هیچ کشوری نباید شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز را مجاز گردانده و یا مورد تساهل قرار دهد برای توجیه اعمال مذکور نمی توان به هیچ وضعیت استثنائی از جمله: وضعیت جنگی، خطر وقوع جنگ، بی ثباتی سیاسی در داخل کشور و یا هر موقعیت اضطراری عمومی دیگر، استناد کرد.

### ماده ۴

کشورها موظفند طبق موازین اعلامیه حاضر، موازین مؤثری را جهت پیشگیری از اعمال شکنجه در حوزه قضایی خود، اتخاذ کنند.

### ماده ۵

در برنامه های آموزشی مأموران حفظ نظم و اجرای قانون و مأموران رسمی دیگری که امکان دارد افراد محروم از آزادی تحت مسئولیتشان قرار گیرند، باید دقیقاً بر ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز تأکید شود. این ممنوعیت همچنین باید در قواعد یا دستورالعمل های مربوط به شرح وظایف و الزامات شغلی کلیه افرادی که امکان دارد در مراقبت و یا برخورد با افراد محروم از آزادی شرکت داشته باشند، گنجانده شود.

### ماده ۶

به منظور پیشگیری از اعمال شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز، کشورها موظفند نظارتی مستمر بر روش و رویه عملی بازجویی، موازین بازداشت و رفتار با افراد محروم از آزادی در حوزه صلاحیت قضایی خود، به عمل آورند.

#### ماده ۷

کشورها موظفند مراقبت به عمل آورند که هر عملی که تحت عنوان شکنجه قرار می گیرد طبق قوانین کیفری ایشان جرم شناخته شود. این حکم در مورد هر عملی که شرکت یا معاونت در اعمال شکنجه و یا ترغیب بدان یا شروع به انجام آن محسوب شود، نیز جاری است.

#### ماده ۸

هر فردی که ادعا کند توسط مأمور دولت یا مأمور سایر نهادهای رسمی کشور و یا به تحریک او تحت شکنجه و یا سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار گرفته است از حق طرح شکایت در مراجع صالح برخوردار است. مرجع صالح موظف است به شکایت او با بی طرفی رسیدگی کند.

#### ماده ۹

هر گاه دلایل و قرائن معتبر و منطقی مبنی بر وقوع شکنجه طبق تعریف ماده ۱ در دست باشد، مقامات مسئول صلاحیتدار کشور ذیربط باید رأساً و بدون فوت وقت اقدام به انجام تحقیقات کنند.

#### ماده ۱۰

چنانچه تحقیقاتی که بر طبق ماده ۸ و یا ۹ انجام گرفته است حاکی از وقوع شکنجه طبق تعریف ماده ۱ باشد، تعقیب کیفری مظنونین به ارتکاب آن باید طبق آیین دادرسی کیفری ملی آغاز شود. چنانچه ادعای موجهی مبنی بر وقوع سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز شده باشد، افراد مظنون به ارتکاب این اعمال طبق آیین دادرسی کیفری و یا دادرسی انتظامی و یا روال مناسب دیگری تعقیب خواهند شد.

#### ماده ۱۱

هنگامی که اعمال شکنجه و یا سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز توسط یا به تحریک مأمور دولت و یا مأمور سایر نهادهای رسمی کشور اثبات شود، قربانی طبق قوانین داخلی حق بر جبران خسارت و دریافت غرامت خواهد داشت.

#### ماده ۱۲

به اظهاراتی که ثابت شده است تحت شکنجه و یا سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز صورت گرفته است نمی توان به عنوان دلیل بر ضد اظهار کننده آن و یا شخص ثالثی استناد کرد.



## معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز

معاهده {کنوانسیون} حاضر در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ طی قطعنامه ۳۹/۴۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و جهت امضاء، تنفیذ و الحاق بدان مفتوح شد.

لازم الاجرا به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ مطابق با بند یک ماده ۲۷.

کشورهای معاهد،

با در نظر داشتن اینکه بر طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، شناخت حقوق برابر و لاینفک هر عضوی از اعضای خانواده بشری بنیان آزادی، عدالت و صلح جهانی است،

با شناخت اینکه این حقوق از شأن ذاتی موجود بشری نشأت می گیرد،

با در نظر داشتن اینکه کشورها بر طبق منشور، به ویژه ماده ۵۵ آن، به اعتلای احترام جهانی و بالفعل به حقوق و آزادی های بنیادین ملزم شده اند،

با توجه به اینکه ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر کرده اند که احدی نباید مورد شکنجه، رفتار یا مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار گیرد،

همچنین با توجه به اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز که در تاریخ نهم دسامبر ۱۹۷۵ به تصویب مجمع عمومی رسیده است،

و با خواست اعتلای کارایی مبارزه بر ضد شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز در سراسر جهان، موافقت خود را با موارد ذیل اعلام میدارند:

### بخش اول

#### ماده ۱

۱- در معاهده حاضر، واژه شکنجه به هر فعل عمدی ای اطلاق می شود که سبب درد و رنج شدید جسمانی یا روانی یک فرد شود و انگیزه هایی چون: کسب اطلاعات و یا اقرار از فرد یا شخص ثالث، مجازات فرد به دلیل عملی که او یا شخص ثالثی مرتکب شده و یا مظنون به ارتکاب آن است، ایجاد رعب یا اعمال زور بر فرد یا شخص ثالث، و یا هر انگیزه دیگر مبتنی بر اعمال هر نوع تبعیض، موجب آن شده باشد. یک چنین درد و رنجی باید توسط یا به تحریک و یا توافق صریح یا ضمنی مأمور دولت و یا فرد دیگری که تحت عنوانی رسمی عمل می کند، به وجود آمده باشد. این تعریف شامل درد و رنجی که ناشی از آثار طبیعی و یا تصادفی مجازات قانونی است، نمی شود.

۲- این ماده خدشه ای به اجرای هیچیک از اسناد حقوق بین الملل و یا قوانین ملی کشورها که موازینشان موارد وسیعتری را در بر می گیرد و یا بالقوه در بر خواهد گرفت، وارد نخواهد کرد.

#### ماده ۲

۱- کشورهای معاهد موظفند موازین قانونی، اداری، قضایی و موازین مؤثر دیگری را جهت پیشگیری از اعمال شکنجه در حوزه قضایی خود، اتخاذ کنند.

۲- برای توجیه اعمال شکنجه نمی توان به هیچ وضعیت استثنائی از جمله: وضعیت جنگی، خطر وقوع جنگ، بی ثباتی سیاسی در داخل کشور و یا هر موقعیت اضطراری عمومی دیگر، استناد کرد.

۳- اجرای دستور مافوق یا مقام رسمی را نمی توان به عنوان عذر موجه در اعمال شکنجه مورد استناد قرار داد.

### ماده ۳

- ۱- کشورهای معاهد نباید فردی را به سوی کشوری اخراج کنند، و یا بازگردانند و یا به کشوری تحویل دهند که دلایل محکمی مبنی بر احتمال شکنجه آن فرد در آن کشور وجود دارد.
- ۲- برای تشخیص این دلایل، مقامات صالح موظفند تمامی ملاحظات جانبی از جمله، در صورت وقوع، موارد نقض شدید، آشکار و گسترده حقوق بشر به طور مستمر را مد نظر قرار دهند.

### ماده ۴

- ۱- کشورهای معاهد موظفند اقداماتی به عمل آورند تا کلیه اعمالی که تحت عنوان شکنجه قرار می‌گیرد در حقوق کیفریشان جرم شناخته شود، همچنین این حکم در مورد هر اقدامی به شکنجه که متوقف مانده باشد و یا هر عملی از جانب هر فردی که بتوان آن را شرکت یا معاونت در اعمال شکنجه تلقی کرد نیز جاری است.
- ۲- کشورهای معاهد موظفند برای این جرائم مجازات‌هایی مناسب با شدت و ضعف جرم پیشبینی کنند.

### ماده ۵

- ۱- کشورهای معاهد موظفند به منظور تثبیت حوزه قضایی خود در رسیدگی به جرائم مندرج در ماده ۴، موازین لازم را در موارد زیر اتخاذ کنند:
  - (الف) هنگامی که جرم در حوزه تحت صلاحیت قضایی کشور یا در کشتی یا هواپیمائی که در آن کشور به ثبت رسیده است ارتکاب یافته باشد؛
  - (ب) هنگامی که متهم تابعیت آن کشور را دارا باشد؛
  - (ج) هنگامی که قربانی تابعیت آن کشور را دارا باشد و کشور متبوعه رسیدگی به موضوع را مناسب تشخیص دهد.
- ۲- همچنین هر کشور معاهد موظف است در تثبیت صلاحیت خود در رسیدگی به جرائم مذکور، در مورد متهمی که در حوزه قضایی آن کشور حضور دارد و کشور مزبور وی را بر طبق ماده ۸ این معاهده به هیچیک از کشورهای مذکور در بند ۱ این ماده مسترد نمی‌کند، موازین لازم را اتخاذ نماید.
- ۳- این معاهده هیچ نوع صلاحیت قضایی را که بر طبق قوانین ملی برای رسیدگی به امور کیفری اعمال شده است، نقض نمی‌کند.

### ماده ۶

- ۱- کشورهای معاهد موظفند شخص مظنون به ارتکاب جرمی از جرائم مندرج در ماده ۴ که در قلمرو تحت حاکمیتشان حضور دارد را پس از بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده و احراز اعتبار آن، بازداشت کنند و یا تصمیمات قانونی دیگری در تضمین حضور او در دادرسی اتخاذ نمایند. بازداشت مظنون و هر تصمیم قانونی دیگر در مورد او باید مطابق با قوانین کشور صورت گیرد و تا زمانی ادامه یابد که برای انجام تحقیقات کیفری و یا استرداد او ضروری است.
- ۲- کشور مذکور در بند فوق موظف است در اسرع وقت تحقیقات مقدماتی را در مورد واقعه آغاز کند.
- ۳- کلیه افرادی که به پیرو اجرای مفاد بند (۱) این ماده بازداشت شده اند حق دارند با قابل دسترس ترین نماینده صلاحیت دار دولت متبوعشان و در صورتی که تابعیت کشوری را دارا نباشند با نماینده کشور محل اقامتشان، تماس حاصل کنند.
- ۴- کشوری که طبق مفاد این ماده فردی را بازداشت کرده است، موظف است بیدرنگ دولته ای مذکور در بند ۱ ماده ۵ این معاهده را از بازداشت و دلایل وقرائنی که آن را موجه ساخته است مطلع کند. کشوری که طبق بند ۲ این ماده تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد، باید یافته‌های خود را به کشورهای مذکور گزارش و قصد خود را در اعمال صلاحیت و یا عدم اعمال آن اعلام کند.

## ماده ۷

- ۱- کشوری که شخص مظنون به ارتکاب جرمی از جرائم موضوع ماده ۴ این معاهده، در حوزه صلاحیت قضایی اش حضور دارد و طبق مفاد ماده ۵ از استرداد شخص مزبور امتناع می‌ورزد، موظف است موضوع را جهت پیگیری کیفری به مراجع صلاحیت‌دار خود ارجاع دهد.
- ۲- مراجع صلاحیت‌دار موظفند تصمیمات خود را طبق روال قانونی ناظر بر جرائم عمومی با کیفیت حاد، اتخاذ کنند. در موارد مندرج در بند ۲ ماده ۵، ادله و مدارکی که برای تعقیب و محکومیت متهم لازم است بهیچوجه نباید ضعیف‌تر از ادله‌ای باشد که در موارد موضوع بند ۱ ماده ۵ خواسته شده است.
- ۳- افرادی که به اتهام ارتکاب جرمی از جرائم مندرج در ماده ۴ این معاهده تحت تعقیب قرار می‌گیرند باید در کلیه مراحل دادرسی از رفتاری عادلانه برخوردار شوند.

## ماده ۸

- ۱- قراردادهای استرداد مجرم که میان کشورهای معاهد منعقد می‌شود جرائم مندرج در ماده ۴ را نیز در بر می‌گیرد. کشورهای معاهد موظفند جرائم مذکور را در کلیه قراردادهای خود مربوط به استرداد مجرم، وارد کنند.
- ۲- کشورهای معاهد که استرداد مجرم را موکول به عقد قرارداد کرده‌اند، چنانچه از جانب دولت دیگر معاهد که با آن چنین قراردادی منعقد نکرده‌اند تقاضایی مبنی بر استرداد مجرم دریافت کنند می‌توانند معاهده حاضر را مبنای حقوقی استرداد مجرم قرار دهند. استرداد بر طبق مقررات کشوری که از او تقاضای استرداد شده است انجام می‌پذیرد.
- ۳- کشورهای معاهدی که استرداد مجرم را موکول به وجود قرارداد نکرده‌اند، در روابط میان خود باید با رعایت مقررات کشوری که از او تقاضای استرداد شده است، جرائم مذکور را در حکم جرائم قابل استرداد قرار دهند.
- ۴- کشورهای معاهد باید در مورد استرداد مجرم میان خود فرض را بر این قرار دهند که جرائم مذکور منحصراً در يك محل وقوع نیافته است، بلکه در قلمرو تحت صلاحیت قضایی کشورهای رخ داده است که باید حوزه صلاحیت قضایی خود را بر اساس بند (۱) ماده ۵ تثبیت کنند.

## ماده ۹

- ۱- کشورهای معاهد در رسیدگی کیفری به جرائم مذکور در ماده ۴ این معاهده از هیچ کمکی به یکدیگر دریغ نخواهند کرد، از جمله ارائه و تبادل دلایل و مدارک تحت اختیارشان که در رسیدگی به موضوع ضروری است.
- ۲- کشورهای معاهد موظفند تعهدات خود را بر طبق مفاد بند ۱ این ماده، در انطباق با معاهداتی که در ارتباط با کمک‌های متقابل قضایی میان خود منعقد کرده‌اند، اجرا کنند.

## ماده ۱۰

- ۱- کشورهای معاهد باید مراقبت به عمل آورند که آموزش و ارائه اطلاعات در باره ممنوعیت شکنجه در برنامه آموزشی مأموران حفظ نظم و اجرای قانون اعم از مجریان نظامی یا غیر نظامی، کارکنان امور پزشکی، مأموران رسمی، و سایر اشخاصی که محتمل است در امر بازداشت، بازجویی، یا برخورد با افراد تحت توقیف، بازداشت و یا محبوس، دخالت داشته باشند، گنجانده شود.
- ۲- کشورهای معاهد موظفند ممنوعیت شکنجه را در قواعد یا دستورالعمل‌های مربوط به شرح وظایف و الزامات شغلی افراد مذکور در فوق بگنجانند.

#### ماده ۱۱

کشورهای معاهد موظفند به منظور پیشگیری از اعمال هر نوع شکنجه در حوزه قضایی خود، بر قواعد و دستورالعملها و رویه‌های عملی بازجویی، موازین مربوط به حبس و طرز برخورد با افرادی که بهر شکل توقیف، بازداشت، و یا زندانی شده‌اند، نظارت و بررسی مستمر داشته باشند.

#### ماده ۱۲

کشورهای معاهد موظفند در مواردی که دلایل منطقی مبنی بر احتمال اعمال شکنجه در حوزه قضایی آن‌ها در دست است، رسیدگی و انجام تحقیقات فوری و بی‌طرفانه توسط مقامات صلاحیتدار را تضمین کنند.

#### ماده ۱۳

کشورهای معاهد موظفند حق طرح شکایت در مراجع قضایی و رسیدگی بی‌درنگ و بی‌طرفانه توسط مقامات صلاحیتدار را برای اشخاص مدعی تحمل شکنجه در قلمرو قضایی آنان، تضمین کنند. همچنین کشورها باید موازینی پیش‌بینی کنند که مصونیت شاکی و گواهان از سوء رفتار و یا هر نوع تهدید به دلیل طرح شکایت و یا ارائه مدارک، تضمین شود.

#### ماده ۱۴

۱- کشورهای معاهد موظفند امکان جبران خسارت قربانی شکنجه و حق او در دریافت غرامت عادلانه و کافی را در نظام قضایی خود تضمین کنند، این حق شامل توان بخشی کامل قربانی نیز می‌شود. در صورتی که اعمال شکنجه موجب فوت فرد شود، حق بر جبران خسارت برای نزدیکان وی تثبیت خواهد شد.

۲- مفاد این ماده، حقوقی را که قربانی و یا اشخاص دیگر، طبق قوانین داخلی بر دریافت غرامت دارا هستند، نقض نخواهد کرد.

#### ماده ۱۵

کشورهای معاهد موظفند در جریان دادرسی استناد به مطالبی را که محرز است تحت شکنجه اظهار شده است ممنوع کنند، مگر بر علیه مرتکب شکنجه برای اثبات اینکه اظهاراتی تحت شکنجه صورت گرفته است.

#### ماده ۱۶

۱- کشورهای معاهد موظفند در حوزه قضایی خود از انجام هر عملی توسط یا به تحریک و یا با توافق صریح یا ضمنی یک مأمور دولت و یا هر شخص دیگری که تحت عنوان رسمی عمل میکند که مجازات و رفتار بیرحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز محسوب می‌شود اما تحت عنوان عمل شکنجه بر طبق تعریف ماده ۱ این معاهده قرار نمی‌گیرد، ممانعت به عمل آورند. به ویژه الزامات ناشی از مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ را با بسط کلمه شکنجه به مجازات و رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز، اجرا کنند.

۲- مقررات معاهده حاضر هیچیک از مقرره‌های اسناد حقوق بین الملل یا قوانین داخلی کشورها که مجازات و رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز را ممنوع کرده‌اند، و یا به استرداد یا اخراج مربوط می‌شوند، نقض نخواهد کرد.

### بخش دوم

#### ماده ۱۷

۱- کمیته‌ای تحت عنوان کمیته منع شکنجه (که از این پس با کلمه کمیته بدان اشاره می‌شود) ایجاد خواهد شد که به اموری که در ذیل می‌آید خواهد پرداخت. کمیته باید از ده کارشناس واجد صلاحیت اخلاقی ممتاز و خیره در زمینه حقوق بشر، تشکیل شود. اعضا باید رأساً به نام خود و مستقل از کشور معرف عمل کنند. این کارشناسان باید توسط کشورهای معاهد با توجه به تقسیمات عادلانه جغرافیایی و منافعی که از شرکت افراد مجرب در امور حقوقی در کمیته حاصل خواهد شد، انتخاب شوند.

۲- اعضای کمیته از میان فهرست اسامی نامزدهای کشورهای معاهد با رأی مخفی انتخاب خواهند شد. کشورهای معاهد باید از میان اتباع خود فردی را انتخاب و معرفی کنند. کشورهای معاهد بایستی به منافع حاصل از انتخاب نامزدهای خود از میان اعضای کمیته حقوق بشر ( که طبق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تأسیس شده است ) که مایل به شرکت در کمیته منع شکنجه‌اند، توجه خاص مبذول دارند.

۳- اعضای کمیته در طی اجلاس دوسالانه کشورهای معاهد که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود، انتخاب خواهند شد. این جلسات با شرکت دو سوم اعضاء رسمیت خواهد یافت، افرادی انتخاب خواهند شد که اکثریت مطلق آراء نمایندگان کشورهای معاهد را که در جلسه حضور دارند، کسب کرده باشند.

۴- نخستین انتخابات باید حداکثر ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن معاهده صورت گیرد. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است حداقل چهار ماه پیش از تاریخ انجام هر نوبت از انتخابات کمیته، کتباً از کشورهای معاهد درخواست کند ظرف سه ماه نامزدهای انتخاباتی خود را معرفی کنند. دبیرکل همچنین باید فهرستی به ترتیب حروف الفبا از اسامی افرادی که بدین طریق نامزد می‌شوند را با ذکر نام کشورهای معرف آنها تهیه و به کشورهای معاهد ابلاغ کند.

۵- اعضای کمیته برای مدت چهارسال انتخاب می‌شوند و در صورت نامزدی مجدد، انتخاب آنها بلامانع است. لیکن دوره نمایندگی ۵ تن از اعضاء منتخب در اولین انتخابات، پس از پایان دو سال منقضی خواهد شد. اسامی این ۵ تن بلافاصله پس از اجلاس مذکور در بند ۳ این ماده، بحکم قرعه توسط رئیس جلسه مشخص خواهد شد.

۶- در صورت فوت یا استعفای عضوی از اعضای کمیته و یا عدم توانایی او در انجام وظیفه به دلایل دیگر، دولت معرف او، کارشناس دیگری از اتباع خود را برای تصدی باقیمانده دوره نمایندگی معرفی خواهد کرد که باید به تأیید اکثر کشورهای معاهد برسد. پس از سپری شدن شش هفته از آگاهی کشورهای معاهد توسط دبیرکل سازمان ملل متحد از معرفی فرد جدید، فرض بر تأیید او قرار داده خواهد شد مگر اینکه حداقل نیمی از کشورهای مخالف خود را با آن اعلام کرده باشند.

۷- مخارج اعضای کمیته در دوران عضویت به‌عهده کشورهای معاهد خواهد بود.

## ماده ۱۸

۱- کمیته کارکنان دفتری خود را برای يك دوره دو ساله انتخاب میکند و انتخاب مجدد آن‌ها بلامانع است.

۲- کمیته مقررات داخلی خود را خود تدوین می‌کند، لیکن این مقررات باید موازین زیر را در برداشته باشد:

الف: حضور ۶ عضو برای رسمیت یافتن جلسات؛

ب: اتخاذ تصمیمات با رأی اکثریت حاضر در جلسات.

۳- دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است کارمندان و تشکیلاتی را که کمیته برای انجام وظایفش به نحو احسن بر طبق این معاهده نیاز دارد، در اختیار کمیته قرار دهد.

۴- اولین جلسه کمیته با دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد برگزار می‌شود، پس از آن، جلسات در وقت مقرر طبق آئین نامه داخلی کمیته تشکیل خواهد شد.

۵- مخارج مربوط به اجلاس کشورهای معاهد و جلسات کمیته بر عهده کشورهای معاهد است. این مخارج بازپرداخت هزینه‌های مربوط به کارکنان و تشکیلاتی که بر طبق بند ۳ این ماده توسط سازمان ملل متحد پرداخت می‌شود را نیز دربر می‌گیرد.

## ماده ۱۹

۱- دولت های معاهد موظفند ظرف یکسال پس از لازم الاجرا شدن معاهده در کشورهای خود، گزارش موازینی را که جهت اجرای تعهدات مقرر در معاهده اتخاذ کرده اند از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد به کمیته تسلیم کنند. پس از آن باید گزارش های تکمیلی خود را در مورد اتخاذ موازین جدید و نیز سایر گزارش هایی که کمیته تقاضا می کند هر چهار سال یکبار ارسال کنند.

۲- دبیرکل سازمان ملل متحد، موظف است گزارش های مزبور را در اختیار کلیه کشورهای معاهد قرار دهد.

۳- کمیته موظف است هر گزارشی را جداگانه مورد بررسی قرار داده و چنانچه لازم بداند نظرات کلی خود را در مورد آن تدوین و به کشور مربوطه ارسال کند. کشور مزبور می تواند در پاسخ، توضیحاتی را که لازم می داند به کمیته تسلیم کند.

۴- کمیته می تواند به تشخیص خود، نظریاتی را که بر طبق بند ۳ ماده حاضر ارائه کرده است همراه با پاسخ کشور مربوطه در گزارش سالانه ای که بر طبق ماده ۲۴ منتشر خواهد کرد درج نماید. کمیته همچنین می تواند، در صورت تقاضای دولت مورد نظر، گزارش موضوع بند یک این ماده را نیز بدان ضمیمه کند.

## ماده ۲۰

۱- چنانچه کمیته اطلاعات موثقی مشتمل بر قرائن و امارات محکم مبنی بر اعمال مستمر شکنجه در قلمرو یک کشور معاهد دریافت کند، کشور مربوطه را به همکاری در انجام تحقیقات در مورد موضوع و ارائه نظرات خود به کمیته دعوت خواهد کرد.

۲- کمیته با توجه به نظریاتی که احتمالاً از طرف کشور معاهد ذینفع ارائه میشود و نیز با توجه به سایر اطلاعاتی که در مورد موضوع در اختیار دارد، در صورتی که موجه تشخیص دهد می تواند یک یا چند تن از اعضاء خود را مأمور انجام تحقیقات محرمانه و تهیه گزارش اضطراری برای کمیته کند.

۳- چنانچه تحقیقاتی بر طبق بند ۲ این ماده صورت گیرد، کمیته کشور مورد نظر را به همکاری دعوت خواهد کرد و در صورت موافقت این کشور، می تواند تحقیقات را با بازدید از این کشور بسط دهد.

۴- کمیته پس از بررسی نظریه نهایی عضو یا اعضاء خود که بموجب بند ۲ این ماده دریافت خواهد کرد، موظف است نتیجه گیری نهایی خود را همراه با نظرات و پیشنهاداتی که با توجه به موقعیت مناسب تشخیص می دهد به کشور مورد نظر ارسال کند.

۵- کلیه اقدامات کمیته که در اجرای بندهای ۱ تا ۴ این ماده صورت می گیرد محرمانه خواهد بود. کمیته باید کوشش به عمل آورد که در کلیه مراحل تحقیق از همکاری های کشور ذیربط برخوردار شود. پس از پایان یافتن تحقیقات موضوع بند ۲ این ماده، کمیته می تواند پس از انجام مشورت با دولت ذینفع، شرح مختصری از نتایج روال رسیدگی به موضوع را در گزارش سالانه خود طبق ماده ۲۴، درج کند.

## ماده ۲۱

۱- طبق مفاد این ماده کلیه کشورهای معاهد می توانند هرآینه صلاحیت کمیته را در دریافت و رسیدگی به اطلاعاتی که یک کشور معاهد بر علیه کشور دیگر معاهد مبنی بر عدم اجرای تعهدات ناشی از مفاد این معاهده پذیرفته و اعلام کند. اطلاعاتی ای قبول و رسیدگی خواهد شد که طبق این ماده، از جانب کشوری که صلاحیت کمیته را نسبت به خود به رسمیت شناخته است ارسال شده باشد. کمیته هیچ اطلاعاتی را بر ضد کشوری که چنین صلاحیتی را به رسمیت نشناخته است، نمی پذیرد. روال رسیدگی به ادعای نامها، طبق این ماده، به شرح زیر است:

الف: چنانچه يك کشور معاهد بر این نظر باشد که کشور دیگر معاهد موازین معاهده را به موقع اجرا نمی‌گذارد، می‌تواند توسط اطلاعیه کتبی موضوع را به کشور مورد نظر تذکر دهد. دولت مزبور موظف است ظرف سه ماه پس از دریافت اطلاعیه، توضیحات و یا نظرات خود را در خصوص قضیه کتباً به کشور معترض ارسال کند. این توضیحات بایستی، حتی الامکان و در حدی که مفید واقع شود حاوی چگونگی روال رسیدگی به شکایت و دادرسی ای که طبق قانون آن کشور انجام گرفته و یا در شرف انجام است و یا امکان دسترسی به آن وجود دارد، باشد؛

ب - چنانچه ظرف شش ماه پس از دریافت اطلاعیه توسط کشور مورد اعتراض، موضوع مورد مصالحه دو کشور ذینفع قرار نگیرد، هر یک از دو کشور حق خواهد داشت با ارسال ابلاغیه به کمیته و کشور دیگر، رسیدگی به موضوع را به کمیته ارجاع دهد؛

ج - کمیته در صورتی به موضوعی که مطابق این ماده به او ارجاع می‌شود رسیدگی خواهد کرد که اطمینان حاصل کند کلیه طرق دادخواهی موجود در آن کشور، مطابق با اصولی که در قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، طی شده و پایان پذیرفته است. این قاعده در مواردی که روال دادرسی بیش از حد معقول به طول می‌انجامد و یا امیدی به احقاق حق قربانی نقض معاهده نباشد، جاری نخواهد بود؛

د - کمیته به اطلاعیه‌های موضوع این ماده در جلسات محرمانه رسیدگی خواهد کرد؛

ه - با رعایت مفاد تبصره (ج) این ماده، به منظور رسیدن به راه‌حلی مسالمت آمیز مطابق با تعهدات ناشی از این معاهده، کمیته موظف است مساعدت‌های خود را به نحو احسن در اختیار کشورهای ذینفع قرار دهد. چنانچه کمیته مقتضی بداند می‌تواند کمیته موقت صلح تشکیل دهد؛

و - کمیته می‌تواند در مورد موضوعاتی که طبق این ماده به او ارجاع می‌شود از هر يك از کشورهای ذینفع مذکور در تبصره ب بخواهد هر نوع اطلاعات لازم مربوط به موضوع را در اختیارش بگذارد؛

ز - کشورهای ذینفع موضوع تبصره ب حق دارند در جلساتی که کمیته برای رسیدگی به موضوع تشکیل می‌دهد توسط نماینده خود شرکت داشته و نظریات خود را شفاهاً و یا کتباً ابراز کنند؛

ح - کمیته باید ظرف ۱۲ ماه پس از دریافت ابلاغیه موضوع تبصره ب، گزارشی به شرح زیر تهیه کند:

(۱) چنانچه راه حلی برطبق تبصره (ه) بدست آمده باشد کمیته در گزارش خود به شرح مختصری از موضوع و مراحل بدست آمده اکتفا خواهد کرد؛

(۲) چنانچه راه‌حلی برطبق تبصره (ه) حاصل نشود کمیته باید با شرح مختصری از موضوع، متن نظریات مکتوب و یا صورتجلس اظهارات شفاهی دو کشور ذینفع را به گزارش خود ضمیمه کند. گزارش در مورد هر پرونده باید به کشورهای ذینفع معاهد ارسال شود.

۲- مفاد این ماده پس از آنکه پنج کشور معاهد اعلامیه مذکور در بند ۱ این ماده را ارسال کنند، لازم‌الاجرا خواهد شد. اعلامیه‌های مذکور باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود. دبیرکل باید رونوشت اعلامیه‌ها را برای سایر کشورهای معاهد ارسال کند. کشورهای معاهد می‌توانند هر آینه توسط ابلاغیه‌ای انصراف خود را از اعلامیه به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کنند. چنین انصرافی مانع از ادامه رسیدگی به پرونده‌هایی که طبق این ماده در دست رسیدگی است، نمی‌باشد. همچنین به اطلاعیه‌های کشوری که ابلاغیه انصرافش توسط دبیرکل دریافت شده است، طبق این ماده، ترتیب اثر داده نخواهد شد، مگر آنکه آن کشور اعلامیه جدیدی ارسال کند.

## ماده ۲۲

۱- کشورهای معاهد می‌توانند برطبق این ماده، هر آینه صلاحیت کمیته را در دریافت و رسیدگی به اطلاعیه‌هایی که راساً و یا به نمایندگی از جانب افراد تابع حوزه قضایی‌اشان مبنی بر ادعای ضرر و زیان به دلیل نقض مقررات

معاهده توسط يك کشور معاهد ارسال می‌شود، به رسمیت بشناسند. کمیته به اطلاعیه‌های مربوط به کشوری که قبول صلاحیت نکرده است، ترتیب اثر نخواهد داد.

۲- کمیته به اطلاعیه‌های موضوع این ماده که بی‌نام و نشان باشد و یا آن را سوءاستفاده از حق ارسال چنین اطلاعیه‌ای تشخیص دهد و یا آنرا مطابق با مقررات این معاهده نداند، ترتیب اثر نخواهد داد.

۳- با رعایت مفاد بند ۲، کمیته موظف است هر اطلاعیه‌ای را که بر طبق این ماده دریافت می‌کند به اطلاع کشوری که بر طبق بند ۱ قبول صلاحیت کرده و متهم به نقض مقرره‌ای از مقررات این معاهده است، برساند. کشور مزبور باید ظرف شش ماه پس از حصول اطلاع، برای روشن ساختن قضیه، توضیحات و یا نظرات خود را و چنانچه موازینی برای رسیدگی به موضوع اتخاذ کرده است، همراه با ذکر این موازین، کتباً به کمیته ارسال دارد.

۴- کمیته موظف است اطلاعیه‌هایی را که بر طبق این ماده دریافت میکند با توجه به اطلاعاتی که رأساً و یا به نمایندگی از جانب يك فرد ارسال شده است و نیز اطلاعاتی که از جانب کشور ذینفع دریافت کرده است، مورد بررسی قرار دهد.

۵- کمیته در صورتی به اطلاعیه‌های فردی بر طبق این ماده رسیدگی خواهد کرد که خصوصیات زیر را دارا باشند:

الف- موضوع توسط مرجع دیگر بین‌المللی مورد رسیدگی و تصمیم‌گیری قرار نگرفته باشد و یا در دست رسیدگی نباشد؛

ب- شاکای تمامی طرق دادخواهی بر طبق قوانین داخلی کشور را طی کرده باشد. این قاعده در مواردی که روال دادرسی بیش از حد معقول به طول انجامد و یا امیدی به احقاق حق قربانی نقض این معاهده نباشد، جاری نخواهد بود.

۶- کمیته به اطلاعیه‌های مذکور در این ماده در جلسات محرمانه رسیدگی خواهد کرد.

۷- کمیته موظف است استنباطات خود را از قضیه به اطلاع دولت ذینفع معاهد و شاکای برساند.

۸- مفاد این ماده پس از آنکه پنج کشور معاهد، اعلامیه مذکور در بند ۱ این ماده را ارسال کنند، لازم‌الاجرا خواهد شد. اعلامیه‌های مذکور باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود. دبیرکل موظف است رونوشت اعلامیه‌ها را برای سایر کشورهای معاهد ارسال کند. کشورهای معاهد می‌توانند هر آینه توسط ابلاغیه‌ای انصراف خود را از اعلامیه به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کنند. چنین انصرافی مانع از ادامه رسیدگی به اطلاعیه‌هایی که پیش از آن طبق این ماده ارسال شده است، نمی‌باشد. پس از دریافت ابلاغیه انصراف يك کشور توسط دبیرکل، دیگر به هیچ اطلاعیه‌ای که رأساً و یا به نمایندگی از جانب يك فرد طبق این ماده، ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد، مگر آنکه آن کشور اعلامیه جدیدی ارسال کند.

#### ماده ۲۳

اعضای کمیته و اعضاء کمیسیون موقت ویژه صلح که در تبصره (ه) از بند (۱) ماده ۲۱ پیش بینی شده است، از همان تسهیلات، امتیازات و مصونیت‌هایی برخوردارند که طبق معاهده مربوط به امتیازات و مصونیت سازمان ملل متحد برای کارشناسان این سازمان در مأموریت، پیش بینی شده است.

#### ماده ۲۴

کمیته موظف است سالی يك بار گزارشی از فعالیتهای خود را به کشورهای معاهد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارسال کند.



## بخش سوم

### ماده ۲۵

۱- این معاهده جهت امضاء کلیه کشورها مفتوح است.

۲- این معاهده به تنفیذ کشورها گذاشته شده است. اسناد تنفیذ باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

### ماده ۲۶

کلیه کشورها می توانند به این معاهده ملحق شوند. الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد انجام می گیرد.

### ماده ۲۷

۱- این معاهده سی روز پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تنفیذ و یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم الاجرا خواهد شد.

۲- پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تنفیذ یا الحاق، هرگاه کشور جدیدی معاهده را تنفیذ کند یا بدان ملحق شود معاهده سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تنفیذ یا الحاق، نسبت به آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

### ماده ۲۸

۱- کلیه کشورها می توانند هنگام امضاء یا تنفیذ معاهده و یا هنگام الحاق بدان صلاحیت کمیته را که در ماده ۲۰ پیش بینی شده است رد کنند.

۲- کشور معاهدی که هنگام امضاء یا تنفیذ یا الحاق برطبق بند ۱ این ماده شرط قائل شده است می تواند هر آینه توسط ابلاغیه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد، از شرط خود صرف نظر کند.

### ماده ۲۹

۱- کشورهای معاهد می توانند پیشنهادات اصلاحی ارائه کنند، در چنین صورتی باید متن پیشنهادی خود را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نمایند. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است طرح های پیشنهادی را به سایر کشورهای معاهد ارسال کرده و از آنها درخواست کند نظراتشان را در مورد تشکیل کنفرانسی از کشورهای معاهد به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرح های پیشنهادی اعلام کنند. پس از گذشت چهار ماه از ارسال این اطلاعیه در صورتی که حداقل یک سوم دولت های معاهد با تشکیل چنین کنفرانسی موافق باشند، دبیرکل کنفرانس را تحت حمایت سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر و رأی دهنده در کنفرانس واقع شود، توسط دبیر کل جهت تصویب در اختیار کلیه کشورهای معاهد گذاشته خواهد شد.

۲- اصلاحیه ای که برطبق بند ۱ این ماده به تصویب می رسد هنگامی لازم الاجرا خواهد بود که دو سوم از کشورهای معاهد، توسط ابلاغیه ای پذیرش آنرا، در تطابق با قوانین اساسیشان، به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرده باشند.

۳- اصلاحیه هایی که بدین ترتیب لازم الاجرا می شوند برای کشورهایی که به آن رأی داده اند الزام آورند و آن دسته از کشورهای معاهد که بدان رأی نداده اند تنها به رعایت مقررات این معاهده و هرگونه اصلاحیه ای که پیش از آن پذیرفته اند، ملزم خواهند بود.

### ماده ۳۰

۱- هرگونه اختلاف در تفسیر و یا در اجرای معاهده میان دو یا چند کشور معاهد که از طریق مذاکره قابل حل نباشد به درخواست یکی از طرفین، به داوری گذاشته خواهد شد. اگر پس از گذشت شش ماه از تاریخ تقاضای ارجاع به داوری، کشورها در مورد نهاد داوری به توافق دست نیافته باشند، هر یک از طرفین می تواند جهت حل اختلاف، درخواستی به دیوان بین المللی دادگستری، با رعایت اساسنامه این نهاد، تسلیم کند.

- ۲- کشورهای معاهد می‌توانند هنگام امضاء یا تنفیذ معاهده و یا الحاق بدان عدم الزام خود را نسبت به اجرای بند ۱ این ماده اعلام کنند. کشورهای دیگر معاهد، در محدوده بند ۱ ماده حاضر، نسبت به کشورهایایی که چنین شرطی قائل شده‌اند، متعهد نخواهند بود.
- ۳- کشورهای معاهدی که برطبق بند ۲ این ماده شرط قائل شده‌اند می‌توانند هرآینه توسط ابلاغیه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد، از شرط خود صرف نظر کنند.

### ماده ۳۱

- ۱- کشورهای معاهد می‌توانند با ارسال ابلاغیه‌ای کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد انصراف خود را از معاهده اعلام کنند. چنین انصرافی تنها یکسال پس از دریافت ابلاغیه توسط دبیرکل نافذ خواهد بود.
- ۲- چنین انصرافی کشور مزبور را از انجام الزاماتش بر طبق معاهده، نسبت به فعل یا ترك فعلی که پیش از تاریخ تنفیذ انصراف انجام گرفته است، معاف نمی‌کند. همچنین این انصراف به هیچ طریق مانع از ادامه رسیدگی به موضوعاتی که پیش از تاریخ تنفیذ انصراف به کمیته ارجاع شده است، نخواهد بود.
- ۳- کمیته پس از تنفیذ انصراف يك کشور، به هیچ موضوع جدید مربوط به آن کشور رسیدگی نخواهد کرد.

### ماده ۳۲

دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است موارد ذیل را به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و کشورهایایی که این معاهده را امضاء کرده و یا بدان ملحق شده‌اند، ابلاغ کند:

الف) امضاء و تنفیذ معاهده و الحاق بدان در اجرای مواد ۲۵ و ۲۶؛

ب) تاریخ لازم الاجراء شدن معاهده در اجرای ماده ۲۷ و تاریخ لازم الاجراء شدن اصلاحیه‌ها در اجرای مفاد ماده ۲۹؛

ج) انصراف کشورها از معاهده در اجرای مفاد ماده ۳۱.

### ماده ۳۳

- ۱- متن این معاهده به زبانهای عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی که از اعتباری واحد برخوردارند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بایگانی خواهند شدند.
- ۲- دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است رونوشت مصدق این معاهده را به تمامی کشورها ارسال کند.

## مقاله نامه { پروتکل } اختیاری ملحق به معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز

مصوب ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲، طی پنجاه و هفتمین کنگره مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطع نامه الف/ا-ر-ای-اس/۱۹۹/۵۷)

لازم الاجرا در تاریخ ۲۲ ژوئن ۲۰۰۶

### مقدمه

کشورهای متعاهد مقاله نامه کشورها بر این نکته که شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز ممنوع بوده و نقض فاحش حقوق بشر محسوب می شود،

با اعتقاد به ضرورت اتخاذ موازینی جهت نیل به اهداف معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز (که از این پس با کلمه معاهده بدان اشاره می شود) و گسترش حمایت از افراد محروم از آزادی در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز، با تذکر این نکته که ماده ۲ و ۱۶ معاهده، کشورها را موظف به اتخاذ موازین موثر جهت پیشگیری از اعمال شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز در قلمرو تحت صلاحیت قضایی آنان کرده است،

با پذیرش این اصل که مسئولیت اصلی در اجرای این مواد بر عهده کشورهاست و گسترش حمایت از افراد محروم از آزادی و رعایت کامل حقوق بشر در مورد آنها بر عهده همه افراد است و نیز با پذیرش اینکه نهاد های بین المللی ناظر بر اجرای این اصول مکمل و تقویت کننده موازین داخلی کشورها هستند، با خاطر نشان ساختن این نکته که پیش گیری موثر از اعمال شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز مستلزم برنامه ای تربیتی و مجموعه ای از موازین مختلف قانونی، اداری، قضایی، و غیره است،

همچنین با یادآوری این نکته که کنفرانس جهانی حقوق بشر با جدیت تمام اعلام کرده است که سعی و کوشش در راه احای شکنجه بایستی در مرحله اول بر پیشگیری متمرکز شود. همچنین به انعقاد یک مقاله نامه اختیاری و الحاقی به معاهده که یک نظام پیشگیری بازدید از مکان های حبس را بنیان گذارد، فراخوان داده است، و با اعتقاد به این امر که با روش های غیرقضایی با خصوصیت پیشگیرانه مبتنی بر بازدیدهای منظم از اماکن حبس می توان حمایت از افراد محروم از آزادی را در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز تقویت کرد، به شرح زیر توافق حاصل نموده اند:

### بخش اول

#### اصول عام

##### ماده ۱

هدف از مقاله نامه حاضر ایجاد یک نظام بازدید منظم از اماکن نگهداری افراد محروم از آزادی توسط نهادهای بین المللی و ملی مستقل جهت پیشگیری از اعمال شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه غیر انسانی یا اهانت آمیز است.

##### ماده ۲

۱. کمیته‌ای فرعی در کنار کمیته منع شکنجه جهت پیشگیری از شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه غیر انسانی یا اهانت آمیز ( که از این پس با عبارت کمیته فرعی پیشگیری از آن یاد می شود) ایجاد خواهد شد که به وظایفی که در مقاله نامه حاضر آمده است خواهد پرداخت.

۲. کمیته فرعی پیشگیری موظف است در چهارچوب منشور سازمان ملل متحد عمل کرده و اهداف و اصولی که در آن اعلام شده است و نیز هنجارهای سازمان ملل متحد مربوط به رفتار با افراد محروم از آزادی را راهنمای خود قرار دهد.

۳. کمیته فرعی پیشگیری همچنین باید اصل رازداری، اصل بی طرفی، اصل عدم گزینش، اصل جهان شمولی و اصل واقع بینی را راهنمای خود قرار دهد.

۴. کمیته فرعی پیشگیری و کشورهای متعاقد موظفند در اجرای مقاله نامه حاضر همکاری کنند.

### ماده ۳

کشورهای متعاقد موظفند هیئت یا هیئت های بازرسی ای را ( که از این پس نهاد ملی پیشگیری خوانده می شود) جهت پیشگیری از وقوع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه غیر انسانی یا اهانت آمیز، در سطح ملی، ایجاد، تعیین و یا ابقاء کنند.

### ماده ۴

۱. کشورهای متعاقد موظفند نهادهای مذکور در ماده ۲ و ۳ را در بازدید، مطابق با مفاد مقاله نامه حاضر، از تمامی مکان های تحت حاکمیت قضایی یا نظارت خود که در آن به دستور مقامات مسئول رسمی و یا به تحریک و یا با موافقت صریح یا ضمنی آنها از افراد محروم از آزادی نگهداری می شود و یا نگهداری خواهد شد، (که از این پس مکان حبس خوانده می شود) مجاز گردانند. بازدیدهای مذکور با هدف تحکیم حمایت از افراد محروم از آزادی در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه غیر انسانی یا اهانت آمیز ( در صورت وقوع آن) صورت خواهد گرفت.

۲. اصطلاح محرومیت از آزادی در مقاله نامه حاضر به تمامی صور بازداشت و حبس و یا قرار دادن فردی تحت نظر و بدون اجازه خروج در ساختمانی دولتی یا خصوصی اطلاق می شود که به دستور مقام مسئول قضایی یا اداری و یا هر مقام مسئول رسمی دیگر صورت گرفته باشد.

## بخش دوم

### کمیته فرعی پیش گیری

#### ماده ۵

۱. کمیته فرعی پیشگیری از ده عضو تشکیل خواهد شد. تعداد اعضاء پس از آنکه پنجاه کشور مقاله نامه را تنفيذ کنند و یا بدان ملحق شوند به بیست و پنج نفر افزایش خواهد یافت.

۲. اعضای کمیته فرعی پیشگیری باید از میان افراد صاحب سجایای عالی اخلاقی و تجارب مسجل حرفه ای در زمینه مدیریت قضایی به ویژه حقوق جزا و مدیریت و اداره زندان ها یا نیروی پلیس و یا سایر زمینه های مربوط به نگهداری اشخاص محروم از آزادی، انتخاب شوند.

۳. در ترکیب کمیته فرعی پیشگیری باید به لزوم رعایت تقسیمات عادلانه جغرافیایی و وجود نماینده از تمدن ها و نظام های مختلف قضایی کشورهای متعاقد توجه اکید شود.

۴. در ترکیب کمیته فرعی پیشگیری باید به لزوم رعایت توازن میان اعضای مذکر و مونث بر اساس اصل برابری و عدم اعمال تبعیض نیز توجه شود.

۵. از هر ملیتی منحصرأ یک فرد می تواند به عضویت کمیته فرعی پیشگیری درآید.

۶. اعضای کمیته فرعی پیشگیری باید راساً به نام خود و در کمال استقلال و بی طرفی عمل کرده و برای انجام وظایف خود به نحو احسن در کمیته فرعی پیشگیری، آمادگی داشته باشند.

## ماده ۶

۱. هر کشور متعهد می تواند با رعایت بند ۲ این ماده حداکثر دو نامزد که صاحب صلاحیت و واجد شرایط مصرح در ماده ۵ باشند معرفی کند. کشور مزبور موظف است در مورد صلاحیت حرفه ای نامزدهای خود اطلاعات دقیقی ارائه کند.

۲.

(الف) نامزدها باید تابعیت یکی از کشورهای متعهد مقاله نامه حاضر را دارا باشند؛

(ب) حداقل یکی از دو نامزد باید تابعیت کشور معرف را دارا باشد؛

(ج) نمی توان بیش از دو فرد از یک تابعیت را به عنوان نامزد معرفی کرد؛

(د) هر کشور متعهد موظف است پیش از معرفی نامزدی که تبعه کشور متعهد دیگر است، رضایت کشور متبوع را جلب کند.

۳. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است لااقل پنج ماه پیش از تاریخ تشکیل جلسه انتخابات، دعوتنامه ای به کلیه کشورهای متعهد ارسال کرده و از آن ها بخواهد نامزدهای خود را ظرف سه ماه معرفی کنند. دبیرکل باید فهرستی به ترتیب الفبا از نام نامزدها و کشورهای معرف آن ها تهیه کند.

## ماده ۷

۱. روال انتخاب اعضای کمیته فرعی پیشگیری باید به طریق زیر صورت گیرد:

(الف) در درجه اول به شروط و معیارهای مصرح در ماده ۵ مقاله نامه حاضر توجه شود؛

(ب) اولین انتخابات حداکثر شش ماه پس از تاریخ لازم الاجرا شدن مقاله نامه حاضر برگزار شود؛

(ج) اعضای کمیته فرعی پیشگیری باید با رأی مخفی انتخاب شوند؛

(د) اعضای کمیته فرعی پیشگیری در طی جلسه دوسالانه کشورهای متعهد که به دعوت دبیرکل سازمان ملل برگزار می شود، انتخاب خواهند شد. در این جلسه که با حضور دو سوم از کشورهای متعهد رسمیت می یابد نامزدهایی که بیشترین و اکثریت مطلق آراء کشورهای حاضر و رأی دهنده در جلسه را کسب کنند، به عنوان اعضای کمیته فرعی پیشگیری انتخاب خواهند شد.

۲. اگر در جریان انتخابات مشخص شود دو تن از نامزدها که تبعه کشور متعهد واحدی هستند، هر دو واجد شرایط مقرر برای عضویت کمیته فرعی پیش گیری اند، نامزدی که بیشترین آراء را کسب کند انتخاب خواهد شد. اگر دو نامزد آراء مساوی کسب کنند: باید به طریق زیر عمل شود:

(الف) اگر تنها یکی از دو نامزد توسط کشور متبوعه خود معرفی شده باشد، نامزد کشور متبوعه به عنوان عضو کمیته فرعی پیشگیری انتخاب خواهد شد؛

(ب) چنانچه دو نامزد هر دو توسط کشور متبوعه خود معرفی شده باشند، انتخاب یکی از آن دو به رأی گیری مخفی جداگانه ای گذارده خواهد شد؛

(ج) چنانچه هیچیک از دو نامزد توسط کشور متبوعه معرفی نشده باشند، انتخاب یکی از آن دو به رأی گیری مخفی جداگانه ای گذارده خواهد شد.

## ماده ۸

۲. در صورت فوت یا استعفای عضوی از اعضای کمیته فرعی پیشگیری و یا عدم توانایی او در انجام وظیفه به دلایل دیگر، دولت معرف او، شخصی را که صاحب صلاحیت و واجد شرایط مندرج در ماده ۵ است با در نظر گرفتن توازن میان صلاحیت های مختلف، برای تصدی باقیمانده دوره نمایندگی تا تشکیل اجلاس بعدی کشورهای متعاهد، معرفی خواهد کرد که باید به تأیید اکثر کشورهای متعاهد برسد. پس از سپری شدن شش هفته از آگاهی کشورهای متعاهد توسط دبیرکل سازمان ملل متحد از معرفی فرد جدید، فرض بر تأیید فرد قرار داده خواهد شد، مگر اینکه حداقل نیمی از کشورهای متعاهد مخالفت خود را با آن اعلام کرده باشند.

## ماده ۹

اعضای کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و در صورت نامزدی مجدد، انتخاب آنها بلامانع است. لیکن دوره نمایندگی نیمی از اعضاء منتخب در اولین انتخابات پس از پایان دو سال منقضی خواهد شد. اسامی این اعضا باید بلافاصله پس از اجلاس مذکور در تبصره (د) بند ۱ از ماده ۷ بحکم قرعه توسط رئیس جلسه مشخص شود.

## ماده ۱۰

۱. کمیته فرعی پیشگیری کارکنان دفتری خود را برای يك دوره دو ساله انتخاب میکند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

۲. آیین نامه داخلی کمیته فرعی پیشگیری توسط این کمیته تدوین خواهد شد، لیکن در این آیین نامه باید موازین زیر رعایت شود:

(الف): حضور نیمی از اعضا به اضافه یک عضو برای رسمیت یافتن جلسات؛  
(ب): اتخاذ تصمیمات کمیته فرعی پیشگیری با رأی اکثریت حاضر در جلسات؛  
(ج) محرمانه بودن جلسات کمیته فرعی پیشگیری.

۳. اولین جلسه کمیته فرعی پیشگیری با دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد برگزار می شود، پس از آن، جلسات در وقت مقرر طبق آیین نامه داخلی تشکیل خواهد شد. کمیته فرعی پیشگیری و کمیته منع شکنجه همزمان و حداقل یک بار در سال تشکیل جلسه خواهند داد.

## بخش سوم

### شرح وظایف کمیته فرعی پیشگیری

## ماده ۱۱

۱. وظایف کمیته فرعی پیشگیری به شرح زیر است:

(الف) انجام بازدید از مکان های مذکور در ماده ۴ و ارائه توصیه به کشورهای متعاهد در ارتباط با حمایت از افراد محروم از آزادی در مقابل اعمال شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز؛

(ب) وظایف کمیته فرعی پیشگیری در رابطه با نهادهای ملی پیشگیری:

- (۱) کمک و ارائه توصیه به کشورها جهت ایجاد نهادهای ملی پیشگیری در صورت لزوم؛
- (۲) برقراری ارتباط مستقیم، در صورت لزوم به طور محرمانه، با نهادهای ملی پیشگیری؛ و ارائه آموزش و کمکهای فنی در تحکیم قابلیت های آن ها؛
- (۳) کمک و ارائه توصیه به نهادهای ملی پیشگیری در ارزیابی نیازها و ابزار لازم در تحکیم حمایت از افراد محروم از آزادی در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز؛
- (۴) ارزیابی و ارائه نظر و توصیه به کشورهای متعاهد جهت تحکیم قابلیت و اختیارات نهادهای ملی پیشگیری از شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز؛

ج) همکاری در پیشگیری از شکنجه به طور عام با ارگان ها و نهادهای مربوطه سازمان ملل متحد و نیز همکاری با نهاد ها و سازمان های بین المللی منطقه ای و ملی که در جهت تحکیم حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز فعالیت می کنند.

#### ماده ۱۲

به منظور ایجاد امکانات برای کمیته فرعی پیشگیری جهت انجام وظایفش بر طبق ماده ۱۱، کشورهای متعاهد موظفند امور زیر را به عهده گیرند:

- الف) پذیرش کمیته فرعی پیشگیری در قلمرو کشور خود و موافقت با بازدید از مکان های مندرج در ماده ۴ مقاله نامه حاضر؛
- ب) ارائه اطلاعاتی که کمیته فرعی پیشگیری برای بررسی نیازها و اتخاذ موازین جهت تحکیم حمایت از افراد محروم از آزادی در مقابل اعمال شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز تقاضا می کند؛
- ج) تشویق و تسهیل تماس میان کمیته فرعی پیشگیری و نهادهای ملی پیشگیری؛
- د) بررسی توصیه های کمیته فرعی پیشگیری و انجام مذاکرات با این کمیته در مورد اتخاذ موازین جهت اجرای توصیه ها.

#### ماده ۱۳

۱. کمیته فرعی پیشگیری در اجرای وظایف خود طبق مفاد ماده ۱۱ موظف است برنامه ای را جهت بازدید منظم از کشورهای متعاهد که در ابتدا به حکم قرعه صورت می گیرد، برقرار کند.

۲. کمیته فرعی پیشگیری موظف است پس از انجام بررسی های مشورتی، برنامه خود را به اطلاع کشورهای متعاهد برساند، تا آن ها بتوانند در اسرع وقت موازین ضروری اجرایی را جهت انجام بازدیدها اتخاذ کنند.

۳. بازدید باید حداقل توسط دو عضو کمیته فرعی پیشگیری هدایت شود. این اعضاء می توانند در صورت لزوم با متخصصین مجرب حرفه ای و آگاه به موضوعات مورد بحث مقاله نامه حاضر، همراهی شوند. این متخصصین باید از میان فهرستی که بر مبنای پیشنهادات کشورهای متعاهد و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و مرکز بین المللی پیشگیری جرم این سازمان تهیه می شود، انتخاب شوند. در تهیه فهرست متخصصین، کشورهای متعاهد می توانند حداکثر پنج متخصص از اتباع خود را معرفی کنند. کشورهای متعاهد ذینفع می توانند با الحاق نام متخصص خاصی به فهرست مخالفت کنند. در چنین صورتی کمیته فرعی پیش گیری باید متخصص دیگری معرفی کند.

۴. کمیته فرعی پیش گیری می تواند در صورتی که لازم تشخیص دهد انجام یک بازدید تکمیلی کوتاه را پس از انجام یک بازدید منظم، پیشنهاد کند.

#### ماده ۱۴

۱. کشورهای متعاهد موظفند اختیارات زیر را برای کمیته فرعی پیشگیری، جهت انجام وظایفش، تضمین کنند:
  - الف) دسترسی بدون محدودیت به کلیه اطلاعات مربوط به تعداد افراد محروم از آزادی که در مکان های حبس مذکور در ماده ۴ نگهداری می شوند و تعداد این اماکن و محل استقرار آن ها؛
  - ب) دسترسی بدون محدودیت به اطلاعات مربوط به برخورد و رفتار با افراد محروم از آزادی و شرایط حبس آن ها؛
  - ج) دسترسی بدون محدودیت به تمامی مکان های حبس و تأسیسات و تجهیزات آن با رعایت بند ۲ این ماده که در ذیل خواهد آمد؛
  - د) امکان ملاقات بدون حضور شاهد و گفتگو با افراد محروم از آزادی، چه به صورت مستقیم و چه در صورت لزوم به واسطه مترجم، و نیز امکان ملاقات و گفتگو با هر فرد دیگری که به تشخیص کمیته فرعی پیشگیری می توان از او اطلاعات لازم مربوط به موضوع را کسب کرد؛
  - ه) آزادی انتخاب مکان بازدید و آزادی ملاقات با افراد.

۲. ممانعت از بازدید از یک مکان حبس خاص، منحصرأ در مواردی مجاز است که دلایل اضطراری و متیقن در ارتباط با امور مربوط به دفاع ملی، امنیت عمومی، بلایا و مصائب طبیعی و یا اختلال و آشوب در مکان مورد بازدید وجود داشته باشد که موقتاً مانع از انجام بازدید شود. کشورهای متعاقد نمی توانند به عذر وجود وضعیت اضطراری مانع از انجام بازدید شوند.

#### ماده ۱۵

هیچیک از مقامات مسئول و یا مأموران رسمی کشور نمی توانند دستور مجازات شخص و یا سازمانی را به دلیل ارسال اطلاعات صحیح یا کاذب به کمیته فرعی پیشگیری و یا به اعضای آن صادر یا اجرا کنند، این مجازات را مجاز گردانند و یا مورد اغماض قرار دهند. چنین شخص یا سازمانی نباید به هیچ نحو متحمل ضرروزیانی شود.

#### ماده ۱۶

۱. کمیته فرعی پیشگیری موظف است توصیه ها و مشاهدات خود را به طور محرمانه به کشور متعاقد و در صورت لزوم به نهاد ملی پیشگیری ارسال کند.

۲. کمیته فرعی پیشگیری می تواند گزارش خود را، در صورت تقاضای کشور متعاقد ذینفع، به انضمام توضیحات این کشور، منتشر سازد. در صورت انتشار بخشی از گزارش توسط کشور متعاقد، کمیته فرعی پیشگیری می تواند تمام یا بخشی از گزارش را منتشر کند. مع ذلک هیچگونه اطلاعات شخصی را نمیتوان بدون رضایت صریح شخص ذینفع منتشر ساخت.

۳. کمیته فرعی پیشگیری موظف است سالانه گزارشی علنی در مورد فعالیت های خود تسلیم کمیته منع شکنجه کند.

۴. چنانچه کشور متعاقدی از همکاری با کمیته فرعی پیشگیری طبق مواد ۱۲ و ۱۴ خودداری کند و یا موازین لازم را جهت بهبود وضعیت با توجه به توصیه های کمیته فرعی پیشگیری اتخاذ نکند، کمیته منع شکنجه در صورت تقاضای کمیته فرعی پیشگیری می تواند با موافقت اکثریت اعضاء خود، پس از اعطای فرصت به کشور ذینفع برای ارائه توضیحات، اعلامیه ای علنی در مورد موضوع، صادر و یا گزارش کمیته فرعی پیشگیری را منتشر کند.

### بخش چهارم

#### نهادهای ملی پیشگیری

#### ماده ۱۷

کشورهای متعاقد موظفند حداکثر یک سال پس از لازم الاجرا شدن و یا تنفیذ مقاله نامه و یا الحاق بدان، نهاد یا نهاد های مستقلی را جهت پیشگیری شکنجه در سطح ملی ابقاء تعیین و یا تأسیس کنند. میتوان نهادهای متشکل از واحدهای غیر متمرکز موجود در کشور را به عنوان نهاد ملی پیشگیری موضوع مقاله نامه حاضر انتخاب کرد به شرط آنکه این نهادها با موازین این مقاله نامه همخوانی داشته باشند.

#### ماده ۱۸

۱. کشورهای متعاقد موظفند استقلال نهادهای ملی پیشگیری را در انجام وظایفشان و همچنین استقلال کارکنانشان را تضمین کنند.

۲. کشورهای متعاقد موظفند موازین ضروری ای را جهت حصول اطمینان از صلاحیت و دانش حرفه ای متخصصین نهادهای ملی پیشگیری اتخاذ کنند. کشورها باید کوشش کنند از سویی توازن میان حضور نماینده مرد و زن و از سوی دیگر توازن میان حضور نماینده از اقوام و اقلیت های مختلف کشور برقرار شود.



۳. کشورهای متعاقد موظفند تأمین منابع مالی لازم جهت انجام وظایف نهادهای ملی پیشگیری را بر عهده گیرند.

۴. کشورهای متعاقد موظفند هنگام ایجاد نهادهای ملی پیشگیری، اصول اساسی نظام نهادهای ملی را که در اعتلای حقوق بشر و تحقق آن فعالیت می کنند، در نظر بگیرند.

#### ماده ۱۹

حداقل اختیاراتی که باید برای نهادهای ملی پیشگیری تضمین شود به شرح زیر است:  
الف) بررسی منظم شرایط و وضعیت افراد محروم از آزادی که در مکان های حبس موضوع ماده ۴ بسر می برند جهت تحکیم حمایت از آن ها در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز، در صورت وقوع آن؛

ب) ارائه توصیه به مقامات صلاحیت دار جهت بهبود رفتار با افراد محروم از آزادی و وضعیت آن ها و پیشگیری از وقوع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز با توجه به اصول سازمان ملل متحد در این زمینه؛

ج) ارائه پیشنهادات و ملاحظات در مورد قوانین جاری و یا لوایح قانونی در این زمینه.

#### ماده ۲۰

کشورهای متعاقد مقاله نامه حاضر موظفند اختیارات زیر را به نهادهای ملی پیشگیری جهت انجام وظایفشان اعطاء کنند:

الف) دسترسی نامحدود به کلیه اطلاعات در مورد تعداد افراد محروم از آزادی که در مکان های حبس مذکور در ماده ۴ نگهداری می شوند، تعداد اماکن حبس و محل استقرار آن ها؛

ب) دسترسی نامحدود به کلیه اطلاعات در مورد رفتار با افراد محروم از آزادی و وضعیت حبس آن ها؛

ج) دسترسی نامحدود به تمامی مکان های حبس و تأسیسات و تجهیزات این مکان ها؛

د) امکان ملاقات بدون حضور شاهد در جلسه و گفتگوی محرمانه با افراد محروم از آزادی چه به صورت مستقیم و چه در صورت لزوم به واسطه مترجم، و نیز امکان ملاقات و گفتگو با هر فرد دیگری که به تشخیص نهاد ملی پیشگیری می توان از او اطلاعات لازم مربوط به موضوع را کسب کرد؛

ه) آزادی انتخاب مکان بازدید و آزادی ملاقات با افراد؛

و) حق تماس و ملاقات با کمیته فرعی پیشگیری و ارسال اطلاعات به این کمیته.

#### ماده ۲۱

۱. هیچیک از مقامات مسئول و یا مأموران رسمی کشور نمی توانند دستور مجازات شخص و یا سازمانی را به دلیل ارسال اطلاعات صحیح یا کاذب به نهاد ملی پیشگیری و یا به اعضای آن صادر یا اجرا کنند و یا این مجازات را مجاز گردانند و یا مورد اغماض قرار دهند. چنین اشخاصی نباید به هیچ نحوی متحمل ضرر و زیانی شوند.

۲. اطلاعات محرمانه ای که نهاد ملی پیشگیری جمع آوری کرده است باید محفوظ بماند. هیچگونه اطلاعات شخصی را نمیتوان بدون رضایت صریح شخص ذینفع منتشر ساخت.

#### ماده ۲۲

مقامات صلاحیت دار کشور متعاقد ذینفع موظفند توصیه های نهاد ملی پیشگیری را بررسی کرده و در مورد اتخاذ موازین جهت اجرای توصیه ها، با این نهاد وارد مذاکره شوند.

#### ماده ۲۳

کشورهای متعاقد موظفند چاپ و انتشار گزارش سالانه نهاد ملی پیشگیری را متعهد شوند.

## بخش پنجم

### اعلامیه

#### ماده ۲۴

۱. هنگام تنفیذ مقاله نامه کشور های متعاهد می توانند توسط اعلامیه ای اجرای تعهدات موضوع بخش سوم و چهارم مقاله نامه حاضر را به تعویق اندازند.
۲. اجرای تعهدات تنها به مدت سه سال می تواند به تعویق افتد. لیکن در صورت ارائه توضیحات مستدل توسط کشور متعاهد، کمیته منع شکنجه می تواند پس از انجام مشورت با کمیته فرعی پیشگیری، با تعویق مجدد اجرای تعهدات به مدت دو سال موافقت کند.

## بخش ششم

### تأمین منابع مالی

#### ماده ۲۵

۱. پرداخت هزینه های ناشی از فعالیت های کمیته فرعی پیشگیری که بر طبق مقاله نامه حاضر ایجاد شده است بر عهده سازمان ملل متحد است.
۲. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است کارمندان و تشکیلاتی را که کمیته فرعی پیشگیری برای انجام وظایفش به نحو احسن بر طبق این مقاله نامه نیاز دارد، در اختیار این کمیته قرار دهد.

#### ماده ۲۶

۱. به منظور کمک به اجرای توصیه هایی که کمیته فرعی پیشگیری پس از انجام بازدید به کشورها ارائه می کند و نیز برنامه های آموزشی برای نهادهای ملی پیشگیری، صندوق مالی ویژه ای برطبق روال و مقررات مجمع عمومی، ایجاد و طبق آیین نامه های مالی و قواعد مدیریت مالی سازمان ملل متحد اداره خواهد شد.
۲. صندوق مالی ویژه را می توان با کمک های داوطلبانه دولت ها، سازمان های بین الدولتی، و سازمان های غیر دولتی و یا واحدهای خصوصی یا عمومی دیگر تأمین کرد.

## بخش هفتم

### موازن نهایی

#### ماده ۲۷

۱. این مقاله نامه جهت امضاء کلیه کشورهایی که معاهده را امضاء کرده اند مفتوح است.
۲. مقاله نامه حاضر به تنفیذ کشورهایی گذاشته شده است که معاهده را تنفیذ کرده اند و یا بدان ملحق شده اند. اسناد تنفیذ باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.
۳. کلیه کشورهایی که معاهده را تنفیذ کرده اند و یا بدان ملحق شده اند می توانند به این مقاله نامه ملحق شوند.
۴. الحاق به مقاله نامه بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد انجام می گیرد.

۵. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است کلیه کشورهایی را که مقاله نامه حاضر را امضاء کرده و یا بدان ملحق شده اند، از تودیع کلیه اسناد تنفیذ و الحاق با خبر سازد.

#### ماده ۲۸

۱. مقاله نامه حاضر سی روز پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تنفیذ و یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم الاجرا خواهد شد.

۲. پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تنفیذ یا الحاق، هرگاه کشور جدیدی مقاله نامه را تنفیذ کند یا بدان ملحق شود، مقاله نامه سی روز پس از تاریخ تودیع سند تنفیذ یا الحاق، نسبت به آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

#### ماده ۲۹

موازن مذکور در این مقاله نامه بدون هیچگونه شرط و محدودیتی در تمامی واحدهای کشور فدرال لازم اجرا می باشد.

#### ماده ۳۰

هیچ گونه شرطی بر مقاله نامه حاضر پذیرفته نخواهد شد.

#### ماده ۳۱

مفاد مقاله نامه حاضر اثری بر تعهدات ناشی از معاهدات منطقه ای کشور متعاقد که نظامی جهت بازدید از مکات نهایی حبس برقرار کرده اند، نخواهد داشت. به منظور اجتناب از دوباره کاری و تحقق اهداف این مقاله نامه، کمیته فرعی پیشگیری و ارگان های ناشی از معاهدات منطقه ای به انجام مشورت و همکاری متقابل دعوت می شوند.

#### ماده ۳۲

مفاد مقاله نامه حاضر اثری بر تعهدات کشور متعاقد نسبت به چهار معاهده ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و مقاله نامه های الحاقی به آن (۸ ژوئن ۱۹۷۷)، ندارد. همچنین این مقاله نامه بر موقعیت هایی که یک کشور می تواند به صلیب سرخ بین المللی اجازه دهد از مکان های حبس در غیر موارد پیش بینی شده توسط حقوق بشر دوستانه بین المللی بازدید کند، بی اثر خواهد بود.

#### ماده ۳۳

۱. کشورهای متعاقد می توانند هر آینه توسط ابلاغیه ای انصراف خود را از مقاله نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کنند. دبیرکل موظف است کلیه کشورهای متعاقد مقاله نامه و معاهده را از این انصراف مطلع سازد. انصراف یک سال پس از تاریخ ابلاغ به دبیرکل نافذ خواهد شد.
۲. چنین انصرافی کشور مزبور را از الزاماتش بر طبق مقاله نامه حاضر، نسبت به اعمال و موقعیت های پیش از تاریخ تنفیذ انصراف و موازینی که کمیته فرعی پیشگیری در مورد کشور مربوطه اتخاذ کرده است یا احتمالاً اتخاذ خواهد کرد، معاف نمی کند. همچنین این انصراف به هیچ طریق مانع از ادامه رسیدگی کمیته فرعی پیشگیری به موضوعاتی که پیش از تاریخ تنفیذ انصراف در دست بررسی بوده است، نخواهد بود.
۳. کمیته فرعی پیشگیری پس از تنفیذ انصراف کشور متعاقد، به هیچ موضوع جدید مربوط به آن کشور رسیدگی نخواهد کرد.

#### ماده ۳۴

۱. کشورهای متعاقد می توانند پیشنهادات اصلاحی ارائه کنند، در چنین صورتی باید متن پیشنهادی خود را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم کنند. دبیرکل سازمان ملل متحد طرح های پیشنهادی را به سایر دولتهای متعاقد

مقاله نامه ارسال کرده و از آنها می‌خواهد نظراتشان را در مورد تشکیل کنفرانسی از کشورهای متعاهد به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرح های پیشنهادی اعلام کنند. پس از گذشت چهار ماه از ارسال این اطلاعیه در صورتی که حداقل یک سوم کشورهای متعاهد با تشکیل چنین کنفرانسی موافق باشند، دبیرکل کنفرانس را تحت حمایت و کمک سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت دو سوم کشورهای حاضر و رأی دهنده در کنفرانس واقع شود، توسط دبیر کل جهت تصویب در اختیار کلیه کشورهای متعاهد گذاشته خواهد شد.

۲. اصلاحیه‌ای که برطبق بند ۱ این ماده به تصویب می‌رسد هنگامی لازم الاجرا خواهد بود که دو سوم از کشورهای متعاهد این مقاله نامه، در تطابق با قوانین اساسیشان آن را پذیرفته باشند.

۳. اصلاحیه هایی که بدین ترتیب لازم الاجرا می‌شوند برای کشورهایایی که به آن رأی داده‌اند الزام آورند و آن دسته از کشورهای متعاهد که بدان رأی نداده‌اند تنها به رعایت مقررات این مقاله نامه و هرگونه اصلاحی که پیش از آن پذیرفته اند ملزم خواهند بود.

### ماده ۳۵

اعضای کمیته فرعی پیشگیری و نهادهای ملی پیشگیری باید از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای انجام وظایف خود در کمال استقلال نیاز دارند، برخوردار شوند. اعضای کمیته فرعی پیشگیری، از امتیازات و مصونیت‌های پیش بینی شده در بخش بیست و دوم معاهده مربوط به امتیازات و مصونیت سازمان ملل متحد مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۷، با رعایت موارد پیش بینی شده در بخش بیست و سوم این معاهده، برخوردارند.

### ماده ۳۶

اعضای کمیته فرعی پیشگیری در بازدید از یک کشور متعاهد بدون اضرار به موازین و اهداف مقاله نامه حاضر و امتیازات و مصونیت خود، متعهد به رعایت امور زیرند:  
الف) رعایت قوانین و مقررات جاری کشور مورد بازدید؛  
ب) اجتناب از هر عمل و فعالیتی که بر خلاف خصوصیت بی طرفانه و بین المللی موقعیت شغلی آنان باشد.

### ماده ۳۷

۱. متن این مقاله نامه به زبان های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی که از اعتباری واحد برخوردارند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بایگانی خواهند شدند.  
۲. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است رونوشت مصدق این مقاله نامه را به تمامی کشورهای ارسال کند.

## اصول اخلاق پزشکی ناظر بر پرسنل درمانی، به ویژه پزشکان، جهت حمایت از زندانیان و بازداشت شدگان در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز

مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۲ (قطع نامه ۳۷/۱۹۴)

### اصل اول

کارکنان بخش درمانی به ویژه پزشکان که مسئولیت حفظ سلامتی زندانیان و بازداشتی ها را به عهده دارند موظفند از سلامتی جسمی و روحی این افراد مراقبت به عمل آورده و خدمات درمانی ای که به یک بیمار محبوس ارائه می کنند دارای همان کیفیت و معیارهایی باشد که در اختیار افراد آزاد قرار می گیرد.

### اصل دوم

چنانچه کارکنان بخش درمانی به ویژه پزشکان به طور فعالانه و یا منفعلانه تسلیم انجام اعمالی شوند که تحت عنوان شرکت، معاونت، ترغیب و یا شروع به جرم شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز قرار می گیرد، نقض آشکار اخلاق پزشکی و تخلف از اسناد حقوق بین الملل صورت گرفته است.<sup>6</sup>

### اصل سوم

چنانچه کارکنان بخش درمانی، به ویژه پزشکان روابط حرفه ای با زندانیان و یا بازداشتی ها به غیر مواردی که برای ارزیابی، حفظ و بهبود وضعیت سلامتی جسمی و روانی آن ها لازم است داشته باشند، نقض اخلاق پزشکی صورت گرفته است.

### اصل چهارم

چنانچه کارکنان بخش درمانی، به ویژه پزشکان، مرتکب اموری که در ذیل خواهد آمد شوند، نقض اخلاق پزشکی صورت گرفته است:

الف) استفاده از علم و تجربه خود جهت قرار دادن زندانی و بازداشتی در وضعیتی که بتوان از وی بازجویی به عمل آورد در حالی که این عمل بالقوه آثار زیانباری بر سلامتی جسمی و روانی وی داشته و برخلاف موازین اسناد حقوق بین الملل در این زمینه است.<sup>7</sup>

ب) صدور گواهی و یا شرکت در صدور گواهی آمادگی جسمی زندانی یا بازداشتی در تحمل هر نوع رفتار یا مجازاتی که بالقوه آثار زیانباری بر سلامتی جسمی و روانی وی داشته و در عین حال برخلاف موازین حقوق بین الملل در این زمینه باشد. همچنین شرکت، به هر طریق، در انجام چنین رفتارها و یا مجازات هایی که برخلاف موازین اسناد حقوق بین الملل است.

### اصل پنجم

چنانچه کارکنان بخش درمانی به ویژه پزشکان به نحوی از انحاء در محدود و مهار کردن زندانی یا بازداشتی شرکت کنند، اخلاق پزشکی را نقض کرده اند، مگر اینکه این عمل مبنای درمانی داشته و برای سلامتی جسمی و روانی زندانی یا بازداشتی ضروری باشد و یا امنیت وی، سایر محبوسان و یا نگهبانان زندان چنین عملی را ایجاب کند. این عمل نباید اثر سوئی بر سلامتی جسمی و روانی زندانی یا بازداشتی به جا گذارد.

<sup>6</sup> به اعلامیه منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا توهین آمیز رجوع کنید، { قطع نامه 3452 (XXX) ضمیمه }.

<sup>7</sup> به طور خاص اعلامیه جهانی حقوق بشر { قطع نامه 217 آ (3) }، میثاق های بین المللی مربوط به حقوق بشر { قطع نامه 2200 آ (21) }، ضمیمه }، اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی و یا توهین آمیز { قطع نامه 3452 (30) }، ضمیمه } و مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان { اولین کنفرانس سازمان ملل متحد مربوط به پیشگیری از جرم و رفتار با بزهکاران: گزارش دبیرخانه: ( انتشارات سازمان ملل متحد شماره فروش اف. 1956. 4. 4 ) ضمیمه آی- آ }

اسناد حقوق بشر در مدیریت قضایی  
اصول اخلاق پزشکی ناظر بر پرسنل درمانی، به ویژه پزشکان، جهت حمایت از زندانیان و بازداشت شدگان در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز

### اصل ششم

اصول فوق را نمی توان به هیچ عذری حتی به عذر حفظ نظم عمومی نقض کرد.

## اصول روش های کارآمد در اجرای تحقیقات کیفری و جمع آوری مدارک در مورد اعمال شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی، و یا اهانت آمیز

به توصیه قطعنامه شماره ۵۵/۸۹، مجمع عمومی سازمان ملل، مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۰<sup>۸</sup>

۱. تحقیقات کارا و جمع آوری مدارک مربوط به اعمال شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های خشن، غیرانسانی، و یا اهانت آمیز (که از این پس از آن به اختصار با عبارت "شکنجه و سایر رفتارهای سوء یاد می شود") با اهداف زیر انجام می گیرند:  
الف) روشن ساختن واقعه، شناخت و تثبیت مسئولیت افراد خصوصی و دولت نسبت به قربانی و خانواده او؛  
ب) اتخاذ موازین ضروری جهت اجتناب از تکرار واقعه؛  
ج) تسهیل تعقیب کیفری و در صورت لزوم مجازات انتظامی افرادی که در تحقیقات مسئول شناخته شده اند، و تأکید بر ضرورت جبران تام خسارت توسط دولت به ویژه پرداخت غرامتی کافی و عادلانه و تأمین خدمات درمانی و توانبخشی اجتماعی.

۲. کشورها موظفند مراقبت به عمل آورند که هر شکایت و گزارشی مبنی بر ادعای اعمال شکنجه و سوء رفتار بدون فوت وقت مورد تحقیقات دقیق قرار گیرد. این حکم در مواردی که شکایتی رسمی انجام نگرفته است لیکن علائمی دال بر وقوع شکنجه و سوء رفتار وجود دارد نیز جاری است. مسئولان امر تحقیق باید افرادی صالح و بی طرف و نسبت به مظنون و نهادی که او را به خدمت گرفته است کاملاً مستقل باشند. آن ها همچنین باید بتوانند از نتایج تحقیقاتی که توسط متخصصین بی طرف پزشکی و یا سایر متخصصین انجام می گیرد مطلع شوند و یا دستور اجرای آن را صادر کنند. روال تحقیقات باید طبق پیشرفته ترین اسلوب و قواعد حرفه ای انجام گیرد و نتایج آن به اطلاع عموم برسد.

۳. الف) مقام مسئول انجام تحقیقات مجاز و نیز موظف به حصول تمامی اطلاعات ضروری در امر تحقیق است. مأموران اجرای تحقیقات کیفری باید منابع مادی و فنی لازم در انجام وظایف خود را در اختیار داشته و بتوانند افرادی را که تحت عنوان رسمی عمل می کنند و مظنون به ارتکاب شکنجه و سوء رفتارند احضار و به شهادت بخوانند. این حکم در مورد گواهان نیز جاری است. بدین منظور باید به مقام مسئول اجرای تحقیقات اختیاراتی تفویض شود که وی بتواند شاهدان و نیز افرادی که تحت عنوان رسمی عمل می کنند و مظنون به ارتکاب شکنجه و سوء رفتارند به شهادت احضار کرده و از آن ها درخواست اقامه دلیل کند.  
ب) افرادی که احتمال می رود مورد شکنجه و سوء رفتار قرار گرفته باشند، گواهان، و افرادی که به کار تحقیق می پردازند و خانواده هایشان باید از حمایت کامل در مقابل خشونت، تهدید به خشونت و یا هر نوع ارعاب دیگر که به امر تحقیق مربوط می شود برخوردار شوند. افرادی که احتمال می رود در اعمال شکنجه و یا سوء رفتار دست داشته اند، باید از مشاغلی که اعمال قدرت آن ها را بر شاکیان پرونده، گواهان، و خانواده هایشان و یا افراد مأمور در امر تحقیق به طور مستقیم و یا غیرمستقیم میسر می گرداند، برکنار شوند.

۴. قربانیانی که احتمال می رود مورد شکنجه و سوء رفتار قرار گرفته اند و نمایندگان قانونی آنان باید از تمامی جلسات رسیدگی به پرونده مطلع شده و بتوانند در آن شرکت کنند. آن ها همچنین باید بتوانند به تمامی اطلاعات پرونده دسترسی داشته و در صورت لزوم خود مدارکی ارائه کنند.

۵. الف) هنگامیکه روال انجام تحقیقات به دلیل عدم صلاحیت فنی و تخصصی و یا عدم بی طرفی و یا به دلیل وجود فساد آشکار و مستمر و یا به دلایل اساسی دیگر بدرستی انجام نمی گیرد، کشورها موظفند برای ارجاع پرونده تحقیق به یک کمیسیون تحقیق مستقل و یا انجام تحقیقات در روالی مشابه، اقدامات لازم را به عمل آورند. اعضای کمیسیون تحقیق باید بر مبنای شهرت در بیطرفی، صلاحیت و استقلال شخصی انتخاب شوند. آن ها به

<sup>۸</sup> قطع نامه ۵۵/۸۹ بند ۳ مجمع عمومی توجه کشورها را به اصول روش های کارآمد اجرای تحقیقات کیفری و جمع آوری مدارک در مورد اعمال شکنجه، و سایر رفتارها یا مجازات های خشن، غیرانسانی یا توهین آمیز، (ضمیمه قطع نامه)، جلب کرده و آنها را اکیداً به توجه به این اصول به عنوان ابزار مفید در مبارزه علیه شکنجه ترغیب می کند.

ویژه باید نسبت به مظنون و نهاد و مرکزی که او بدان وابسته است کاملاً مستقل باشند. کمیسیون باید اختیار تام در کسب هر نوع اطلاعات لازم در امر تحقیقات را دارا بوده و تحقیقات را بر مبنای اصول حاضر هدایت کند.

(ب) پس از گذشت زمانی معقول باید در مورد پرونده گزارشی کتبی تهیه شود؛ در این گزارش باید محدوده اجرای تحقیقات، روند و روش سنجش دلایل و نتیجه گیری و توصیه های مبنی بر یافته ها و قوانین قابل اجرا ذکر شود. گزارش به محض تنظیم باید منتشر شده و حاوی شرح جزئیات وقایع خاص که در جریان تحقیقات کشف شده است و دلایلی که این وقایع را تأیید می کند، نام گواهان، به استثنای گواهانی که به دلایل امنیتی باید از افشای نام آن ها خود داری کرد، باشد. حکومت باید در مدت زمان معقول به گزارش پاسخ دهد و در صورت لزوم اقداماتی که باید به دنبال گزارش انجام گیرد، در آن ذکر کند.

۶. الف) متخصصین امر پزشکی که در امر تحقیقات مربوط به وقوع شکنجه و سوء رفتار شرکت می کنند باید همواره طبق اصول عالی اخلاقی عمل کنند و به ویژه باید قبل از آغاز تحقیقات رضایت آگاهانه قربانی را جهت اجرای معاینات و آزمایشات جلب کنند. این معاینات باید بر طبق اصول عملی علم پزشکی و به ویژه تحت نظر متخصص امور پزشکی، به طور خصوصی، و بدون حضور مأموران امنیتی یا سایر مأموران دولتی صورت گیرد.

(ب) متخصص امور پزشکی باید فوراً گزارشی کتبی با شرح جزئیات تهیه کند که لااقل حاوی مطالب زیر باشد:

(۱) وضعیت جلسه معاینه: نام شخصی که مورد معاینه قرار گرفته است و افراد حاضر در جلسه معاینه و نسبت آن ها با شخص مزبور، ساعت و تاریخ دقیق انجام معاینه، مکان جلسه، ماهیت و نشانی (در صورت لزوم نشانی اتاق) تأسیساتی که معاینات و آزمایشات در آن انجام گرفته است (به عنوان مثال: بازداشتگاه، بیمارستان، یا منزل مسکونی)؛ وضعیتی که فرد مربوطه در زمان انجام معاینات در آن بسر می برده (به عنوان مثال موانعی که هنگام ورود او به جلسه معاینه و یا در حین معاینات وجود داشته، و یا حضور نیروی امنیتی در زمان انجام معاینات، رفتار افرادی که زندانی را همراهی می کردند، و یا ایراد بیانات تهدید کننده به متخصص امر پزشکی مأمور اجرای معاینات)؛ و سایر موارد مربوط به موضوع؛

(۲) واقعه: شرح دقیق واقعه که توسط شخص مورد معاینه در جلسه معاینه نقل شده است به ویژه شرح چگونگی شکنجه یا سوء رفتار ادعایی، زمان انجام آن، و هر شکایتی که وی از علائم بیماری جسمانی یا روانی دارد؛

(۳) آزمایشات بدنی و روانی: شرح کلیه نتایج معاینات و آزمایشات بدنی و روانی از جمله نتایج تحقیقات آزمایشگاهی و در صورت امکان عکس های رنگی از آثار شکنجه؛

(۴) نظرات: ملاحظات مربوط به ارتباط میان نتایج معاینات و آزمایشات بدنی و روانی و اعمال شکنجه و سوء رفتار. همچنین توصیه های مربوط به معالجات پزشکی و روانی و یا دستور انجام آزمایشات ضروری متعاقب؛

(۵) هویت: در گزارش باید به وضوح نام افرادی که تحقیقات را به انجام رسانده اند ذکر شود و به امضای آن ها برسد.

(۶) گزارش باید محرمانه باقی مانده و به اطلاع ذینفع و یا نماینده او برسد. نظر ذینفع و یا نماینده او در مورد روال انجام معاینات باید خواسته و در گزارش درج شود. مکتوب این نظر باید در صورت لزوم به مقام مسئول اجرای تحقیقات در مورد ادعای اعمال شکنجه و سوء رفتار ارسال شود. دولت موظف است دریافت این نظریه توسط مقام مسئول را تضمین کند. گزارش نباید به هیچ فرد دیگری بدون رضایت ذینفع و بدون اجازه دادگاه صالح در این امر، ارسال شود.



## موازن تظمینی در حمایت از افراد در معرض مجازات اعدام

سند حاضر طی قطعنامه ۵۰/۱۹۸۴ شورای اقتصادی اجتماعی مورخ ۲۵ مه ۱۹۸۴ به تأیید رسیده است.

۱. در کشورهایایی که مجازات اعدام لغو نشده است، این مجازات منحصرأ در مورد جنایات فوق العاده سنگین امکان پذیر است و نباید از محدوده جرائم عمدی منجر به قتل و یا منجر به نتایج بسیار وخیم فراتر رود،
۲. مجازات اعدام منحصرأ در مورد جرائمی که مجازاتشان در زمان ارتکاب جرم اعدام بوده قابل اجراست. چنانچه پس از ارتکاب جرم، قانون مجازات خفیف تری را پیش بینی کند، مجرم باید از قانون جدید بهره مند شود.
۳. مجازات اعدام نباید در مورد افرادی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته اند حکم شود و حکم مجازات اعدام نباید در مورد بانوان باردار، مادران خردسالان و بیماران روانی اجرا شود.
۴. به مجازات اعدام منحصرأ زمانی می توان حکم کرد که دلایل و مدارک روشن و مستدلی مبنی بر محکومیت متهم در دست باشد که راه هر نوع تفسیر خلاف را مسدود کند.
۵. اجرای حکم اعدام منحصرأ پس از صدور حکم نهایی توسط مرجع قضایی صالح امکان پذیر است. روال دادرسی در این مرجع باید تمامی تضمینات لازم را جهت برگزاری محاکمه ای عادلانه حداقل مطابق با مفاد ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دارا باشد از جمله حق داشتن وکیل در تمامی مراحل دادرسی که برای کلیه افراد مظنون یا متهم به جرمی که مجازات آن اعدام است به رسمیت شناخته شده است.
۶. کلیه محکومان به اعدام از حق تقاضای تجدید نظر به مرجع عالی تر برخوردارند. بایستی اقداماتی انجام گیرد که تقاضای تجدیدنظر اجباری شود.
۷. کلیه محکومان به اعدام از حق تقاضای عفو و یا تقاضای تخفیف مجازات برخوردارند. عفو مجرم و یا تخفیف مجازات باید برای هر حکمی به مجازات اعدام امکان پذیر باشد.
۸. اجرای مجازات اعدام باید هنگامی که پرونده مراحل تجدید نظر یا مراحل رسیدگی در دادگاه عالی تری را طی می کند و یا تقاضای عفو و یا تخفیف مجازات شده است، متوقف شود.
۹. مجازات اعدام باید به طریقی اجرا شود که کمترین رنج را برای محکوم موجب شود.

## دومین مقاله نامه اختیاری ملحق به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ناظر بر الغای مجازات اعدام

مقاله نامه حاضر طی قطعنامه ۴۴/۱۲۸، مجمع عمومی مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ تصویب و اعلام شده است

کشورهای متعهد مقاله نامه، {پروتکل}

با اعتقاد به اینکه الغای مجازات اعدام در ارتقای شأن انسانی و گسترش تدریجی حقوق بشر، نقش دارد،

با یادآوری ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶،

نظر به اینکه در مفاد ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، خواست الغای مجازات اعدام به وضوح عیان است،

با اعتقاد به اینکه تمامی موازینی که برای الغای مجازات اعدام اتخاذ می‌شود بایستی به عنوان توسعه احقاق حق حیات تلقی شود،

و با خواست تعهد بین المللی در الغای مجازات اعدام به وسیله مقاله نامه حاضر، در موارد زیر توافق حاصل کرده‌اند:

### ماده ۱

۱. در حوزه قضایی کشورهای متعهد مقاله نامه هیچ فردی نباید اعدام شود.
۲. کشورهای متعهد موظفند کلیه موازین ضروری را جهت الغای مجازات اعدام در حوزه قضایی خود، اتخاذ کنند.

### ماده ۲

۱. هیچ شرطی بر مقاله نامه حاضر پذیرفته نیست، مگر شرط اجرای مجازات اعدام در مورد ارتکاب جنایات سنگین با ماهیتی نظامی در دوران جنگ، که آن هم باید هنگام الحاق به مقاله نامه و یا تنفیذ آن ذکر شود.
۲. کشوری که چنین شرطی را قائل شده است موظف است هنگام تصویب مقاله نامه و یا الحاق بدان، قوانین مربوط به وضعیت جنگی در کشور خود را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد برساند.
۳. کشوری که چنین شرطی قائل شده است موظف است اعلام وضعیت جنگی و پایان آنرا در کشور خود به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد برساند.

### ماده ۳

کشورهای متعهد موظفند موازینی را که در اجرای این مقاله نامه اتخاذ می‌کنند، ضمیمه گزارشاتی کنند که بر طبق ماده ۴۰ میثاق به کمیته حقوق بشر ارسال می‌دارند.

### ماده ۴

در مورد کشورهای متعهد میثاق که بر طبق مفاد ماده ۴۱ اقدام به صدور اعلامیه کرده‌اند، صلاحیت کمیته حقوق بشر در دریافت و رسیدگی به شکایات کشوری بر علیه کشور دیگر مبنی بر عدم انجام تعهدات آن کشور، به مقررات مقاله نامه حاضر نیز تسری داده خواهد شد، مگر اینکه کشور ذینفع متعهد هنگام الحاق و یا تنفیذ، اعلامیه‌ای در نفی آن صادر کرده باشد.

## ماده ۵

۵- در مورد کشورهای متعاهد اولین مقاله نامه اختیاری ملحق به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، صلاحیت کمیته حقوق بشر در دریافت و رسیدگی به اطلاعیه‌های افراد خصوصی تابع حوزه قضایی این کشورها، به مقررات مقاله نامه حاضر نیز تسری داده می‌شود، مگر اینکه کشور متعاهد ذینفع هنگام تنفیذ یا الحاق، اعلامیه‌ای در نفی آن صادر کرده باشد.

## ماده ۶

۱. مقررات این مقاله نامه به عنوان مقررات الحاقی به میثاق اجرا خواهد شد.  
۲. بدون آنکه محدودیتی به شرط مذکور در ماده ۲ مقاله نامه حاضر انجام گیرد، حتی که در بند ۱ ماده ۱ این مقاله نامه تضمین شده است مشمول موارد نقض مذکور در ماده ۴ میثاق نخواهد شد.

## ماده ۷

۱. مقاله نامه حاضر جهت امضای کشورهای هایی که میثاق را امضا کرده اند مفتوح است.  
۲. مقاله نامه حاضر برای تنفیذ کشورهای هایی که میثاق را تنفیذ کرده‌اند یا بدان ملحق شده‌اند، مفتوح است. اسناد تنفیذ نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.  
۳. مقاله نامه حاضر جهت الحاق کشورهای هایی که میثاق را تنفیذ کرده یا بدان ملحق شده اند مفتوح است.  
۴. الحاق کشورها به مقاله نامه باید با تودیع اسناد الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد صورت گیرد.  
۵. کلیه کشورهای هایی که مقاله نامه حاضر را امضاء کرده‌اند و یا بدان ملحق شده‌اند باید توسط دبیرکل سازمان ملل متحد از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع شوند.

## ماده ۸

۱. مقاله نامه حاضر سه ماه پس از تاریخ تودیع دهمین سند تنفیذ و یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم‌الاجرا خواهد شد.  
۲. پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تنفیذ یا الحاق، هرگاه کشور جدیدی کنوانسیون را تنفیذ کند یا بدان ملحق شود، کنوانسیون نسبت به آن کشور، سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تنفیذ یا الحاق، لازم‌الاجراء خواهد شد.

## ماده ۹

مقررات مقاله نامه حاضر بدون اعمال محدودیت و استثناء، در مورد کلیه واحدهای تشکیل دهنده يك کشور فدرال جاری خواهد بود.

## ماده ۱۰

دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است کلیه کشورهای موضوع بند ۱ ماده ۴۸ را از موارد زیر مطلع سازد:  
الف. شروط، اطلاعیه‌ها و ابلاغیه‌هایی که طبق ماده ۲ مقاله نامه حاضر دریافت می‌کند؛  
ب. اعلامیه‌های موضوع ماده ۴ یا ۵ مقاله نامه حاضر؛  
ج. امضاء مقاله نامه حاضر توسط کشورهای، اسناد تنفیذ و الحاق طبق ماده ۷ این مقاله نامه؛  
د. تاریخ لازم‌الاجرا شدن مقاله نامه حاضر طبق ماده ۸ آن.

## ماده ۱۱

۱. متون انگلیسی، عربی، چینی، اسپانیایی، فرانسوی، و روسی مقاله نامه که از اعتبار واحدی برخوردارند در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهند شد.  
۲. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است رونوشت مصدق مقاله نامه حاضر را به کلیه کشورهای موضوع ماده ۴۸ میثاق ارسال کند.

## قواعد سلوک حرفه ای مأموران حفظ نظم و اجرای قانون

مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ۳۴/۱۶۹، مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹

### ماده ۱

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون باید همواره به وظایف قانونی خود با خدمت به جامعه و حفاظت از کلیه افراد در مقابل اعمال خلاف قانون و با توجه به مسئولیت سنگینی که نوع حرفه ایشان اقتضا می کند، عمل کنند.

#### تفسیر

(الف) اصطلاح "مأموران حفظ نظم و اجرای قانون" به کلیه مأموران حفظ نظم و اجرای قانون اعم از مأموران انتصابی و انتخابی که مجری نیروی انتظامی {پلیس} و به ویژه مسئول توقیف و بازداشت اند، اطلاق می شود. (ب) در کشورهایی که نیروی انتظامی توسط مقامات نظامی چه با لباس متحدالاشکل نظامی و چه بدون آن اعمال می شود و یا این وظیفه توسط نیروی امنیتی کشور انجام می گیرد، اصطلاح مأموران حفظ نظم و اجرای قانون مأموران این مراکز را نیز در برمیگیرد.

(ج) منظور از خدمت به جامعه به ویژه معاضدت هایی است که افراد جامعه در شرایط اضطراری شخصی، اقتصادی، اجتماعی و شرایط اضطراری دیگر، نیاز فوری بدان دارند.

(د) قواعد حاضر نه تنها شامل کلیه اعمال خشونت آمیز، مخرب و مضر است، بلکه تمامی اعمال ممنوع طبق قوانین کیفری و همچنین اعمال افراد فاقد مسئول کیفری را نیز بر می گیرد.

### ماده ۲

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون در ایفای وظایف خود باید با احترام به شأن انسانی و دفاع و حفظ حقوق بنیادین کلیه افراد عمل کنند.

#### تفسیر

(الف) منظور از حقوق بشر حقوقی است که توسط قوانین ملی کشورها و قوانین بین المللی مشخص شده و مورد حمایت قرار گرفته است. اسناد حقوق بین الملل در این زمینه به ویژه مشتمل است بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه، رفتار یا مجازات های خشن، غیرانسانی و یا اهانت آمیز، اعلامیه سازمان ملل متحد در امحای اشکال مختلف نژادپرستی، معاهده {کنوانسیون} بین المللی در امحای اشکال مختلف نژادپرستی، معاهده بین المللی در امحا و مجازات جرم نژادپرستی، معاهده پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی، مجموعه قواعد حداقل در رفتار با زندانیان، و معاهده وین مربوط به روابط کنسولی میان کشورها.

(ب) تفسیر این مقرره در قوانین داخلی بایستی با رجوع به مقررات منطقه ای یا ملی که این حقوق را به رسمیت شناخته و از آن حمایت کرده اند صورت گیرد.

### ماده ۳

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون منحصرأ در موارد مطلقاً ضروری و در چهارچوبی که اجرای وظایفشان اقتضاء می کند مجاز به اعمال زور خواهند بود.

#### تفسیر

(الف) با وجود اینکه این ماده مأموران حفظ نظم و اجرای قانون را در مواردی که مقتضیات پیشگیری از جرم یا توقیف یا کمک به توقیف قانونی مجرم یا مظنون به جرم به صورتی منطقی توسل به زور را ایجاب کند، مجاز به توسل به زور کرده است، اما در اصل این ماده تأکید است بر اینکه توسل به زور توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون امری استثنائی است و نباید از محدوده فوق فراتر رود.

ب) قوانین داخلی به طور معمول موارد توسل به زور را بر اساس اصل تناسب محدود می کنند. تفسیر ماده حاضر باید با توجه به اصل تناسب مورد قبول هر کشور انجام گیرد. این ماده به هیچ وجه نبایستی به صورتی تفسیر شود که شدت اعمال زوری را که با هدف قانونی مورد نظر تناسب ندارد مجاز کند.

ج) استعمال اسلحه گرم تدبیری افراطی محسوب می شود. با استفاده از طرق دیگر بایستی حتی الامکان از توسل به آن به ویژه در مورد نوجوانان اجتناب شود. بنا بر قاعده در مواردی که مظنون به ارتکاب جرم مقاومت مسلحانه نکرده و یا به طریق دیگر زندگی فرد دیگری را به خطر نیانداخته است و یا توقیف یا مهار وی با وسائل دیگر امکان پذیر است، توسل به اسلحه گرم مجاز نمی باشد. هر بار استفاده از اسلحه گرم بایستی در اسرع وقت به مقام مسئول گزارش شود.

#### ماده ۴

مأموران حفظ نظم اجرای قانون باید از افشای اطلاعات محرمانه ای که در اختیار دارند خودداری کنند، مگر اینکه اجرای وظایف و مصلحت عدالت عکس آن را اقتضا کند.

#### تفسیر

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون به دلیل ماهیت حرفه ای خود اطلاعاتی کسب می کنند که امکان دارد مربوط به زندگی خصوصی افراد دیگر و بالقوه بر ضد منافع و به ویژه حیثیت آن ها باشد. در حفظ و استفاده از این اطلاعات که منحصرأ در اجرای وظایف و مصالح اجرای عدالت مجاز است، باید دقت وافر به عمل آید. هر نوع افشای اطلاعات به غیر اهداف مذکور، خلاف قانون است.

#### ماده ۵

اعمال و یا ترغیب شکنجه، رفتار یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز و یا اغماض نسبت بدین اعمال برای کلیه مأموران حفظ نظم و اجرای قانون ممنوع است. برای توجیه این اعمال هیچ عذری از جانب این افراد مبنی بر اجرای دستور مافوق، و یا وضعیت استثنایی چون وضعیت جنگی، و یا خطر وقوع جنگ، تهدید علیه امنیت ملی، عدم ثبات سیاسی کشور و یا هر وضعیت اضطراری دیگر پذیرفته نخواهد شد.

#### تفسیر

الف) ممنوعیت فوق ناشی از اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل اعمال شکنجه و رفتار یا مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی و یا اهانت آمیز مصوب مجمع عمومی است. طبق مفاد این اعلامیه: "[ این عمل ] تجاوزی است به شأن انسان و باید تحت عنوان عمل نافی اهداف منشور ملل متحد و تجاوز به حقوق بشر و آزادی های بنیادین مصروح در اعلامیه جهانی حقوق بشر [ و سایر اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر ] محکوم شود".

ب) در این اعلامیه واژه شکنجه به شرح زیر تعریف شده است:  
واژه شکنجه به هر فعل عمدی ای اطلاق می شود که سبب درد و رنج شدید جسمانی یا روانی فردی شود و انگیزه هایی چون: کسب اطلاعات و یا اقرار از فرد و یا شخص ثالث، مجازات فرد به دلیل عملی که مرتکب شده است و یا مظنون به ارتکاب آن است، ارعاب فرد یا شخص ثالث موجب آن شده باشد. يك چنین درد و رنجی باید توسط یا به تحریک یک مأمور دولتی و یا مأمور یک نهاد رسمی ایجاد شده باشد. این تعریف درد و رنجی را که ناشی از آثار طبیعی و یا تصادفی مجازات های قانونی مطابق با قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان است، در بر نمی گیرد.

ج) مجمع عمومی اصطلاح "رفتار و مجازات های بی رحمانه غیر انسانی یا اهانت آمیز را تفسیر نکرده است، لیکن این اصطلاح باید به گونه ای تفسیر شود که بیشترین حمایت ممکن را در مقابل هر نوع ایداء جسمانی و روانی تضمین کند.

## ماده ۶

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون باید از سلامتی افراد تحت حفاظت خود مراقبت کامل به عمل آورند و به ویژه در موارد ضروری، تصمیمات فوری جهت تأمین مراقبت پزشکی آن ها اتخاذ کنند.

### تفسیر

(الف) اصطلاح "مراقبت پزشکی" که کلیه خدمات کارکنان مراکز درمانی را در بر می گیرد، شامل خدمات متخصصین رسمی پزشکی و پیراپزشکی نیز می شود که باید در صورت نیاز و تقاضا تأمین گردد.

(ب) با وجود اینکه پرسنل درمانی اغلب وابسته به مراکز اجرای قانون اند، لیکن مأموران حفظ نظم و اجرای قانون موظف اند به توصیه آن ها مبنی بر درمان مناسب پزشکی توسط و یا با مشورت متخصصین مستقل از این مراکز، عمل کنند.

(ج) مأموران حفظ نظم و اجرای قانون طبقاً باید خدمات درمانی را برای قربانیان نقض قانون و یا قربانیان تصادفات ناشی از نقض قانون نیز تضمین کنند.

## ماده ۷

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون باید از ارتکاب هر عملی که تحت عنوان فساد اداری قرار می گیرد اجتناب کنند آن ها همچنین موظفند ارتکاب این اعمال را شدیداً منع کرده و با آن مبارزه کنند.

### تفسیر

(الف) هر عملی که تحت عنوان فساد اداری قرار می گیرد و هر عملی که سوءاستفاده از قدرت محسوب می شود، مغایر حرفه مأموران حفظ نظم و اجرای قانون است. قانون باید در مورد هر مأمور اجرای قانون که مرتکب فساد اداری شده است دقیقاً اجرا شود زیرا نمی توان از دولت انتظار داشت قوانین را نسبت به مأموران خود و در حیطه کاری خود چه به دلیل عدم توانایی و چه به دلیل عدم خواست، به طور کامل اجرا کند.

(ب) با وجود اینکه تعریف اصطلاح فساد اداری در صلاحیت حقوق داخلی کشورهاست، اما می توان به طور کلی تقاضا و یا قبول هر مال، وعده، یا امتیاز در ازای فعل یا ترک فعل از جانب مأمور اجرای قانون در انجام وظیفه یا در ارتباط با آن و یا دریافت مال، وعده یا امتیاز به ناحق پس از پایان یافتن فعل یا ترک فعل مذکور را مصداق فساد اداری دانست.

(ج) اصطلاح "فساد اداری" مذکور در فوق شروع به انجام این جرم را نیز در بر می گیرد.

## ماده ۸

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون ملزم به رعایت قانون و قواعد حاضراند و باید همه هم خود را صرف پیشگیری و مبارزه جدی با نقض این قواعد کنند.

مأموران حفظ نظم و اجرای قانون که دلایل قوی حاکی از نقض و یا شروع به نقض قواعد حاضر در دست دارند باید موضوع را به مافوق خود و یا در صورت لزوم به مقامات مسئول یا مراجع نظارت و دادخواهی صالح گزارش دهند.

### تفسیر

(الف) قواعد حاضر چنانچه در قوانین و یا رویه عملی کشوری گنجانده شده است، باید رعایت شود. اگر قوانین و رویه عملی کشورها در مقایسه با قواعد حاضر حاوی موازین سخت گیرانه تری باشند، مقررات سخت گیرانه تر باید اجرا شود.

ب) در ماده حاضر سعی شده است میان نیاز به نظم داخلی در مراکزی که امنیت عمومی به آن بستگی تام دارد، و لزوم اتخاذ موازین در ممانعت از نقض حقوق بنیادین بشر توازنی برقرار شود. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون باید بر طبق روال سلسله مراتب صدور دستورات، مراتب نقض قانون را به مافوق خود گزارش دهند و خارج از سلسله مراتب حرفه ای منحصرأ زمانی اقدام قانونی کنند که طرق دیگر دادخواهی وجود نداشته و یا موثر نباشد. مسلم است که مأموران حفظ نظم و اجرای قانون نباید به دلیل گزارش نقض یا شروع به نقض قواعد حاضر هیچگونه مجازات اداری یا مجازات دیگری را متحمل شوند.

ج) اصطلاح "مقامات مسئول یا مراجع نظارت و دادخواهی صالح" اشاره به کلیه مقامات و مراجعی دارد که طبق قوانین داخلی کشورها ایجاد شده اند و صلاحیت رسیدگی به منازعات و شکایات مربوط به نقض موازین قواعد حاضر و بازبینی آن را دارا هستند. صرفنظر از وابستگی یا استقلال آن ها نسبت به نهاد اجرای قانون و یا دارا بودن اختیار قضایی رسمی یا اختیار قضایی سنتی و یا غیر آن.

د) در برخی از کشورها رسانه های جمعی همان نقش نظارت و کنترلی را دارا هستند که در تبصره فوق شرح آن آمد. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون می توانند طبق قوانین و رسوم کشور خود و در تطابق با ماده ۴ قواعد حاضر، اطلاعات مبنی بر نقض قواعد را از طریق رسانه ها به عنوان آخرین مرجع به اطلاع عموم برسانند. ه) مأموران حفظ نظم و اجرای قانون که مفاد قواعد حاضر را رعایت می کنند، استحقاق احترام و حمایت و همکاری همه جانبه جامعه محلی و محل خدمت خود و نیز مراکز دیگر اجرای قانون را دارا هستند.

## اصول اساسی در توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون

مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل متحد مربوط به پیش‌گیری از جرم و رفتار با مجرمین (هاوانا، کوبا، ۲۷ اوت الی ۷ سپتامبر ۱۹۹۰)

نظر به اینکه وظایف شغلی مأموران حفظ نظم و اجرای قانون<sup>۹</sup> خدمت اجتماعی بسیار حائز اهمیتی به شمار می‌آید مقتضی است شرایط کاری و موقعیت شغلی آنان استقرار یافته و در صورت نیاز بهبود یابد،

با توجه به این نکته که هر خطری که زندگی و امنیت مأموران حفظ نظم و اجرای قانون را تهدید کند باید به مثابه خطری که استقرار کل جامعه را تهدید می‌کند تلقی شود،

از آن جایی که مأموران حفظ نظم و اجرای قانون در حفاظت از حق حیات، آزادی و امنیت فرد، که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تضمین شده و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر آن تأکید شده است، نقش حیاتی دارند،

نظر به اینکه در قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان موقعیت‌هایی که کارکنان زندان‌ها در اجرای وظایفشان مجاز به توسل به زور شده‌اند، از پیش مشخص شده است،

نظر به اینکه ماده ۳ قواعد سلوک حرفه‌ای مأموران حفظ نظم و اجرای قانون پیش‌بینی کرده است که افراد مذکور منحصراً در شرایط مطلقاً ضروری و در چهارچوب موازین مشخص در اجرای وظایفشان، مجاز به توسل به زوراند،

نظر به اینکه در اجلاس مقدماتی برای برگزاری هفتمین کنگره سازمان ملل متحد مربوط به پیش‌گیری از جرم و رفتار با مجرمین که در ورنا (ایتالیا) تشکیل شد، در مورد اصولی که باید در جریان مذاکرات بعدی مربوط به محدود ساختن توسل به زور و اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون مورد بررسی قرار گیرد، توافق حاصل شده است،

نظر به اینکه هفتمین کنگره در قطعنامه شماره ۱۴ خود از جمله بر حفظ تناسب میان توسل به زور و اسلحه گرم توسط مجریان قانون و رعایت حقوق بشر تأکید کرده است،

نظر به اینکه شورای اقتصادی اجتماعی در بخش ۹ قطعنامه ۲۱ می ۱۹۸۶ (۱۰/۱۹۸۶ بخش ۹) کشورهای عضو را به توجه ویژه به تحقق مقررات مربوط به توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون دعوت کرده است و با توجه به اینکه مجمع عمومی در قطع نامه ۴۹/۱ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ خود از جمله از توصیه شورا استقبال کرده است،

نظر به اینکه مقتضی است با عنایت کامل به مستلزمات امنیت شخصی مأموران حفظ نظم و اجرای قانون، توجه خاص به نقش آن‌ها در اجرای عدالت و حفاظت از حق حیات، حق آزادی و امنیت افراد و مسئولیتشان در حفظ امنیت عمومی و صلح و آرامش اجتماعی و اهمیت صلاحیت شغلی، کارآموزی و سلوک حرفه‌ای ایشان مبذول گردد،

<sup>۹</sup> اصطلاح "مأموران حفظ نظم و اجرای قانون" کلیه مأموران اجرای قانون اعم از مأموران انتصابی یا انتخابی را که مجری نیروی انتظامی {پلیس} و به ویژه مسئول توقیف و بازداشت‌اند، در برمی‌گیرد. اصطلاح مأموران اجرای قانون در کشورهایی که نیروی انتظامی توسط مقامات نظامی چه با لباس متحدالاشکال نظامی و چه بدون آن هدایت می‌شود و یا این وظیفه توسط نیروی امنیتی کشور انجام می‌گیرد شامل مأموران این مراکز نیز می‌شود.



دولت‌ها بایستی اصول اساسی ذیل را که جهت مساعدت به کشورهای عضو در تضمین و ارتقای نقش صحیح مأموران حفظ نظم و اجرای قانون تدوین شده است مورد توجه قرار داده و در قوانین و رویه عملی ملی خود رعایت کنند و نیز توجه مأموران حفظ نظم و اجرای قانون و سایر افراد از جمله قضات دادگاه‌ها، مقامات قضایی داسراها و کلای دعاوی و مسئولان قوه مجریه و مقننه و عموم را بدان معطوف گردانند.

### موازین عمومی

۱. دولت‌ها و مقامات مسئول نیروی انتظامی {پلیس} موظفند مقررات و ضوابطی را در ارتباط با توسل به زور و استعمال اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون در مقابل افراد، تدوین و اجرا کنند. دولت و مقامات مسئول نیروی انتظامی باید این قواعد و ضوابط را به گونه‌ای تدوین کنند که اصول اخلاقی مربوط به توسل به زور و استعمال اسلحه گرم همواره تحت نظارت قرار گیرد.

۲. دولت‌ها و نیروی انتظامی بایستی یک سلسله ابزار، حتی الامکان گسترده، تأمین کرده و مأموران حفظ نظم و اجرای قانون را به سلاح‌ها و مهمات متنوع مجهز کنند که امکان اجرای روش‌های جایگزین توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم را ممکن گردانند. بدین منظور بایستی سلاح‌های غیر مهلک و بازدارنده‌ای تأمین شود که بتوان از آن در مواقع لزوم به منظور محدود ساختن هر چه بیشتر توسل به اسلحه مهلک و جراح استفاده کرد. بدین منظور همچنین بایستی امکانات تجهیزات دفاعی برای مأموران حفظ نظم و اجرای قانون از جمله سپر کلاه و جلیقه و خودرو ضد گلوله مهیا شود تا ضرورت استعمال هر نوع سلاح کاهش یابد.

۳. ساخت و به کارگیری سلاح غیر مهلک و بازدارنده بایستی مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و استفاده از آن تحت کنترل شدید باشد، تا خطراتی که شخص ثالث را تهدید می‌کند به حداقل ممکن کاهش یابد.

۴. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون در انجام وظایف خود موظفند پیش از توسل به زور و اسلحه گرم حتی الامکان از روش‌های ملایم استفاده کنند. توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم منحصراً زمانی مجاز است که روش‌های دیگر بی نتیجه مانده و یا نتایج مورد نظر را حاصل نکند.

۵. در صورتی که توسل به زور و اسلحه گرم اجتناب ناپذیر باشد مأموران حفظ نظم و اجرای قانون در به کار بردن آن موظف به رعایت امور زیراند:

- (الف) استفاده متعادل و محدود و متناسب با شدت و ضعف جرم و اهداف قانونی مورد نظر؛
- (ب) کوشش در به حداقل رساندن خسارات و آسیب جسمی و رعایت و حفظ حیات افراد؛
- (ج) تضمین امدادهای فوری پزشکی به افراد مصدوم و آسیب دیده؛
- (د) مطلع ساختن خانواده و نزدیکان فرد مصدوم و آسیب دیده در اسرع وقت.

۶. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون موظفند هنگامی که در اثر توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم موجب وقوع جراحت یا فوت فردی شده‌اند، در تطابق با ماده ۲۲، مورد را در اسرع وقت به مقام مافوق خود گزارش دهند.

۷. دولت‌ها موظفند مراقبت به عمل آورند که قوانین، توسل سوء و خودسرانه به زور و اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون را جرم محسوب کرده و مورد مجازات قرار دهند.

۸. هیچ موقعیت استثنایی‌ای از جمله عدم ثبات وضعیت سیاسی در داخل کشور و یا وجود وضعیت اضطراری نمی‌تواند به عنوان توجیهی برای نقض اصول اساسی حاضر مورد استناد قرار گیرد.

## موازن اختصاصی

۹. استفاده از سلاح گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون منحصرأ در شرایط دفاع مشروع و دفاع از افراد در مقابل خطر قریب الوقوع مرگ یا جراحت خطرناک، ممانعت از وقوع جرم به ویژه خطرناکی که حیات افراد را تهدید می کند، و یا دستگیری فردی که چنین خطراتی را در برداشته و از تسلیم خود به مأموران خودداری می ورزد و یا ممانعت از فرار این افراد، مجاز است، آن هم در صورتی که روش های ملایم تر در نیل به نتایج فوق کارا نباشند. در هر صورت مأموران حفظ نظم و اجرای قانون نمی توانند عمداً از اسلحه گرم جهت کشتن یک فرد استفاده کنند مگر در شرایطی که برای حفظ جان افراد مطلقاً اجتناب ناپذیر باشد.

۱۰. در موقعیت های مذکور در ماده ۹، مأموران حفظ نظم و اجرای قانون موظفند ابتدا با معرفی سمت خود، به وضوح، قصد خود را در استفاده از اسلحه گرم اخطار داده و فرصتی مناسب جهت تسلیم در اختیار فرد مورد نظر قرار دهند، مگر اینکه چنین عملی مأموران را به شدت در معرض خطر قرار دهد و یا موجب بروز خطر مرگ و یا جراحت برای فرد ثالثی شود و یا به وضوح نسبت به موقعیت نامناسب و یا بی فایده به نظر رسد.

۱۱. قواعد و ضوابط استفاده از اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون بایستی رهنمودهای زیر را در بر گیرد:

(الف) مشخص ساختن شرایطی که مأموران حفظ نظم و اجرای قانون تحت آن مجاز به استفاده از اسلحه گرم اند و تعیین دقیق نوع اسلحه و مهمات؛

(ب) تضمین اینکه از اسلحه گرم منحصرأ در شرایط مقتضی و به طریقی که امکان وقوع خسارات غیر ضروری را به حداقل برساند، استفاده شود؛

(ج) ممنوع ساختن استفاده از اسلحه گرم و مهماتی که موجب ایراد جراحات یا ایجاد خطر ناموجه می شوند؛

(د) تدوین مقررات جهت نظارت بر ذخائر و توزیع سلاح های گرم از جمله تعیین روال حسابرسی در مورد سلاح ها و مهماتی که در اختیار مأموران حفظ نظم و اجرای قانون قرار دارد؛

(ه) پیشبینی لزوم اخطار پیش از توسل به اسلحه گرم؛

(و) پیشبینی یک نظام گزارشی جهت مأموران حفظ نظم و اجرای قانون هنگامی که در انجام وظایف خود متوسل به اسلحه گرم شده اند.

## برقراری نظم در اجتماعات غیرقانونی

۱۲. نظر به اینکه در تطابق با اصول اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هر فردی حق دارد در اجتماعات قانونی و صلح آمیز شرکت کند، دولت ها، نیروی انتظامی و مأموران حفظ نظم و اجرای قانون باید بپذیرند که توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم منحصرأ در تطابق با ماده ۱۳ و ۱۴ امکان پذیر است.

۱۳. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون باید کوشش کنند در پراکنده ساختن اجتماعات غیرقانونی اما آرام و بدون خشونت از توسل به زور خودداری نمایند و در شرایطی که توسل به زور اجتناب ناپذیر باشد از آن به میزان حداقل لازم استفاده کنند.

۱۴. در پراکنده ساختن اجتماعات خشونت آمیز، مأموران حفظ نظم و اجرای قانون نمی توانند به اسلحه گرم متوسل شوند مگر هنگامی که روش های کم خطرتر بی حاصل باشد که در این صورت نیز منحصرأ به میزان حداقل لازم و در چهارچوب ماده ۹ مجاز به استفاده از آن خواهند بود.

### حفظ نظم در بازداشتگاه ها و مکان های حبس

۱۵. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون نمی توانند در برخورد با بازداشتی ها و زندانیان به زور متوسل شوند، مگر در شرایط مطلقاً ضروری برای حفظ امنیت بازداشتگاه و مکان حبس و یا زمانی که امنیت افراد در خطر است.

۱۶. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون در روابط خود با بازداشتی ها و زندانیان نمی توانند به اسلحه گرم متوسل شوند مگر در صورت دفاع مشروع و یا دفاع از افراد در مقابل خطر قریب الوقوع مرگ یا جراحت خطرناک، و یا هنگامی که توسل بدان برای ممانعت از فرار بازداشتی یا زندانی ای که خطرات موضوع ماده ۹ را در بر دارد، اجتناب ناپذیر باشد.

۱۷. اصول فوق به حقوق، وظایف و مسئولیت کارکنان زندان ها طبق مفاد مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان به ویژه قواعد ۳۳، ۳۴ و ۵۴ آن، خدشه ای وارد نخواهد کرد.

### صلاحیت، آموزش، مشاوره

۱۸. دولت ها و مقامات مسئول نیروی انتظامی باید مراقبت به عمل آورند که استخدام کلیه مأموران حفظ نظم و اجرای قانون طبق روالی صحیح انجام گیرد و این افراد صلاحیت اخلاقی و قابلیت های روانی و جسمانی لازم را در انجام وظایف خود به نحو احسن دارا باشند و به طور مستمر آموزش های حرفه ای و تکمیلی ببینند. همچنین قابلیت حرفه ای آن ها برای ادامه انجام وظایف بایستی مورد بازبینی ادواری قرار گیرد.

۱۹. دولت ها و مقامات مسئول نیروی انتظامی باید مراقبت به عمل آورند که کلیه مأموران حفظ نظم و اجرای قانون آموزش ببینند و تحت آزمایشات مربوط به معیارهای سنجش قابلیت توسل به زور قرار گیرند. مأمورانی که قرار است اسلحه گرم در اختیارشان گذاشته شود، بایستی منحصراً زمانی مجاز به حمل اسلحه گرم شوند که آموزش های تخصصی لازم در استفاده از آن را دیده باشند.

۲۰. در آموزش مأموران حفظ نظم و اجرای قانون دولت و مقامات مسئول نیروی انتظامی بایستی به اخلاق حرفه ای نیروی انتظامی و رعایت حقوق بشر به ویژه در روند تعقیب جرم و نیز به جایگزین های توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم از جمله حل و فصل مسالمت آمیز منازعات، آگاهی به عادت های رفتاری اجتماعات، و روش های اقناعی، انجام مذاکرات و میانجی گری و وسائل فنی، با هدف کاهش توسل به زور و اسلحه گرم، توجه خاص مبذول دارند. مسئولین نیروی انتظامی بایستی برنامه های آموزشی و روش های عملیاتی خود را با توجه به حوادث خاص مورد بازبینی قرار دهند.

۲۱. دولت ها و مقامات نیروی انتظامی موظفند کمک های مشاوره ای و روانشناختی در اختیار آن دسته از مأمورانی که در موقعیتی حضور داشته اند که به زور و اسلحه گرم توسل شده است قرار دهند.

### روال ارائه گزارش و انجام تحقیقات

۲۲. دولت و مقامات مسئول نیروی انتظامی باید روال های مناسبی جهت ارائه گزارش و انجام تحقیقات در مورد وقایع مذکور در ماده ۶ و ۱۱ (ه) برقرار کنند. در مورد وقایعی که طبق اصل حاضر باید گزارشی در مورد آن تهیه شود، دولت و مقامات مسئول نیروی انتظامی موظفند مراقبت به عمل آورند که تحقیقات دقیق در مورد واقعه انجام گیرد و مقام مستقل اداری و یا مقام مستقل دادسرا در امر تحقیق بتوانند اختیارات قضایی خود را در شرایط مناسب اعمال کنند. در صورت وقوع فوت یا صدمه شدید جسمی و یا عواقب وخیم دیگر، باید در اسرع وقت، گزارشی دقیق با شرح جزئیات به مقام صالح مسئول تحقیقات اداری یا قضایی ارسال شود.

۲۳. افرادی که در نتیجه توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم آسیب دیده اند و وکلای آنها از حق دسترسی به یک روال دادرسی مستقل از جمله دادرسی قضایی برخوردارند. در صورت فوت چنین افرادی این حق برای بازماندگان تحت تکلفشان ابقاء می شود.

۲۴. دولت و مقامات مسئول نیروی انتظامی باید مراقبت به عمل آورند که مأموران ارشدی که از توسل به زور و یا استفاده از اسلحه گرم غیر قانونی در گذشته یا در حال، توسط مأموران زیر دستشان آگاهی داشته و یا موظف به آگاهی بوده اند، در صورتی که از تمامی امکاناتی که در اختیار داشته اند جهت ممانعت یا توقف واقعه و یا گزارش آن استفاده نکرده اند، مسئول شناخته شوند.

۲۵. دولت و مقامات مسئول نیروی انتظامی باید مراقبت به عمل آورند مأموری که مطابق با قواعد سلوک حرفه ای مأموران حفظ نظم و اجرای قانون و اصول اساسی حاضر از انجام دستور توسل به زور و یا استفاده از اسلحه گرم سرپیچی کرده و یا انجام چنین اعمالی توسط مأموران دیگر را افشا کرده است، مورد هیچ نوع تنبیه کیفری یا انتظامی قرار نگیرد.

۲۶. مأمور اجرای قانون هنگامی که به وضوح از غیرقانونی بودن دستور توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم که موجب فوت و یا صدمه شدید جسمی فردی شده است آگاه بوده و امکانات منطقی در سرپیچی از دستور را در اختیار داشته است، نمی تواند برای تیرئه خود به اجرای دستورات مافوق استناد کند. در هر صورت مقام مافوق صادر کننده دستور غیر قانونی نیز باید مسئول شناخته شود.

## قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد ناظر بر موازین جایگزین حبس ( قواعد توکیو)

مصوب مجمع عمومی طی قطعنامه ۴۵/۱۱۰، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰

### (۱) اصول کلی

#### ۱. اهداف بنیادین

- ۱.۱ در قواعد حداقل حاضر، مجموعه ای از اصول بنیادین اعلام می شود که هدف از آن توسعه توسل به جایگزین های حبس و ارائه تضمینات حداقل جهت افراد تحت این نظام است.
- ۱.۲ قواعد حاضر همچنین با هدف تشویق توسعه شرکت جامعه در روند اجرای عدالت جزایی و به ویژه در برخورد با مجرمین و تقویت احساس مسئولیت اجتماعی در آن ها، تدوین شده است.
- ۱.۳ در اجرای قواعد حاضر باید به شرایط سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی و فرهنگی هر کشور و اهداف و نیات نظام عدالت جزایی آن توجه شود.
- ۱.۴ در اجرای قواعد حاضر کشورهای عضو باید کوشش کنند میان حقوق مجرم و حقوق قربانی و دغدغه های جامعه در مورد امنیت عمومی و پیشگیری از جرم توازن برقرار کنند.
- ۱.۵ به منظور رعایت حقوق بشر و توجه به مستلزمات عدالت اجتماعی و نیاز به توانبخشی اجتماعی مجرم، کشورهای عضو باید جهت کاهش توسل به مجازات حبس و عقابایی کردن سیاست عدالت جزایی، جایگزین هایی برای مجازات حبس در نظام قضایی خود پیش بینی کنند.

#### ۲. محدوده اجرای موازین جایگزین حبس

- ۲.۱ قواعد حاضر باید در همه مراحل اجرای عدالت جزایی، در مورد کلیه افرادی که تحت تعقیب جزایی، تحت محاکمه و یا اجرای حکم بسر می برند، اجرا شود. در چهارچوب این قواعد از این افراد صرف نظر از اینکه مظنون باشند یا متهم و یا محکوم تحت عنوان "مجرم" یاد می شود.
- ۲.۲ قواعد حاضر باید بدون اعمال هر نوع تبعیض به دلیل نژاد، رنگ پوست، جنسیت، سن، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر نوع عقیده دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد و غیر آن، اجرا شود.
- ۲.۳ به منظور گسترش تنوع در مجازات ها با هدف ایجاد امکان صدور احکام با توجه به طبیعت و شدت جرم، شخصیت و گذشته مجرم و حمایت از جامعه و نیز به منظور اجتناب از توسل به مجازات حبس، کشورها بایستی در نظام جزایی خود یک سلسله موازین جایگزین حبس که از مراحل پیش از شروع محاکمه در دادگاه تا اجرای حکم قابل استفاده باشد پیش بینی کنند. تعداد و نوع این موازین باید به صورتی مشخص شود که تعیین منطقی مجازات را ممکن گرداند.
- ۲.۴ ایجاد روش های جایگزین حبس بایستی به دقت برنامه ریزی شده و تحت نظارت دقیق اجرا شود و در مورد نتایج عملی آن بررسی قانونمند و مستمر انجام گیرد.
- ۲.۵ در تطابق کامل با تضمینات امنیتی قانون و موازین قانونی، باید به روش های برخورد با مجرمین در چهارچوب جامعه توجه خاص مبذول شده و حتی المقدور از توسل به روش های قضایی وارجاع به دادگاه ها، خودداری شود.
- ۲.۶ در اجرای روش های جایگزین حبس بایستی مطابق با اصل دخالت حداقل عمل نمود.
- ۲.۷ توسل به روش های جایگزین حبس بایستی با هدف مجازات زدائی و جرم زدائی انجام گیرد و نه اینکه نتیجه عکس داشته و یا موجب به تعویق انداختن نیل به این هدف شود.

#### ۳. تضمینات قضایی

- ۳.۱ تدوین، تعریف و اجرای تدابیر جایگزین حبس باید توسط قانون صورت گیرد.

- ۲.۳ حکم به تدابیر جایگزین حبس باید بر اساس معیارهای مشخصی بنا شود که از سویی به طبیعت و شدت جرم توجه کند و از سوی دیگر شخصیت و گذشته مجرم، هدف مجازات و حقوق قربانی را در نظر بگیرد.
- ۳.۳ اختیار تام در تصمیم گیری توسط مقام مسئول قضایی و یا مقام مسئول مستقل و صالح دیگر باید در تمامی مراحل دادرسی با مسئولیت کامل و در مطابقت با قانون اعمال شود.
- ۴.۳ تدابیر جایگزین حبس که در حین انجام تحقیقات کیفری و یا انجام محاکمه و یا به جای آن اتخاذ می شود و الزاماتی را برای مجرم تعیین می کند، باید با رضایت مجرم صورت گیرد.
- ۵.۳ اتخاذ تدابیر جایگزین حبس منوط است به تقاضای مجرم و بررسی و تفحص مقام مسئول قضایی و یا مقام مسئول مستقل و صالح دیگر.
- ۶.۳ مجرم حق خواهد داشت در خصوص نقض حقوق فردی خود حین اجرای روش جایگزین حبس، به مقام قضایی و یا مقام صلاحیتدار مستقل و صالح دیگر، عریضه یا شکایت تسلیم کند.
- ۷.۳ به منظور رسیدگی به نقض حقوق بشر که توسط جامعه بین الملل به رسمیت شناخته شده است و در صورت امکان جبران خسارات ناشی از آن باید مراجع خاصی تأسیس شود.
- ۸.۳ تدابیر جایگزین حبس نباید شامل آزمایشات تحقیقی پزشکی یا روانشناختی باشد و یا خطر شدید صدمه جسمی یا روانی در برداشته باشد.
- ۹.۳ به شئون مجرمی که تحت نظام تدابیر جایگزین حبس قرار می گیرد باید همواره احترام گذاشته شود.
- ۱۰.۳ هنگام اجرای تدابیر جایگزین حبس، حقوق مجرم را نمی توان بیش از آنچه مقام صلاحیتدار قانونی هنگام صدور حکم مشخص کرده است، محدود کرد.
- ۱۱.۳ در اجرای تدابیر جایگزین حبس باید حقوق مربوط به حریم خصوصی مجرم و خانواده اش رعایت شود.
- ۱۲.۳ پرونده شخصی مجرم اکیداً محرمانه است و قابل دسترس برای شخص ثالث نمی باشد. دسترسی به پرونده منحصراً برای افرادی که مستقیماً با موضوع سروکار دارند و افرادی که قانوناً مجازاند امکان پذیر خواهد بود.

#### ۴. شرط بقاء اعتبار

- ۱.۴ هیچیک از موازین قواعد حاضر را نباید به گونه ای تفسیر کرد که مانع از اجرای مفاد مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان، قواعد حداقل سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن)، مجموعه اصول در حمایت از کلیه افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت یا حبس قرار دارند و نیز سایر اسناد حقوقی و قواعد مربوط به حقوق بشر که توسط جامعه بین الملل به رسمیت شناخته شده است و ناظر بر رفتار با مجرمین و حمایت از حقوق بنیادین آن ها است شود.

#### (۲) مرحله پیش از محاکمه

#### ۵. تدابیر قابل اتخاذ در مرحله پیش از شروع محاکمه

- ۱.۵ به نیروی انتظامی {پلیس}، دادرها و سایر دوايرمسئول عدالت جزایی، بایستی، به شرط انطباق با نظام قضایی کشورشان، اختیاراتی تفویض شود تا آن ها بتوانند در صورتی که با توجه به اهداف مربوط به صیانت از جامعه، پیشگیری از جرم، ارتقای احترام به قانون و حقوق قربانی، تعقیب کیفری را ضروری تشخیص ندهند، آن را متوقف سازند. در هر نظام قضایی باید معیارهایی مشخص شود که بر طبق آن بتوان ضرورت تعقیب کیفری و یا توقف آن را سنجید. دادستان می تواند در مورد جرائم بی اهمیت تدابیر جایگزین حبس اتخاذ کند.

#### ۶. اجتناب از بازداشت موقت

- ۱.۶ در روال دادرسی کیفری، بازداشت موقت باید با توجه به تحقیقات مربوط به جرم و امنیت جامعه و حقوق قربانی، به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شود.

۶. ۲ از تدابیر جایگزین بازداشت موقت باید حتی الامکان در همان مراحل اولیه استفاده شود. مدت بازداشت موقت نباید بیش از آن چه برای نیل به اهداف مصرح در قاعده ۵. ۱ لازم است به طول انجامد. رفتار با مجرم باید با انسانیت و احترام به شأن ذاتی موجود انسانی مدیریت شود.

۶. ۳ مجرم حق دارد برای تجدید نظر در حکم بازداشت خود به مقام قضایی و یا مقام مستقل صلاحیتدار دیگر رجوع کند.

### (۳) محاکمه و صدور حکم

#### ۷. گزارش نتایج تحقیقات در خصوص سوابق اجتماعی

۷. ۱ در مواردی که امکان تهیه گزارش تحقیقی در مورد سوابق اجتماعی مجرم وجود دارد، مقام مسئول قضایی می تواند شخص یا نهاد صلاحیتداری را مأمور تهیه گزارش تحقیقی کند. این گزارش بایستی حاوی اطلاعات مربوط به محیط اجتماعی مجرم که نوع جرم انتسابی یا جرائم تکراری وی را توضیح می دهد و همچنین اطلاعات و توصیه هایی مربوط به تعیین مجازات باشد. یک چنین گزارشی باید ملموس، عینی و بی طرف بوده و نظرات شخصی در آن به وضوح مشخص شود.

#### ۸. مجازات

۸. ۱ مقام مسئول قضایی که اختیار انتخاب میان تدابیر مختلف جایگزین مجازات حبس را داراست، بایستی در تصمیم گیری خود به توان بخشی اجتماعی مجرم، امنیت جامعه و منافع قربانی که باید در صورت لزوم با وی نیز مشورت شود، توجه خاص مبذول کند.

۸. ۲ مقام مسئول صلاحیتدار می تواند در صدور حکم خود از تدابیر زیر استفاده کند:

- الف) مجازات شفاهی با توبیخ، نکوهش، یا اخطار؛
- ب) آزادی مشروط مجرم تا صدور حکم دادگاه؛
- ج) محرومیت از حقوق؛
- د) مجازات اقتصادی و مالی چون جریمه نقدی و جریمه روزانه؛
- ه) مصادره اموال و سلب مالکیت؛
- و) اعاده مال به قربانی و یا پرداخت غرامت؛
- ح) تعلیق مجازات، تعویق حکم؛
- ط) تعلیق مراقبتی و نظارت قضایی؛
- ی) انجام خدمات عام المنفعه؛
- ک) اقامت در مراکز باز؛
- ل) حبس در منزل؛
- م) تدابیر دیگر در محیط آزاد؛
- ن) ترکیبی از تدابیر فوق.

### (۴) اجرای حکم

#### ۹. موازین مربوط به اجرای حکم

۹. ۱ به منظور اجتناب از حبس مجرم و کمک به او در بازگشت به جامعه و تطبیق سریع خود با آن، مقامات مسئول صلاحیتدار باید تدابیر جایگزین متنوعی در اختیار داشته باشند تا بتوانند از اجرای حکم حبس خودداری کنند.

۹. ۲ موازین جایگزین اجرای مجازات حبس از جمله به قرار زیر است :

الف) اجازه خروج و اقامت در کانون های آزاد توان بخشی اجتماعی؛

ب) آزاد ساختن جهت اشتغال به کار یا تحصیل؛

ج) آزادی مشروط به اشکال مختلف؛

د) معافیت از مجازات؛

ه) عفو.

۳.۹ تدابیر جایگزین اجرای حکم حبس به استثنای عفو باید منوط به بررسی مقام مسئول قضایی یا مقام صلاحیتدار دیگر بوده و به دنبال تقاضای مجرم صورت گیرد.

۴.۹ تغییر حکم مجازات حبس به تدابیر جایگزین باید هر چه سریعتر در اولین مراحل ممکن اجرای حکم صورت گیرد.

### **(۵) اجرای تدابیر جایگزین حبس**

#### **۱۰. مراقبت و نظارت**

۱۰.۱ هدف از این روش کاهش تکرار جرم و تسهیل بازگشت مجرم به جامعه و انطباق با آن است به صورتی که خطر بازگشت مجرم به سوی بزه کاری به حداقل ممکن برسد.

۱۰.۲ هنگامی که روش جایگزین حبس مستلزم مراقبت است، این امر بایستی توسط مقام مسئول صلاحیتدار و طبق شرایطی که قانون تعیین می کند انجام گیرد.

۱۰.۳ در چهارچوب هر یک از تدابیر جایگزین حبس بایستی برای هر مجرم نظام نظارتی و تدابیر رفتاری ویژه ای که هدف از آن کمک به مجرم در مقابله با بزه کاری او است، در نظر گرفته شود. این نظام نظارتی و تدابیر رفتاری باید به طور انواری مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم تصحیح شود.

۱۰.۴ مجرم بایستی در صورت نیاز از معاضدت های روانشناختی، اجتماعی و مادی برخوردار شود و تدابیری انجام گیرد که ارتباط او را با اجتماع تقویت کرده و بازگشت او به جامعه و تطبیق با آن را تسهیل کند.

#### **۱۱. مدت اجرای تدابیر جایگزین حبس**

۱۱.۱ مدت اجرای حکم نباید از مدت زمانی که مقام مسئول صلاحیتدار بر طبق قانون معین کرده است تجاوز کند.

۱۱.۲ در صورت رضایت از رفتار مجرم میتوان اجرای مجازات جایگزین حبس را متوقف کرد.

#### **۱۲. شرایط**

۱۲.۱ در صورتی که مقام صلاحیتدار بخواهد شروطی را برای مجرم تعیین کند بایستی به نیازهای جامعه و نیز به احتیاجات و حقوق مجرم و قربانی توجه خاص مبذول کند.

۱۲.۲ این شرایط باید عملی، مشخص و محدود بوده و هدف از آن، با توجه به نیازهای قربانی جرم، پیشگیری از تکرار جرم و تقویت امکان بازگشت مجرم به جامعه و تطبیق با آن باشد.

۱۲.۳ پیش از آغاز اجرای روش جایگزین حبس، مجرم باید از چگونگی شرایط اجرایی این تدبیر و حقوق و وظایف شفافاً و کتباً مطلع شود.

۱۲.۴ مقام صلاحیتدار می تواند طبق موازین قانونی و با توجه به پیشرفت حاصل در رفتار مجرم شرایط را تغییر دهد.



### ۱۳. تدابیر رفتاری

- ۱۳.۱ به منظور پاسخ مؤثر به نیازهای مجرمین، در مواردی خاص می توان در چهارچوب تدابیر جایگزین حبس از روش های مختلف چون تدابیر رفتاری انفرادی، گروه درمانی، برنامه های اقامت در اماکن خاص، و تدابیر رفتاری ویژه گروه های مختلف بز هکاری، استفاده کرد.
- ۱۳.۲ تدابیر رفتاری بایستی توسط افراد متخصص که دوره های آموزشی لازم را دیده اند و در این زمینه تجربه کافی دارند هدایت شود.
- ۱۳.۳ پس از احراز ضرورت تدابیر رفتاری، بایستی حتی المقدور تحقیقاتی جهت شناخت گذشته مجرم، شخصیت و عادت های رفتاری او، هوش و ارزش های مورد قبول او و به ویژه شرایط و مقتضیاتی که منجر به ارتکاب جرم شده است، انجام گیرد.
- ۱۳.۴ در اجرای تدابیر جایگزین حبس مقام صلاحیتدار می تواند از جامعه و عوامل توان بخشی اجتماعی کمک بگیرد.
- ۱۳.۵ پرونده هایی که به هر مأمور اجرای تدابیر جایگزین حبس محول میشود باید به تعدادی باشد که تأثیر تدابیر رفتاری را تضمین کند.
- ۱۳.۶ مقام صلاحیتدار باید برای هر مجرم پرونده ای تشکیل داده و خود آنرا هدایت کند.

### ۱۴. نظم و تخلف از شرایط

- ۱۴.۱ عدم رعایت شرایط توسط مجرم می تواند موجب تغییر حکم جایگزین حبس و یا عدول از آن شود.
- ۱۴.۲ تغییر حکم و یا عدول از آن باید توسط مقام صلاحیتدار و منحصرأ پس از بررسی دقیق شرح واقعه توسط مأمور ناظر بر اجرای حکم و مجرم انجام گیرد.
- ۱۴.۳ شکست در اجرای روش جایگزین حبس نباید خود به خود به صدور حکم حبس منجر شود.
- ۱۴.۴ مقام صلاحیتدار باید بکوشد در صورت تغییر یا عدول از حکم جایگزین حبس، راه حل بدیل مناسبی برای آن بیابد. حکم به حبس منحصرأ زمانی جایز است که اتخاذ تدبیر مناسب دیگر ممکن نباشد.
- ۱۴.۵ موارد توقیف و بازداشت مجرمی که شرایط حکم جایگزین حبس را رعایت نکرده است قانون مشخص خواهد کرد.
- ۱۴.۶ در صورت تغییر و یا عدول از حکم جایگزین حبس، مجرم حق دارد از یک مقام قضایی و یا مقام صالح مستقل دیگر تقاضای تجدید نظر کند.

### (۶) پرسنل اجرایی

### ۱۵. استخدام

- ۱۵.۱ در استخدام کارکنان به هیچ وجه نباید تبعیضی به جهت نژاد، رنگ پوست، جنسیت، سن، زبان، مذهب، نظرات سیاسی یا غیر آن، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد و یا به هر دلیل دیگر صورت گیرد. در سیاست استخدامی بایستی به سیاست ملی در حمایت از گروه های محروم، و تنوع مجرمین تحت نظام جایگزین حبس توجه شود.
- ۱۵.۲ افرادی که برای اجرای حکم جایگزین حبس تعیین می شوند بایستی شخصاً واجد صلاحیت بوده و در صورت امکان، دوره های آموزشی تخصصی لازم را دیده و دارای تجربیات عملی باشند. این صلاحیت ها باید توسط قانون به وضوح مشخص شوند.
- ۱۵.۳ به منظور تسهیل استخدام و تداوم خدمت کارکنان با کفایت، بایستی موقعیت، دستمزد و امتیازات مناسبی برای آن ها با توجه به ماهیت وظایفشان در نظر گرفته شود. همچنین باید امکانات تکمیل دانش حرفه ای و ارتقای شغلی در اختیارشان قرار گیرد.

## ۱۶. آموزش کارکنان

- ۱۶.۱ هدفی که در آموزش کارکنان باید دنبال شود، آگاه ساختن آنها از مسئولیتی است که در قبال توانبخشی اجتماعی مجرمین و دفاع از حقوقشان و نیز دفاع از جامعه بر عهده دارند. آموزش همچنین باید آن ها را نسبت به لزوم همکاری و هماهنگی با نهادهای ذیربط دیگر آگاه سازد.
- ۱۶.۲ برای مأموران اجرای تدابیر جایگزین حبس باید پیش از آغاز به کار، دوره های آموزشی ترتیب داده شود که در ضمن آن در باره ماهیت تدابیر جایگزین حبس، اهداف نظارت و روش های مختلف اجرایی این تدابیر آموزش داده شود.
- ۱۶.۳ مأموران اجرای تدابیر جایگزین حبس پس از آغاز به کار همواره باید دانش و قابلیت حرفه ای خود را با شرکت در دوره های آموزشی حین کار و کلاس های دوره ای تجدید معلومات، حفظ و بهبود بخشند. برای نیل به این اهداف و سائل لازم باید مهیا گردد.

## (۷) خدمات داوطلبانه و سایر منابع انسانی

### ۱۷. مشارکت جامعه

- ۱۷.۱ مشارکت جامعه در اجرای تدابیر جایگزین حبس به دلیل اینکه منبع انسانی بسیار اساسی را تشکیل می دهد و یکی از روش های بسیار حائز اهمیت در تقویت روابط میان مجرم تحت نظام جایگزین حبس، خانواده او و جامعه محسوب می شود، بایستی مورد تشویق قرار گیرد. این مشارکت باید مکمل فعالیت های مراکز مدیریت و اجرای عدالت کیفری باشد.
- ۱۷.۲ مشارکت افراد جامعه در اجرای تدابیر جایگزین باید به مثابه فرصتی برای آن ها جهت مشارکت در حمایت از جامعه اشان محسوب شود.

### ۱۸. آگاهی و همکاری عمومی

- ۱۸.۱ نهادهای دولتی، بخش خصوصی و عموم مردم را باید به مساعدت به انجمن های داوطلب که در اجرای تدابیر جایگزین حبس شرکت می کنند، تشویق کرد.
- ۱۸.۲ به منظور ارتقای آگاهی عموم از ضرورت مشارکت عمومی در اجرای تدابیر جایگزین حبس بایستی جلسات سخنرانی، گردهم آیی و همایش و فعالیت های دیگری به طور منظم، برگزار شود.
- ۱۸.۳ از تمامی رسانه های عمومی بایستی جهت برقراری برخوردی سازنده در اذهان مردم استفاده کرد که منجر به فعالیت های مساعد برای اجرای گسترده تدابیر جایگزین حبس در محیط آزاد و توانبخشی اجتماعی مجرمین شود.
- ۱۸.۴ جهت آگاه ساختن جامعه از اهمیت نقشش در اجرای تدابیر جایگزین حبس از هیچ کوششی نباید دریغ شود.

### ۱۹. فعالیت های داوطلبانه

- ۱۹.۱ انتخاب داوطلبان باید با دقت تمام صورت گیرد و افرادی برگزیده شوند که واجد شرایط لازم و علاقمند به این کار باشند. این افراد باید در ارتباط با انجام مسئولیت های خاصی که به عهده گرفته اند آموزش ببینند و باید بتوانند به مقام مسئول رجوع کرده و از حمایت و توصیه های او برخوردار شوند.
- ۱۹.۲ داوطلبان بایستی با ارائه توصیه و هر نوع کمک لازم در محدوده توانایی خود و با توجه به نیاز های مجرم، وی و خانواده اش را به ایجاد پیوند عینی با جامعه و توسعه آن تشویق کنند.
- ۱۹.۳ داوطلبان باید هنگام انجام وظیفه تحت نظام بیمه تصادفات و صدمات و بیمه شخص ثالث قرار گیرند. مخارج جایی که آن ها برای انجام وظیفه متحمل شده اند باید پرداخت شود و خدمات اجتماعی آن ها به رسمیت شناخته شود.

## (۸) انجام تحقیقات، برنامه ریزی، تدوین خط مشی و ارزیابی

### ۲۰. تحقیقات و برنامه ریزی

۲۰.۱ واحد های دولتی و یا خصوصی را بایستی درروال برنامه ریزی و گسترش کارهای تحقیقاتی در مورد تدابیر جایگزین حبس که وجه اساسی برنامه ریزی محسوب می شود، دخیل کرد.  
۲۰.۲ در مورد مشکلاتی که مجرمین؛ مجریان تدابیر جایگزین، جامعه و مسئولین اتخاذ خط مشی ها با آن روبرو می شوند بایستی کارهای تحقیقاتی مداوم انجام گیرد.  
۲۰.۳ به منظور جمع آوری داده های آماری مربوط به تدابیر جایگزین حبس و تجزیه و تحلیل آن، بایستی مراکز تحقیقاتی و اطلاعاتی ای در داخل نظام عدالت کیفری ایجاد گردد.

### ۲۱. تعیین خط مشی و اجرای برنامه ها

۲۱.۱ برنامه های مربوط به تدابیر جایگزین حبس بایستی در چهارچوب روند توسعه ملی، به عنوان رکن متمم عدالت کیفری، به صورتی نظام مند تنظیم و اجرا شود.  
۲۱.۲ به منظور افزایش کارایی تدابیر جایگزین حبس برنامه های ویژه آن بایستی منظمأ مورد باز بینی و ارزیابی قرار گیرد.  
۲۱.۳ به منظور ارزیابی کارکرد تدابیر جایگزین حبس و سنجش موفقیت در نیل به اهدافی که علت غایی این تدابیر است، بایستی تحقیقات و بررسی های ادواری انجام گیرد.

### ۲۲. ارتباط با نهادهای مرتبط و فعالیت های مشابه

۲۲.۱ به منظور ایجاد ارتباط میان رسانه های عمومی و نهادهای دیگر از جمله مراکز مسئول تدابیر جایگزین حبس، بخش های دیگر نظام عدالت کیفری، ارگان های توسعه اجتماعی، رفاه عمومی، دولتی یا خصوصی که در زمینه بهداشت، مسکن، آموزش و پرورش و اشتغال فعالیت می کنند، بایستی مراکز صلاحیتداری در سطوح مختلف ایجاد گردد.

### ۲۳. همکاری های بین المللی

۲۳.۱ به منظور ارتقاء همکاری های علمی میان کشورها در زمینه تدابیر جایگزین حبس باید تلاش هایی صورت گیرد و تبادلات تحقیقاتی، آموزشی، اطلاعاتی، کمک های فنی در زمینه این تدابیر میان کشورهای عضو از طریق انستیتوهای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین سازمان ملل متحد و با همکاری های نزدیک با واحد پیشگیری از جرم و عدالت کیفری وابسته به مرکز توسعه اجتماعی و امور بشر دوستانه دفتر سازمان ملل متحد، تقویت شود.  
۲۳.۲ به منظور گسترش روش های جایگزین حبس و تسهیل اجرای آن در خارج از مرزهای ملی بر طبق نمونه قراردادهای مربوط به انتقال و واگذاری نظارت بر مجرمینی که از تعلیق مجازات و آزادی مشروط برخوردارند<sup>10</sup> بایستی مطالعات تطبیقی و هماهنگ سازی موازین قانونی مورد تشویق قرار گیرد.

<sup>10</sup> عبارت فوق عنوان سند حقوقی سازمان ملل متحد است که ناظر بر بازگرداندن محکومین به احکام تعلیقی و احکام خاص دیگر به کشور متبوع آنان و اجرا یا ادامه اجرای حکم در آن کشور است.

## قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل در باب دادرسی نوجوانان (قواعد پکن)<sup>11</sup>

قطعهنامه ۴۰/۳۳ مصوب مجمع عمومی مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵

### بخش اول: اصول کلی

#### ۱. دیدگاه‌های بنیادین

۱.۱ کشورهای عضو موظفند با توجه به مصالح کلی خود، در جهت ارتقا سطح رفاه نوجوانان و خانواده‌های آنها بکوشند.

۲.۱ کشورهای عضو موظفند در جهت ایجاد امکانات یک زندگی ارزشمند برای نوجوانان که بتواند آن‌ها را در حساس‌ترین دورانی که در معرض گرایش به رفتار انحرافی قرار دارند، به سوی روند رشد شخصیتی و تعلیم و تربیتی عاری از جرم و بزه‌کاری هدایت کند، تلاش کنند.

۳.۱ تدابیر مثبتی باید اتخاذ شود که کلیه منابع انسانی موجود، چون خانواده، افراد داوطلب و سایر گروه‌های اجتماعی، مدارس و سایر نهادهای اجتماعی را جهت ارتقاء رفاه نوجوانان با هدف تقلیل ضرورت مداخلات قانونی و برخوردی کارا، منصفانه و انسانی به نوجوانان معارض قانون، بسیج کند.

۴.۱ دادرسی ویژه نوجوانان باید به عنوان بخش لاینفک روند توسعه ملی هر کشور در چارچوب کلی عدالت اجتماعی برای نوجوانان تلقی شود و بدین ترتیب در عین حال هم در جهت حمایت از جوانان عمل کند و هم در جهت حفظ نظم صلح‌آمیز در جامعه.

۵.۱ قواعد حاضر باید با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در هر یک از کشورهای عضو تحقق یابد.

۶.۱ به منظور بهبود و ارتقاء صلاحیت کارکنان مراکز دادرسی ویژه نوجوانان به ویژه صلاحیت در روش‌ها، رویکرد و برخورد با نوجوانان، این مراکز باید به شکلی نظام‌مند توسعه یافته و هماهنگ گردند.

#### تفسیر

این دیدگاه عمومی بنیادین به سیاست و خطمشی کلی اجتماعی برمی‌گردد و هدفش حتی المقدور بهبود وضعیت رفاهی نوجوانان جهت اجتناب از مداخله نظام دادرسی ویژه نوجوانان و آثار منفی این مداخله است. اجرای موازین اجتماعی حمایتی برای جوانان پیش از آنکه آن‌ها به ورطه جرم سقوط کنند، از ملزومات خط مشی است که هدفش اجتناب از اجرای قواعد حاضر است.

قواعد ۱.۱ تا ۳.۱ به نقش مهمی که یک خط مشی اجتماعی سازنده برای نوجوانان ایفا می‌کند از جمله پیشگیری از بزه‌کاری و مبارزه با آن، اشاره دارد. قاعده ۱.۴ دادرسی ویژه نوجوانان را به عنوان بخش متمم نظام عدالت اجتماعی برای نوجوانان توصیف می‌کند و قاعده ۱.۶ به ضرورت ارتقاء مستمر دادرسی ویژه نوجوانان هم‌گام با توسعه خطمشی‌های اجتماعی پیشرو برای نوجوان با توجه به ضرورت ارتقاء مداوم صلاحیت کارکنان این بخش می‌پردازد.

<sup>11</sup> سند حاضر توسط سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی PENAL REFORM INTERNATIONAL ترجمه شده است. جهت هماهنگی با ترجمه سایر اسناد حقوق بشر در این مجموعه، اصلاحاتی در ترجمه و ویرایش آن صورت گرفته است.

قاعده ۱. ۵ شرایط متفاوت در کشورهای عضو را که می تواند موجب تفاوت در روش اجرایی قواعد خاص، از کشوری به کشور دیگر شود، مورد نظر قرار می دهد.

## ۲. دامنه شمول قواعد و تعاریف مورد استفاده

۱. ۲ قواعد حداقل استاندارد در مورد کلیه بزهکاران نوجوان باید بدون هر نوع تبعیض از جمله از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا غیر آن، منشاء ملی یا خاستگاه اجتماعی، مالکیت، تولد و یا موقعیت دیگر، اعمال شود.

۲. ۲ در چهارچوب قواعد حاضر کشورهای عضو باید تعاریف زیر را منطبق با نظامها و مفاهیم حقوقی شان به کار برند:

الف) مفهوم (Juvenile) نوجوان به کودک یا فرد جوانی اطلاق می شود که در صورت ارتکاب جرم تحت نظام قانونی ذیربط، مشمول برخوردی متفاوت از برخورد جاری نسبت به افراد بزرگسال است؛  
ب) واژه بزه (Offence) عبارت است از هر گونه رفتاری (فعل یا ترک فعل) که به موجب قانون، تحت نظامهای حقوقی ذیربط قابل مجازات است؛

ج) بزهکار نوجوان (Juvenile offender) به کودک یا نوجوانی اطلاق می شود که متهم به ارتکاب بزه است یا ارتکاب بزه توسط او محرز شده است.

۳. ۲ باید تلاش شود مجموعه ای از قوانین، قواعد و مقررات ویژه ناظر بر بزهکاران نوجوان، و نیز نهادها و سازمانهای خاص که مسئول مدیریت و اجرای عدالت در مورد نوجوانان هستند با اهداف زیر در حوزه قضایی هر کشوری، وضع گردد:

الف) پاسخگویی به نیازهای متفاوت نوجوانان بزهکار در عین حفاظت از حقوق بنیادین آنها؛  
ب) پاسخگویی به نیازهای جامعه؛  
ج) اجرای قواعد حاضر به طور کامل و عادلانه.

## تفسیر

قواعد حداقل استاندارد عمداً به نحوی تنظیم شده اند که قابل اعمال در نظامهای حقوقی متفاوت باشند و در عین حال استانداردهای حداقلی برای رفتار با بزهکاران نوجوان تحت هر تعریفی از کلمه نوجوان یا تحت هر نظام حقوقی، برقرار کنند. قواعد مزبور همواره باید به صورتی بی طرف و بدون هرگونه تبعیض اعمال شوند.

قاعده ۱. ۲ بر اهمیت اجرای بی طرفانه و به دور از تبعیض قواعد حاضر تأکید دارد. این قاعده براساس اصل ۲ اعلامیه جهانی حقوق کودک تنظیم شده است.

قاعده ۲. ۲ به تعریف «نوجوان» و «بزه» به عنوان اجزای اصطلاح «بزهکار نوجوان» اختصاص دارد که موضوع اصلی قواعد حداقل استاندارد حاضر است (به قاعده ۳ و ۴ نیز رجوع شود). باید به این امر توجه شود که محدوده سنی صریحاً به نظام حقوقی کشورها بستگی دارد و در نتیجه، با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظام حقوقی کشورهای عضو تعیین می شود. بدین ترتیب ردههای مختلف سنی، از ۷ سال تا ۱۸ سال یا بالاتر تحت تعریف «نوجوان» قرار می گیرند. چنین تنوعی در اثر وجود نظامهای حقوقی متفاوت اجتناب ناپذیر است و موجب کاهش تأثیر قواعد حداقل استاندارد نمی شود.

قاعده ۳. ۲ به ضرورت وضع قوانین ملی جهت تحقق قواعد حداقل استاندارد، چه از لحاظ حقوقی و چه از لحاظ عملی، مربوط می شود.

### ۳. گسترش دامنه قواعد

۳.۱ مفاد قواعد حاضر نه تنها در خصوص بز هکاران نوجوان جاری است بلکه نوجوانانی را نیز دربر می گیرد که به دلیل ارتکاب اعمالی که انجام آن توسط بزرگسالان جرم محسوب نمی شود، تحت دادرسی قرار دارند.

۳.۲ باید کوشش کرد مفاد قواعد حاضر در مورد نوجوانان تحت حمایت اجتماعی نیز جاری شود.

۳.۳ تلاش هایی باید صورت گیرد تا اصول مندرج در این قواعد شامل حال بز هکاران جوانی که سن قانونی را پشت سر گذاشته اند نیز بشود.

#### تفسیر

قاعده ۳، حمایت های ناشی از قواعد حداقل استاندارد برای دادرسی ویژه نوجوانان را به موارد زیر تسری می دهد: الف) جرایم به اصطلاح «وضعیتی» (یا بزه های ناشی از موقعیت خاص افراد Status offenders) که در اکثر نظام های حقوقی موجب می شود برای نوجوانان، جرائم گسترده تری نسبت به جرائم بزرگسالان پیش بینی شود (به عنوان مثال: فرار از مدرسه، نافرمانی از مدرسه یا خانواده، مستی در اثر استعمال مشروبات الکلی در اماکن عمومی و امثال آن) (قاعده ۳.۱)؛ ب) روال اقدامات رفاهی و مراقبتی؛ (قاعده ۳.۲)؛ ج) رسیدگی به جرائم بز هکاران جوانی که سن قانونی را پشت سر گذاشته اند، با توجه به محدوده سنی (قاعده ۳.۳).

گسترش دامنه قواعد برای پوشش سه مورد فوق قابل توجیه است. قاعده ۳.۱ تضمینات حداقل را در این زمینه ها پیش بینی می کند و قاعده ۳.۲ گامی است در جهت تأمین دادرسی کیفری درست، عادلانه و انسانی تر برای کلیه نوجوانانی که به نحوی از انحاء رودر روی قانون قرار می گیرند.

### ۴. سن مسئولیت کیفری

۴.۱ در نظام های حقوقی ای که مفهوم محدودیت سنی برای مسئولیت کیفری به رسمیت شناخته شده است شروع این سن، با توجه به واقعیت های مربوط به بلوغ عاطفی، روانی و فکری، نباید بیش از حد پایین باشد

#### تفسیر

حداقل سن مسئولیت کیفری برحسب زمان و فرهنگ ها بسیار متفاوت است، برخورد امروزی به مسئولیت کیفری بررسی توانایی کودک در تحمل نتایج اخلاقی و روانی مسئولیت جزایی است. بدین معنا که آیا کودک را با توجه به قدرت تشخیص و درک فردی وی می توان مسئول رفتار ضداجتماعی اش دانست یا خیر؟ اگر سن مسئولیت جزایی بیش از حد پایین باشد یا اصلاً محدودیتی برای مسئولیت کیفری مقرر نشود، مفهوم مسئولیت بی معنا خواهد شد. به طور کلی، رابطه نزدیکی میان مفهوم مسئولیت در قبال ارتکاب جرائم جنحه ای یا جنایی و سایر حقوق و مسئولیت های اجتماعی (از جمله وضعیت تأهل، سن بلوغ مدنی و غیره) وجود دارد.

بدین ترتیب باید برای تعیین يك حداقل سنی معقول برای مسئولیت کیفری که قابل اعمال در سطح بین المللی باشد، تلاش شود.

### ۵. اهداف دادرسی ویژه نوجوانان

۵.۱ نظام دادرسی ویژه نوجوانان باید بر رفاه آنان تأکید داشته و اطمینان حاصل کند که هرگونه عکس العمل نسبت به بز هکاران نوجوان همواره متناسب با شرایط آن ها و بزه ارتکابی شان صورت می گیرد.

## تفسیر

قاعده ۵ به دو هدف که مهمترین اهداف نظام دادرسی نوجوانان است اشاره دارد. هدف اول ارتقاء وضعیت رفاهی نوجوانان است. این هدف موضوع اصلی نظام‌های قضایی‌ای است که به امور مربوط به بز هکاران نوجوان در دادگاه‌های خانواده و یا توسط مقامات اداری رسیدگی می‌کنند. اما در نظام‌های قضایی‌ای که دادگاه‌های جزایی به دادرسی نوجوانان می‌پردازند نیز باید بر وضعیت رفاهی نوجوانان تأکید شود تا بتوان در حد امکان، از تدابیر صرفاً تنبیهی اجتناب کرد (به قاعده ۱۴ رجوع شود).

هدف دوم «اصل تناسب» است. این اصل به عنوان ابزاری برای محدود کردن مجازات‌های تنبیهی، شناخته شده است و اغلب به عنوان اعمال مجازات عادلانه برحسب شدت بزه بیان می‌شود. برخورد به بز هکاران جوان نه تنها باید براساس شدت و ضعف بزه ارتكابی باشد، بلکه باید شرایط فردی هر بز هکار (از جمله وضعیت اجتماعی، موقعیت خانوادگی، ضرروزیان ناشی از جرم یا عوامل دیگر مؤثر بر شرایط شخصی) در تصمیم‌گیری متناسب، لحاظ شود. (از جمله تلاش بز هکار برای جبران خسارت قربانی یا تمایل او در پیش گرفتن یک زندگی سالم و با ارزش).

به همین ترتیب، امکان دارد عکس‌العمل‌هایی که با هدف تضمین رفاه بز هکاران جوان انجام می‌گیرد از حد لزوم فراتر رود و همان‌طور که در برخی نظام‌های دادرسی نوجوانان مشاهده می‌شود موجب نقض حقوق بنیادین آنها شود. در این مورد نیز باید تناسبی میان عکس‌العمل و شرایط بز هکار، بزه ارتكابی و وضعیت قربانی برقرار شود.

اصولاً، قاعده ۵ در هر مورد از بز هکاری نوجوانان خواستار عکس‌العملی منصفانه است، نه فراتر از آن و نه کمتر از آن. ملاحظیات مندرج در قاعده مزبور می‌تواند به توسعه هر دو مسأله کمک کند؛ عکس‌العمل‌های جدید و ابتکاری به همان اندازه مورد توجه‌اند که موازین احتیاطی در قبال گسترش بیش از حد شبکه کنترل رسمی اجتماعی بر نوجوانان.

## ۶. دامنه اختیار عمل

۶.۱ با توجه به نیازهای خاص و مختلف نوجوانان و نیز تنوع تدابیر موجود، در کلیه مراحل رسیدگی و سطوح مختلف دادرسی ویژه نوجوانان، از جمله در مراحل تحقیقات، پیگرد، رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم باید اختیارات وسیع برای مسئولین تصمیم‌گیری‌ها پیشینی شود.

۶.۲ با وجود لزوم چنین اختیاراتی باید کوشش شود در اعمال آن در همه مراحل و سطوح با مسئولیت کامل رفتار شود.

۶.۳ کسانی که اختیار عمل در تصمیم‌گیری به آنها محول شده است باید دارای صلاحیت خاص بوده و برای استفاده از اختیارات بطور منطقی و مطابق با نقش و وظیفه خود، آموزش ببینند.

## تفسیر

در قواعد ۶.۱ و ۶.۲ و ۶.۳ چند ویژگی مهم در مدیریت کارا و عادلانه و انسانی دادرسی نوجوانان تلفیق شده است: نیاز به اعمال اختیارات در تصمیم‌گیری در سطوح مختلف رسیدگی به نحوی که تصمیم‌گیرندگان بتوانند مناسبترین تدابیر را برای هر مورد خاص اتخاذ کنند، نیاز به اعمال کنترل و حفظ تعادل جهت جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از اختیارات در تصمیم‌گیری و تضمین حقوق بز هکاران جوان. مسئولیت‌پذیری و عملکرد حرفه‌ای، مؤثرترین ابزار برای محدود کردن اختیارات گسترده است. بدین ترتیب، بر صلاحیت حرفه‌ای و آموزش تخصصی در اینجا به عنوان عوامل مهم تضمین اعمال عادلانه اختیارات در مسائل مربوط به بز هکاران نوجوان تأکید شده است (به قواعد ۶.۱ و ۶.۲ رجوع کنید). تهیه رهنمودهای خاص در خصوص اعمال این

اختیارات و تدوین مقررات مربوط به تجدیدنظر و پژوهش خواهی و غیره به منظور بازبینی تصمیمات و تضمین مسئولیت پاسخگویی در مورد تصمیمات در این زمینه، مورد تأکید قرار گرفته است. به چنین سازوکارهایی به دلیل عدم سهولت تبدیل آنها به قواعد حداقل استاندارد دی که بتواند تفاوت‌های موجود در نظام‌های مختلف قضایی را در نظر بگیرد تصریح نشده است.

## ۷. حقوق نوجوانان

۷.۱. تضمینات بنیادی در روال دادرسی چون فرض بر ائنت تا اثبات جرم، حق تفهیم اتهامات، حق سکوت اختیار کردن، حق برخورداری از وکیل، حق حضور ولی یا قیم، حق سؤال و جواب متقابل و مواجهه با شهود، و حق درخواست تجدیدنظر از مراجع بالاتر باید در کلیه مراحل رعایت شود.

### تفسیر

قاعده ۷.۱ بر نکات مهمی که معرف عناصر اساسی يك محاکمه درست و عادلانه است و توسط اسناد حقوق بشر موجود در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده است، تأکید دارد (به قاعده ۱۴ رجوع کنید). فرض بر ائنت تا ثبوت جرم به عنوان مثال در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۱۴، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام شده است.

قاعده ۱۴ و قواعد بعدی مجموعه حاضر، در جزئیات، به نکات خاصی که در مراحل رسیدگی به جرائم بزهکاران نوجوان اهمیت دارد، می‌پردازند، در حالی که قاعده ۱-۷ بر اساسی‌ترین تضمینات آیین دادرسی به طور کلی دلالت می‌کند.

## ۸- حمایت از حریم خصوصی

۸.۱. حق نوجوان بر حریم خصوصی (Privacy) باید به منظور اجتناب از ایراد صدمه به نوجوان در اثر آگاهی عموم از جرم و بدنامی ناشی از آن، در تمامی مراحل رعایت شود.

۸.۲. اصولاً، هیچگونه اطلاعاتی که بتواند منجر به تشخیص هویت بزهکار نوجوان شود نباید منتشر شود.

### تفسیر

قاعده ۸ بر اهمیت حمایت از حق نوجوان در برخورداری از حریم خصوصی تأکید دارد. افراد جوان به طور خاص نسبت به اینکه برچسب مجرمیت بر آنها زده شود حساس اند. تحقیقات جرم‌شناسی نشان می‌دهند که شناسایی هویت افراد جوان تحت عناوینی چون «بزهکار» یا «جنایتکار» اثرات بسیار منفی (به اشکال گوناگون) بر جوانان دارد.

قاعده ۸ بر اهمیت حمایت از نوجوانان در مقابل اثرات منفی ناشی از انتشار مطالب در رسانه‌های گروهی (به عنوان مثال اسامی بزهکاران جوان، متهم یا محکوم)، تأکید می‌کند. منافع افراد باید حداقل در اصول مورد حمایت قرار گرفته و محترم شمرده شود، (محتویات کلی قاعده ۸ در قاعده ۲۱ نیز مورد تأکید قرار گرفته است).

## ۹. شرط ابقاء اعتبار

۹.۱. هیچ يك از مفاد قواعد حاضر را نمی‌توان به نحوی تفسیر کرد که مانع اعمال قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل متحد و سایر اسناد مربوط به حقوق بشر و استانداردهای شناخته شده توسط جامعه بین‌المللی در خصوص مراقبت و حمایت از جوانان گردد.



## تفسیر

قاعده ۹ برای احترام از بروز سوءتفاهم در تفسیر و اجرای قواعد حاضر در ارتباط با اصول مندرج در اسناد بین المللی حقوق بشر موجود یا در حال تدوین، چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق کودک و پیش نویس معاهده [کنوانسیون] حقوق کودک است. بایستی توجه شود که اجرای قواعد حاضر ناقض هیچ یک از موازین اسناد حقوق بین الملل که کاربردی گسترده تر دارند، نمی باشد. (به قاعده ۲۷ نیز توجه کنید).

## بخش دوم: تحقیقات و تعقیب کیفری

### ۱۰. برخورد اولیه

- ۱۰.۱.۱ به محض بازداشت يك نوجوان، والدین یا قیم او باید از این امر مطلع شوند. در صورت عدم امکان چنین امری والدین یا قیم را باید در اسرع وقت پس از بازداشت، در جریان امر قرار داد.
- ۱۰.۱.۲ يك قاضی یا يك مقام یا نهاد رسمی ذيصلاح باید در اسرع وقت به مسئله بازداشت و امکان آزادی نوجوان رسیدگی کند.
- ۱۰.۱.۳ برخورد میان نهادهای اجرای قانون و بزهکاران نوجوان باید به نحوی تنظیم شود که با توجه به اوضاع و احوال پرونده، موقعیت حقوقی جوانان محترم شمرده شده، وضعیت رفاهی آنها بهبود یابد و از ایراد صدمه به آنها احترام شود.

## تفسیر

- مفاد قاعده ۱۰.۱ در اصل ضمن قاعده ۹۲ از قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان آمده است.
- بررسی ادامه بازداشت یا آزادی نوجوان (قاعده ۱۰.۲) بایستی بلادرنگ توسط قاضی یا مقام ذيصلاح دیگری بررسی شود. منظور از مقام ذيصلاح دیگر در مصداق عام کلمه به هر فرد یا نهادی از جمله هیئت های اجتماعی یا مقامات پلیس، که اختیار آزاد ساختن فرد بازداشتی را دارند، اطلاق می شود (همچنین به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹، بند ۳ ارجاع شود).
- قاعده ۱۰.۳ به جنبه های اساسی در روال تعقیب، برخورد و رفتار پلیس و سایر مأموران اجرای قانون در خصوص جرائم نوجوانان می پردازد. «احتراز از ایراد صدمه» عبارتی است بسیار انعطاف پذیر که می تواند اشکال متفاوت صدمه را در بر گیرد (از جمله سخنان تند و خشن، خشونت فیزیکی یا قرار دادن فرد در معرض عوامل طبیعی). درگیری با نظام دادرسی می تواند به خودی خود موجب «صدمه» به نوجوانان باشد. از اصطلاح «احتراز از ایراد صدمه» بایستی تفسیری موسع به عمل آید و کمترین صدمه ممکنه به نوجوان در اولین برخورد قانونی به او و نیز صدمات بعدی و غیر ضروری را دربر گیرد. این امر به خصوص در برخورد اولیه هنگامی که نوجوان با نهاد اجرای قانون تماس پیدا می کند اهمیت دارد و می تواند اثر عمیقی بر نحوه برداشت نوجوان نسبت به دولت و جامعه داشته باشد. به علاوه میزان موفقیت هرگونه مداخله بعدی تا حدود زیادی بستگی به برخورد اولیه دارد. مهربانی همراه با قاطعیت در چنین موقعیت هایی حائز اهمیت به سزایی است.

### ۱۱. توسل به روش های فراقضایی

- ۱۱.۱ به امر بزهکاری نوجوانان حتی المقدور باید بدون توسل به مراجع رسمی و مقامات ذيصلاح، موضوع قاعده ۱۴.۱، رسیدگی شود.

۱۱. ۲ به نیروی انتظامی، دادرها یا سایر نهادهایی که با نوجوانان بزهکار تماس دارند باید اختیاراتی تفویض شود که آنها بتوانند در موارد داخل در صلاحیت خود، بدون توسل به روال دادرسی جزایی رسمی، با رعایت معیارهای موجود در نظام قضایی خود و نیز در تطابق با اصول مندرج در قواعد حاضر به موضوع رسیدگی کنند.

۱۱. ۳ هرگونه رسیدگی فرا قضایی که مستلزم ارجاع قضیه به مراکز اجتماعی و یا سایر مراکز باشد باید با جلب رضایت نوجوان یا والدین یا قیم او صورت گیرد، تصمیم به ارجاع قضیه، در صورت درخواست باید قابل بازبینی توسط مقامات ذیصلاح باشد.

۱۱. ۴ به منظور تسهیل حل و فصل اختیاری موارد مربوط به نوجوانان، باید تلاش شود برنامه‌های اجتماعی، مانند نظارت موقت، راهنمایی و جبران خسارت و پرداخت غرامت به قربانیان تدوین شود.

### تفسیر

دادرسی فرا قضایی که موجب اجتناب از رسیدگی جزایی به جرم و غالباً ارجاع موضوع به مراکز اجتماعی است، به طور معمول در بسیاری از نظام‌های حقوقی چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی رواج دارد. این نحوه کار موجب می‌شود از عواقب منفی ناشی از روال عادی سیستم دادرسی نوجوانان (به عنوان مثال داغ مجرمیت) جلوگیری شود. در بسیاری از موارد، عدم مداخله رسمی بهترین عکس‌العمل است. بدین ترتیب، خروج موضوع از روال رسمی دادرسی از همان آغاز و حتی بدون ارجاع قضیه به مراکز (اجتماعی) دیگر يك عکس‌العمل مطلوب محسوب می‌شود. این امر به‌ویژه در مواردی صادق است که جرم کوچکی اتفاق افتاده است و نیز خانواده، مدرسه یا نهادهای کنترل اجتماعی غیر رسمی دیگر تدابیر مقتضی سازنده‌ای را آغاز کرده و یا حاضر به انجام آن هستند.

طبق ماده ۱۱. ۲ خروج موضوع از دادرسی رسمی و رجوع به دادرسی فراقضایی در هر مرحله از تصمیم‌گیری نیروی انتظامی، دادرها، و یا نهادهای دیگر چون دادگاه، هیئت‌ها یا شوراهای قابل اعمال است. این امر می‌تواند بر طبق قواعد و خط‌مشی نظام‌های مربوطه و مطابق با قواعد حاضر توسط يك یا برخی از مراجع مذکور و یا توسط همه آن‌ها، اعمال شود. روش‌های فراقضایی روش‌های بسیار حائز اهمیت‌تری اند که نباید منحصرأ محدود به جرائم کوچک شوند.

قاعده ۱۱. ۳ بر اهمیت کسب رضایت از بزهکاران نوجوان (یا والدین یا قیم آن‌ها) برای استفاده از روش‌های فراقضایی تأکید دارد (ارجاع امر به مراکز اجتماعی بدون اخذ رضایت مغایر معاهده کنوانسیون منع کار اجباری است). معهدا، چنین رضایتی نباید غیر قابل تغییر باشد چون گاه نوجوان به‌ناچار رضایت می‌دهد. در قاعده مزبور تأکید می‌شود که باید دقت گردد احتمال اعمال فشار و تهدید در همه سطوح در توسل به روش‌های فراقضایی، به حداقل ممکن برسد. نوجوانان نباید احساس کنند تحت فشار هستند و یا (به عنوان مثال برای اجتناب از حضور در دادگاه) مجبورند رضایت دهند. بدین ترتیب توصیه می‌شود ارزیابی بی‌طرفانه‌ای در مورد مناسب بودن تصمیمات مربوط به امور بزهکاران نوجوان توسط «مقامات ذیصلاح در صورت درخواست» تهیه شود (مقامات ذیصلاح، ممکن است در این مورد از مقامات مذکور در قاعده ۱۴ متفاوت باشند).

قاعده ۱۱. ۴ روش‌های عملی در چهارچوب جامعه را به عنوان جایگزینی بر دادرسی ویژه نوجوانان توصیه می‌کند؛ به طور خاص روش‌هایی چون جبران خسارت متضرر از جرم و یا روش‌هایی که با نظارت و هدایت موقت مانع از درگیر شدن نوجوان در آینده با قانون خواهند شد. برای استفاده از روش‌های فراقضایی وضعیت هر پرونده باید به‌طور خاص مورد بررسی قرار گیرد حتی اگر جرم مهمی ارتکاب یافته باشد (برای نمونه، ارتکاب جرم برای اولین بار و یا ارتکاب جرم تحت فشار يك باند و غیره).

## ۱۲. ایجاد تخصص در مراکز انتظامی {پلیس}

۱۲.۱. مأموران انتظامی که اغلب یا منحصراً به امور نوجوانان رسیدگی می‌کنند و یا کار اصلی آنان مربوط به پیشگیری از بزهکاری نوجوانان است، به‌منظور انجام وظایف خود به نحو احسن، بایستی تعلیمات و آموزش‌های ویژه‌ای ببینند. بدین منظور در شهرهای بزرگ، باید مراکز انتظامی خاص تشکیل شود.

### تفسیر

قاعده ۱۲ به ضرورت آموزش خاص کلیه مأموران اجرای قانون که به نحوی از انحا در امر دادرسی ویژه نوجوانان دخیلند، اشاره دارد. از آنجایی که نیروی انتظامی اولین نقطه تماس و برخورد نوجوانان با دستگاه قضایی است، بسیار حائز اهمیت است که نیروهای مزبور به نحوی آگاهانه و مناسب عمل کنند.

با وجود اینکه ارتباط میان شهرنشینی و جرایم امری بسیار پیچیده است اما افزایش بزهکاری نوجوانان با رشد شهرهای بزرگ همراه بوده است، به‌خصوص در شرایط رشد سریع و بی‌برنامه شهرها. در نتیجه وجود مراکز انتظامی تخصصی نه تنها برای تحقق اصول خاص مندرج در سند حاضر (از جمله قاعده ۱. ۶) ضروری است بلکه به طور کلی برای گسترش دامنه پیشگیری و کنترل بزهکاری نوجوانان و برخورد با آنها، نیز مورد نیاز است.

## ۱۳. بازداشت احتیاطی (بازداشت پیش از محاکمه)

۱۳.۱. به بازداشت احتیاطی تنها باید به عنوان آخرین راه حل و در کوتاهترین مدت ممکنه توسل جست.

۱۳.۲. حتی‌الامکان باید روش‌هایی چون، نظارت از نزدیک، مراقبت ویژه، سپردن به یک خانواده یا مراکز یا کانون‌های آموزشی و تربیتی جایگزین بازداشت پیش از محاکمه شود.

۱۳.۳. نوجوانان تحت بازداشت احتیاطی باید از کلیه حقوق و تضمینات مندرج در قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل متحد برخوردار شوند.

۱۳.۴. نوجوانان تحت بازداشت احتیاطی باید جدا از بزرگسالان در مکانی جداگانه و یا در بخشی مجزا از یک مرکز نگهداری بزرگسالان، نگهداری شوند.

۱۳.۵. نوجوانان در مدت بازداشت باید از مراقبت و حمایت و کلیه کمک‌های لازمه اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، روانی، پزشکی و جسمی که با توجه به سن، جنس و شخصیت آنها ضرورت دارد، برخوردار شوند.

### تفسیر

خطر «سرایت جرم» به نوجوانان در دوران بازداشت پیش از محاکمه نباید ناچیز شمرده شود. نتیجتاً تأکید بر ضرورت توسل به تدابیر جایگزین، بسیار حائز اهمیت است. بدین منظور، قاعده ۱-۱۳ ابداع روش‌های جدید و ابتکاری را جهت اجتناب از بازداشت، در راستای منافع و رفاه نوجوانان، تشویق می‌کند.

نوجوانان تحت بازداشت پیش از محاکمه، از کلیه حقوق و تضمینات مندرج در قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به‌خصوص ماده ۹ و تبصره ب بند ۲ و بند ۳ ماده ۱۰ برخوردار هستند.

قاعده ۱۳. ۴. مانع از آن نیست که تدابیر دیگری توسط کشورها جهت مبارزه با تأثیرات سوء مجرمین بزرگسال بر جوانان که حداقل به میزان توصیه‌های مورد اشاره این قاعده کارایی داشته باشد، اتخاذ شود.

انواع مختلف کمک‌هایی که امکان دارد ضرورت پیدا کند ذکر شده است تا توجهات به دامنه گسترده نیازهای خاص نوجوانان بازداشتی (مشکلات ناشی از جنسیت، اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد به الکل، بیماری روانی نوجوان، جوانانی که ضربه روحی به آنها وارد شده است، به دلیل دستگیری و امثال آن) جلب شود.

امکان دارد ویژگی‌های مختلف جسمی و روانی بازداشتی‌های جوان اتخاذ تدابیری جهت طبقه‌بندی را ضروری کند که بر این اساس تعدادی از افراد باید تا زمان محاکمه جدا نگهداری شوند تا از هر آسیبی در امان بمانند و کمک‌های مورد نیاز خود را دریافت کنند.

ششمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، در قطعنامه شماره ۴ خود مربوط به استانداردهای ویژه دادرسی نوجوانان، تصریح می‌کند که قواعد مزبور، صرف‌نظر از ملاحظات دیگر، باید منعکس کننده این اصل اساسی باشد که از بازداشت پیش از محاکمه تنها باید به عنوان آخرین راه حل استفاده شود و هیچ نوجوانی را نباید در مکانی نگهداری کرد که در معرض خطر تأثیرات منفی بازداشتی‌های بزرگسال قرار گیرد. علاوه بر این باید به نیازهای خاص مراحل رشد آنها توجه خاص شود.

### بخش سوم - قضاوت و حل و فصل امور

#### ۱۴. مقامات ذیصلاح در قضاوت و صدور حکم

۱۴.۱. در مواردی که پرونده بز هکار نوجوان به نهاد فراقضایی ارجاع نشده است (طبق قاعده ۱۱) مقام ذیصلاح (دادگاه، دیوان، هیئت، شورا و از این قبیل) باید به جرم او براساس اصول صحیح و عادلانه دادرسی رسیدگی کند.

۱۴.۲. مراحل رسیدگی باید با توجه به مصالح عالی نوجوان در محیطی از تفاهم انجام گیرد تا نوجوان بتواند در آن شرکت داشته و نظرات خود را ازادانه بیان کند.

#### تفسیر

ارائه تعریفی از شخص ذیصلاح یا نهاد ذیصلاح که بتواند به نحوی جامع مرجع رسیدگی قضایی را توصیف کند کار بسیار مشکلی است. «مقام ذیصلاح» شامل افرادی است که ریاست دادگاه‌ها یا دیوان‌ها (متشکل از یک قاضی یا بیشتر) را به عهده دارند، همچنین صاحب منصبان قضایی حرفه‌ای یا غیر حرفه‌ای چون کمیسیون‌های اداری (به عنوان مثال نظام موجود در اسکاتلند یا اسکانداویوی) یا مراجع غیر رسمی‌تر در بطن جامعه و سازمان‌های حل اختلاف که دارای ماهیت قضایی هستند، مقام ذیصلاح محسوب می‌شوند.

روال دادرسی در برخورد با نوجوانان باید در هر حال بر طبق قواعد حداقل استاندارد که در سطح بین‌المللی تحت عنوان "رسیدگی مطابق با موازین قانونی" در مورد هر مجرمی جاری است، انجام گیرد. براساس چنین موازینی، یک محاکمه "صحیح و عادلانه" شامل تضمینات اساسی چون اصل برائت، معرفی و بررسی اظهارات شهود، برخورداری از حق دفاع قانونی، حق سکوت اختیار کردن، حق آخرین دفاع، حق تقاضای استیناف و غیره است (به قاعده ۱-۷ رجوع شود).

#### ۱۵. مشاوره حقوقی، والدین و قیم

۱۵.۱. در طول مراحل دادرسی، نوجوان باید از حق داشتن وکیل برخوردار بوده و بتواند در صورت پیش بینی در قانون، تقاضای وکیل تسخیری کند.

۱۵. ۲ والدین یا قیم نوجوان باید از حق شرکت در مراحل دادرسی برخوردار باشند. مقام ذیصلاح می تواند با توجه به منافع نوجوان از والدین آن ها بخواهد در این جلسات شرکت کنند. مع هذا، در صورتی که مقام ذیصلاح دلایل کافی جهت لزوم منع شرکت آنان در جهت منافع نوجوان در دست داشته باشد، می تواند از حضور آنها جلوگیری کند.

### تفسیر

قاعده ۱۵. ۱ از لغات و اصطلاحاتی مشابه قاعده ۹۳ از مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان استفاده کرده است. داشتن مشاور حقوقی یا وکیل تسخیری برای تضمین کمک حقوقی به نوجوان ضروری است، لیکن حق والدین و قیم برای شرکت به شرح قاعده ۱۵. ۲ باید به عنوان يك کمک عمومی روانی و احساسی برای نوجوان در سراسر مراحل رسیدگی در نظر گرفته شود. مقام ذیصلاح در اتخاذ موازین مناسب در مورد نوجوان می تواند به خصوص از همکاری نمایندگان قانونی نوجوان (یا از شخص دیگری که نوجوان به او اعتماد دارد) استفاده کند. اگر حضور والدین یا قیم در دادگاه اثرات منفی داشته باشد، به عنوان مثال اگر آنها نسبت به نوجوان برخوردی خصومت آمیز از خود نشان دهند، امکان دارد از حضور در دادگاه محروم شوند.

### ۱۶. تحقیقات مربوط به وضعیت اجتماعی

۱۶. ۱ در کلیه موارد به استثنای تخلفات بسیار کوچک، پیش از تعیین تکلیف نهایی و صدور حکم توسط مقام ذیصلاح، پیشینه نوجوان، شرایط زندگی او و شرایط ارتکاب جرم باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا اتخاذ تصمیم عادلانه توسط مقام ذیصلاح تسهیل شود.

### تفسیر

در اغلب دادرسی های مربوط به نوجوانان، گزارش مربوط به تحقیقات وضعیت اجتماعی (گزارش های وضعیت اجتماعی یا گزارش های پیش از صدور حکم) کمکی بسیار ضروری است. مقام ذیصلاح باید از واقعیت های مربوط به نوجوان، چون سوابق خانوادگی و اجتماعی، وضعیت تحصیلی، سوابق آموزشی و غیره مطلع شود. بدین منظور، برخی کشورها در قلمرو صلاحیت خود از مراکز اجتماعی خاص یا پرسنل ویژه ای که مرتبط با دادگاه یا هیئت های ذیربط هستند، استفاده می کنند. می توان از وجود افراد مسئول دیگر، چون مأموران تعلیق مراقبتی (Probation officers) نیز بدین منظور استفاده کرد. در نتیجه، این قاعده وجود مراکز خدمات اجتماعی برای تهیه گزارش های تحقیقات اجتماعی با کیفیت مناسب، را ضروری دانسته است.

### ۱۷. اصول راهنما در قضاوت و صدور حکم

۱۷. ۱ تصمیم گیری توسط مقام ذیصلاح باید با توجه به اصول راهنمای زیر صورت گیرد:  
الف) تصمیم گیری نه تنها باید متناسب با شرایط و شدت وضعیت بزه ارتکابی باشد بلکه شرایط و نیازهای نوجوان و جامعه نیز باید مد نظر قرار گیرد؛  
ب) محدودیت آزادی فردی نوجوانان تنها باید پس از ملاحظات دقیق صورت گیرد و حتی المقدور از آن اجتناب شود؛  
ج) سلب آزادی فردی یک نوجوان زمانی باید اعمال شود که ارتکاب جرم شدید خشونت بار و یا تکرار جرمی حاد توسط نوجوان به ثبوت رسیده باشد و آن هم در صورتی که روش های مناسب دیگری در دسترس نباشد؛  
د) مصالح نوجوان باید عامل اصلی در تصمیم گیری باشد.  
۱۷. ۲ نوجوانان نباید به مجازات اعدام محکوم شوند. ارتکاب هیچ جرمی اعدام آن ها را توجیه نمی کند.

۱۷. ۳ نوجوانان نباید مورد تنبیه بدنی قرار گیرند.

۱۷. ۴ مقام ذیصلاح، باید اختیار داشته باشد در هر مقطعی حکم منع تعقیب صادر کند.

### تفسیر

مشکل اصلی در تنظیم رهنمودهای دادرسی جوانان ناشی از این امر است که اختلافات نگرشی در مورد انتخاب بعضی از راه حل های اساسی به شرح زیر همچنان بگرنج مانده است :

(الف) بازپروری در مقابل تنبیه لازم؛

(ب) کمک در مقابل سرکوب و تنبیه؛

(ج) عکس العمل مناسب برای هر مورد خاص در مقابل عکس العمل جهت حمایت جامعه به طور کلی؛

(د) بازدارندگی عمومی در مقابل سلب توانایی ارتکاب جرم به صورت فردی؛

اختلافات بر سر روش های برخورد در رابطه با نوجوانان شدیدتر از اختلافات مربوط به افراد بزرگسال است. با تنوع علل و عکس العمل ها که مشخصه موضوعات مربوط به نوجوانان است، این گزینه ها به شدت در هم تنیده می شوند.

«قواعد حداقل استاندارد در دادرسی ویژه نوجوانان» در مقام تعیین روشی که در این میان باید بیگیری شود نیست بلکه روشی را توصیه می کند که بیشترین تطابق را با اصول پذیرفته شده بین المللی دارد. در نتیجه، عناصر اساسی که در قاعده ۱۷. ۱، به خصوص تبصره های (الف) و (ج) ذکر شده است باید به عنوان رهنمودهایی برای نقطه آغاز کار مشترك محسوب شود و چنانچه توسط مقامات ذی صلاح مورد استفاده قرار گیرد (به قاعده ۵ نیز توجه شود) می تواند کمک بزرگی به تضمین حقوق بنیادین بزهاران نوجوان، به خصوص حقوق مربوط به رشد و آموزش فردی آنها باشد.

از مفاد قاعده ۱۷. ۱ بخش (ب) این گونه استنباط می شود که روش های تنبیهی صرف مناسب نیستند. اگرچه در مورد بزرگسالان و احتمالاً در مورد جرایم حاد نوجوانان، اقدامات تنبیهی ممکن است نتایج مفید داشته باشد، در ارتباط با نوجوانان مصالح و آینده نوجوان باید چنین ملاحظاتی را تحت تأثیر قرار دهد.

در انطباق با قطعنامه شماره ۸ ششمین کنگره سازمان ملل، تبصره ب قاعده ۱۷. ۱ با توجه به ضرورت تأمین نیازهای خاص نوجوانان حتی الامکان استفاده از روش های جایگزین نهادهای تأدیبی را تشویق می کند، در نتیجه با توجه به امنیت عمومی، باید از انواع روش های جایگزین موجود استفاده کامل شود و روش های جدید گسترش یابد. تعلیق مراقبتی باید تا حد امکان از طریق تعلیق اجرای حکم، احکام مشروط و تصمیمات هیئت ها و موازین دیگر، به کار رود.

قاعده ۱۷. ۱ تبصره ج به یکی از اصول راهنمای مندرج در قطعنامه ۴، ششمین کنگره سازمان ملل اشاره دارد که هدفش احتراز از سلب آزادی نوجوانان و تحدید آن به مواردی که راه حل جایگزین دیگری نتواند امنیت عمومی را تأمین نماید، است.

مسئله منع اعمال مجازات اعدام برای نوجوانان که در قاعده ۱۷. ۲ ذکر شده است مطابق با بند ۵ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

منع تنبیه بدنی مطابق با ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های خشن، غیر انسانی یا اهانت آمیز و معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های خشن، غیر انسانی یا اهانت آمیز و پیش نویس معاهده حقوق کودک است.

اختیار منع تعقیب در هر مرحله‌ای از مراحل پیگرد قانونی (قاعده ۱۷. ۴) ویژگی لاینفک دادرسی بزهکاران نوجوان در مقایسه با افراد بالغ است. در مورد هر پرونده ای امکان دارد شرایطی در مقاطع زمانی مختلف پیش آید که مقام ذیصلاح منع مداخله رسمی در قضیه را مناسبترین برخورد تشخیص دهد.

## ۱۸. انواع تدابیر مورد حکم

۱.۱۸. ۱ مقام ذیصلاح باید امکان اتخاذ موازین متعددی را در اختیار داشته باشد تا انعطاف لازم در اجتناب از نهادهای تأدیبی موجود شود. تدابیر مزبور که امکان ترکیب برخی از آنها وجود دارد شامل موارد زیر است:

الف) مراقبت، هدایت و نظارت؛  
ب) تعلیق مراقبتی؛  
ج) حکم به اجرای خدمات عام‌المنفعه؛  
د) مجازات مالی، جبران خسارت و ترمیم؛  
ه) احکام تدابیر رفتاری؛  
و) حکم به شرکت در مشاوره گروهی یا فعالیت‌های مشابه؛  
ز) حکم به نگهداری توسط خانواده‌های داوطلب، مراکز اجتماعی یا مراکز آموزشی و تربیتی؛  
ح) احکام مشابه دیگر.

۱.۱۸. ۲ هیچ نوجوانی نباید از نظارت والدین خارج شود، خواه به صورت کامل یا به صورت ناقص، مگر اینکه اوضاع و احوال چنین اقدامی را اقتضا کند.

### تفسیر

در قاعده ۱۸. ۱ سعی شده است برخی از تصمیمات و احکامی که اجرای آن در نظام‌های مختلف حقوقی با موفقیت روبرو بوده است ذکر شود. به طور کلی آنها گویای نظریات مفیدی هستند که شایسته پیروی و تکامل اند. این ماده به الزامات مربوط به پرسنل به دلیل کمبودهایی که از این لحاظ در برخی مناطق وجود دارد اشاره ای نکرده است. در این مناطق باید تدابیری که به پرسنل کمتری نیاز دارد به اجرا و آزمایش گذاشته شود.

عنصر مشترك در تدابیر جایگزین مذکور در قاعده ۱۸. ۱ اهمیت نقش جامعه در تحقق آنها است. اقدامات اصلاحی در صحن جامعه روشی مرسوم است که جنبه‌های بسیار متنوعی به خود گرفته است. بر این اساس، مقامات مسئول باید در ارائه خدمات در صحن جامعه تشویق شوند.

قاعده ۱۸. ۲ به اهمیت خانواده اشاره دارد که طبق بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی « واحد طبیعی و بنیادین جامعه است». در داخل خانواده والدین تنها دارای حق نیستند بلکه موظف‌اند از کودکان خود مراقبت و نگهداری کنند. قاعده ۱۸. ۲ جدایی طفل از خانواده را تنها به عنوان آخرین راه حل تجویز می‌کند. یعنی هنگامی که واقعیت‌هایی (چون سوءاستفاده از کودکان) این تصمیم خطیر را ملزم گرداند.

## ۱۹- استفاده حداقل از نهادهای تأدیبی

۱.۱۹. ۱ قرار دادن نوجوان در هرگونه نهاد تأدیبی بایستی به عنوان آخرین راه حل و در کوتاه ترین زمان ممکن صورت گیرد.

### تفسیر

علم جرم‌شناسی نوین عدم استفاده از نهادهای نگهداری نوجوانان و بهره‌گیری از تدابیر در محیط باز را توصیه می‌کند. تفاوت چندانی در نتایج موفقیت آمیز استفاده از این دو روش مشاهده نشده است یا اگر تفاوتی وجود داشته بسیار نازل بوده است. ولیکن بسیاری از اثرات منفی که در شرایط نهادهای تأدیبی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد نمی‌تواند با روش‌های تربیتی جبران شود. این امر به‌خصوص در مورد نوجوانانی صدق می‌کند که نسبت به

اثرات منفی مزبور آسیب‌پذیری بیشتری دارند. به علاوه، اثرات منفی تنها ناشی از محرومیت از آزادی نیست بلکه دوری از محیط عادی اجتماعی نیز بدون شك برای نوجوانان به دلیل قرار داشتن در مراحل اولیه رشد، عواقب وخیمتری به دنبال دارد.

هدف قاعده ۱۹ محدودیت استفاده از نهادهای تأدیبی از دو جنبه است: وجه کمیتی (به عنوان آخرین راه حل) و وجه زمانی (حداقل زمان ممکن). قاعده ۱۹ منعکس کننده یکی از اصول اساسی مندرج در قطعنامه ۴ ششمین کنفرانس سازمان ملل متحد است که مقرر می‌دارد باید از حبس نوجوانان اجتناب شود مگر اینکه راه حل مناسب دیگری وجود نداشته باشد. در نتیجه، این قاعده مقرر می‌دارد که در صورت لزوم نگهداری نوجوان در يك نهاد تأدیبی زمان آن باید به کمترین مدت ممکنه محدود شود و موازین خاصی برای محبوس کردن او پیشبینی شود و همچنین تفاوت موجود میان بزهاران، تنوع بزه و نوع نهاد تأدیبی مد نظر قرار گیرد. در واقع باید به نهادهای «باز» در مقابل نهادهای «بسته» اولویت داده شود. به علاوه نهادهای بایستی دارای ماهیت تربیتی و اصلاحی باشند تا زندان صرف.

## ۲۰. احتراز از اطاله دادرسی

۲۰. ۱ هر پرونده‌ای باید فوراً بدون تأخیر موجه، مورد رسیدگی قرار گیرد.

### تفسیر

تسریع رسیدگی در روند دادرسی ویژه نوجوانان بسیار حائز اهمیت است. در غیر این صورت همه نتایج مثبت مربوط به رسیدگی و تصمیم‌گیری در معرض خطر قرار خواهد گرفت. به تدریج که زمان سپری می‌گردد، نوجوان چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ روانی در درک ارتباط میان روند دادرسی و حکم نهایی، دچار مشکلات بیشتری می‌شود.

## ۲۱. دفتر ثبت سوء پیشینه

۲۱. ۱ دفتر ثبت سوء پیشینه مربوط به بزهاران نوجوان بایستی به صورتی کاملاً محرمانه نگهداری شود و در دسترس اشخاص ثالث قرار نگیرد. دسترسی به این گونه سوابق تنها توسط پرسنلی که مستقیماً در رسیدگی به پرونده دخیلند و نیز افرادی که دارای مجوزاند امکان پذیر است.  
۲۱. ۲ سوء پیشینه بزهاران نوجوان نباید در رسیدگی به جرائمی که آنها در بزرگسالی مرتکب می‌شوند مورد استفاده قرار گیرد.

### تفسیر

در این قاعده سعی شده است در خصوص سوابق یا پرونده‌ها، تعارض میان منافع پلیس، دادستانی یا مقامات دیگر در جهت اعمال کنترل توسط آنها و منافع بزهاران، تعادلی ایجاد گردد، (به قاعده ۸ نیز رجوع کنید). عبارت «افرادى که دارای مجوزاند»، از جمله محققین را نیز دربر می‌گیرد.

## ۲۲. نیاز به تخصص و آموزش

۲۲. ۱ آموزش تخصصی، آموزش حین خدمت، دوره‌های تجدید دانش و سایر تعلیمات بایستی برای ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه‌ای لازم جهت کلیه پرسنل مربوط به امور نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.



۲۲. ۲ پرسنل مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان بایستی انعکاس تنوع نوجوانانی که با نظام قضایی در تماس قرار می‌گیرند، باشد. باید سعی شود تعداد مناسبی از زنان و اقلیت‌ها در دستگاه‌های دادرسی ویژه نوجوانان حضور داشته باشند.

### تفسیر

مقامات ذی‌صلاح صدور حکم در مورد نوجوانان بز هکار ممکن است افرادی با سوابق تحصیلی و تخصصی بسیار متفاوت باشند (مقام قضایی در بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و مناطق تحت نفوذ نظام حقوق عرفی {Common Law}؛ قضات با تحصیلات حقوقی در کشورهای دارای نظام حقوقی ملهم از حقوق رومی و مناطق تحت نفوذ آنها؛ و غیره، حقوقدانان یا غیر حقوقدانان، اعضای هیئت های محلی و غیره، انتخابی و یا انتصابی). برای همه مقامات، آشنایی حداقل با حقوق، جامعه‌شناسی، روانشناسی و جرم‌شناسی و علوم رفتاری لازم است. این امر به همان اندازه دارای اهمیت است که تخصص سازمانی و استقلال مقامات ذی‌صلاح.

امکان دارد نتوان تخصص حرفه‌ای برای مددکاران و مأموران نظارت بر اجرای تعلیق مراقبتی را به عنوان شرط استخدام آن‌ها در پرداختن به امور بز هکاران نوجوان، درخواست کرد. بدین ترتیب آموزش حرفه‌ای در حین خدمت یکی از الزامات اولیه و حداقل محسوب می‌شود.

تخصص حرفه‌ای عنصری ضروری در تضمین مدیریت بی‌طرفانه و مؤثر دادرسی نوجوانان است. همچنین بهبود شرایط استخدامی آموزش پیشرفته و حرفه‌ای پرسنل و تأمین وسائل لازم برای اجرای وظایف به نحو احسن توسط آنها ضروری به نظر می‌رسد.

برای حفظ بی‌طرفی در مدیریت دادرسی نوجوانان، باید از کلیه اشکال تبعیض سیاسی، اجتماعی، جنسی، نژادی، مذهبی، فرهنگی و غیره در انتخاب، انتصاب و ارتقاء پرسنل دادرسی ویژه نوجوانان اجتناب شود. این امر در کنگره ششم سازمان ملل متحد نیز توصیه شده است. به‌علاوه، کنگره مزبور از کشورها عضو خواسته است رفتار منصفانه و برابر با زنان شاغل در دستگاه عدالت کیفری رعایت گردد و تدابیر خاصی جهت استخدام، آموزش و تسهیل پیشرفت حرفه‌ای زنان در مدیریت دادرسی ویژه نوجوانان اتخاذ شود.

### بخش چهارم - عدم توسل به نهادهای تأدیبی نوجوانان

#### ۲۳. اجرای مؤثر تصمیمات

۲۳. ۱ موازین لازم جهت اجرای احکام مقامات ذی‌صلاح، به شرح مندرج در قاعده ۱-۱۴ باید توسط مقام مذکور و یا حسب مورد توسط مقام دیگری اتخاذ شود.

۲۳. ۲ این موازین باید شامل اختیار مقام ذی‌صلاح در تجدید نظر در تصمیمات، به صلاحدید خود، در مقاطع مختلف زمانی باشد، چنین تجدید نظری باید برطبق اصول مندرج در قواعد حاضر انجام گیرد.

### تفسیر

در مقایسه با بزرگسالان تصمیمات در مورد نوجوانان، زندگی آنها را به مدت طولانی تری تحت تأثیر قرار خواهد داد. بدین ترتیب ضرورت دارد که مقام ذی‌صلاح یا سازمان مستقل مربوطه (هیئت تفویض آزادی مشروط، دفتر تعلیق مراقبتی، نهادهای رفاهی نوجوانان و غیره) که صلاحیتی معادل مقامات صادر کننده حکم دارا هستند، بر اجرای حکم نظارت کنند. در برخی کشورها «قاضی ناظر بر اجرای حکم» (Juge de l'exécution des peines) بدین منظور تعیین شده است.

ترکیب، اختیارات و وظایف مقام ذیصلاح باید انعطاف‌پذیر باشد. در قاعده ۲۳ در مفهومی کلی بدان‌ها اشاره شده است تا طیف گسترده‌ای را دربر گیرد.

#### ۲۴. مساعدت به نوجوانان

۲۴. ۱ باید کوشش شود نوجوانان در کلیه مراحل رسیدگی از کمک‌های ضروری چون محل مسکونی، آموزش و تعلیمات حرفه‌ای، اشتغال و هر نوع کمک دیگری که برای بازپروری مفید و مؤثر است، برخوردار شوند.

#### تفسیر

بهبود وضعیت رفاهی نوجوانان مسئله‌ای بسیار اساسی است. بدین ترتیب، قاعده ۲۴ بر اهمیت تأمین نیازها، خدمات و سایر مساعدت‌های ضروری در تأمین منافع نوجوان در طول روند بازپروری او تأکید می‌کند.

#### ۲۵. بسیج افراد داوطلب و سایر خدمات اجتماعی

۲۵. ۱ افراد و سازمان‌های داوطلب، نهادهای محلی و سایر تشکلات اجتماعی باید به همکاری مؤثر در بازپروری نوجوانان در چهارچوب اجتماعی و حتی‌الامکان در درون واحد خانواده فرا خوانده شوند.

#### تفسیر

این قاعده منعکس‌کننده نیاز به جهت‌گیری کلیه فعالیت‌های مربوط به بزهاران نوجوان در راستای بازپروری آنها است. همکاری با جامعه در اجرای مؤثر تصمیمات مقام ذیصلاح امری ضروری است. افراد و مؤسسات داوطلب، به‌ویژه، منابع با ارزشی هستند ولیکن تاکنون استفاده چندانی از آنها صورت نگرفته است. در برخی موارد، همکاری مجرمین سابق (از جمله معتادان) می‌تواند کمک قابل توجهی باشد.

قاعده ۲۵ از اصول مندرج در ماده ۱. ۱ تا ۱. ۶ ناشی می‌شود و از مقررات مربوطه در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیروی می‌کند.

### بخش پنجم: ارجاع به نهادهای بسته [حبس]

#### ۲۶. اهداف ارجاع به نهادهای تأدیبی بسته

۲۶. ۱ هدف از آموزش و نگهداری جوانان در نهادهای بسته قادر ساختن آنها به ایفای نقش سازنده و مولد در اجتماع با تضمین مساعدت، حمایت، تعلیم و تربیت و نیز مهارت‌های حرفه‌ای برای آن‌هاست.

۲۶. ۲ نوجوانان در این نهادها باید از مراقبت، حمایت و کلیه کمک‌های لازم - اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، فنی، روانی و پزشکی و جسمی - که به لحاظ سن، جنس یا شخصیت و یامصالح رشدشان به‌طور کلی ضرورت می‌یابد، برخوردار شوند.

۲۶. ۳ نوجوانان در این نهادها باید جدا از بزرگسالان در تأسیسات مخصوص نوجوانان و یا بخش مجزایی از تأسیسات مخصوص افراد بزرگسال، نگهداری شوند.

۲۶. ۴ دختران جوان بزهکار باید در نهادهایی که توجه خاصی به مسائل و نیازهای شخصی آنها می‌شود، نگهداری شوند. آن‌ها باید دقیقاً از همان موازین مراقبتی، حمایتی، معاضدتی و تدابیر رفتاری و آموزشی ای بر خوردار شوند که برای پسران پیشبینی می‌شود. با آن‌ها باید برخوردی درست و عادلانه انجام گیرد.

۲۶. ۵ در جهت مصالح و رفاه نوجوانانی که در این نهادها نگهداری می‌شوند، والدین یا قیم باید از حق ملاقات با آنها برخوردار شوند.

۲۶. ۶ وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها باید در جهت تأمین تحصیلات رسمی و یا در صورت لزوم، آموزش حرفه‌ای به نوجوانان تشریک مساعی کنند تا نوجوانان بتوانند در وضعیت مساعد آموزشی نهاد را ترک کنند.

### تفسیر

اهداف برخورد با نوجوانان در چهارچوب نهادهای تأدیبی به شرح مندرج در قاعده ۲۶. ۱ و ۲۶. ۲ بایستی برای هر نظام و هر فرهنگی قابل پذیرش باشد. با این حال این اهداف در همه مکان‌ها حاصل نشده است و هنوز اقدامات بسیاری باید در این زمینه انجام گیرد.

ارائه کمک‌های پزشکی و روانپزشکی، به ویژه برای معتادان و افراد تندخو و خشن و بیماران روانی نوجوان در داخل نهادها بسیار حائز اهمیت است.

اجتناب از اثرات منفی ناشی از تماس با مجرمین بزرگسال و تضمین رفاه نوجوانان در نهادهای مورد نظر، به شرح مندرج در قاعده ۲۶. ۳، مطابق با یکی از اصول بنیادین قواعد مقرر در قطعنامه چهارم کنگره ششم سازمان ملل است. این قاعده مانع نمی‌شود که تدابیر دیگری در جلوگیری از اثرات منفی تماس با مجرمین بزرگسال که حداقل به اندازه همین قواعد، مؤثر باشند، (به قاعده ۱۳. ۴ نیز توجه کنید) توسط کشورها اتخاذ شود.

قاعده ۲۶. ۴ مربوط به این واقعیت است که به طور معمول به بزهکاران مؤنث در مقایسه با بزهکاران مذکر توجه کمتری مبذول می‌شود، در کنگره ششم سازمان ملل نیز به این امر اشاره شده است، به ویژه قطعنامه شماره ۹ کنگره مزبور خواستار رفتار عادلانه با مجرمین مؤنث در کلیه مراحل دادرسی جزایی و توجه خاص به مسائل و نیازهای آنان در حبس شده است. به علاوه، این قاعده را باید در پرتو اعلامیه کاراکاس کنگره ششم خواند که در کنار امور دیگر خواستار اجرای مساوات در دادرسی جزایی شده است و به اعلامیه امحای تبعیض نسبت به زنان و معاهده {کنوانسیون} امحای کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان استناد شده است.

حق ملاقات (قاعده ۲۶. ۵) ناشی از مقررات ۱. ۷، ۱. ۱۰، ۱. ۱۵ و ۲. ۱۸ است. تشریک مساعی میان وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها (قاعده ۲۶. ۶) دارای اهمیت بسیار در بهبود کلی کیفیت برخورد با نوجوانان و آموزش آنها در نهادهای تأدیبی است.

### ۲۷. کاربرد قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل متحد

۲۷. ۱ قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان و توصیه‌های مترتب بر آن که به رفتار با بزهکاران جوان در نهادهای تأدیبی مربوط می‌شود، از جمله در دوران بازداشت پیش از محاکمه، قابل اجرا خواهد بود.

۲۷. ۲ به منظور تأمین نیازهای خاص شرایط سنی، جنسیتی و شخصیتی جوانان باید تلاش‌هایی جهت اجرای هر چه وسیعتر مفاد قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان صورت گیرد.

### تفسیر

قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان از اولین اسنادی است که در این زمینه رسماً توسط سازمان ملل متحد انتشار یافته است. در مورد تأثیرات آن در سطح جهانی اجماع عام وجود دارد. با وجود این که هنوز در بعضی از

کشورها اجرای این قواعد بیشتر يك آرمان است تا يك واقعیت لیکن مدیریت انسانی و عادلانه نهادهای تأدیبی همواره تحت تأثیر قواعد حداقل استاندارد است.

در قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان برخی از حمایت‌های اساسی در خصوص بزه کاران نوجوان در نهادهای تأدیبی (مکان زندگی، معماری، وسایل خواب، لباس، شکایات، درخواست‌ها، تماس با دنیای بیرون، تغذیه، مراقبت پزشکی، خدمات مذهبی، طبقه‌بندی به لحاظ سن، کارکنان، کار و غیره) و مقررات مربوط به تنبیه و نظم و محدودیت مجرمین خطرناک، ذکر شده است. تغییر قواعد حداقل استاندارد برای انطباق آن با ویژگی‌های نهادهای تأدیبی نوجوانان در محدوده قواعد حداقل استاندارد برای دادرسی ویژه نوجوانان مناسبیتی ندارد.

قاعده ۲۷ بر نیازهای ضروری نوجوانان در نهادها (قاعده ۲۷. ۱) و نیازهای مختلف به لحاظ سن، جنس و شخصیت (قاعده ۲۷. ۲) آنها تأکید می‌کند. در نتیجه اهداف و محتوای این قاعده در ارتباط مستقیم با مقررات مربوطه در قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان قرار دارد.

## ۲۸. استفاده گسترده و سریع از آزادی مشروط

۲۸. ۱ آزادی مشروط باید توسط مقامات ذیصلاح حتی‌الامکان در مقیاسی گسترده و در اولین فرصت ممکنه اعطا شود.

۲۸. ۲ نوجوانانی که به طور مشروط از نهادهای نگهداری بزه کاران آزاد شده‌اند باید تحت حمایت و نظارت مقامات ذیصلاح قرار گیرند و از حمایت کامل جامعه برخوردار شوند.

### تفسیر

امکان دارد صدور دستور آزادی مشروط در اختیار مقامات ذیصلاح به شرح مندرج در قاعده ۱-۱۴ و یا مقام دیگری باشد. با توجه به این امر، در اینجا بهتر است به "مقام مناسب" اشاره شود تا "مقام ذیصلاح".

در مواردی که شرایط مساعد برای اعطای آزادی مشروط وجود دارد این حکم باید بر اجرای محکومیت کامل حبس رجحان داشته باشد. چنانچه شواهدی دال بر پیشرفت به سوی بازپروری وجود داشته باشد، حتی مجرمینی که در ابتدای اقامتشان در نهاد تأدیبی خطرناک به نظر می‌رسند، می‌توانند در صورت مقتضی مشمول حکم آزادی مشروط شوند. به همان ترتیبی که در تعلیق مراقبتی وجود دارد، این آزادی ممکن است توسط مقامات ذی ربط، ضمن حکم صادره مشروط به اجرای رضایت‌بخش الزامات خاصی در مدت زمان مشخصی شود. شروط می‌تواند به عنوان مثال «حسن رفتار» مجرم، شرکت در برنامه‌های جمعی، اقامت در نهادهای نیمه باز و از این قبیل باشد.

در صورت آزادی مشروط بزه کار از نهادهای تأدیبی، يك مأمور تعلیق مراقبتی و یا مأمور دیگر (در مکان‌هایی که تعلیق مراقبتی هنوز در قانون پیش‌بینی نشده است) باید نوجوانان را یاری داده و بر اعمال آنها نظارت داشته باشد. جامعه نیز باید تشویق شود از آنها حمایت کند.

## ۲۹. نظام نیمه آزاد

۲۹. ۱ باید تلاش شود نظام نیمه آزاد مانند نهادهای نیمه آزاد، کانون‌های اجتماعی-آموزشی، مراکز آموزش حرفه ای روزانه و ترتیبات مناسب دیگری که به نوجوانان در بازگشت به جامعه کمک کند، به کار گرفته شوند.

### تفسیر

مراقبت پس از خروج از نهادهای سالب آزادی نباید کم اهمیت شمرده شود. این قاعده بر ضرورت ایجاد شبکه‌ای از نظام نیمه آزاد تأکید می‌کند.

در این قاعده همچنین بر لزوم ایجاد انواع مختلف تسهیلات و خدمات مربوط به تأمین نیازهای گوناگون بزهکاران نوجوان در بازگشت به جامعه و نیز ارائه رهنمود و حمایت‌های اساسی به آنها به عنوان گامی اساسی در جهت انطباق موفقیت‌آمیز بزه کاران با اجتماع، تأکید شده است.

### بخش ششم - تحقیق، برنامه‌ریزی، تدوین خطمشی و ارزیابی

#### ۳۰. تحقیقات، اساس برنامه‌ریزی، تدوین خطمشی و ارزیابی است.

۳۰.۱ تلاش‌هایی باید جهت سازمان دهی و گسترش تحقیقات لازم به‌عنوان اساس برنامه‌ریزی، و تدوین خطمشی، صورت گیرد.

۳۰.۲ باید کوشش شود به‌طور متناوب گرایش‌ها، مشکلات و ریشه‌های بزهکاری و جرایم نوجوانان و نیز نیازهای نوجوانان در زندان، بررسی و ارزیابی شود.

۳۰.۳ باید کوشش شود سازوکاری مبتنی بر ارزیابی منظم در داخل نظام مدیریت دادرسی نوجوانان برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در این زمینه و تحلیل آنها ایجاد شود تا بتوان ارزیابی درستی از وضعیت به‌عمل آورد و از آن برای بهبود و اصلاح مدیریت در آینده استفاده کرد.

۳۰.۴ ارائه خدمات در زمینه مدیریت دادرسی ویژه نوجوانان باید به عنوان جزء لاینفک تلاش در راه توسعه ملی، به‌طور منظم طرح‌ریزی شده و به اجرا گذاشته شود.

#### تفسیر

استفاده از تحقیقات و پژوهش‌ها به عنوان اساس يك خطمشی آگاه نظام دادرسی ویژه نوجوانان، در سطح وسیعی، به عنوان سازوکاری که موجب پیروی از پیشرفت در زمینه علم و آگاهی برای بهبود و اصلاح نظام دادرسی نوجوانان می‌شود شناخته شده است. پیوند میان تحقیقات و خطمشی‌ها به ویژه در نظام دادرسی نوجوانان اهمیت خاصی پیدا می‌کند. با بروز تغییرات سریع و غالباً شدید نحوه زندگی جوانان و نیز نحوه وقوع و ابعاد جرایم نوجوانان، عکس‌العمل جامعه و دستگاه عدالت نسبت به بزهکاری آنها به سرعت منسوخ و نامناسب می‌شود.

بدین ترتیب قاعده ۳۰ معیارهایی برای الحاق تحقیقات به روند تنظیم خطمشی‌ها و تحقق آن در مدیریت دادرسی برای نوجوانان ارائه می‌دهد. در این قاعده، بر ضرورت بازبینی و ارزیابی منظم برنامه‌ها و تدابیر موجود و نیز برنامه‌ریزی با اهدافی گسترده‌تر در زمینه توسعه عمومی تأکید می‌شود.

ارزیابی مستمر از نیازهای نوجوانان و نیز گرایش‌ها و مشکلات مربوط به بزهکاری، نخستین شرط تدوین خطمشی‌های مقتضی و برقرار کردن سطح مناسبی از مداخلات رسمی یا غیررسمی به شمار می‌رود. در این چارچوب، سازمان‌های مسئول باید تحقیقات افراد و نهادهای مستقل را تسهیل کنند. توجه به نظریات خود نوجوانان، حتی آنهایی که با نظام عدالت تماسی پیدا نکرده‌اند، می‌تواند ارزشمند باشد.

در برنامه‌ریزی باید بر ایجاد يك نظام مؤثر و مناسب جهت ارائه خدمات ضروری تأکید شود. برای رسیدن به این هدف، بایستی ارزیابی جامع و منظم از نیازها و مسائل گسترده خاص نوجوانان انجام گرفته و اولویت‌ها به وضوح مشخص شوند. در این ارتباط باید در استفاده از منابع موجود هماهنگی برقرار شود، از جمله در به کارگیری راه‌حل‌های جایگزین و حمایت‌های اجتماعی مناسب جهت تحقق و نظارت بر اجرای برنامه‌ها.

## رهنمودهای سازمان ملل متحد ناظر بر پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)

مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی، قطعنامه ۴۵/۱۱۲

### ۱. اصول اساسی

۱. از بزهکاری نوجوانان عنصر مهم پیشگیری از جرایم در جامعه است. جوانان از طریق مشارکت در فعالیت‌های مشروع و مفید برای اجتماع و نیز جهت‌گیری‌های انسانی در قبال جامعه و زندگی خود، می‌توانند رفتارهای غیر مجرمانه‌ای در پیش گیرند.
۲. پیشگیری موفقیت‌آمیز از بزهکاری نوجوانان مستلزم تلاش تمامی جامعه در تضمین رشد هماهنگ جوانان است که با احترام به شخصیت وی و کمک به شکوفایی او از همان اوان کودکی صورت می‌گیرد.
۳. تفسیر رهنمودهای حاضر باید با جهت‌گیری‌ای صورت گیرد که محور آن کودکان باشند. جوانان بایستی نقشی فعال در جامعه داشته باشند و نباید به عنوان موضوعی برای کنترل و همرنگی با جامعه در نظر گرفته شوند.
۴. در تحقق رهنمودهای حاضر، محور برنامه پیشگیری از جرم بایستی در مطابقت با نظام‌های حقوقی هر کشور، تأمین رفاه جوانان از دوران کودکی باشد.
۵. ضرورت و اهمیت خطمشی‌های جدید در پیشگیری از بزهکاری و انجام تحقیقات نظام مند و تدوین موازینی در این زمینه بایستی مورد قبول واقع شود. این موازین باید از جرم انگاشتن و مجازات کردن اعمالی که موجب صدمه به توسعه و رشد کودکان نمی‌شود و آسیبی به دیگران نمی‌رساند خودداری کنند. خطمشی‌ها و تدابیر بایستی شامل نکات زیر باشد:
  - الف) تدارک امکانات به ویژه جهت آموزش و تأمین نیازهای مختلف جوانان و ساخت چارچوب حمایتی جهت تضمین رشد شخصیتی کلیه جوانان، به ویژه آنهایی که در "خطر" و یا در "معرض خطرات اجتماعی" اند و نیازمند مراقبت و حمایت ویژه می‌باشند؛
  - ب) لزوم نگرش و رویکردهای تخصصی برای پیشگیری از بزهکاری و قانونی کردن آن، و نیز لزوم روندها، نهادها، تسهیلات و نیز ایجاد شبکه خدماتی جهت تقلیل انگیزه‌ها، نیازها، فرصت‌ها و شرایطی که موجب سقوط در ورطه ارتکاب جرم می‌شوند؛
  - ج) مداخلات رسمی در امور جوانان بایستی اصولاً در جهت مصالح کلی جوانان و بر مبنای عدل و انصاف باشد؛
  - د) تضمین رفاه، رشد، حقوق و مصالح کلیه افراد جوان؛
  - ه) توجه به این نکته که رفتار نوجوانان در مواردی که با ارزش‌ها و معیارهای رایج در جامعه مطابقت نمی‌کند، ناشی از روند رشد آنهاست و با بلوغ و حصول مراحل رشد در بسیاری از موارد، خود به خود برطرف می‌شود؛
  - و) آگاهی از این امر که به نظر اغلب کارشناسان، برچسب زدن به جوانان تحت عنوان «منحرف» «بزهکار» یا «بزهکار بالقوه» اغلب به رشد الگوی نامطلوبی از رفتار در نزد جوانان کمک می‌کند.
۶. خدمات و برنامه‌های متکی به جامعه بایستی برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، به خصوص در مواردی که هیچ تشکیلات خاصی ایجاد نشده است، توسعه یابد. نهادهای رسمی کنترل اجتماعی بایستی آخرین وسیله‌ای باشند که جامعه به آنها متوسل می‌شود.

### ۲. دامنه رهنمودها

۷. این رهنمودها بایستی در چارچوب کلی اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حقوق کودک، معاهده حقوق کودک و قواعد

**حداقل استاندارد سازمان ملل در باب دادرسی ویژه نوجوانان و نیز سایر اسناد و قواعد بین‌المللی مربوط به حقوق، منافع و رفاه کودکان و جوانان تفسیر و اجرا شود.**

۸. این رهنمودها بایستی همچنین با توجه به وضعیت شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر يك از دول عضو اجرا شوند.

### ۳. پیشگیری عمومی

۹. طرح‌های جامع پیشگیری باید در کلیه سطوح فعالیت‌های دولتی لحاظ و شامل موارد زیر شود:
  - الف) تحلیل جامع مشکلات موجود و تهیه فهرستی از برنامه‌ها، خدمات، تسهیلات و منابع موجود؛
  - ب) تعیین مسئولیت‌های مشخص برای سازمان‌ها، نهادهای ذی‌صلاح و پرسنل دست‌اندرکار پیشگیری از جرم؛
  - ج) ایجاد سازوکارهایی جهت هماهنگی مناسب در تلاش‌های پیشگیرانه میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی؛
  - د) تعیین خطمشی‌ها، برنامه و استراتژی‌های مبنی بر تحلیلات آینده‌بین که به طور ادواری مورد ارزیابی دقیق و نظارت در مراحل اجرا قرار می‌گیرد؛
  - ه) اتخاذ روش‌های مؤثر در محدود ساختن فرصت‌های ارتکاب جرم؛
  - و) مشارکت اجتماعی از طریق سلسله گسترده‌ای از خدمات و برنامه‌ها؛
  - ز) همکاری نزدیک میان سازمان‌های مختلف در سطح ملی، ایالتی، استانی، محلی با مشارکت بخش خصوصی، نمایندگان محلی، سازمان‌های مربوط به اشتغال، مراقبت از کودکان، بهداشت، آموزش، حمایت‌های اجتماعی مراکز اجرای قانون، مراکز قضایی، به منظور ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های پیشگیری از بزهکاری نوجوانان؛
  - ح) مشارکت جوانان در تعیین خطمشی‌ها و روند اجرای برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری، با استفاده از منابع انسانی جامعه، خودیاری جوانان و برنامه‌های جبران خسارت قربانیان و کمک به آنها؛
  - ط) استخدام پرسنل متخصص در کلیه سطوح.

### ۴. روند پرورش اجتماعی

۱۰. باید بر خطمشی‌های پیشگیرانه در جهت تسهیل پرورش اجتماعی و تطبیق موفقیت‌آمیز کلیه کودکان و جوانان با جامعه - به خصوص از طریق خانواده، جامعه، گروه‌های همسالان، مدارس، آموزش حرفه‌ای و فضای کار و اشتغال و نیز از طریق سازمان‌های داوطلب، تأکید شود. به رشد و شکوفایی شخصیتی کودکان و جوانان بایستی توجه کافی شده و آنها را در روند پرورش اجتماعی و تطبیق با جامعه، به عنوان یکی از مشارکت‌کنندگان اصلی و برابر به حساب آورد.

### الف. خانواده

۱۱. هر جامعه‌ای باید تأمین رفاه خانواده را در ردیف الویت‌های اصلی خود قرار دهد.
۱۲. با توجه به این که خانواده واحد مرکزی و مسئول اولین مراحل پرورش اجتماعی کودکان است، سازمان‌های اجتماعی و دولتی باید برای حفظ یکپارچگی آن، از جمله خانواده به صورت گسترده آن، تلاش کنند. جامعه مسئول کمک به خانواده در تأمین، مراقبت و حمایت و تضمین رفاه جسمی و روانی کودکان است. تسهیلات مناسبی از جمله مراقبت روزانه از کودکان بایستی پیشبینی شود.
۱۳. دولت‌ها باید سیاست‌ها و خطمشی‌هایی اتخاذ کنند که رشد کودکان را در يك محیط خانوادگی با ثبات و مساعد تأمین کند. به خانواده‌هایی که نیازمند کمک برای حل مسائل ناشی از بی‌ثباتی یا کشمکش‌های خانوادگی هستند بایستی خدمات اجتماعی لازم ارائه شود.

۱۴. در مواردی که محیط خانوادگی با ثبات و مساعدی وجود ندارد و تلاش‌های جامعه برای کمک به خانواده با شکست روبرو شده است و همچنین نمی‌توان بر کمک‌های اعضای دورتر خانواده تکیه کرد، خانواده جایگزین و

نظام فرزندخواندگی باید مورد توجه قرار گیرد. این روش بایستی حتی المقدور در جهت یافتن محیط خانوادگی با ثبات و مساعد و ایجاد حس تداوم وضعیت برای کودکان در محیط جدید باشد و از هر بی‌ثباتی و تغییر خانواده پذیرا اجتناب شود.

۱۵. به کودکانی که خانواده‌های آنها در اثر مسائل ناشی از تغییرات ناگهانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دچار تحول شده‌اند، به‌ویژه کودکان بومی، مهاجر و پناهنده، بایستی توجه خاص شود. از آنجایی که این گونه تغییرات می‌تواند باعث اختلال در ظرفیت اجتماعی خانواده برای پرورش سنتی کودکان شود، به ویژه در اثر اختلافات فرهنگی و نقش افراد، اتخاذ روش‌های ابتکاری و سازنده اجتماعی جهت تسهیل روند پرورش اجتماعی کودکان ضروری است.

۱۶. به منظور آموزش خانواده‌ها در مورد نقش و وظایفشان به عنوان سرپرست در امر رشد و مراقبت از کودکان خود و نیز گسترش روابط مثبت میان کودکان و والدین، آگاه و حساس ساختن والدین نسبت به مسائل کودکان و جوانان و تشویق جوانان به شرکت در فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی، باید تدابیری اتخاذ شده و و برنامه‌هایی پیشبینی گردد.

۱۷. دولت‌ها باید تدابیری اتخاذ کنند که انسجام و هماهنگی خانوادگی را ارتقا دهد و جدایی کودکان از والدین را به‌استثنای مواردی که برای رفاه و آینده کودک راحل دیگری وجود نداشته باشد، منع کنند.

۱۸. نقش خانواده و خانواده به مفهوم سنتی و گسترده آن در روند پرورش اجتماعی کودکان حائز اهمیت بسیار است. همچنین تأکید بر نقش آتی، مسئولیت‌ها، مشارکت و سهیم شدن جوانان در امور جامعه نیز امری بسیار اساسی به شمار می‌رود.

۱۹. در مقام تضمین حقوق کودکان جهت پرورش اجتماعی به طور صحیح، دولت‌ها و دیگر نهادها بایستی بر سازمان‌های اجتماعی و حقوقی موجود تکیه کنند و در مواردی که نهادهای سنتی و رسوم نقش خود را از دست داده‌اند، روش‌های جدیدی ابداع کنند.

## ب. آموزش

۲۰. دولت‌ها موظفند آموزش همگانی را برای کلیه جوانان تأمین کنند.

۲۱. نظام‌های آموزشی علاوه بر فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای بایستی به امور زیر توجه کنند:  
(الف) تعلیم ارزش‌های اساسی و توسعه احترام به هویت فرهنگی کودک، ارزش‌های اجتماعی کشوری که کودک در آن زندگی می‌کند، تمدن‌های متفاوت با فرهنگ کودک و نیز حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین؛  
(ب) کمک به پرورش و شکوفایی شخصیت، استعدادها، توانایی‌های جسمی و روحی بالقوه جوانان؛  
(ج) جوانان بایستی در روند پرورشی‌اشان به عنوان عامل فعال و مؤثر شرکت داشته باشند و نباید در این روند منفعل واقع شوند؛  
(د) توسعه فعالیت‌هایی که به جوانان هویت بخشد و حس تعلق به مدرسه و جامعه را در آنها ایجاد کند؛  
(ه) تشویق جوانان به درک و احترام به نظرات و عقاید مختلف و تفاوت‌های فرهنگی و غیره؛  
(و) ارائه اطلاعات و راهنمایی درباره آموزش حرفه‌ای، فرصت‌های کاری و پیشرفت در زمینه کاری؛  
(ز) حمایت روانی مثبت از نوجوانان و اجتناب از رفتاری که آثار سوء روانی بر نوجوان دارد؛  
(ح) احترام از تدابیر سخت‌گیرانه انضباطی، به خصوص تنبیه بدنی.

۲۲. نظام‌های آموزشی بایستی تلاش کنند با والدین، سازمان‌های اجتماعی و نهادهایی که به امور جوانان می‌پردازند همکاری کنند.



۲۳. جوانان و خانواده های آنها را بایستی از قانون و حقوق و مسئولیت هایشان در برابر قانون و نیز ارزش های جهانی از جمله اسناد حقوقی سازمان ملل متحد آگاه ساخت.

۲۴. نظام های آموزشی بایستی به جوانانی که در معرض خطرات اجتماعی هستند توجه خاص کنند. بدین منظور بایستی برنامه ها و رویکرد و ابزار تربیتی پیشگیری مناسب و خاص، تدوین و به طور دقیق اجرا شود.

۲۵. به خطمشی ها و استراتژی های جامع برای جلوگیری از مصرف الکل و مواد مخدر و سایر مواد مضر برای جوانان بایستی توجه خاص شود و آموزگاران و سایر کارشناسان باید برای پیشگیری از این مسئله و برخورد با آن تجهیز شده و آموزش ببینند. همچنین اطلاعات مربوط به مضرات مصرف و اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی بایستی در اختیار محصلان و دانشجویان قرار گیرد.

۲۶. مدارس باید مرکز اطلاعات و راهنمایی برای ارائه خدمات پزشکی، مشاورتی و خدمات دیگر برای جوانان باشند، به ویژه جوانانی که به مراقبت های خاصی احتیاج دارند و مورد سوء رفتار، غفلت، آزار یا بهره کشی قرار گرفته اند.

۲۷. آموزگاران، سایر بزرگسالان و کلیه دانش آموزان را بایستی از طریق اجرای برنامه های آموزشی نسبت به مسائل، نیازها و برداشتهای نسل جوان، به خصوص آنهایی که به گروه های محروم یا کم درآمد، اقلیت های قومی و سایر اقلیت ها تعلق دارند، حساس و آگاه ساخت.

۲۸. نظام های رسمی آموزشی بایستی تلاش کنند به استانداردهای عالی حرفه ای و آموزشی در خصوص برنامه، روش و طرز برخورد به یادگیری و تعلیم و تربیت و همچنین استخدام و آموزش معلمان با صلاحیت دست یابند. نظارت و ارزیابی منظمی باید از نتایج کار توسط سازمان ها و مراکز متخصص و صلاحیت دار انجام گیرد.

۲۹. مدارس بایستی با همکاری گروه های اجتماعی برای جوانان فعالیت های فوق برنامه طرح ریزی و اجرا کنند.

۳۰. به کودکان و جوانانی که در امر تحصیلی با مشکل مواجه هستند یا ترک تحصیل کرده اند، باید کمک های خاصی ارائه شود.

۳۱. مدارس بایستی خط مشی ها و قواعدی را ترویج کنند که صحیح و عادلانه باشد؛ دانش آموزان باید در تعیین خط مشی مدارس از جمله مقررات انضباطی و تصمیم گیری ها از طریق نماینده، شرکت داشته باشند.

### ج. جامعه

۳۲. به منظور پاسخگویی به نیازها، مشکلات، منافع و دغدغه های خاص جوانان و ارائه مشورت و راهنمایی به آنها و خانواده هایشان بایستی خدمات و برنامه هایی در بطن جامعه ایجاد و در صورت وجود، تقویت شوند.

۳۳. جامعه بایستی موازین مختلف جهت معاضدت اجتماعی به جوانان ابداع و در صورت وجود این موازین، آن ها را تقویت کند این کمک ها از جمله شامل ایجاد مراکز توسعه اجتماعی، تسهیلات تفریحی و مراکز خاصی که به مشکلات کودکان در معرض خطرات اجتماعی می پردازند، است. در ارائه این کمک ها بایستی، احترام به حقوق فردی تضمین شود.

۳۴. برای جوانانی که نمی توانند با خانواده خود زندگی کنند یا فاقد منزل مسکونی اند، بایستی اماکن خاصی پیشبینی شود.

۳۵. برای تسهیل دوران گذار به سن بلوغ بایستی يك رشته خدمات و تدابیر کمکی جهت جوانان ارائه شود. این خدمات باید شامل برنامه های ویژه معتادان با تأکید بر مراقبت، مشورت، معاضدت و معالجه باشد.

۳۶. سازمان‌های داوطلب که خدماتی برای جوانان عرضه می‌کنند بایستی از لحاظ مالی و نیز از جهات دیگر مورد حمایت دولت و سایر سازمان‌ها قرار گیرند.

۳۷. در هر محله ای باید سازمان‌های خاص جوانان ایجاد و در صورت وجود تقویت شود. به این سازمان‌ها بایستی موقعیتی تفویض شود که بتوانند به عنوان یکی از شرکت کنندگان اصلی در مدیریت امور جامعه محلی محسوب شوند. این سازمان‌ها بایستی جوانان را به ایجاد حرکت‌های جمعی داوطلبانه خصوصاً حرکت‌هایی که به نفع جوانان نیازمند کمک ایجاد می‌شود، تشویق کنند.

۳۸. سازمان‌های دولتی باید مسئولیت ویژه‌ای در ارائه خدمات لازمه به کودکان خیابانی و بدون مسکن به عهده گیرند. اطلاعات مربوط به تسهیلات محلی، مسکن، اشتغال و سایر اشکال و منابع کمک و معاضدت بایستی در اختیار جوانان قرار گیرد.

۳۹. بایستی تسهیلات و خدمات متنوعی ایجاد شود که مورد علاقه جوانان بوده و منافع خاصی را در بر داشته باشد و به سهولت در دسترس آنها قرار گیرد.

#### د. رسانه‌های گروهی

۴۰. باید رسانه‌های گروهی را تشویق کرد که اطلاعات و مدارکی را که از منابع گوناگون بین المللی و ملی کسب میکنند در دسترس جوانان قرار دهند.

۴۱. رسانه‌های گروهی را بایستی به برجسته ساختن نقش مثبتی که جوانان در امور جامعه ایفا می‌کنند تشویق کرد.

۴۲. رسانه‌های گروهی را بایستی به اشاعه اطلاعات در مورد خدمات، تسهیلات و امکانات موجود در جامعه برای جوانان تشویق کرد.

۴۳. وسایل ارتباط جمعی به طور عام، و تلویزیون و فیلم‌های سینمایی به طور خاص باید تشویق شوند نمایش صحنه‌های: خلاف عفت، مصرف مواد مخدر، نمایش خشونت و همچنین بهره‌کشی، اهانت و اهانت به خصوص در مورد کودکان، زنان و در روابط میان افراد، را به حداقل برسانند. این رسانه‌ها باید اصول و الگوهای مساوات‌طلبانه را به جامعه ارائه دهند.

۴۴. رسانه‌های گروهی بایستی از نقش گسترده اجتماعی و مسئولیت سنگین و نفوذ خود در خصوص مسئله اعتیاد به مواد مخدر و الکل آگاه باشند و از قدرت خود برای پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر از روش‌های متعادل و صحیح استفاده کنند. برنامه‌های مؤثر مبارزه با مواد مخدر باید در کلیه سطوح ترویج شود.

#### ه. خط مشی اجتماعی

۴۵. سازمان‌های دولتی بایستی به طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به جوانان اولویت بخشیده و برای تأمین مؤثر خدمات، تسهیلات، و پرسنل لازمه جهت مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، تغذیه، مسکن و خدمات وابسته به آنها، از جمله جلوگیری از اعتیاد به مواد مخدر و الکل و حصول اطمینان از این که خدمات مزبور عملاً در اختیار جوانان قرار می‌گیرد، بودجه و منابع دیگر به قدر کافی فراهم آورند.

۴۶. به نگرانی جوانان در نهادهای تأدیبی بایستی به عنوان آخرین راه حل و به مدت بسیار محدود، توسل جست، توجه به مصالح جوانان در درجه اول اهمیت قرار دارد. معیارهای مداخله رسمی باید به طور صریح مشخص شود و به موارد زیر محدود باشد:

- الف) هنگامیکه آسیب و لطمات وارده بر کودک یا جوان، ناشی از عمل والدین یا سرپرستان قانونی {قیم، ولی} آنها باشد؛
- ب) در مواردی که کودک یا جوان مورد سوء استفاده جنسی، جسمی یا احساسی توسط والدین یا سرپرست خود قرار گیرد؛
- ج) در مواردی که کودک یا جوان توسط والدین و یا سرپرست خود رها شده و یا مورد غفلت یا بهره‌کشی قرار گرفته است.
- د) در مواردی که کودک یا جوان به دلیل رفتار والدین یا سرپرستان خود در معرض خطرات جسمی یا روانی قرار دارد؛
- ه) در مواردی که رفتار کودک یا جوان متضمن خطرات جدی جسمی یا روانی برای او است و والدین یا سرپرستان و نیز مراکز خدمات اجتماعی باز قادر به کمک به وضعیت او نیستند.
۴۷. سازمان‌های دولتی بایستی در مواردی که والدین یا سرپرستان قادر به تأمین امکانات تحصیلی یا کارآموزی جوانان نیستند، این امکانات را برای آنها فراهم سازند.
۴۸. بایستی برنامه‌هایی در خصوص پیشگیری از جرم که بر اساس یافته‌های معتبر تحقیقات علمی بنا شده است به اجرا در آید، این برنامه‌ها بایستی به‌طور ادواری مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت لزوم اصلاح شوند.
۴۹. اطلاعات علمی لازم در مورد نوع رفتار یا شرایطی که موجب تعدی جسمانی، روانی، سوء رفتار و بهره‌کشی از جوانان می‌شود بایستی در اختیار متخصصان و عموم مردم قرار گیرد.
۵۰. به طور کلی، مشارکت در این طرح‌ها و برنامه‌ها باید به صورت داوطلبانه باشد. جوانان نیز باید در تهیه، توسعه و اجرای آنها شرکت داشته باشند.
۵۱. دولت‌ها بایستی خطمشی‌ها، تدابیر و استراتژی‌هایی برای پیشگیری از خشونت خانوادگی بر علیه جوانان چه در داخل و چه در خارج از نظام عدالت جزایی ایجاد کرده و یا در صورت وجود آنها را توسعه داده و به اجرا درآورند. همچنین دولت‌ها باید رفتار مناسب با قربانیان خشونت‌های خانوادگی را تضمین کنند.
- ۶. وضع قوانین و مدیریت دادرسی ویژه نوجوانان**
۵۲. دولت‌ها بایستی قوانین و رویه‌هایی جهت ارتقاء و حمایت از حقوق و رفاه کلیه جوانان تدوین و اجرا کنند.
۵۳. برای پیشگیری از آسیب رساندن، سوء رفتار، بهره‌کشی و استفاده از کودکان و جوانان در فعالیت‌های مجرمانه بایستی قوانینی وضع و اجرا شود.
۵۴. هیچ کودک یا جوانی نباید در خانه، مدرسه یا نهاد دیگر در معرض اقدامات تربیتی و تنبیهی خشونت‌بار یا اهانت آمیز قرار گیرد.
۵۵. بایستی قوانینی با هدف محدود و کنترل کردن امکان دسترسی کودکان و جوانان به هر نوع اسلحه وضع و اجرا گردد.
۵۶. به‌منظور جلوگیری از برچسب زدن، آسیب رساندن و مجرم شناخته شدن جوانان، باید قوانینی به نفع جوانان در جرم زدائی از اعمالی که در صورت ارتکاب توسط افراد بزرگسال جرم و تخلف محسوب نمی‌شود، وضع گردد.
۵۷. ایجاد هیئت‌های بازرسی و رسیدگی به شکایات و نهادهای مستقل مشابه که هدفشان تضمین وضعیت، حقوق و منافع جوانان و تضمین ارائه خدمات مشورتی به آنان است، بایستی مورد توجه قرار گیرد. این هیئت‌ها باید همچنین بر اجرای رهنمودهای ریاض، قواعد پکن و قواعد ناظر بر حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نظارت

کنند و در فواصل منظم گزارشی درباره پیشرفت‌های حاصله و مشکلات موجود در تحقق اسناد مزبور ارائه دهند. مراکزی نیز بایستی جهت ارائه مشاوره به کودکان تأسیس شود.

۵۸. مأموران حفظ نظم و اجرای قانون و سایر کارکنان در این زمینه اعم از مرد و زن باید برای پاسخگویی به نیازهای نوجوانان آموزش‌های کافی ببینند و با برنامه‌های فراقضایی که امکان رسیدگی به پرونده جوانان خارج از نظام قضایی می‌دهد آشنایی داشته و حتی المقدور از آن استفاده کنند.

۵۹. بایستی قوانینی برای حمایت از کودکان و نوجوانان در مقابل اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر وضع و با جدیت اعمال شود.

#### ۷. تحقیقات، تدوین خطمشی‌ها و هماهنگی نهادها

۶۰. به منظور ارتقاء همکاری و هماهنگی در فعالیت‌های درون سازمانی و فرا سازمانی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و بهداشتی، نظام قضایی، سازمان جوانان و سازمان‌های اجتماعی و توسعه و نیز سایر نهادهای ذیربط، تلاشهایی باید از جمله با ایجاد سازوکارهای هماهنگ کننده صورت گیرد.

۶۱. تبادل اطلاعات، تجربیات و کشفیات تخصصی حاصل از طرح‌ها، برنامه‌ها و رویه‌ها و ابتکارات مرتبط با جرایم جوانان، پیشگیری از جرم و دادرسی نوجوانان بایستی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تقویت شود.

۶۲. همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی در امور جرایم نوجوانان، پیشگیری از بزهکاری و دادرسی ویژه نوجوانان بایستی با شرکت کارشناسان، متخصصان و سیاستگذاران توسعه بیشتری یافته و تقویت شود.

۶۳. همکاری‌های فنی و علمی در مورد خطمشی‌ها و امور عملی خصوصاً در زمینه طرح‌های آموزشی، آزمایشی و توجیهی و مسائل خاص پیشگیری از جرایم نوجوانان و بزهکاری نوجوان بایستی مورد حمایت اکید دولت‌ها، سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های ذیربط قرار گیرد.

۶۴. همکاری در انجام تحقیقات علمی به منظور یافتن روش‌های مؤثر برای پیشگیری از جرایم جوانان و بزهکاری نوجوانان بایستی مورد تشویق قرار گرفته و نتایج این‌گونه تحقیقات به طور گسترده‌ای پخش و ارزیابی شود.

۶۵. ارگان‌ها، انستیتوها، نهادها، و دفاتر وابسته به سازمان ملل متحد بایستی هماهنگی و همکاری نزدیکی را در خصوص مسائل مختلف مربوط به کودکان، دادرسی نوجوانان و پیشگیری از جرائم جوانان و بزهکاری نوجوانان، دنبال کنند.

۶۶. دبیرخانه سازمان ملل متحد بایستی، طبق رهنمودهای حاضر، با همکاری مؤسسات ذیربط، نقش فعالی در انجام تحقیقات، همکاری علمی، تهیه خطمشی‌ها و ارزیابی و نظارت بر اجرای آنها، ایفا کرده و به عنوان منبع معتبر جهت اطلاعات مربوط به روش‌های مؤثر پیشگیری از بزهکاری نوجوانان عمل کند.

## اعلامیه اصول اساسی عدالت در باره قربانیان بزه کاری و قربانیان سوء استفاده از قدرت

مصوب مجمع عمومی ضمن قطعنامه ۳۴/۴۰، مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵

### الف - قربانیان جرم

۱. واژه "قربانیان" در اینجا به افرادی اطلاق می‌شود که به طور انفرادی یا جمعی، در اثر فعل یا ترک فعلی که ناقض قوانین جاری کیفری و قوانین مربوط به سوء استفاده از قدرت در یک کشور عضو {سازمان ملل متحد} است، متحمل خسارت از جمله آسیب جسمی یا روانی، رنجی روحی یا ضرر اقتصادی شده اند و یا حتی از حقوق بنیادینشان به طرز فاحش نقض شده است.
۲. در اعلامیه حاضر واژه قربانی به متضررین از جرم، صرف نظر از شناسایی، توقیف، تعقیب کیفری، محکومیت عاملین جرم و یا وجود نسبت خانوادگی متضرر با آنها، اطلاق می‌شود. واژه «قربانی» همچنین حسب مورد، خویشاوندان بلافصل و افراد تحت تکفل و افرادی که در اثر مداخله جهت کمک به قربانی درمخمسه و یا ممانعت از ارتکاب جرم خسارت دیده اند را نیز در برمی‌گیرد.
۳. موازین بخش حاضر در مورد کلیه افراد بدون اعمال هر نوع تبعیض، از جمله به جهت نژاد، رنگ پوست، جنسیت، سن، زبان، مذهب، ملیت، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، باورها و یا رسوم فرهنگی، دارایی، تولد یا وضعیت خانوادگی، خاستگاه قومی یا اجتماعی و توانایی جسمی، جاری خواهد بود.

### دسترسی به عدالت و رفتار عادلانه

۴. با قربانیان بایستی با شفقت و احترام به شخصیتشان رفتار شود. آن‌ها از حق دسترسی به محاکم قضایی برخوردارند و خسارتی که متحمل شده‌اند باید بر طبق قوانین داخلی ترمیم و جبران شود.
۵. تشکیلات قضایی و اداری (در صورت فقدان آن) بایستی ایجاد و تقویت شود که خسارت قربانی را طبق روالی رسمی و یا غیر رسمی اما سریع، عادلانه، کم هزینه و سهل الوصول ترمیم کند. قربانیان باید از حقوق خود در تقاضای جبران و ترمیم خسارت از طریق روال های مذکور آگاه شوند.
۶. قابلیت تشکیلات قضایی و اداری در پاسخ به نیازهای قربانیان باید به شرح زیر گسترش یابد:  
(الف) آگاه ساختن قربانی از نقش این تشکیلات و دامنه امکانات، تاریخ و چگونگی روال رسیدگی و دسترسی به پرونده، به ویژه هنگامی که جرم سنگینی رخ داده است و قربانی متقاضی کسب اطلاعات است؛  
(ب) در چهارچوب نظام عدالت جزایی کشور و بدون آنکه به حق دفاع متهم خدشه‌ای وارد شود در مراحل لازم و مناسب دادرسی، هنگامی که منافع شخصی قربانی مطرح است بایستی به او فرصت بیان نظرها و دغدغه‌های خاطرش داده شود و بدان وقع نهاده شود؛  
(ج) معاضدت‌های لازم باید در طول روند رسیدگی در اختیار قربانی قرار گیرد؛  
(د) اتخاذ موازینی جهت کاهش مشکلاتی که قربانیان با آن مواجه می‌شوند و در صورت لزوم حفاظت از حریم خصوصی و امنیت آن‌ها و خانواده‌ها و گواهانانشان جهت حمایت از آن‌ها در مقابل ارباب و انتقامجویی؛  
(ه) از اطلاع دادرسی و تأخیر در اجرای تصمیمات و احکام ترمیم خسارت قربانی اجتناب شود.
۷. برای تسهیل مصالحه میان طرفین دعوی و جبران خسارت قربانی، بایستی از روش‌های غیر رسمی حل اختلافات از جمله میانجیگری، داوری و رویه‌های عملی سنتی و بومی (در صورت وجود این روش‌ها) استفاده شود.

### ترمیم و جبران خسارت

۸. مجرمین و یا اشخاص ثالث مسئول اعمال آن‌ها، بایستی در صورت لزوم، خسارت قربانی، خانواده و یا افراد تحت تکفل او را به صورتی عادلانه جبران کنند. جبران خسارت باید شامل، استرداد اموال، پرداخت ضرر و زیان، باز پرداخت مخارج ناشی از جرم، تأمین خدمات، و مخارج احقاق حقوق قربانی باشد.

۹. دولت‌ها بایستی با تجدید نظر در رویه عملی و مقررات و قوانین خود، امکان صدور آراء جداگانه جبران خسارت در امور کیفری را در کنار سایر احکام کیفری پیش‌بینی کنند.
۱۰. هرگاه جرم موجب ایراد خسارت سنگین به محیط زیست شود، جبران خسارت بایستی حتی‌المقدور: ترمیم محیط زیست، بازسازی تأسیسات، ترمیم تجهیزات عمومی، بازپرداخت هزینه‌های اسکان مجدد افراد در مواردی که جرم موجب از هم‌پاشیدگی و بی‌خانمانی ساکنین این مسکن شده باشد را نیز در برگیرد.
۱۱. هنگامی که نقض قوانین کیفری در اثر اقدامات کارمندان دولت و یا افراد دیگری که تحت عنوان رسمی یا شبه رسمی عمل کرده اند، انجام گرفته باشد، کشور حوزة اشتغال کارمند یا مأمور مسئول موظف به جبران خسارت قربانی است. در صورت برکناری دولتی که فعل یا ترك فعل موجب خسارت، تحت حاکمیت او انجام گرفته است، قدرت حاکمه و یا دولت جانشین مسئول پرداخت خسارت خواهد بود.

## پرداخت غرامت

۱۲. هنگامی که پرداخت کامل غرامت توسط مجرم یا منبع دیگری ممکن نباشد، دولت باید بکوشد در موارد زیر پرداخت غرامت را تضمین کند:
- (الف) در مورد قربانیانی که در اثر عمل مجرمانه صدمه سخت جسمی دیده اند و یا سلامتی عمومی جسمی یا روانی آنان مختل شده است؛
- (ب) در مورد خانواده و به ویژه افراد تحت تکفل قربانیانی که در اثر جرم در گذشته‌اند و یا دچار معلولیت جسمانی یا روانی شده‌اند.
۱۳. تأسیس يك صندوق مالی ملی و تقویت و گسترش آن جهت پرداخت غرامت قربانی باید مورد تشویق قرار گیرد و در صورت لزوم صندوق‌های مالی دیگری نیز ایجاد شود که خسارت آن دسته از افرادی را که کشور متبوعشان قادر به جبران آن نیست، تأمین کند.

## خدمات

۱۴. قربانیان باید بتوانند از طریق سازمان‌های دولتی و انجمن‌های عام‌المنفعه، انجمن‌های محلی و بومی از معاضدت‌های لازم مادی، درمانی، روانی و اجتماعی برخوردار شوند.
۱۵. قربانیان را بایستی از وجود خدمات درمانی، خدمات اجتماعی، و کمک‌های دیگری که احتمالاً مفید به حالشان واقع خواهد شد، مطلع ساخت و دسترسی به آن را تسهیل کرد.
۱۶. کارکنان مراکز انتظامی، دادگستری، درمانی، و نیز مراکز خدمات اجتماعی و سایر مراکز مربوطه بایستی جهت آگاهی و توجه نسبت به نیازهای قربانیان، دوره‌های آموزشی خاص ببینند. همچنین دستورالعمل‌هایی بایستی جهت تضمین کمک‌های فوری و لازم تدوین شود.
۱۷. در ارائه خدمات و معاضدت به قربانی، باید به ویژه به افرادی که به دلیل خسارت وارده و یا عوامل مذکور در بخش ۳ نیازهای خاصی دارند توجه ویژه مبذول شود.

## ب- قربانیان سوء استفاده از قدرت

۱۸. واژه "قربانیان"، در این‌جا به افرادی اطلاق می‌شود که به طور انفرادی و یا جمعی در اثر فعل یا ترك فعلی که ناقض هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی مربوط به حقوق بشر است - حتی اگر قوانین داخلی را نقض نکرده است - متحمل خسارت از جمله آسیب جسمی و روحی، رنجی روانی و ضرر اقتصادی شده‌اند و یا حقی از حقوق بنیادیشان به طرزی اساسی نقض شده است.
۱۹. کشورها بایستی موازین و هنجارهای بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت سوء استفاده از قدرت را در قوانین داخلی خود گنجانده و راه‌های احقاق حق قربانیان ناشی از این جرم را پیش‌بینی کنند، این حقوق به ویژه ترمیم و جبران خسارت، پرداخت غرامت و حمایت و معاضدت‌های ضروری مادی، درمانی، روانی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد.
۲۰. کشورها بایستی انجام مذاکرات در عقد معاهدات بین‌المللی چند جانبه را در مورد قربانیان طبق تعریف ماده ۱۸، در دستور کار خود قرار دهند.

۲۱. کشورها بایستی به طور ادواری قوانین جاری و رویه‌های عملی خود را جهت تطبیق با تحول شرایط مورد بررسی قرار داده و قوانینی وضع کرده و در صورت لزوم به موقع اجرا گذارند که هر عملی را که تحت عنوان سوءاستفاده فاحش از قدرت سیاسی یا اقتصادی قرار می‌گیرد ممنوع کرده و اتخاذ ختمشی‌ها و سازوکارهایی را که از انجام چنین اعمالی پیشگیری می‌کنند ارتقاء دهد. همچنین بایستی حقوق و طرق احقاق حق قربانیان چنین جرائمی را گسترش داده و تحقق آنرا تضمین کنند.

## اصول بنیادین استقلال قضات

اصول حاضر طی هفتمین کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین که از ۲۶ اوت الی ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ در شهر میلان برگزار شد، به تصویب رسید و توسط مجمع عمومی طی قطعنامه ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ و قطعنامه ۴۰/۱۴۶ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ مورد تأیید قرار گرفت

با توجه به این که، مردم سراسر جهان در منشور سازمان ملل متحد اعلام کرده‌اند که مصمم‌اند به ویژه شرایط لازم برای برقراری عدالت و تحقق همکاری بین‌المللی را با گسترش و ترغیب رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون هیچ تبعیضی ایجاد کنند؛

با توجه به اینکه اعلامیه حقوق بشر بر اصل برابری در مقابل قانون، اصل برانیت، اصل دادرسی عادلانه و علنی توسط دادگاهی مستقل، بیطرف و قانونی، صحت گذاشته است؛

با توجه به این که میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ضامن تحقق این حقوق‌اند و علاوه بر این میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله حق بر دادرسی در مهلت معقول را تضمین می‌کند؛

با توجه به این که اغلب میان اهداف مورد نظر این اصول و آنچه اکنون در عمل انجام می‌گیرد فاصله بسیار است؛

با توجه به این که برنامه ریزی و مدیریت و اجرای عدالت در هر کشور، بایستی ملهم از این اصول باشند و برای تحقق کامل این اصول باید تلاش‌هایی صورت گیرد؛

با توجه به این که هدف مقررات مربوط به منصب قضایی باید ایجاد امکاناتی باشد که قضات بتوانند بر طبق اصول حاضر عمل کنند؛

با توجه به این که تصمیم‌گیری نهایی در مورد زندگی، آزادی‌ها، حقوق، تکالیف و اموال شهروندان برعهده قضات است؛

با توجه به این که ششمین کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، در قطعنامه شماره ۱۶ خود برای پیشگیری از جرم و کنترل آن، از کمیته درخواست کرده است که تدارک اصول راهنما در خصوص استقلال قضات، گزینش، کارآموزی حرفه‌ای و جایگاه قضات دادگاه‌ها و دادرسی‌ها را در ردیف وظایف اولویت‌دار خود قرار دهد؛

با توجه به این که بایستی ابتدا نقش قضات در نظام قضایی و اهمیت گزینش، کارآموزی و سلوک آنان در نظر گرفته شود؛

اصول راهنمای زیر به منظور کمک به کشورهای عضو جهت تضمین و پیشبرد استقلال قضات تدوین شده است؛ این اصول باید توسط دولت‌ها در چارچوب قوانین کشوری و رویه ملی مورد توجه قرار گرفته و محترم شمرده شود. همچنین بایستی توجه قضات، وکلا، قوه مجریه و قانونگذاران و عموم مردم را بدان جلب کرد. این اصول به ویژه برای قضات حرفه‌ای تدوین شده است، لیکن در صورت وجود قضات غیرحرفه‌ای، در مورد آن‌ها نیز جاری است.



## استقلال قضات

۱. استقلال قضات باید توسط حکومت‌ها تضمین شود و قانون اساسی یا قوانین دیگر داخلی باید بر آن صحه گذارند. احترام به استقلال قضات و رعایت آن، وظیفه همه نهادهای دولتی و غیر دولتی است.
۲. قضات در مورد اموری که به ایشان رجوع داده شده است باید بی‌طرفانه، بر اساس واقع و طبق قانون تصمیم‌گیری کنند و هیچ‌گونه محدودیت، اعمال نفوذ، تحریکات، فشار، تهدیدات، مداخلات ناموجه، چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم از جانب هر فرد و به هر دلیل، نباید آراء آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.
۳. قضات بر کلیه پرونده‌های قضایی احاطه دارند و حق تصمیم‌گیری در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیت قانونی آنان در رسیدگی به یک پرونده، منحصرأ به خود آن‌ها تعلق دارد.
۴. روال دادرسی باید بدون هرگونه مداخله ناموجه یا اعمال نفوذ طی شود. احکام قضایی دادگاه‌ها نباید مورد تجدید نظر قرار گیرند. این اصل خدشه‌ای به اصل تجدید نظر قضایی و حق قانونی مقامات ذی صلاح در کاهش یا تخفیف احکام قانونی قضات وارد نمی‌کند.
۵. هر کس حق دارد در دادگاهی عادی، طبق آیین دادرسی قانونی محاکمه شود. نمی‌توان دادگاهی را خارج از روال قانونی دادرسی تشکیل داد که دادگاه‌های عادی و قضایی را از صلاحیت دادرسی خود محروم کند.
۶. بر طبق اصل استقلال قضات، تضمین روال صحیح دادرسی و رعایت حقوق اصحاب دعوی در عین حال هم حق و هم وظیفه قضات است.
۷. کشورهای عضو موظف‌اند به منظور اینکه دستگاه قضایی بتواند به وظایف خود به نحوی صحیح عمل کند، منابع مالی لازم را تأمین کنند.

### آزادی بیان و شرکت در اجتماعات

۸. طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر قضات چون دیگر شهروندان، از آزادی بیان، آزادی اعتقادات، آزادی شرکت در انجمن‌ها و اجتماعات برخوردارند؛ با وجود این، آن‌ها باید همواره در اعمال این حقوق، چنان رفتار کنند که شأن منصب قضایی و بی‌طرفی و استقلال قضات محفوظ بماند.
۹. قضات بایستی در برپایی انجمن‌های خاص قضات یا هر انجمن دیگر و یا پیوستن به انجمن‌های موجود برای دفاع از حقوق خویش و ارتقاء دانش حرفه‌ای و پاسداری از استقلال قضایی خود آزاد باشند.

### صلاحیت، گزینش و آموزش

۱۰. اشخاصی که به منصب قضایی گمارده می‌شوند باید درستکار، با صلاحیت و برخوردار از آموزش‌های حرفه‌ای و دانش لازم حقوقی باشند. در روش‌های گزینش قضات باید موازینی در جهت ممانعت از انتصاب‌های برخلاف قاعده و نادرست پیش‌بینی شود. گزینش قضات باید بدون اعمال تبعیض از حیث نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، نسب یا موقعیت اجتماعی انجام گیرد؛ شرط دارا بودن تابعیت کشور ذیربط برای اشتغال به منصب قضایی اعمال تبعیض محسوب نمی‌شود.

### شرایط اشتغال و سنوات خدمت

۱۱. دوران خدمت قضات، استقلال آن‌ها، امنیت، دستمزد مناسب، شرایط کاری، مستمری و سن بازنشستگی آن‌ها باید توسط قانون تضمین شود.

۱۲. قضات، منتصب یا منتخب را تا زمانی که به سن لازم بازنشستگی یا پایان مدت اشتغال خود نرسیده‌اند، نمی‌توان عزل کرد.

۱۳. ترفیع شغلی قضات، در صورت وجود چنین رویه‌ای، باید مبتنی بر عوامل عینی، به ویژه صلاحیت، درستکاری و تجربه آن‌ها باشد.

۱۴. توزیع پرونده‌های قضایی میان قضات در حوزه قضایی که در آن خدمت می‌کنند، امری داخلی و به عهده دستگاه اداری دادگستری است.

### **رازداری حرفه‌ای و مصونیت**

۱۵. قضات در مورد آراء صادره خود و اطلاعات محرمانه‌ای که در جریان انجام وظیفه خارج از جلسه‌های علنی به دست می‌آورند، مکلف به رازداری حرفه‌ای‌اند و در این باره ملزم به ادای شهادت نیستند.

۱۶. قضات باید طبق قوانین داخلی در مقابل دعوی مدنی مبنی بر تقاضای جبران خسارت ناشی از تصمیم ناشایست و یا اهمال در انجام وظیفه از مصونیت شخصی برخوردار باشند. معهذاً این مصونیت نافی اعمال دادرسی انتظامی یا هرگونه حق تجدیدنظرخواهی یا حق برخورداری شهروندان از جبران خسارت توسط دولت نیست.

### **تدابیر انتظامی، تعلیق و عزل**

۱۷. هرگونه اتهام یا شکایت علیه قاضی مربوط به انجام وظیفه قضایی و حرفه‌ای او باید به سرعت و بی‌طرفانه بر طبق روال دادرسی قانونی مورد بررسی قرار گیرد. قاضی از حق دادرسی بی‌طرفانه برخوردار است. مراحل تحقیقات اولیه پرونده باید محرمانه بماند، مگر این که قاضی عکس آن را تقاضا کند.

۱۸. حکم تعلیق و عزل يك قاضی را نمی‌توان صادر کرد، مگر به دلیل عدم لیاقت و توانایی یا رفتاری که مانع از انجام وظیفه توسط او شود.

۱۹. در تمامی محاکمات انتظامی، تصمیمات مبنی بر تعلیق یا عزل باید با توجه به قواعدی که در باب سلوك قضات وضع شده است، اتخاذ شود.

۲۰. تصمیمات مربوط به تعلیق یا عزل انتظامی باید مورد تجدیدنظر نهادی مستقل قرار گیرد. این اصل را می‌توان در مورد آراء صادره توسط دیوان عالی کشور یا قوه مقننه در چارچوب یک دادرسی شبه قضایی، جاری ندانست.

## اصول اساسی نقش و وظایف وکلای دعاوی

مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل متحد مربوط به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین (۲۷ اوت الی ۷ سپتامبر ۱۹۹۰، هاوانا، کوبا)

با توجه به اینکه، مردم سراسر جهان در منشور سازمان ملل متحد، در کنار سایر تصمیمات، بر عزم راسخ خود مبنی بر فراهم ساختن مقتضیات ضروری جهت حفظ عدالت تأکید کرده اند و تحقق بخشیدن به همکاری‌های بین‌المللی در ارتقاء و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون اعمال تبعیض به لحاظ نژاد، جنسیت، زبان و مذهب را به عنوان هدفی از اهداف خود اعلام کرده‌اند،

با توجه به اینکه اعلامیه حقوق بشر بر اصل برابری در مقابل قانون، اصل برانیت، دادرسی عادلانه و علنی توسط دادگاهی مستقل و بیطرف، و تأمین کلیه تضمینات ضروری در دفاع از افرادی که متهم به ارتکاب جرم‌اند، صحه گذاشته است،

با توجه به اینکه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق برخورداری از انجام محاکمه در مدت زمان معقول، دادرسی عادلانه و علنی توسط دادگاهی صالح و قانونی، مستقل و بی‌طرف را به رسمیت شناخته است،

با توجه به اینکه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر الزام دولت‌ها توسط منشور سازمان ملل متحد به ارتقای احترام جهانی و بالفعل به حقوق و آزادی‌های بشر تأکید کرده است،

با توجه به اینکه مجموعه اصول در حمایت از کلیه افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت یا حبس قرار دارند تصریح کرده است که کلیه افرادی که بازداشت شده‌اند، حق دارند از کمک مشاور حقوقی و تماس و مشورت با او برخوردار شوند،

با توجه به اینکه در قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان تضمین کمک‌های حقوقی و امکان تماس محرمانه با مشاور حقوقی برای متهمی که در بازداشت بسر می‌برد توصیه شده است،

با توجه به اینکه موازین تضمینی در حمایت از افراد در معرض مجازات اعدام بر حق کلیه افراد مظنون یا متهم به ارتکاب جرم مشمول مجازات اعدام، در برخورداری از معاضدت حقوقی متناسب با هر مرحله دادرسی بر طبق مفاد ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تأکید می‌کند،

با توجه به اینکه اعلامیه اصول بنیادین اجرای عدالت در حق قربانیان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت توصیه می‌کند موازینی در سطح بین‌المللی و ملی اتخاذ شود که امکان دسترسی به عدالت، برخورداری از خدمات درمانی مناسب، جبران خسارت و پرداخت غرامت و معاضدت را برای قربانیان جرم گسترش دهد،

با توجه به اینکه حمایت‌های لازم از آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر که همه افراد چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه اجتماعی و فرهنگی یا مدنی و سیاسی از آن برخوردارند، مستلزم دسترسی بالفعل کلیه افراد به خدمات حقوقی وکلای مستقل است،

با توجه به این‌که کانون‌های حرفه‌ای وکلای در حفظ هنجارها و اخلاق حرفه‌ای، حمایت از اعضاء خود در مقابل اعمال فشار و محدودیت و دخالت ناموجه، تأمین خدمات حقوقی برای افرادی که بدان نیاز دارند، همکاری با دولت و سایر نهادهایی که در خدمت عدالت و منافع عمومی‌اند نقش اساسی ایفاء می‌کنند، اصول اساسی نقش و وظایف وکلای دعاوی که در ذیل آمده است و برای کمک به کشورهای عضو در راستای وظایفشان در ارتقاء و تضمین ایفای صحیح نقش وکلای تدوین شده است، بایستی توسط دولت‌ها در چهارچوب قانونگذاری و رویه‌های عملی آنان در سطح ملی ملحوظ و رعایت شود و همچنین بایستی توجه وکلا و افراد دیگر چون قضات، مقامات قضایی

دادسراها، نمایندگان قوه مجریه و قانونگذاران و عموم مردم بدان جلب شود، این اصول همچنین در مورد افرادی که به طور غیر رسمی به شغل وکالت می‌پردازند جاری است.

### **دسترسی به وکیل و معاضدت‌های حقوقی**

۱. کلیه افراد حق دارند برای حفظ و تحقق حقوق و دفاع از آن، در هر مرحله‌ای از دادرسی جزایی، وکیلی برای خود انتخاب کنند.

۲. دولت‌ها موظفند رویه‌های کارآمد و سازوکارهای کاملی پیش‌بینی کنند که امکان دسترسی به وکیل را برای کلیه افرادی که در قلمرو و حوزه صلاحیت قضایی آن‌ها به سر می‌برند، بدون اعمال هر نوع تبعیض از جمله به لحاظ نژاد، رنگ پوست، تبار، جنسیت، زبان، مذهب، نظرات مذهبی یا سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد، وضعیت اقتصادی یا سایر اوضاع، فراهم سازد.

۳. دولت‌ها موظفند بودجه و منابع مالی کافی، جهت ارائه خدمات حقوقی به افراد تهیدست، و در صورت لزوم به سایر افراد محروم، تأمین نمایند. کانون‌های حرفه‌ای وکلا باید در برنامه‌ریزی و تأمین خدمات، تسهیلات و سایر منابع شرکت کنند.

۴. دولت‌ها و کانون‌های حرفه‌ای وکلا باید برنامه‌هایی را توسعه دهند که عامه مردم را نسبت به حقوق و تکالیف قانونی‌اشان و نقش اساسی وکلا در حمایت از آزادی‌های بنیادین بشر مطلع سازد. به ویژه بایستی به ارائه کمک‌های لازم به تهیدستان و سایر افراد محروم جهت دستیابی آنها به حقوق خود و در صورت لزوم به کمک وکلا، توجه خاص مبذول شود.

### **تضمینات خاص در اجرای عدالت کیفری**

۵. دولت‌ها باید مراقبت به عمل آورند که کلیه افرادی که توقیف یا بازداشت می‌شوند و یا هنگامی که به ارتکاب جرم یا جنحه‌ای متهم می‌شوند، در اسرع وقت توسط مقامات صالح از حق خود در انتخاب وکیل اطلاع یابند.

۶. چنانچه افراد مذکور در فوق فاقد وکیل باشند، در مواردی که اجرای عدالت اقتضاء کند از حق داشتن وکیل تسخیری با تجربه و با صلاحیت کافی در زمینه جرم اتهامی، برخوردارند. در صورت عدم توانایی آن‌ها در پرداخت هزینه وکالت، نصب وکیل برای آن‌ها به رایگان خواهد بود.

۷. دولت‌ها باید همچنین اطمینان حاصل کنند که کلیه افرادی که توقیف شده‌اند و یا تحت بازداشت قرار دارند، چه اتهام جزایی به آن‌ها وارد شده باشد و چه نباشد، ظرف حداقل ۲۴ ساعت از لحظه دستگیری یا بازداشت، با وکیلی تماس برقرار کرده باشند.

۸. کلیه افرادی که توقیف، بازداشت یا زندانی شده‌اند باید بتوانند در اسرع وقت از فرصت کافی و تسهیلات لازم جهت ملاقات، مصاحبت و یا مشاوره با وکیل خود بدون استراق سمع یا اعمال سانسور و به طور کاملاً محرمانه، برخوردار باشند. مأموران اجرای قانون می‌توانند چنین ملاقاتی را تحت نظر قرار دهند اما حق استماع آن را ندارند.

### **صلاحیت تخصصی و کارآموزی**

۹. دولت‌ها، کانون‌های حرفه‌ای وکلا، و نهادهای آموزشی باید مراقبت به عمل آورند که وکلا آموزش و کارآموزی‌های لازم را دیده‌باشند و از آرمان‌ها و وظایف اخلاقی حرفه خود و حقوق بشر و آزادی‌های بنیادینی که توسط قوانین ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، آگاه باشند.

۱۰. دولت‌ها، کانون‌های حرفه‌ای وکلا و نهادهای آموزشی باید مراقبت به عمل آورند که برای شروع حرفه وکالت و یا ادامه آن هیچ گونه تبعیضی به لحاظ نژاد، رنگ پوست، جنسیت، تبار، مذهب، نظرات مذهبی یا سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد، وضعیت اقتصادی یا سایر خصوصیات اعمال نشود، مگر آن‌که برای پرداختن به حرفه وکالت در کشور خاصی ملیت آن کشور لازم باشد که چنین موردی تبعیض محسوب نمی‌شود.

۱۱. در کشورهایی که گروه‌های اجتماعی و جماعات و یا مناطقی وجود دارد که احتیاجات حقوقی‌شان تأمین نمی‌شود، خصوصاً هنگامی که این گروه‌ها دارای فرهنگ، سنت و زبان متفاوتند و یا در گذشته مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، دولت‌ها، کانون‌های حرفه‌ای وکلا و نهادهای آموزشی، بایستی موازینی اتخاذ کنند که افراد داوطلب میان این گروه‌ها بتوانند به حرفه وکالت بپردازند و مراقبت به عمل آورند که آموزش‌های لازم مطابق با احتیاجات گروه‌های ذریبط در اختیارشان قرار گیرد.

### وظایف و مسئولیت‌ها

۱۲. وکلا در مقام عاملین اصلی مدیریت و اجرای عدالت، بایستی حافظ شأن و حیثیت شغلی خود باشند.

۱۳. وظایف وکلا در قبال موکلین خود شامل امور زیر است:

الف) توصیه به موکلین خود در باب حقوق و الزامات قانونی‌شان و چگونگی طرز عمل نظام حقوقی در بخشی که به حقوق و الزامات آن‌ها مربوط می‌شود؛  
ب- معاضدت به آن‌ها به طرق مناسب، و اتخاذ تدابیر قانونی برای حفظ منافع آن‌ها؛  
ج- در صورت لزوم، معاضدت به آن‌ها در محضر دادگاه یا مقامات قضایی یا اداری.

۱۴. وکلا در حمایت از حقوق موکلین خود و گسترش عدالت، باید همواره حقوق بشر و آزادی‌های بنیادینی را که توسط قوانین ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌است مد نظر قرار دهند و همواره آزادانه و با جدیت و مطابق با قانون و موازین پذیرفته شده و اصول اخلاقی حرفه وکالت عمل کنند.

۱۵. وکلا بایستی همواره منافع موکلین خود را صادقانه مد نظر قرار دهند.

### تضمینات مربوط به حرفه وکالت

۱۶. دولت‌ها موظفند امور ذیل را برای حرفه وکالت تضمین کنند:

الف): وکلای دعاوی بتوانند بدون آنکه با تهدید، مانع، مزاحمت یا مداخله بی‌جا مواجه شوند به وظایف خود عمل کنند؛

ب) وکلای دعاوی بتوانند آزادانه در داخل یا به خارج کشور سفر کرده و با موکلین خود ملاقات کنند؛  
ج) مصونیت آن‌ها از تعقیب کیفری یا تهدید به تعقیب کیفری و یا مجازات مالی، اداری و غیره به دلیل انجام اموری که داخل در وظایف شغلی‌شان و منطبق بر معیارها و اصول اخلاقی حرفه‌اشان است.

۱۷. مقامات مسئول باید هنگامی که امنیت وکلا به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای‌شان در خطر قرار می‌گیرد، آن‌ها را تحت محافظت خود قرار دهند.

۱۸. وکلا نباید به دلیل انجام وظایف خود با موکلینشان و نیات آنها مشتبه شوند.

۱۹. هنگامی که حق داشتن وکیل در محضر يك دادگاه یا يك مرجع اداری به رسمیت شناخته است، دادگاه یا مرجع اداری مذکور نمی‌تواند از حضور وکیل در دفاع از موکل خود ممانعت به عمل آورد، مگر آنکه وکیل طبق قانون و رویه ملی یا اصول حاضر صلاحیت لازم را دارا نباشد.

۲۰. وکلای دعاوی برای مطالبی که با حسن نیت در دفاعیه کتبی یا شفاهی خود و یا به دلیل وظایف حرفه‌ای خود در محضر دادگاه و یا مرجع قضایی یا اداری دیگر ایراد می‌کنند، از مصونیت مدنی و کیفری برخوردارند.

۲۱. مقامات صالحه موظفند، امکان دسترسی به اطلاعات، پرونده‌ها و مدارک تحت اختیار و نظارت خود را برای وکلا به مدت کافی تأمین کنند تا آنها بتوانند مساعدت حقوقی مؤثری را در اختیار موکلینشان قرار دهند. این امکان باید در زمان لازم و در اسرع وقت در اختیار وکلا قرار گیرد.

۲۲. دولت‌ها باید سرّی بودن مکاتبات و مکالمات میان وکلا و موکلینشان در حیطه روابط کاری را به رسمیت شناخته و محترم شمرند.

### آزادی بیان و تشکیل اجتماعات

۲۳. وکلای دادگستری چون سایر شهروندان از حق آزادی بیان، آزادی اعتقادات، شرکت در انجمن‌ها و اجتماعات و به‌ویژه از حق شرکت در بحث و گفتگوهای عمومی در باره قوانین و اجرای عدالت و ارتقاء حقوق بشر و حمایت از آن، عضویت یا تشکیل انجمن‌های محلی، ملی یا بین‌المللی و شرکت در جلسات آن‌ها برخوردارند، و نباید به دلیل اقدامات قانونی و یا عضویتشان در انجمنی قانونی با محدودیت‌های حرفه‌ای روبرو شوند. در تحقق حقوق مذکور وکلا باید رفتاری مطابق با قانون و معیارهای پذیرفته شده و اصول اخلاقی حرفه خود داشته باشند.

### کانون‌های حرفه‌ای وکلا

۲۴. وکلای مدافع حق دارند کانون‌های حرفه‌ای خودگردانی تشکیل دهند و یا به عضویت آن درآیند که از حقوقشان دفاع کرده، آموزش و کارآموزی مداوم را گسترش دهد و از شرافت حرفه‌ای‌شان حمایت کند. هیئت اجرایی را بایستی اعضای انجمن انتخاب کنند و این هیئت وظایفش را بدون دخالت نیرویی خارج از کانون انجام دهد.

۲۵. کانون‌های حرفه‌ای وکلا باید برای حصول اطمینان از اینکه کلیه افراد دسترسی برابر و بالفعل به معاضدت‌های حقوقی دارند و وکلا بدون مانع و دخالت بی‌جا، امکان ارائه توصیه و کمک به موکلین خود را، طبق قانون و معیارهای پذیرفته شده و اصول اخلاقی حرفه خود، دارا هستند، با دولت همکاری کنند.

### روال دادرسی انتظامی

۲۶. قواعد ناظر بر سلوک حرفه‌ای وکلا باید توسط نهاد صلاحیت‌دار کانون وکلا و یا با وضع قوانین بر طبق حقوق و عرف ملی و موازین و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی تعیین شود.

۲۷. رسیدگی به اتهامات و شکایات بر علیه وکلا در اجرای وظایف حرفه‌ای‌شان باید بر طبق روال دادرسی مناسب در اسرع وقت و با رعایت کامل عدل و انصاف صورت گیرد. وکلا باید از حق دادرسی عادلانه و مساعدت و کیلی به انتخاب خود، بهره‌مند شوند.

۲۸. دادرسی انتظامی در مورد وکلا باید در مرجع انتظامی بی‌طرف که توسط کانون وکلا ایجاد شده است و یا در محضر مقام قانونی مستقل و یا توسط یک دادگاه صورت گیرد، این دادرسی باید قابل تجدیدنظر توسط نهاد قضایی مستقل باشد.

۲۹. روال کلیه دادرسی‌های انتظامی باید طبق قواعد ناظر بر سلوک حرفه‌ای و سایر معیارهای پذیرفته شده و اصول اخلاقی حرفه وکالت و در پرتو اصول حاضر انجام گیرد.

## اصول راهنما ناظر بر نقش و وظایف مقامات قضایی دادرها

{دادستان ها، بازپرس ها، دادیارها}

مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل متحد مربوط به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین (۲۷ اوت الی ۷ سپتامبر ۱۹۹۰، هاوانا، کوبا)

با توجه به اینکه مردم سراسر جهان در منشور سازمان ملل متحد، در کنار سایر تصمیمات، عزم راسخ خود مبنی بر فراهم ساختن شرایط لازم برای حفظ عدالت را مورد تأیید قرار داده‌اند و تحقق بخشیدن به همکاری‌های بین‌المللی در ارتقاء و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون اعمال تبعیض از لحاظ نژاد، جنسیت، زبان و مذهب را به عنوان هدفی از اهداف خود اعلام کرده‌اند،

با توجه به اینکه اعلامیه حقوق بشر بر اصل برابری در مقابل قانون، اصل برائت، دادرسی عادلانه و علنی توسط دادگاهی مستقل و بیطرف، صحت گذاشته است،

با توجه به این که اغلب میان اهداف مورد نظر این اصول و آنچه اکنون در عمل انجام می‌گیرد، فاصله بسیار است،

با توجه به این که برنامه ریزی و مدیریت و اجرای عدالت در هر کشور بایستی از این اصول الهام بگیرند و برای تحقق کامل این اصول باید تلاش‌هایی صورت گیرد،

با توجه به نقش اساسی مقامات دادرها در اجرای عدالت و با توجه به اینکه قواعدی که مربوط به اجرای مسئولیت خطیرشان است باید آن‌ها را به رعایت و اجرای اصول مذکور در فوق تشویق کند تا بدین ترتیب استقرار یک نظام جزایی بی‌طرف و دادگستر و حمایت کامل از شهروندان در مقابل جرائم، تضمین شود،

با توجه به اهمیت تضمین صلاحیت حرفه‌ای قضات دادرها جهت انجام وظایفی که به‌عهده دارند از طریق استفاده از روش‌های پیشرفته‌گزینه‌ش و آموزش حقوقی و حرفه‌ای و تأمین وسائل لازم جهت ایفای وظایفشان به نحو احسن در مبارزه با جرائم، به ویژه در اشکال و ابعاد کنونی آن،

با توجه به اینکه که مجمع عمومی در پی توصیه پنجمین کنگره سازمان ملل متحد در ارتباط با پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، ضمن قطعنامه ۳۴/۱۶۹ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، قواعد سلوک حرفه‌ای مأموران حفظ نظم و اجرای قانون را تصویب کرده است،

با توجه به اینکه ضمن قطعنامه شماره ۱۶ مصوب ششمین کنگره سازمان ملل متحد مربوط به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین از کمیته پیش‌گیری و کنترل جرم درخواست شده است که تدوین اصول راهنما در مورد استقلال قضات، گزینه‌ش، آموزش حرفه‌ای و موقعیت قضات دادگاه‌ها و مقامات قضایی دادرها را در صدر دستور کار خود قرار دهند،

با توجه به این که اصول بنیادین استقلال قضات طی هفتمین کنگره سازمان ملل متحد مربوط به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین تصویب و پس از آن در قطعنامه‌های ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ و ۴۰/۱۴۶ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ به تأیید مجمع عمومی رسیده است،

با توجه به اینکه که در اعلامیه اصول بنیادین اجرای عدالت در حق قربانیان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، اتخاذ موازینی در سطح بین‌المللی و ملی برای قربانیان جرم جهت ایجاد امکانات و تسهیل دسترسی به

دادخواهی و برخورداری از رفتاری عادلانه و ترمیم و جبران خسارت آن‌ها و کمک و معاضدت به آن‌ها، توصیه شده است،

با توجه به اینکه در قطعنامه شماره ۷ کنگره هفتم از کمیته خواسته شده است لزوم تدوین اصول راهنما از جمله در مورد گزینش، آموزش حرفه‌ای، و جایگاه مقامات قضایی دادرها، شرح وظایف و سلوک، و راه‌های ارتقای شرکت آن‌ها در عملکرد بهینه نظام جزایی و همکاری با نیروی انتظامی {پلیس}، دامنه اختیار ائتشان و نقششان در روال دادرسی جزایی را مورد بررسی قرار داده و به کنگره بعدی سازمان ملل متحد گزارش دهد،

اصول راهنمای زیر که برای کمک به کشورهای عضو در راستای وظایفشان در ارتقاء و تضمین کارایی، بی‌طرفی و عدالت مقامات قضایی دادرها در دادرسی کیفری تدوین شده است، بایستی توسط دولت‌ها در چهارچوب قانونگذاری ملی و رویه اجرایی آن ملحوظ و رعایت شود و همچنین بایستی توجه مقامات قضایی دادرها و افراد دیگر چون قضات، وکلا، مسئولان قوه مجریه و قانونگذاران و عموم مردم بدان جلب شود. اصول حاضر در اصل برای مقامات قضایی دادرها تدوین شده است اما در مورد افرادی که به صورت موقت در مورد خاص به چنین سمتی منصوب می‌شوند نیز جاری است.

### صلاحیت حرفه‌ای، گزینش، آموزش

۱. افرادی که در دادرها به منصب قضایی منصوب می‌شوند باید درستکار و لایق بوده و از آموزش و صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند.

۲. کشورها موظف به حصول اطمینان در مورد رعایت امور زیراند:

الف) معیارهای گزینش مقامات قضایی متضمن منع گزینش‌های جانبدارانه یا با پیش‌دوری و منع اعمال هر نوع تبعیض نسبت به افراد به لحاظ نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، نظرات سیاسی یا نظرات دیگر، خاستگاه ملی، اجتماعی و یا قومی، دارایی، تولد، وضعیت اقتصادی یا خصوصیت‌های دیگر، باشد. چنانچه در کشوری اشتغال به منصب قضایی در دادرها مشروط به دارا بودن ملیت آن کشور شده باشد، چنین شرطی اعمال تبعیض محسوب نمی‌شود؛

ب) مقامات قضایی دادرها آموزش و کارآموزی‌های لازم را دیده‌باشند و از آرمان‌ها و وظایف اخلاقی حرفه خود و از موازین اساسی و قانونی تضمینی در حمایت از حقوق متهم و قربانی و نیز موازین حقوق بشر و آزادی‌های بنیادینی که توسط قوانین ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، آگاه باشند.

### وضعیت حقوقی و شرایط شغلی

۳. مقامات قضایی دادرها در مقام عوامل اصلی مدیریت و اجرای عدالت، باید حافظ شأن و حیثیت شغلی خود باشند.

۴. کشورها موظفند شرایطی فراهم آورند که مقامات قضایی دادرها بتوانند در کمال آزادی و بدون آنکه با تهدید، مزاحمت یا مداخله بی‌جا مواجه شوند و یا اینکه متحمل مسئولیت مدنی یا جزایی و یا مسئولیت دیگر ناموجه‌ای شوند، انجام وظیفه کنند.

۵. هنگامی که، به دلیل انجام وظیفه، خطری امنیت شخصی مقامات قضایی دادرها و خانواده‌هایشان را تهدید می‌کند، مقامات مسئول دولتی موظفند آن‌ها را تحت حفاظت خود قرار دهند.

۶. شرایط کاری متعارف برای مقامات قضایی دادرها، در آمد کافی و در صورت امکان سنوات خدمت، سن بازنشستگی و مستمری آن‌ها باید توسط قانون و یا بر طبق قواعد و آیین‌نامه‌هایی که رسماً اعلام می‌شود، تعیین شود.



۷. ترفیع شغلی قضات دادرها، در صورت وجود نظام ترفیع باید بر اساس عوامل عینی، به ویژه صلاحیت شغلی، قابلیت، درستکاری و تجربه آن‌ها مبتنی باشد و طبق روالی عادلانه و بی‌طرف صورت گیرد.

### آزادی بیان و شرکت در اجتماعات

۸. مقامات قضایی دادرها چون سایر شهروندان از حق آزادی بیان، آزادی اعتقادات، شرکت در انجمن‌ها و اجتماعات و به طور خاص از حق شرکت در بحث و گفتگوهای عمومی در باره قوانین و اجرای عدالت و حمایت از حقوق بشر و ارتقاء آن، عضویت یا تشکیل انجمن‌های محلی، ملی یا بین‌المللی و شرکت در جلسات آن‌ها برخوردارند، مقامات قضایی دادرها نباید به دلیل اقدامات قانونی و یا عضویتشان در انجمنی قانونی متحمل خسارت‌های حرفه‌ای شوند. در تحقق حقوق مذکور، مقامات قضایی دادرها باید در تطابق با قانون و معیارهای پذیرفته شده و اصول اخلاقی حرفه خود رفتار کنند.

۹. مقامات قضایی دادرها باید در ایجاد و پیوستن به انجمن‌های حرفه‌ای و یا انجمن‌هایی که به دفاع از حقوق و ارتقاء دانش حرفه‌ای و حفظ جایگاه آن‌ها می‌پردازد، آزاد باشند.

### نقش مقامات قضایی در روند دادرسی کیفری

۱۰. وظایف شغلی مقامات قضایی دادرها باید کاملاً متفاوت از وظایف شغلی قضات دادگاه‌ها باشد.

۱۱. مقامات قضایی دادرها باید در روند دادرسی کیفری از جمله در تعقیب جرم و در صورتی که قانون یا رویه عملی کشور مجاز کرده باشد در تحقیقات کیفری و نظارت بر قانونی بودن روال تحقیقات و اجرای احکام دادگاه‌ها و نیز انجام سایر وظایفی که به عنوان حافظ منافع عموم دارند، نقش فعالی ایفاء کنند.

۱۲. مقامات قضایی دادرها باید به وظایف خود طبق قانون به شیوه‌ای عادلانه، منطقی و با جدیت و سرعت و با رعایت و حمایت از شأن انسان و دفاع از حقوق بشر عمل کنند، تا بدین ترتیب بتوانند در تضمین روال دادرسی قانونمند و در عملکرد بهینه نظام عدالت کیفری شرکت داشته باشند.

۱۳. مقامات قضایی دادرها در انجام وظایف خود باید موارد زیر را رعایت کنند:

الف) به وظایف خود در کمال بی‌طرفی و بدون اعمال هر نوع تبعیض سیاسی، اجتماعی، مذهبی، نژادی، فرهنگی جنسیتی و به هر لحاظ دیگر، عمل کنند؛

ب) از منافع عموم دفاع کرده در کمال بی‌طرفی عمل کنند؛ به وضعیت مظنون به ارتکاب جرم و قربانی توجه نموده و کیفیات و اوضاع احوال قضیه را صرفنظر از سود یا زیان آن برای متهم، در نظر بگیرند؛

ج) به استثنای مواردی که انجام وظایف و مصلحت عدالت اقتضاء می‌کند، از افشای اطلاعاتی که در اختیار دارند اجتناب ورزند؛

د) به نظرات و تشویش‌های قربانی هنگامی که به منافع شخصی او آسیب رسیده است، توجه نموده و مراقب باشند قربانی نسبت به حقوقی که بر طبق اعلامیه اصول بنیادین در اجرای عدالت در حق قربانیان جرم و قربانیان سوء استفاده از قدرت داراست، آگاه شده باشد.

۱۴. در صورتی که ضمن انجام تحقیقات بی‌طرفانه، بی اساس بودن اتهام مشخص شود، مقامات قضایی دادرها باید از تشکیل پرونده تعقیب جرم خودداری کنند و یا تعقیب جرم را متوقف کرده و هم خود را صرف صدور حکم منع تعقیب کیفری نمایند.

۱۵- مقامات قضایی دادرها باید به تعقیب جرائمی که توسط مأموران دولتی ارتکاب یافته است به ویژه: فساد اداری، سوءاستفاده از قدرت و نقض فاحش حقوق بشر و سایر اعمالی که بر طبق حقوق بین‌الملل جرم محسوب می‌شود توجه خاص مبذول دارند و در مواردی که قانون و یا رویه عملی کشور مجاز کرده است تحقیقات جزایی را در مورد جرائم فوق در دست بگیرند.

۱۶- مقامات قضایی دادرها نباید به مدارک موجود بر علیه مظنون به جرم که به دلایل قوی ثابت شده است اکتساب آن به طرق غیرقانونی و با نقض فاحش حقوق بشر به ویژه، با اِعمال شکنجه، رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و یا اهانت آمیز و یا هر نقض دیگر حقوق بشر صورت گرفته است، برضد احدی استناد کنند مگر بر علیه عاملین این روش‌ها و یا باید موضوع را به اطلاع دادگاه رسانده و اقدامات لازم را جهت تضمین تعقیب کیفری این افراد به عمل آورند.

### اختیارات تام

۱۷- در کشورهایی که مقامات قضایی در انجام وظایف خود تام الاختیارند، باید مجموعه‌ای از اصول راهنما توسط قوانین و یا قواعد و آیین‌نامه‌هایی که رسماً اعلام می‌شوند، تدوین گردد که عدالت را تقویت کرده و موجبات اتخاذ تصمیمات منطقی را در طی روال تحقیقات کیفری به ویژه هنگام گشایش پرونده تعقیب و یا منع تعقیب، مهیا سازد.

### جایگزین‌های تعقیب کیفری

۱۸- در تطابق با قوانین ملی، مقامات قضایی دادرها باید توجه خاص به امکانات منع تعقیب کیفری، و یا توقف آن به‌طور مشروط یا بدون شرط مبذول دارند، و با رعایت کامل حقوق مظنون و قربانی، پرونده را از روال رسمی جزایی خارج کنند. برای نیل به این هدف، دولت‌ها باید امکانات ایجاد روش‌های جایگزین نظام رسمی کیفری را مورد بررسی قرار دهند. با ایجاد روش‌های جایگزین نه تنها از حجم کار دادگاه‌ها کاسته می‌شود، بلکه با اجتناب از بازداشت پیش از محاکمه یا بازداشت پیش از صدور قرار مجرمیت یا پیش از صدور حکم محکومیت، داغ‌نگ بر پیشانی مظنون خورده نمی‌شود و از آثار زیان‌بخش بازداشت نیز ممانعت به عمل می‌آید.

۱۹- در کشورهایی که مقامات قضایی دادرها اختیارات تام در صدور قرار تعقیب یا منع تعقیب نوجوانان دارند، باید توجه خاص به ماهیت و شدت جرم، امنیت جامعه، و شخصیت و سوابق نوجوان مبذول دارند. هنگام اتخاذ تصمیم، مقامات قضایی دادرها باید امکانات استفاده از روش‌های جایگزین تعقیب کیفری موجود طبق قوانین و آیین دادرسی کیفری ویژه نوجوانان را مد نظر قرار دهند. مقامات قضایی باید کوشش کنند در مورد نوجوانان منحصراً در مواردی که مطلقاً ضروری است قرار تعقیب کیفری صادر نمایند.

### روابط با سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی

۲۰- به منظور تضمین عدالت و کارایی تعقیب کیفری، مقامات قضایی دادرها باید با نیروی انتظامی، دادگاه‌ها، صاحبان مشاغل قضایی، سازمان دفاع ملی، و سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی همکاری کنند.

### روال رسیدگی انتظامی

۲۱- اعمالی که تحت عنوان تخلف انتظامی مقامات قضایی دادرها قرار می‌گیرد، بایستی توسط قانون و یا آیین‌نامه‌های قانونی مشخص شود. رسیدگی به اتهامات و شکایات بر علیه مقامات قضایی دادرها مبنی بر تخلف آشکار آن‌ها از معیارهای حرفه‌ای‌شان باید بر طبق روال دادرسی مناسب در اسرع وقت و با رعایت کامل عدل و انصاف صورت گیرد. مقامات قضایی دادرها بایستی از حق رسیدگی عادلانه به پرونده‌اشان و امکان تجدید نظرخواهی از مرجعی مستقل برخوردار باشند.

۲۲. روال دادرسی انتظامی علیه مقامات قضایی دادرها باید متضمن ارزیابی و صدور حکمی بی طرفانه بوده و بر طبق قانون و قواعد ناظر بر سلوك حرفه‌ای، سایر معیارها و اصول اخلاقی جاری و در پرتو اصول راهنمای حاضر انجام گیرد.

#### اجرای اصول راهنما

۲۳. مقامات قضایی دادرها موظفند اصول راهنمای حاضر را رعایت کنند و از تمامی امکاناتی که در اختیار دارند برای پیشگیری و منع هر گونه تجاوز به این اصول، استفاده کنند.

۲۴. مقامات قضایی دادرها که دلایل قانع‌کننده‌ای مبنی بر نقض اصول حاضر در دست دارند، چه نقضی که پایان یافته است و چه نقضی که در شرف انجام است، بایستی به مقامات مافوق خود یا در صورت لزوم به سایر مقامات مسئول و یا مراجعی که دارای اختیارات نظارتی و دادرسی اند گزارش دهند.

## اصول مربوط به پیشگیری مؤثر از اعدام‌های فرا قضایی، خودسرانه و شتابزده و انجام تحقیقات کیفری کارآمد در مورد این اعدام‌ها

به توصیه شورای اقتصادی اجتماعی طی قطعنامه ۱۹۸۹/۶۵ ۲۴ می ۱۹۸۹ ۱۲

### پیشگیری

۱. دولت‌ها موظفند با وضع قوانین هر نوع اعدام فراقضایی، خودسرانه و شتابزده را ممنوع اعلام کرده و مراقبت به عمل آورند که چنین اعمالی طبق قوانین کیفری کشورشان جرم محسوب شده و با توجه به سنگینی این جرم مجازات‌هایی متناسب برای آن پیش‌بینی شود. برای توجیه چنین اعدام‌هایی، به هیچ وجه نمی‌توان به وضعیت استثنائی از جمله وضعیت جنگی، خطر وقوع جنگ، بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور، یا هر موقعیت اضطراری عمومی دیگر استناد کرد. ممنوعیت چنین اعدام‌هایی شرایطی چون جنگ مسلحانه داخلی، توسل بیش از حد یا غیر قانونی به زور توسط یک مأمور دولتی یا هر فرد دیگری که در مقام رسمی و یا به تشویق یا موافقت صریح یا ضمنی مقامات رسمی عمل می‌کند و مواردی که فوتی در بازداشت‌گاه وقوع می‌یابد را نیز دربر می‌گیرد، لیکن منحصر به این موارد نمی‌باشد. این ممنوعیت باید توسط حکمی که از جانب مقام ذی صلاح دولتی صادر می‌شود، صورت گیرد.
۲. به منظور پیشگیری از اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و شتابزده، دولت‌ها موظفند نظارت شدیدی را از جمله با وضوح در سلسله مراتب صدور دستورات، بر کلیه مسئولان رسمی توقیف، بازداشت موقت و حبس و کلیه مأمورانی که قانوناً مجاز به توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم‌اند، تضمین کنند.
۳. دولت‌ها موظفند صدور دستورات توسط مقامات مافوق و یا مقامات مسئول نهادهای رسمی به افراد را مبنی بر تجویز ارتکاب اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و شتابزده و یا ترغیب بدان ممنوع نمایند. کلیه افراد حق و وظیفه دارند از چنین دستوراتی سرپیچی کنند. در مواد آموزشی مأموران اجرای قانون باید بر مقررات فوق تأکید خاص شود.
۴. در مورد افراد و یا گروه‌هایی که در معرض خطر اجرای اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و شتابزده‌اند و یا کسانی که تهدید به مرگ شده‌اند، باید حمایت‌های مؤثر به طرق قضایی و یا به طرق دیگر، تضمین شود.
۵. هیچ فردی را نمی‌توان بدون رضایت او به کشوری بازگرداند و یا به سمت کشوری اخراج کرد که امارات محکمی دال بر احتمال اعدام فراقانونی، خودسرانه و یا شتابزده فرد در آن کشور وجود دارد.
۶. دولت‌ها موظفند مراقبت به عمل آورند که افراد محروم از آزادی در مکان‌های رسمی و علنی حبس نگهداری شوند و اطلاعات مربوط به توقیف و مکان حبس و نقل و انتقالات آن‌ها در اسرع وقت به وکیل، نزدیکان و افراد دیگر مورد اعتمادشان ابلاغ شود.
۷. بازرسان صلاحیتدار، پرسنل پزشکی و یا مقامات مستقل دیگر در این رده، باید بتوانند از مکان‌های بازداشت و حبس، به طور منظم، بازدید به عمل آورند و باید اختیاراتی جهت بازدید سرزده به ابتکار خود دارا باشند و استقلال آن‌ها در انجام وظایفشان اکیداً تضمین شود. بازرسان باید بتوانند بدون اعمال هرگونه محدودیتی به کلیه افرادی که در چنین مکان‌هایی نگهداری می‌شوند و نیز به جزئیات پرونده‌هایشان دسترسی داشته باشند.

<sup>12</sup> شورای اقتصادی اجتماعی طی قطعنامه ۱۹۸۹/۶۵ خود توصیه می‌کند اصول مربوط به پیشگیری مؤثر از اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و شتابزده و انجام تحقیقات دقیق در مورد آن در قوانین و رویه عملی کشورها در نظر گرفته شود.

۸. برای پیشگیری از اعدام فراقانونی، خودسرانه و یا شتابزده دولت‌ها باید به طرق مختلف از جمله همکاری دیپلماتیک، تسهیل امکانات دسترسی شاکیان به ارگان‌های بین‌الدولتی و قضایی و افشای علنی جرم تلاش کنند. از ساز و کارهای بین‌الدولتی بایستی برای انجام تحقیقات در مورد اعدام‌های مذکور و اقدامات مؤثر علیه چنین رویه‌هایی استفاده شود و دولت‌ها از جمله دولت‌هایی که در کشورشان به صورتی منطقی ظن ارتکاب اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و یا شتابزده وجود دارد، باید در تعقیب بین‌المللی جرائم مذکور مشارکتی همه جانبه داشته باشند.

### تحقیقات کیفری

۹. در کلیه مواردی که ظن به ارتکاب اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و یا شتابزده وجود دارد و یا در مواردی که طبق شکایات خانواده‌ها و یا طبق گزارش‌های قابل اعتماد، به نظر می‌رسد مرگی غیرطبیعی رخ داده است، تحقیقات کیفری باید به سرعت و با بی‌طرفی کامل آغاز شود. دولت‌ها باید بدین منظور مراکز رسمی تحقیقات و آیین دادرسی ویژه‌ای برقرار کنند. موضوعات مورد تحقیق باید شامل شرح وقایع، طریقه و زمان فوت، افراد مسئول، و هر رویه مستمری که احتمالاً موجب مرگ شده است، باشد. تحقیقات کیفری همچنین باید انجام کالبد شکافی، جمع‌آوری و بررسی دلایل مادی و مدارک جرم و انجام تحقیقات از شهود را در بر گیرد. همچنین تحقیقات باید مشخص کند آیا مرگ به طور طبیعی وقوع یافته است و یا در نتیجه تصادف، خودکشی یا قتل صورت گرفته است.

۱۰. مقامات مسئول تحقیقات کیفری بایستی اختیارات لازم را جهت جمع‌آوری اطلاعات دارا باشند. افرادی که مسئول اجرای تحقیقات‌اند باید منابع مالی و فنی برای انجام تحقیقات به نحو احسن را در اختیار داشته و بتوانند مأموران دولتی را که مظنون به ارتکاب هر یک از اعدام‌های مذکوراند به شهادت احضار کنند. این قواعد شامل گواهان نیز می‌شود. بدین منظور باید به آنها اختیاراتی تفویض شود که بتوانند شاهدان از جمله مأموران مذکور را احضار و به اقامه دلیل و ادان سازند.

۱۱. هنگامی که روال تحقیقات به دلیل عدم صلاحیت تخصصی و یا به دلیل عدم بی‌طرفی و یا اهمیت موضوع و یا به دلیل وجود آشکار سوءاستفاده به صورتی مستمر و نظاممند، به‌درستی انجام نگرفته باشد و در مواردی که از طرف خانواده قربانی شکایتی در مورد نواقص مذکور و یا دلایل اساسی دیگر صورت گرفته باشد، دولت موظف است تحقیقات را توسط کمیسیون مستقل تحقیق و یا از طریق نهادهای مشابه، دنبال کند. اعضای یک چنین کمیسیونی باید براساس شهرتشان در بی‌طرفی، صلاحیت و استقلال شخصی انتخاب شوند. این افراد به ویژه باید از هر نهاد و یا شخص موضوع تحقیقات مستقل باشند. کمیسیون باید اختیار تام در کسب اطلاعات ضروری برای امر تحقیق داشته و تحقیقات را منطبق با اصل حاضر هدایت کند.

۱۲. در مورد جسد متوفی هیچ اقدامی نباید پیش از انجام کالبد شکافی توسط پزشک و در صورت امکان پزشک قانونی صورت گیرد. افراد مأمور اجرای کالبد شکافی باید به کلیه اطلاعاتی که در جریان تحقیقات کسب شده است، مکان کشف جسد و مکانی که احتمال می‌رود فوت در آنجا وقوع یافته باشد دسترسی داشته باشند. چنانچه پس از به خاک سپرده شدن جسد، انجام تحقیقات ضروری به نظر رسد، برای انجام کالبد شکافی بایستی در اسرع وقت با اسلوبی صحیح نبش قبر صورت گیرد. چنانچه از جسد تنها استخوان‌هایی به جا مانده باشد، طریقه نبش قبر و تحقیقات در مورد آن باید طبق اسلوب تخصصی انسان‌شناسی صورت گیرد.

۱۳. برای اجرای تحقیقات کامل، جسد باید در طی مدت‌زمان کافی در اختیار مجریان کالبد شکافی قرار داده شود. کالبد شکافی باید لافل با هدف تعیین هویت متوفی، علت فوت، و طریقه فوت صورت گیرد و حتی‌الامکان تاریخ، ساعت، و مکان فوت را مشخص کند. گزارش کالبد شکافی باید حاوی عکس‌های رنگی از متوفی به عنوان مدرک اثبات نتایج کالبد شکافی باشد. در گزارش کالبدشکافی باید تمامی جراحات و همچنین آثار و دلایل اثبات شکنجه نیز ذکر شود.

۱۴. به منظور تضمین بی‌طرفی در گزارش نتایج کالبدشکافی، افراد مسئول اجرای کالبدشکافی باید بتوانند به وظیفه خود با بی‌طرفی کامل و مستقل از سازمان یا فرد یا نهاد و مؤسسه ای که احتمالاً در جرم شرکت دارند عمل کنند.

۱۵. شاکیان پرونده، شهود، و مسئولان و مجریان تحقیقات و خانواده‌هایشان باید در مقابل خشونت و یا تهدید به خشونت یا هر تهدید دیگر مورد حمایت قرار گیرند. کلیه افرادی که احتمالاً در ارتکاب اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و شتابزده دخیلند، باید از هر سمتی که آن‌ها را مجاز به نظارت و اعمال قدرت، چه به طور مستقیم و چه به طور غیر مستقیم، بر شاکیان، شهود و خانواده‌هایشان و همچنین مأموران اجرای تحقیقات می‌کند برکنار شوند.

۱۶. خانواده‌های متوفیان و نمایندگان قانونی آن‌ها باید از تشکیل جلسات دادرسی مطلع شده و بتوانند در آن شرکت کنند. آن‌ها همچنین باید بتوانند به اطلاعات حاصل از تحقیقات دسترسی داشته و دلایل و مدارک ارائه کنند. خانواده‌ها حق دارند حضور پزشک یا نماینده صالح دیگری را در جلسه کالبد شکافی تقاضا کنند. پس از تشخیص هویت متوفی گواهی فوت صادر خواهد شد و خانواده و نزدیکان متوفی باید فوراً از آن مطلع شوند. جسد متوفی پس از انجام تحقیقات باید به خانواده تحویل داده شود.

۱۷. در مورد روش تحقیق و نتایج آن باید ظرف زمانی معقول گزارشی کتبی تنظیم شده و بلافاصله به انتشار رسمی برسد. گزارش باید حاوی شرحی در مورد دامنه تحقیقات، روال و روش سنجش دلایل و مدارک، نتیجه‌گیری و توصیه‌های مبتنی بر یافته‌های تحقیق و قوانین قابل اجرا باشد، در گزارش همچنین باید شرحی از جزئیات وقایع خاصی که در جریان تحقیقات کشف شده است و دلایل و مدارک اثبات آن و فهرستی از نام شاهدانی که شهادت داده‌اند ذکر شود، به استثنای افرادی که باید هویت آن‌ها به دلیل حفظ امنیتشان مخفی بماند. دولت بایستی ظرف زمانی معقول به گزارش تحقیقات پاسخ دهد، و یا تصمیماتی را که باید برای انجام مراحل پس از تحقیقات اتخاذ شود، اعلام کند.

### اقدامات قانونی

۱۸. دولت‌ها موظفند مراقبت به عمل آورند افرادی که طبق یافته‌های تحقیقات در اعدام‌های فرا قضایی، خودسرانه و شتابزده در حوزه قضایی آن‌ها شرکت داشته‌اند مورد تعقیب کیفری قرار گیرند. دولت‌ها باید یا خود رأساً چنین افرادی را تحت تعقیب کیفری قرار دهند و یا در استرداد آن‌ها با کشورهایی که مایل به تعقیب جرم در حوزه قضایی خود هستند همکاری کنند. این اصل صرفنظر از هویت مرتکب جرم و یا قربانی و یا مکانی که در آن حضور دارند و نیز صرفنظر از تابعیت آن‌ها و مکان وقوع جرم، اجرا خواهد شد.

۱۹. با رعایت اصل ۳، برای اثبات برائت از ارتکاب اعدام‌های فرا قضایی، خودسرانه و شتابزده نمی‌توان به اجرای دستور مقام مافوق و یا مقام مسئول دولتی استناد کرد. مقام مافوق، مأمور یا مقام رسمی دولتی هنگامی که امکانات معقولی در منع کارمند زیردست خود از ارتکاب چنین اعمالی دارا باشد، مسئول شناخته می‌شود. هیچ وضعیتی اعم از وضعیت جنگی، حکومت نظامی و یا وضعیت اضطراری دیگر، عفو عمومی یا معافیت کیفری عمومی نمی‌تواند موجب توقف تعقیب کیفری افراد متهم به دخالت در ارتکاب اعدام‌های فرا قضایی، خودسرانه و شتابزده شود.

۲۰. خانواده و افراد تحت تکفل قربانیان اعدام‌های فرا قضایی، خودسرانه و شتابزده حق دارند ظرف زمانی معقول غرامتی مناسب دریافت کنند.

## اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل مفقودالایتر شدن به عنف

مصوب قطعنامه ۴۷/۱۳۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲

مجمع عمومی:

با توجه به این که طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد و سایر اسناد حقوق بین‌الملل، به رسمیت شناختن شأن ذاتی و حقوق برابر و لاینفک هر عضوی از اعضاء خانواده بشری اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است،

با بخاطر آوردن این نکته که کشورها طبق منشور، به ویژه ماده ۵۵ آن، ملزم به ارتقا احترام جهانی و بالفعل به حقوق و آزادی‌های بنیادین‌اند،

با دغدغه عمیق خاطر از مشاهده اینکه در کشورهای بسیاری به طور مستمر افراد بالاجبار مفقودالایتر می‌شوند، بدین صورت که مأموران سازمان‌های مختلف دولتی، در سطوح مختلف و یا گروه‌های سازمان‌یافته یا اشخاص خصوصی که به نام یا با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم و یا با موافقت یا مجوز دولت عمل میکنند، افراد را بالاجبار دستگیر و بازداشت کرده و یا می‌ربایند و یا به نحوی دیگر از آزادی خود محروم می‌سازند بدون آنکه از سرنوشت این اشخاص یا مکان آن‌ها اطلاعی داده شود و یا عمل سلب آزادی از آن‌ها رسماً به عهده گرفته شود، به صورتی که فرد از هر نوع حمایت قانون محروم می‌ماند،

نظر به این‌که مفقودالایتر کردن افراد به عنف، به ارزش‌های والای جامعه‌ای که مقید به احترام به حکومت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین است، آسیب میرساند و اعمال مستمر و سازمان‌یافته آن کیفیت جنایت علیه بشریت به خود می‌گیرد،

با خاطر نشان ساختن قطعنامه ۳۳/۱۷۳ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸، که در آن نگرانی‌های ناشی از اخبار واصله از مناطق مختلف جهان مبنی بر مفقودالایتر شدن افراد به عنف و یا به اکراه، ابراز شده است و متأثر از تشویش‌ها و تألماتی که این وقایع موجب شده‌اند، از دولت‌ها خواسته شده است مراقبت به عمل آورند مجریان قانون و قوای حافظ نظم عمومی در مقابل افراطکاری‌هایی که منجر به مفقودالایتر شدن افراد به عنف یا به اکراه میشود، قانوناً مسئول باشند،

همچنین با خاطر نشان ساختن حمایتی که در معاهده ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و مقاوله نامه‌های الحاقی بدان، مورخ ۱۹۷۷، برای قربانیان جنگ‌های مسلحانه پیش‌بینی شده است،

با توجه به مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که حق حیات، حق آزادی و امنیت شخصی و حق در امان بودن از شکنجه و حق دارا بودن شخصیت حقوقی را برای هر انسانی به رسمیت شناخته‌اند،

و نیز با توجه به معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی، یا اهانت‌آمیز که کشورهای معاهد را به اتخاذ تدابیر مؤثر در منع و مجازات شکنجه، مکلف کرده است،

با در نظر گرفتن قواعد سلوک حرفه‌ای مأموران حفظ نظم و اجرای قانون، اصول اساسی در توسل به زور و استفاده از اسلحه گرم توسط مأموران حفظ نظم و اجرای قانون، اعلامیه اصول بنیادین اجرای عدالت در حق قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، و قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان،

با تأکید بر اینکه تضمین رعایت اکید مجموعه اصول در حمایت از کلیه افرادی که تحت هر نظامی از بازداشت یا حبس قرار دارند (ضمیمه قطعنامه ۴۳/۱۷۳، مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸) و اصول مربوط به پیشگیری مؤثر از

اعدام‌های فراقضایی، خودسرانه و شتابزده و انجام تحقیقات کارآمد کیفری در مورد این اعدام‌ها (ضمیمه قطعنامه ۱۹۸۹/۶۵ شورای اقتصادی و اجتماعی، مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۹ و مورد تأیید قطعنامه ۴۴/۱۶۲ مجمع عمومی مورخ ۱۵ دسامبر) برای پیشگیری از مفقودالایتر شدن افراد به عنف ضرورت دارد،

نظر به این‌که اعمالی که منجر به مفقودالایتر شدن افراد به عنف می‌شود، نقض ممنوعیت‌های مندرج در اسناد حقوق بین‌الملل مذکور در فوق است، بسیار حائز اهمیت است که سند حقوقی دیگری تدوین شود که بر طبق آن تمامی اعمالی که به مفقودالایتر شدن افراد به عنف می‌انجامد جرم سنگین محسوب شده و قواعدی جهت مجازات این جرائم و پیشگیری از ارتکاب آن‌ها، مقرر گردد،

{مجمع عمومی}

(۱) اعلامیه حاضر را که ناظر بر حمایت از افراد در مقابل مفقودالایتر شدن به عنف است، به عنوان مجموعه اصول برای کلیه کشورها، ارائه می‌کند؛

(۲) مصرانه می‌خواهد که در شناساندن اعلامیه در سطح عمومی و رعایت آن از هیچ کوششی دریغ نشود.

### ماده ۱

(۱) هر عملی که موجب مفقودالایتر شدن افراد به عنف شود اهانتی است به شأن انسان. چنین عملی محکوم است زیرا اهداف منشور سازمان ملل متحد را نفی کرده و تجاوز شدید و آشکاری است به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر که سایر اسناد حقوقی بین‌المللی نیز آن را تأیید کرده و بسط داده‌اند.

(۲) هر عملی که موجب مفقودالایتر شدن افراد به عنف شود موجب محروم ساختن آن‌ها از حمایت قانون نیز خواهد شد و رنجی شدید بر آن‌ها و نزدیکانشان تحمیل خواهد کرد. چنین عملی آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل که از جمله حق دارا بودن شخصیت حقوقی در مقابل قانون، حق آزادی و امنیت شخصی و حق مصون ماندن از شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی، یا اهانت آمیز را برای انسان‌ها به رسمیت شناخته‌اند، نقض می‌کند. علاوه بر این چنین عملی حق حیات را شدیداً تهدید کرده و تجاوز بدان محسوب می‌شود.

### ماده ۲

(۱) هیچ حکومتی نباید افراد را به عنف مفقودالایتر کند و یا چنین عملی را جایز دانسته و یا در مقابل آن تساهل به خرج دهد.

(۲) به منظور پیشگیری از مفقودالایتر شدن افراد به عنف و امحای آن، کشورها موظفند با همکاری با سازمان ملل متحد و به طرق مختلف در سطح ملی و بین‌المللی فعال باشند.

### ماده ۳

کلیه کشورها موظفند موازین قانونی، اداری، قضایی، و موازین دیگری را برای پیشگیری و امحای مفقودالایتر شدن افراد به عنف در حوزه قضایی خود، اتخاذ کنند.

### ماده ۴

(۱) هر عملی که به مفقودالایتر شدن افراد به عنف بیانجامد باید طبق قوانین کیفری جرم شناخته شود و با توجه به سنگینی جرم مجازاتی برای آن تعیین گردد.

(۲) کشورها می‌توانند در قوانین داخلی خود کیفیات مخفیه ای را در مورد افرادی که در جرم مفقودالایتر کردن افراد به عنف دست داشته‌اند اما در بازیافتن قربانی در قید حیات همکاری کرده و یا داوطلبانه اطلاعاتی را در روشن ساختن پرونده فاش ساخته‌اند، پیش بینی کنند.



## ماده ۵

مفقودالاثربودن کردن افراد به عنف، علاوه بر اینکه موجب مجازات کیفری است موجب مسئولیت مدنی عاملین، دولت، و یا مقامات دولتی که در سازماندهی آن دست داشته‌اند و یا در مورد آن تساهل به خرج داده و یا اجازه آن را صادر کرده‌اند نیز می‌باشد. چنین مسئولیتی رافع مسئولیت بین‌المللی کشور ذیربط طبق اصول قوانین بین‌المللی، نخواهد بود.

## ماده ۶

- (۱) برای توجیه مفقودالاثربودن کردن افراد به عنف به هیچ وجه نمی‌توان به اجرای حکم یا دستور مقام دولتی، غیر دولتی، نظامی، و یا هر مقام دیگر استناد کرد. کلیه افرادی که چنین حکم یا دستوراتی را دریافت می‌کنند حق و وظیفه دارند از آن سرپیچی کنند.
- (۲) کشورها موظفند صدور احکام و دستورات مبنی بر مفقودالاثربودن کردن افراد به عنف، مجاز ساختن آن و یا تشویق و ترغیب بدان را ممنوع کنند.

در مواد آموزشی مجریان قانون بایستی بر مفاد بند ۱ و ۲ این ماده تأکید خاص شود. (۳)

## ماده ۷

برای توجیه عمل مفقودالاثربودن کردن افراد به عنف نمی‌توان به هیچ وضعیت خاصی، اعم از خطر بروز جنگ، وضعیت جنگی، عدم ثبات سیاسی، و یا هر وضعیت اضطراری دیگر استناد کرد.

## ماده ۸

- (۱) کشورها نمی‌توانند هیچ فردی را به سمت کشوری اخراج کنند، بازگردانند و یا مسترد نمایند که دلایل محکمی مبنی بر احتمال مفقودالاثربودن فرد در آن کشور وجود دارد.
- (۲) برای تشخیص وجود چنین دلایلی، مقامات مسئول باید اوضاع و احوال مربوطه را مدنظر قرار دهند، از جمله، در صورت وقوع، به وجود نقض آشکار، مستمر و سازمان‌یافته حقوق بشر در کشور ذیربط، توجه کنند.

## ماده ۹

- (۱) برای پیشگیری از مفقودالاثربودن کردن افراد به عنف، به رسمیت شناختن حق بر دادرسی فوری و مؤثر قضایی جهت مشخص شدن مکان فرد محروم از آزادی و وضعیت سلامتی او و نیز شناسایی هویت مقامی که دستور توقیف او را صادر کرده و یا شخصاً بدان مبادرت ورزیده است، در هر شرایطی از جمله موارد مذکور در ماده ۷، ضروری می‌باشد.
- (۲) در چهارچوب این دادرسی، مقامات صلاحیتدار مسئول باید به کلیه مکان‌های بازداشت و حبس و بخش‌های مختلف آن و نیز مکان‌هایی که به دلایل قوی ظن آن می‌رود که افراد محروم از آزادی در آن نگهداری شوند، دسترسی داشته باشند.
- (۳) مقامات صالح دیگری که طبق قوانین کشور و یا اسناد حقوق بین‌الملل که توسط کشور مربوطه پذیرفته شده‌است مجاز شناخته شده‌اند نیز باید بتوانند به مکان‌های مذکور در فوق دسترسی داشته باشند.

## ماده ۱۰

(۱) کلیه افرادی که از آزادی خود محروم می‌شوند باید در مکان‌های حبس رسمی و علنی نگهداری شوند و بر طبق قوانین داخلی کشور پس از دستگیری در اسرع وقت نزد مقام قضایی حاضر گردند.

۲) اطلاعات دقیق در مورد بازداشت افراد مزبور، مکان و یا مکان های نگهداری و نقل و انتقال آن ها باید در اسرع وقت در اختیار اعضای خانواده، وکیل آن ها و یا هر فردی که قانوناً ذینفع است قرار گیرد. مگر آنکه افراد محروم از آزادی مخالفت خود را با این امر اعلام کنند.

۳) در کلیه مکان های حبس باید دفتری رسمی جهت ثبت هرروزه اسامی افرادی که از آزادی خود محروم می شوند موجود باشد. علاوه بر این کشورها باید اقدامات لازم را جهت برقراری دفاتر مشابهی به عنوان دفاتر ثبت مرکزی به عمل آورند و اطلاعات ثبت شده در این دفاتر باید در اختیار افراد مذکور در بند ۲ و مقامات قضایی و یا مقامات ذی صلاح و مستقلى که خواهان شناسایی مکان يك بازداشتی هستند قرار گیرد، این اصل در مورد سایر مقامات صلاحیتدار بر طبق قوانین ملی و یا اسناد حقوق بین المللی که توسط کشور ذینفع پذیرفته شده نیز جاری است.

#### ماده ۱۱

آزاد ساختن محبوسین باید به صورتی انجام گیرد که بتوان صحت آن را احراز کرد. آنها باید در شرایطی آزاد شوند که سلامتی جسمی و توانایی روحی شان در اعمال حقوق خود تضمین شده باشد.

#### ماده ۱۲

۱) کشورها موظفند در قوانین خود موازینی را جهت تعیین مأموران دولتی که مجاز به صدور دستور سلب آزادی افرادند پیش بینی کنند و شرایطی را که صدور چنین دستوراتی را مجاز می کند مشخص کرده و مجازات هایی را برای مأموران دولتی که بدون دلیل موجه قانونی از ارائه اطلاعات در مورد يك بازداشت خودداری می کنند، تعیین نمایند.

۲) کشورها همچنین موظفند مراقبت به عمل آورند که طبق يك سلسله مراتب مشخص، نظارت شدیدی بر اعمال کلیه مجریان قانون که مسئول دستگیری، توقیف، بازداشت، بازداشت موقت، انتقال و حبس اند و همچنین مأموران دیگری که بر طبق قانون مجاز به توسل به زور و اسلحه گرم اند، اعمال شود.

#### ماده ۱۳

۱) کشورها موظفند حق شکایت به مقام صلاحیتدار مستقل رسمی کشور را برای افرادی که طبق اطلاعات و یا منافعی مشروع ادعای مفقودالایتر شدن شخصی را می کنند، تضمین نمایند. مقام مذکور باید در اسرع وقت با انجام تحقیقات کیفری بی طرف و دقیق به شکایت آن ها ترتیب اثر دهد. در مواردی که دلایل محکمی مبنی بر مفقودالایتر شدن فردی وجود دارد، حتی در صورت عدم شکایت رسمی مورد باید به سرعت به مقام مذکور جهت انجام تحقیقات کیفری ارجاع داده شود. اتخاذ موازینی که موجب محدودیت تحقیقات کیفری شود و یا مانعی بر سر راه آن ایجاد کند جایز نیست.

۲) کشورها باید مراقبت به عمل آورند که مقام ذی صلاح اختیارات و منابع مادی لازم را در انجام تحقیقات به نحو احسن در اختیار داشته باشد، از جمله اختیار احضار شهود دسترسی به مدارك لازم و بازدید از محل.

۳) موازینی باید اتخاذ شود که کلیه افرادی را که در تحقیقات شرکت دارند از جمله شاکي، وکیل، شهود، و همه کسانی که تحقیقات کیفری را هدایت می کنند، از رفتار سوء و هر نوع ارعاب و انتقام محافظت کند.

۴) نتایج چنین تحقیقاتی باید در اختیار افراد ذیربط خواستار آن قرار گیرد، مگر آنکه تحقیقات کیفری در دست اجرایی را به خطر اندازد.

۵) تدابیری باید اتخاذ شود که متضمن مجازات هایی مناسب برای هر نوع سوء رفتار، ارعاب، انتقام جویی، و یا هر دخالت دیگر هنگام طرح شکایت و در طول انجام تحقیقات باشد.

۶) تحقیقات باید در تطابق کامل با روالی که در فوق توصیف شد، تا روشن شدن وضعیت فرد مفقودالایتر به عنف در جریان باشد.

#### ماده ۱۴

هنگامی که طبق نتایج تحقیقات کیفری دلایل موجهی بر علیه اشخاص مظنون به ارتکاب اعمال منجر به مفقودالایتر شدن افراد به عنف در یک کشور موجود است، این اشخاص باید جهت بازجویی و محاکمه به مقامات صالح غیر نظامی این کشور تحویل داده شوند، مگر آنکه به دنبال تقاضای کشور دیگری که خواستار اجرای صلاحیت قضایی خود بر طبق توافقات بین‌المللی جاری در این زمینه است، به آن کشور مسترد شده باشند. کشورها بایستی با استفاده از موازین قانونی و مناسبی که در اختیار دارند اقداماتی به عمل آورند که کلیه افراد مظنون به ارتکاب اعمال منجر به مفقودالایتر شدن افراد به عنف که در قلمرو قضایی آنها حضور دارند و یا تحت کنترل آنها هستند مورد تعقیب کیفری قرار گیرند.

#### ماده ۱۵

وجود دلایل محکم مبنی بر شرکت يك فرد در ارتکاب جرائم سنگین موضوع بند ۱ ماده ۴، صرفنظر از انگیزه آن، باید تصمیم مقامات مسئول کشورها را در مورد قبول یا رد پناهندگی تحت تأثیر قرار دهد.

#### ماده ۱۶

۱) افراد مظنون به ارتکاب اعمال موضوع بند ۱ ماده ۴ مذکور در فوق باید در طول مدتی که تحقیقات کیفری موضوع ماده ۱۳ در جریان است، از هر سمت رسمی موقتاً برکنار شوند.

۳) هیچ‌گونه امتیاز، مصونیت، معافیت خاصی در چنین محاکماتی پذیرفته نیست. مفاد این ماده مقررات مذکور در معاهده وین ناظر بر روابط دیپلماتیک را نقض نمی‌کند.

۴) در مورد افرادی که مظنون به ارتکاب چنین اعمالی اند باید در طی تحقیقات و در صورت ادامه پیگرد کیفری در همه مراحل بازجویی و محاکمه، رفتاری عادلانه، منطبق بر مقررات مربوطه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر توافق‌نامه‌های بین‌المللی جاری در این زمینه، تضمین شود.

#### ماده ۱۷

۱) اعمالی که به مفقودالایتر شدن افراد به عنف می‌انجامد، تا زمانی که عاملین آن وضعیت و مکان مفقودالایتر را فاش نساخته‌اند و تا زمانی که واقعیات همچنان در ابهام مانده باشد، جرم در جریان محسوب می‌شود.

۲) هنگامی که دیگر امکان برخورداری از دادرسی‌های موضوع ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی موجود نباشد، قاعده مرور زمان در مورد جرائم مربوط به مفقودالایتر شدن افراد به عنف تا زمانی که مجدداً امکان ارجاع به دادرسی‌های فوق موجود شود، متوقف می‌ماند.

۳) در کشورهایی که قاعده مرور زمان در مورد اعمال منتهی به مفقودالایتر شدن افراد به عنف در قوانین پیش‌بینی شده است، باید مدت زمان آن طولانی و متناسب با شدت جرم باشد.

#### ماده ۱۸

۱) عاملین جرائم موضوع بند ۱ ماده ۴ مذکور در فوق و افرادی که مظنون به ارتکاب این جرائم اند نباید از هیچ نوع عفو قانونی و یا موازینی مشابه که موجب معافیت آنها از تعقیب کیفری و یا مجازات است، برخوردار شوند.

۲) در اجرای حق برخورداری از عفو، باید شدت جرائم منتهی به مفقودالایتر شدن افراد به عنف مد نظر قرار گیرد.

## ماده ۱۹

خسارت قربانیان این جرم و خانواده‌های آن‌ها باید ترمیم شود. آن‌ها حق دریافت غرامتی عادلانه دارند، به‌ویژه بایستی، حتی‌الامکان، وسائلی در اختیارشان گذاشته شود که قابلیت خود را برای زندگی در جامعه کاملاً باز یابند. در صورتی که فردی در اثر مفقودالایتر شدن به‌عنف فوت کند، حق دریافت غرامت برای خانواده وی ابقاء خواهد داشت.

## ماده ۲۰

(۱) کشورها بایستی از ربودن فرزندان افراد مفقودالایتر و یا نوزادانی که در دوران مفقودالایتر بودن مادران خود متولد می‌شوند پیشگیری کرده و چنین اعمالی را مجازات کنند و اقداماتی برای جستجو و شناسایی هویت کودکان و بازگرداندن آن‌ها به خانواده‌هایشان به عمل آورند.

(۲) با توجه به ضرورت حفظ مصالح عالی کودکان مذکور در بند فوق، در کشورهایی که نظام فرزندخواندگی وجود دارد، باید امکان تجدید نظر در مورد این کودکان و به ویژه در مواردی که فرزند خواندگی ریشه در مفقودالایتر شدن به عنف والدین دارد، امکان ابطال آن وجود داشته باشد، معه‌ذا، در صورت اعلام رضایت نزدیکترین بستگان کودک در مرحله تجدیدنظر، یک چنین فرزند خواندگی ای میتواند به قوت خود باقی بماند.

(۳) ربودن کودکانی که والدینشان به عنف مفقودالایتر شده‌اند، و نیز ربودن کودکانی که در دوران مفقودالایتر بودن مادران خود متولد می‌شوند، همچنین جعل مدارک مشخص کننده هویت اصلی این کودکان یا امحای آن باید جنایت سنگین تلقی شده و مجازاتی متناسب برای آن تعیین شود.

(۴) در اجرای ماده حاضر، کشورها بایستی حسب مورد، توافق‌نامه‌های دوجانبه و یا چند جانبه منعقد کنند.

## ماده ۲۱

اعلامیه حاضر هیچ یک از مقررات مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا سایر اسناد حقوق بین‌الملل را نقض نمی‌کند. مواد این اعلامیه را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که موجب محدودیت و یا نقض این مقررات شود.

## اصول اساسی و رهنمودهای مربوط به حق دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی

مصوب قطعنامه ۶۰/۱۴۷ مجمع عمومی مورخ ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵

با پیروی از مفاد منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق های بین المللی حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشر، و نیز اعلامیه و برنامه عملی وین،

با تأکید بر اینکه طرح مسئله حق بر دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی، در سطح ملی و جهانی حائز اهمیت بسیار است،

با پذیرش اینکه با محترم شمردن حقوق قربانی بر دادخواهی و جبران خسارت، جامعه بین الملل به تعهدات خود نسبت به مصیبت وارده بر قربانی، بازماندگان، نسل های آینده وفا کرده و بر حقوق بین الملل در این زمینه صحه می گذارد،

با خاطر نشان ساختن تصویب اصول اساسی و رهنمودهای مربوط به حق دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی توسط کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه ۲۰۰۵/۳۵ مورخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۵ و توسط شورای اقتصادی و اجتماعی طی قطعنامه ۲۰۰۵/۳۰ مورخ ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۵، که در آن شورا به مجمع عمومی تصویب اصول اساسی و راهنما را توصیه کرده است،

۱. اصول اساسی و رهنمودهای مربوط به حق دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی را که ضمیمه قطعنامه حاضر است تصویب می کند؛

۲. به کشورها توصیه میکند که به اصول راهنما و رهنمودها توجه خاص مبذول داشته، رعایت آنرا گسترش دهند و توجه کارکنان نهادهای اجرایی دولت، به ویژه مأموران حفظ نظم و اجرای قانون، نیروی نظامی و امنیتی، نهاد های قانونگذاری، نهادهای قضایی، قربانیان و نمایندگان آنها، مدافعان حقوق بشر، وکلا، رسانه های اجتماعی و کل مردم را بدان جلب کنند؛

۳. از دبیرکل می خواهد موازینی اتخاذ کند که اصول اساسی و رهنمودها به زبان های رسمی سازمان ملل متحد از جمله با ابلاغ آن به دولت ها، سازمان های بین الدولتی، سازمان های غیر دولتی و نیز با درج آن در انتشارات سازمان ملل متحد (که حقوق بشر: مجموعه ای از اسناد حقوق بین الملل عنوان گرفته است) در سطح گسترده ای منتشر شود.

شصت و چهارمین اجلاس عمومی  
۱۶ دسامبر ۲۰۰۵

### ضمیمه

اصول اساسی و رهنمودهای مربوط به حق دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی

### مقدمه

مجمع عمومی،

با یاد آوری اسناد حقوقی بین المللی متعددی که حق دادخواهی را برای قربانیان نقض قوانین بین الملل ناظر بر حقوق بشر به رسمیت شناخته است، به ویژه موازین ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲ میثاق بین المللی

**حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ معاهده بین المللی مربوط به امحای اشکال مختلف تبعیض، ماده ۱۴ معاهده منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز، ماده ۳۹ معاهده حقوق کودک، همچنین قوانین بشردوستانه بین المللی به ویژه مفاد ماده ۳ معاهده لاهه مربوط به قوانین و آیین جنگ های زمینی مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ (معاهده ۴)، ماده ۹۱ مقوله نامه الحاقی به معاهده ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از قربانیان نبرد مسلحانه بین المللی (مقوله نامه ۱) مورخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷، و مواد ۶۸ و ۷۵ اساسنامه رم دیوان بین المللی جزایی،**

با یادآوری موازین معاهده های منطقه ای که حق بر دادخواهی قربانیان نقض قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر را پیش بینی کرده اند به ویژه موازین ماده ۷ منشور افریقای حقوق بشر و حقوق مردم و ماده ۲۵ معاهده امریکایی ناظر بر حقوق بشر و ماده ۱۳ معاهده صیانت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین،

با یادآوری اعلامیه اصول بنیادین اجرای عدالت در حق قربانیان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت حاصل کار هفتمین کنگره سازمان ملل متحد مربوط به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین و قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ که متن کنگره ضمن آن تصویب شده است،

با تأیید اصول اعلام شده در اعلامیه اصول بنیادین اجرای عدالت در حق قربانیان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت از جمله اصولی که بر لزوم رفتار عذوبت آمیز و احترام به شخصیت قربانی و رعایت کامل حقوق او در دسترسی به دادخواهی و به سازوکارهای جبران خسارت، و تشویق استقرار صندوق ملی جبران خسارت قربانیان و تقویت و گسترش صندوق های موجود و همچنین گسترش سریع حقوق و دادخواهی مناسب برای مجرم، تأکید می کنند،

با ذکر این که اساسنامه رم مربوط به دیوان بین المللی جزایی که تدوین «اصول ناظر بر صور مختلف جبران خسارت، چون ترمیم خسارت، پرداخت غرامت، و یا توانبخشی را برای قربانی و یا بازماندگان او» درخواست کرده است، و از مجمع کشورهای متعاهد خواسته است صندوق مالی ای برای قربانیان جرائم داخل در صلاحیت دیوان و خانواده های آن ها برقرار کنند و دیوان را مأمور «صیانت از امنیت، سلامتی جسمی و روحی، احترام به شأن و حریم خصوصی قربانی» و تجویز شرکت قربانی در «هر مرحله از دادرسی که دیوان مناسب تشخیص دهد» کرده است،

با تأیید اینکه اصول اساسی و رهنمودهایی که شرح آن در ذیل خواهد آمد نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی را که به دلیل حدت جرم هتک حرمت انسانی به شمار می آید، مد نظر قرار داده است،

با تأکید بر اینکه اصول اساسی و رهنمود ها موجد الزامات جدیدی در قوانین بین المللی یا ملی نیستند و لیکن سازو و کارها، اسلوب، و روال و شیوه هایی را برای اجرای الزامات حقوقی ای که پیش از این طبق قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی وضع شده اند، مشخص می کنند و این اصول با وجود تفاوت معیارها مکمل این الزاماتند،

با یادآوری این نکته که قوانین بین الملل تعقیب کیفری جرائم بین المللی خاصی را در تطابق با الزامات بین المللی کشورها و مقتضیات قوانین داخلی و یا موازین اساسنامه ای ارگان های قضایی بین المللی، ملزم گردانده اند و نیز با توجه به اینکه این الزام به تعقیب کیفری اجرای وظایف قضایی بین المللی را که باید بر طبق مقررات و روال رسیدگی مقرر در قوانین داخلی انجام گیرد تقویت کرده و به نقش مکمل بودن قوانین استحکام می بخشد،

با اشاره به اینکه هر چند اشکال امروزی ستمکاری اغلب بر ضد فرد انجام می گیرد اما این امر می تواند به آسانی نسبت به گروه ها به طور جمعی نیز صورت گیرد،

با توجه به اینکه با محترم شمردن حقوق قربانی بر دادخواهی و جبران خسارت، جامعه بین الملل به تعهدات خود در قبال مصیبت وارده بر قربانی، بازماندگان، نسل های آینده وفا کرده و بر اصول قانونی بین المللی ناظر بر مسئولیت، عدالت، و تفوق قانون صحه می گذارد،

با اعتقاد بر اینکه با رویکردی که قربانی محور اصلی آن را تشکیل دهد، جامعه بین الملل در واقع همگام با اصول اساسی و رهنمودهای زیر، بر همبستگی انسانی خود با قربانی نقض حقوق بین الملل از جمله نقض قوانین بین الملل ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی و نیز بر همبستگی خود با کل بشر صحه می گذارد،

{ مجمع عمومی } اصول اساسی و رهنمودهای زیر را تصویب می کند:

## (۱) التزام به رعایت قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی و تضمین رعایت و تحقق آن

۱. التزام به رعایت قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی و تضمین رعایت و تحقق آن، همانطور که در نظام های قضایی مربوطه پیشبینی شده است از منابع زیر ناشی می شود:  
(الف) قرار دادهای بین المللی منعقد شده توسط یک کشور؛  
(ب) حقوق بین الملل عرفی؛  
(ج) قوانین داخلی هر کشور.
۲. کشورها موظفند طبق الزامات بین المللی خود، با اقدامات به شرح زیر، مراقبت به عمل آورند (در صورتی که تاکنون بدان اقدام نکرده باشند) که قوانین داخلی با التزامات قضایی بین المللی اشان مطابقت داشته باشد:  
(الف) گنجاندن معیارهای قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی در قوانین داخلی و یا اجرای آن در نظام قضایی ملی؛  
(ب) وضع روال های قانونی و اداری مناسب و کارآمد و نیز موازین لازم جهت تضمین دسترسی منصفانه، مؤثر و سریع به دادرسی؛  
(ج) تضمین امکان دادخواهی کافی کارآمد، سریع و مناسب، از جمله جبران خسارت به صورتی که شرح آن خواهد آمد؛  
(د) حصول اطمینان از اینکه قوانین داخلی حداقل، حمایت هایی را که طبق الزامات بین المللی کشور برای قربانی پیشبینی شده است، تضمین کرده باشند.

## (۲) دامنه التزامات

۳. التزام به رعایت قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی و تضمین رعایت و تحقق آن، همانطور که در اسناد حقوقی مربوطه پیش بینی شده است، از جمله شامل التزامات به شرح زیر است:  
(الف) اتخاذ موازین قانونی و اداری مناسب و همچنین موازین لازم دیگر جهت پیشگیری از نقض حقوق؛  
(ب) انجام تحقیقات مؤثر، سریع، جامع، بی طرفانه، در مورد نقض حقوق و در صورت مقتضی اتخاذ موازین علیه افراد مسئول طبق قوانین داخلی و بین المللی؛  
(ج) تضمین دسترسی بالفعل و تحت شرایط برابر به عدالت، همانطور که شرح آن خواهد آمد، برای افرادی که مدعی تحمل آسیب و زیان از نقض حقوق بشر و یا قوانین بشردوستانه شده اند، بدون توجه به موقعیت اشخاص مسئول نقض حقوق؛  
(د) تأمین وسائل دادخواهی از جمله جبران خسارت، همانطور که شرح آن خواهد آمد.

## (۳) نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی که طبق قوانین بین المللی جرم محسوب می شود.

۴. در صورت وقوع نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی که طبق حقوق بین الملل جرم محسوب می شود، کشورها موظف اند پس از انجام تحقیقات در صورت

کسب دلایل کافی، افراد مظنون را مورد تعقیب کیفری قرار داده و در صورت ثبوت جرم مجازات کنند. علاوه بر این در چنین مواردی کشورها باید مطابق با حقوق بین الملل، با یکدیگر همکاری کرده و مراجع ذی صلاح قضایی بین المللی را در انجام تحقیقات و تعقیب کیفری عاملین نقض حقوق یاری کنند.

۵. برای نیل به هدف مذکور هنگامی که یک قرارداد بین المللی لازم الاجرا و یا الزامات دیگر بین المللی ایجاب می کنند، کشورها موظفند موازین لازم را جهت ایجاد یک حوزه قضایی جهانی در قوانین داخلی و یا رویه عملی خود، اتخاذ نمایند و همچنین استرداد مجرم و یا تسلیم او را به کشور یا مرجع ذی صلاح قضایی بین المللی متقاضی تسهیل کنند و همکاری های لازم قضایی و سایر مساعدت ها جهت اجرای عدالت بین المللی، از جمله اتخاذ موازین جهت معاضدت و حمایت از قربانی و گواهان طبق معیارهای حقوق بشر و با رعایت قواعد حقوق بین الملل -از جمله قواعدی که اعمال شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا اهانت آمیز را ممنوع کرده است- تضمین کنند.

#### (۴) قاعده مرور زمان

۶. قاعده مرور زمان در مواردی که یک قرارداد بین المللی لازم الاجرا و یا الزامات دیگر بین المللی مقرر کنند، در مورد نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی که طبق حقوق بین الملل جرم محسوب می شود، جاری نخواهد شد.

۷. قاعده مرور زمان که در قوانین داخلی برای تخلفات دیگری که عنوان جرم بین المللی به خود نمی گیرند، پیشبینی می شود، نباید مدت آن به شکلی بی قاعده کوتاه باشد، از جمله مرور زمان در دادخواهی مدنی و یا سایر روال های دادرسی.

#### (۵) قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی

۸. واژه "قربانیان"، در متن حاضر به افرادی اطلاق می شود که به طور انفرادی یا جمعی، در اثر فعل یا ترک فعلی که نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و یا نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی است متحمل خسارت از جمله آسیب جسمی یا روانی، رنجی روحی و یا ضرری مادی شده اند و یا حقی از حقوق بنیادینشان به طرز فاحش نقض شده است. در صورت مقتضی و در مواردی که مطابق با قوانین داخلی کشور ذیربط باشد، واژه قربانی خویشاوندان بلافصل و افراد تحت تکفل و افرادی که در اثر مداخله جهت کمک به قربانی در وضعیت خطرناک و یا ممانعت از ارتکاب جرم خسارت دیده اند را نیز در برمی گیرد.

۹. واژه قربانی به متضررین از جرم، صرفنظر از شناسایی، توقیف، تعقیب کیفری، و یا محکومیت عاملین جرم و یا وجود نسبت خانوادگی متضرر با آنها، اطلاق می شود.

#### (۶) رفتار با قربانیان

۱۰. با قربانیان بایستی با انسانیت و احترام به شئونشان و مطابق با حقوق بشر رفتار شود. همچنین بایستی موازینی جهت تضمین امنیت و سلامتی جسمی و روحی و حفظ حریم خصوصی آن ها و خانواده هایشان اتخاذ شود. کشورها باید نظارت به عمل آورند که در قوانین داخلی اشان حتی المقدور برای قربانیانی که متحمل خشونت و ضربه های شدید روحی شده اند، تدابیری جهت حمایت از آن ها در قبال ضربه های جدید روحی در جریان دادرسی قضایی و اداری و رسیدگی به ادعای خسارت، پیشبینی شده باشد.

#### (۷) حق قربانی بر دادخواهی

۱۱. حق قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی بر دادخواهی شامل تضمینات به شرح زیر است:  
الف) دسترسی بالفعل به دادرسی و برخورداری از اصل برابری در احقاق حق؛  
ب) ترمیم عادلانه، بالفعل و سریع خسارت وارده؛  
ج) دسترسی به اطلاعات سودمند مربوط به نقض حقوق و سازو کارهای جبران خسارت.



## (۸) دسترسی به عدالت

۱۲. قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی باید با برخورداری از اصل برابری، به مراجع دادرسی کارآمد طبق قوانین بین المللی، دسترسی داشته باشند. سایر مراجعی که در اختیار قربانی قرار دارد شامل ارگان های اداری و غیره است. همچنین قربانی باید بتواند به سازوکارها و و روال هایی که در قوانین داخلی پیشبینی شده است دسترسی داشته باشد. التزامات ناشی از قوانین بین المللی که ناظر بر تضمین حق دسترسی به عدالت و دادرسی عادلانه و بی طرف برای قربانی است بایستی در قوانین داخلی منعکس شود. برای نیل به این هدف کشورها بایستی موازین زیر را اتخاذ کنند:

الف) خبررسانی توسط سازوکارهای عمومی و خصوصی در مورد طرق قانونی احقاق حق در صورت وقوع نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی؛

ب) اتخاذ موازین لازم جهت کاهش موانعی که بر سر راه قربانیان یا نمایندگان حقوقی آنان قرار می گیرد، حمایت از زندگی خصوصی آن ها در مقابل هر نوع دخالت غیر قانونی، تأمین امنیت قربانیان و خانواده و گواهندانشان با حفاظت آن ها از هر نوع تهدید و انتقام پیش از آغاز، حین انجام و پس از پایان هر دادرسی قضایی یا اداری و یا روال دادرسی دیگری که منافع قربانی را تحت تأثیر قرار می دهد؛

ج) معاضدت لازم به قربانیانی که قصد طرح شکایت در مراجع دادخواهی دارند؛

د) تسهیل دسترسی به طرق مناسب قضایی، دیپلماتیک، و کنسولی برای قربانی جهت دادخواهی علیه نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی.

۱۳. علاوه بر امکان دسترسی فردی به عدالت، کشورها بایستی برای ایجاد روال دادرسی ای که امکان تقاضای گروهی جبران خسارت و تحقق آن را برای قربانیان میسر گرداند، اقداماتی به عمل آورند.

۱۴. دسترسی به روال دادرسی مناسب، کارآمد و سریع علیه نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و یا نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی، بایستی، بدون آنکه خدشه ای به حق دسترسی به دادخواهی مطابق قوانین ملی وارد آورد، کلیه سازوکارهای بین المللی موجود و مناسبی را که یک فرد می تواند از آن بهره مند شود در بر گیرد.

## (۹) جبران خسارت

۱۵. هدف از جبران خسارت مناسب، بالفعل و سریع، اعتلای عدالت با ترمیم نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و یا نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی است. جبران خسارت باید متناسب با شدت نقض و خسارت وارده باشد. کشورها باید طبق قوانین داخلی و التزامات بین المللی آنان خسارت قربانی را که ناشی از فعل یا ترک فعلی است که نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و یا نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی محسوب می شود و احتمال دارد بر عهده آن ها گذاشته شود، تضمین کنند. در مواردی که شخص حقیقی یا شخص حقوقی و یا یک نهاد و ارگانی مسئول شناخته شوند این اشخاص یا نهاد و ارگان ها مسئول جبران خسارت قربانی اند چنانچه دولت خسارت قربانی را جبران کرده باشد این اشخاص یا نهادها در مقابل دولت مسئولند.

۱۶. کشورها بایستی به ایجاد برنامه های ملی ای اهتمام ورزند که در صورت عجز یا خودداری مسئولان ضرر و زیان از انجام تعهدات خود، خسارت قربانی جبران شود و معاضدت های دیگر در اختیار او قرار گیرد.

۱۷. با توجه به شکایت شاکی، کشورها باید اجرای احکام مراجع قضایی خود را که بر علیه اشخاص یا نهادهای مسئول خسارت وارده صادر می شود تضمین کنند و نیز در تطابق با قوانین داخلی و التزامات بین المللی خود، کوشش کنند احکام معتبر و نافذ جبران خسارت که توسط مراجع قضایی کشورهای دیگر صادر می شود، در قلمرو قضایی آنان لازم الاجرا شود. بدین منظور، کشورها بایستی در قوانین داخلی خود سازوکارهای مؤثری جهت تضمین اجرای احکام جبران خسارت پیشبینی کنند.

۱۸. در تطابق با قوانین ملی و بین المللی و با توجه به وضعیت هر پرونده بایستی برای قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و یا نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی، به طریق مناسب و متناسب با شدت جرم و اوضاع و احوال هر قضیه جبران خسارت تام و بالفعل طبق مفاد اصول ۱۹ تا ۲۳ صورت گیرد. این جبران خسارت باید به شکل ترمیم و اعاده وضعیت، غرامت، توان بخشی، جلب رضایت و تعهد به عدم تکرار جرم صورت گیرد.

۱۹. ترمیم و اعاده وضعیت بایستی حتی المقدور بازگرداندن قربانی به وضعیت پیش از وقوع نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و یا نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی باشد. اعاده وضعیت حسب مورد باید شامل بازگرداندن آزادی، برخورداری از حقوق بشر، شناسایی هویت، زندگی خانوادگی و شهروندی، بازگشت به محل زندگی و ادامه کار و اعاده اموال باشد.

۲۰. برای هر ضرر و زیان ناشی از نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و یا نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی که قابل ارزیابی مادی باشد حتی المقدور بایستی به طریق مناسب و در تناسب با شدت جرم و اوضاع و احوال هر پرونده از جمله اوضاع و احوال به شرح زیر غرامت پرداخت شود:

- (الف) ضرر و زیان جسمی یا روانی؛
- (ب) فرصت های از دست رفته چون از دست دادن کار؛ تحصیل؛ و خدمات اجتماعی؛
- (ج) ضرر و زیان مادی و از دست دادن درآمد، از جمله درآمدهای بالقوه؛
- (د) آسیب روحی؛
- (ه) مخارج معاضدت حقوقی یا ارجاع به کارشناسی، مخارج درمانی خدمات روانشناختی و خدمات اجتماعی.

۲۱. توان بخشی بایستی شامل خدمات درمانی و روانی و نیز خدمات قضایی و اجتماعی باشد.

۲۲. جلب رضایت بایستی حسب مورد شامل موارد زیر باشد:

- (الف) اتخاذ موازین مؤثر در توقف نقض مستمر؛
- (ب) تحقیق و تفحص در مورد واقعه و انتشار واقعیت به طور کامل و در سطح عمومی، به شرط آنکه انتشار خبر موجب ضرر و زیان جدید و یا تهدید امنیت و منافع قربانی، نزدیکان، گواهان و افرادی که به جهت مداخله برای کمک به قربانی و یا ممانعت از ارتکاب جرمی دیگر نسبت به او خسارت دیده اند، نشود؛
- (ج) جستجوی فرد مفقودالاثر، هویت کودکانی که ربوده شده اند و اجساد افرادی که به قتل رسیده اند، معاضدت در بازیافت اجساد، تشخیص هویت، و تدفین قربانی بر طبق آدابی که وصیت کرده است یا گمان می رود چنین خواستی داشته است و یا طبق فرهنگ خانواده یا جامعه ای که او بدان تعلق دارد؛
- (د) اعلام رسمی حکم دادگاه و اعاده حیثیت و اعتبار قربانی و افرادی که روابط نزدیک با وی دارند؛
- (ه) پوزش علنی، از جمله اعلام صحت واقعه و پذیرش مسئولیت؛
- (و) مجازات کیفری و اداری افراد مسئول؛
- (ز) بزرگداشت و تجلیل از قربانی؛
- (ح) ادخال اطلاعات مشخص در مورد جرائمی که ارتکاب یافته اند در برنامه آموزشی مربوط به قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی و نیز در مواد آموزشی در تمامی سطوح.

۲۳. تضمین عدم تکرار بایستی حسب مورد موارد زیر را که تدابیر پیشگیرانه نیز محسوب می شود، بعضاً یا کلاً در بر گیرد:

- (الف) تضمین کنترل مؤثر نیروی نظامی و نیروی امنیتی توسط مقامات غیر نظامی؛
- (ب) مراقبت از اینکه تمامی روال های دادرسی نظامی و غیر نظامی با معیارها و هنجارهای پذیرفته شده بین المللی ناظر بر قانونی بودن، عادلانه و بی طرف بودن دادرسی مطابقت داشته باشد؛
- (ج) تقویت استقلال قوه قضائیه؛
- (د) حمایت از افرادی که به مشاغل قضایی، پزشکی و درمانی می پردازند و یا کارکنان رسانه های عمومی و یا مشاغل مشابه دیگر و نیز حمایت از مدافعان حقوق بشر؛

ه) پیشبینی و ارجحیت بخشیدن به برنامه های آموزشی حقوق بشر و قوانین بین المللی بشردوستانه به طور مستمر، در تمامی سطوح جامعه، و آموزش مأموران حفظ نظم و اجرای قانون و پرسنل نظامی در مورد حقوق و قوانین مذکور؛

و) ترویج رعایت قواعد سلوک حرفه ای و هنجارهای اخلاقی حرفه ای، به ویژه هنجارهای بین المللی توسط کارکنان دولتی، از جمله مأموران حفظ نظم و اجرای قانون و کارکنان زندان ها رسانه های گروهی، مراکز خدمات درمانی، روانشناختی، و اجتماعی، پرسنل نظامی و نیز کارکنان شرکت ها؛  
ز) توسعه سازوکارهایی جهت پیشگیری از منازعات اجتماعی و نظارت بر آن و حلّ این منازعات؛  
ح) بازبینی و اصلاح قوانینی که نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی را تسهیل یا تجویز می کنند.

### ۱۰) دسترسی به اطلاعات لازم مربوط به نقض حقوق و سازوکارهای ترمیم خسارات

۲۴. کشورها باید روش های اطلاع رسانی ای ابداع کنند که عموم مردم، به ویژه قربانیان نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی را از حقوق و مراجع دادخواهی مذکور در اصول اساسی و رهنمودهای حاضر و نیز از خدمات حقوقی، درمانی، روانشناختی، اجتماعی، اداری و غیره که قربانی حق رجوع به آن را دارد، باخبر سازند. علاوه بر این قربانی و نماینده او بایستی بتوانند در مورد دلایلی که موجب تحمیل ضرر و زیان به قربانی شده است و نیز در مورد دلایل و شرایط مربوط به نقض آشکار قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین المللی تحقیق و کسب اطلاع کنند و از حق آگاهی از حقایق واقعه برخوردار باشند.

### ۱۱) منع اعمال تبعیض

۲۵. اصول اساسی و رهنمودهای حاضر بایستی بدون استثناء مطابق با قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی و بدون اعمال تبعیض با هر انگیزه، اجرا و تفسیر شود.

### ۱۲) عدم نقض

۲۶. اصول اساسی و رهنمودهای حاضر را نمی توان به گونه ای تفسیر کرد که حقوق و التزامات ناشی از قوانین ملی یا بین المللی را محدود یا نقض کند. مسلماً اصول اساسی و رهنمودهای حاضر هیچ حقی بر دادخواهی و جبران خسارت قربانی نقض قوانین بین المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی را نقض نمی کند. همچنین مسلم است که اصول اساسی و رهنمودهای حاضر خدشه ای به قواعد خاص حقوق بین الملل وارد نخواهند کرد.

### ۱۳) حقوق شخص ثالث

۲۷. متن حاضر را نمی توان به گونه ای تفسیر کرد که موجب عدم اجرای حقوق شخص ثالث که در سطح بین المللی یا ملی شناخته شده است شود، به ویژه حق متهم در برخورداری از محاکمه طبق معیارهای اصولی.

## معاهده بین المللی ناظر بر حمایت از کلیه افراد در مقابل مفقود الاثر شدن به عنف

### مقدمه

#### کشورهای معاهد

با عنایت به الزام کشورها توسط منشور سازمان ملل متحد به ارتقای احترام جهانی و بالفعل به حقوق بشر و آزادی های بنیادین؛

با تکیه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر؛

با خاطر نشان ساختن میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد حقوق بین الملل مربوط به حقوق بشر، قوانین بشردوستانه و حقوق جزای بین المللی؛ همچنین با یادآوری اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل مفقود الاثر شدن به عنف مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن قطعنامه ۴۷/۱۳۳ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲؛

با آگاهی از حدت و خامت جرم مفقود الاثر ساختن افراد به عنف که جرم جنایی محسوب می شود و در شرایط خاصی طبق حقوق بین الملل، عنوان جنایت علیه بشریت به خود می گیرد؛

و با عزم قاطع در پیشگیری از مفقود الاثر شدن افراد به عنف و پیکار علیه بی مجازات ماندن این جرم؛ با یادآوری حقوق کلیه افراد بر مصون ماندن از مفقود الاثر شدن به عنف و حقوق قربانی بر احقاق حق و جبران خسارت؛

با تأکید بر حقوق کلیه قربانیان بر آگاهی از حقیقت واقعه و آگاهی از سرنوشت مفقود الاثر و حق برخورداری از آزادی جمع آوری، دریافت، و پخش اخبار بدین منظور؛

در مورد امور زیر توافق حاصل کرده اند:

### بخش اول

#### ماده ۱

۱. احدی نباید به عنف مفقود الاثر شود.
۲. برای توجیه عمل مفقود الاثر کردن افراد نمی توان به هیچ وضعیت استثنایی اعم از وضعیت جنگی، خطر بروز جنگ، عدم ثبات سیاسی، و یا هر وضعیت استثنایی دیگر استناد کرد.

#### ماده ۲

در چهار چوب معاهده حاضر اصطلاح «مفقود الاثر کردن به عنف» به موارد توقیف، بازداشت، آدم ربایی، و محروم کردن افراد از آزادی به صور مختلف، توسط مأموران رسمی کشور و یا افراد یا گروه ها با اذن یا با حمایت و یا رضایت حاکمیت و عدم اعلام آن یا پنهان کردن سرنوشت یا مکان مفقود الاثر به صورتی که او از هر گونه حمایت قانون محروم بماند، اطلاق می شود.

#### ماده ۳

کشورها موظفند موازین مناسبی نیز جهت انجام تحقیقات کیفری در مورد اعمال مذکور در ماده ۲ که توسط افراد و یا گروه ها، بدون اذن، حمایت، و یا رضایت حاکمیت، ارتکاب یافته است و نیز تعقیب کیفری مسئولان آن، اتخاذ نمایند.

#### ماده ۴

کشورها باید مراقبت به عمل آورند که عمل مفقودالاثر کردن افراد به عنف در حقوق کیفری آنان جرم محسوب شود.

#### ماده ۵

ارتکاب مستمر و نظام مند مفقود الاثر کردن افراد به عنف، همانطور که در حقوق بین الملل جاری تعریف شده است، جرم علیه بشریت محسوب می شود و مترتب نتایج خواهد بود که در این قوانین مقرر شده است.

#### ماده ۶

۱. کشورهای معاهد باید موازینی اتخاذ کنند که حداقل، افراد زیر از لحاظ کیفری مسئول شناخته شوند.  
الف) کلیه اشخاصی که مرتکب اعمال منتهی به مفقودالاثر شدن فردی به عنف شده اند یا دستور آن را صادر و یا اثر رهبری کرده اند یا سعی به ارتکاب آن کرده و یا در آن شرکت یا معاونت داشته اند؛  
ب) مقامات مافوق به شرح زیر:  
ب(۱) مقام مافوقی که از مفقودالاثر کردن فردی به عنف یا قصد انجام این عمل توسط مأمور زیر دست و تحت کنترل خود مطلع بوده و یا عمداً به اطلاعاتی که به وضوح حاکی از ارتکاب این جرم بوده توجه ای نکرده باشد؛  
ب(۲) مقام مافوقی که اعمال منتهی به مفقودالاثر شدن به عنف تحت مسئولیت و یا نظارت او انجام گرفته باشد؛  
ب(۳) مقام مافوقی که اقدامات لازم و منطقی را در ممانعت و توقف اعمالی که تشکیل دهنده این جرم است به عمل نیاورده و یا به مقامات صالح جهت تعقیب کیفری و انجام تحقیقات رجوع نکرده است؛  
ج) تبصره ب ماده حاضر به قواعد حقوق بین الملل که طبق آن مسئولیت های سنگین تری بر عهده سران ارتش و یا اشخاص در حکم سران ارتش گذاشته شده است، خدشه ای وارد نخواهد کرد.
۲. برای توجیه جرم مفقودالاثر کردن به عنف نمی توان به هیچ وجه به اجرای حکم یا دستور از جانب مقام مسئول دولتی، نظامی یا غیر نظامی و یا مقام مسئول دیگر استناد کرد.

#### ماده ۷

۱. کشورهای معاهد موظفند برای جرم مفقود الاثر کردن افراد به عنف مجازات هایی با توجه به سنگینی این جرم پیش بینی کنند.
۲. کشورهای معاهد می توانند امور زیر را در قوانین خود پیش بینی کنند:  
الف) پیش بینی کیفیات مخفیه از جمله در مورد افرادی که در جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف دست داشته اند اما در بازیافتن قربانی در قید حیات همکاری مؤثر کرده و یا اطلاعاتی را در روشن ساختن پرونده و یا هویت عاملین جرم فاش ساخته اند؛  
ب) پیش بینی کیفیات مشدده، بدون آنکه موجب نقض آیین دادرسی کیفری دیگری شود، از جمله در صورت فوت شخص مفقودالاثر، و یا در مورد افرادی که این جرم را نسبت به زن باردار، کودکان و نوجوانانی که به سن قانونی نرسیده اند، معلولین، و سایر افراد به ویژه آسیب پذیر مرتکب شده اند.

#### ماده ۸

- با رعایت ماده ۵، کشورها می توانند موازین زیر را اتخاذ کنند:
۱. کشورهای معاهدی که قاعده مرور زمان در مورد اعمال منتهی به مفقودالاثر شدن به عنف افراد در قوانینشان پیش بینی شده است، باید موازینی اتخاذ کنند که متضمن موارد زیر باشد:  
الف) پیشبینی مدت زمان طولانی متناسب با سنگینی این جرم؛  
ب) با توجه به ماهیت تداوم جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف، مرور زمان باید پس از پایان یافتن جرم آغاز شود.
  ۲. کشورهای معاهد موظفند حق قربانیان مفقودالاثر شدن به عنف را بر دادخواهی در دورانی که مرور زمان در جریان است، تضمین کنند.

## ماده ۹

۱. کشورهای معاهد موظف به اتخاذ موازینی جهت تثبیت صلاحیت قضایی خود در رسیدگی به جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف در موارد زیرند:  
الف) هنگامی که جرم در محدوده قلمرو تحت صلاحیت قضایی کشور و یا در هواپیما یا در کشتی ای که در آن کشور به ثبت رسیده است واقع شود؛  
ب) هنگامی که مظنون به ارتکاب جرم تابعیت کشور را دارا باشد؛  
ج) هنگامی که فرد مفقود الاثر تابعیت آن کشور را دارا باشد و کشور متبوعه رسیدگی به موضوع را مناسب تشخیص دهد.

۲. همچنین هر کشور معاهد موظف است جهت تثبیت صلاحیت خود در رسیدگی به جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف در مورد فرد مظنونی که در حوزه قضایی آن کشور حضور دارد، موازین لازم را اتخاذ نماید، مگر اینکه طبق الزامات بین المللی خود فرد مظنون را به کشور دیگر و یا یک مرجع قضایی بین المللی مسترد کرده باشد.  
۳. این معاهده هیچ نوع صلاحیت قضایی تکمیلی ای را که برطبق قوانین ملی اعمال شده است، نقض نمی‌کند.

## ماده ۱۰

۱. کشورهای معاهد موظفند چنانچه شخصی که مظنون به مفقودالاثر کردن فردی به عنف است در قلمرو تحت حاکمیتشان شناسایی شود، پس از بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده و احراز اعتبار آن، وی را بازداشت کنند و یا موازین قضایی دیگری در تضمین حضور او در دادرسی اتخاذ نمایند. بازداشت مظنون و موازین مذکور باید مطابق با قوانین کشور صورت گیرد و تا زمانی ادامه یابد که برای انجام تحقیقات کیفری و یا تسلیم یا استرداد او ضروری است.

۲. کشور معاهدی که تدابیر مذکور در بند ۱ ماده حاضر را اتخاذ کرده است موظف است در اسرع وقت تحقیقات مقدماتی و بازجویی را در مورد واقعه آغاز کند و کشورهای معاهد مذکور در بند ۱ ماده ۹ را از موازین اتخاذی موضوع بند ۱ ماده حاضر به ویژه از بازداشت و دلایل توجیهی آن و نیز از نتایج تحقیقات اولیه و یا تحقیقات کیفری مطلع ساخته و قصد خود را در ارتباط با اعمال صلاحیت اعلام کند.

۳. کلیه افرادی که در اجرای بند ۱ ماده حاضر بازداشت شده اند باید بتوانند در اسرع وقت با قابل دسترس‌ترین نماینده صالح کنسولگری کشور متبوع خود و یا در صورتی که شخص بدون تابعیت است با نماینده کشور محل اقامتشان تماس حاصل کنند.

## ماده ۱۱

۱. کشورهای معاهد چنانچه طبق الزامات بین المللی اشان، شخص مظنون به مفقودالاثر کردن فردی به عنف را که در قلمرو تحت حاکمیتشان شناسایی شده است به کشور دیگر و یا به مرجع کیفری بین المللی ای که صلاحیتش را به رسمیت شناخته اند، مسترد یا تسلیم نمی‌کنند، موظف اند موضوع را جهت پیگیری کیفری به مراجع صلاحیت‌دار خود ارجاع دهند.

۲. مراجع صلاحیت‌دار موظفند تصمیمات خود را طبق روال قانونی ناظر بر جرائم عمومی با کیفیت حاد، اتخاذ کنند. در موارد مندرج در بند ۲ ماده ۹، ادله و مدارکی که برای تعقیب و محکومیت متهم لازم است بهیچوجه نباید ضعیف‌تر از ادله‌ای باشد که در موارد موضوع بند ۱ این ماده خواسته شده است.

۳. افراد مظنون و متهم به مفقود الاثر کردن افراد به عنف باید در کلیه مراحل تعقیب از رفتاری منصفانه برخوردار شده و در دادگاه قانونی صالح مستقل و بی طرف به طور عادلانه محاکمه شوند.

## ماده ۱۲

۱. کشورهای معاهد موظفند حق طرح شکایت در مراجع قضایی و رسیدگی بی درنگ و بی طرفانه و در صورت لزوم انجام تحقیقات دقیق و بی طرفانه توسط مقامات صلاحیتدار را برای هر شخصی که مدعی مفقودالاثر شدن به عنف فرد دیگری است تضمین کنند. همچنین کشورها باید موازینی پیش‌بینی کنند که مصونیت شاکي، گواهان، نزدیکان فرد مفقودالاثر، حامیان آن‌ها و همچنین افرادی که در انجام تحقیقات شرکت دارند از سوء رفتار و یا هر نوع تهدید به دلیل طرح شکایت و یا ارائه مدارك، تضمین شود.

۲. مقامات صالح مذکور در بند ۱ ماده حاضر موظفند در مواردی که دلایل منطقی مبنی بر مفقودالاثر شدن فردی به عنف در دست است، حتی در مواردی که شکایتی صورت نگرفته است، رأساً تحقیقات کیفری را آغاز کنند.

۳. کشورها موظفند موارد زیر را برای مقامات مذکور در بند ۱ ماده حاضر تضمین کنند.  
الف) تأمین اختیارات و منابع مالی لازم جهت انجام تحقیقات به نحو احسن از جمله دسترسی به مدارك و اطلاعات مربوط به تحقیقات؛  
ب) دسترسی به کلیه مکان‌های بازداشت و نیز مکان‌های دیگری که به دلایل محکم، ظن آن می‌رود که فرد مفقود الاثر در آن نگهداری شود. این دسترسی می‌تواند به صدور اجازه مرجع صالحی که باید به فوریت تصمیم‌گیری کند، موکول شود.

۴. کشورهای معاهد موظفند موازین لازم را جهت پیشگیری و مجازات هر نوع کارشکنی در روال تحقیقات اتخاذ کنند. کشورها باید به ویژه مراقبت به عمل آورند که افراد مظنون به مفقودالاثر کردن به عنف نتوانند با اعمال فشار یا تهدید و یا انتقام نسبت به شاکي، گواهان، نزدیکان فرد مفقودالاثر، حامیان آن‌ها و همچنین افرادی که در انجام تحقیقات شرکت دارند، بر جریان پرونده تأثیر گذارند.

## ماده ۱۳

۱. در چهارچوب استرداد مجرم میان کشورها جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف جرم سیاسی و یا جرم الحاقی به یک جرم سیاسی و یا جرم با انگیزه سیاسی محسوب نمی‌شود. نتیجتاً کشورها نمی‌توانند از تقاضای استرداد به بهانه سیاسی بودن جرم، خودداری کنند.

۲. جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف پیش از لازم الاجرا شدن معاهده حاضر در رده جرائمی قرار می‌گیرد که طبق قراردادهای منعقد شده میان کشورهای معاهد، موجب استرداد مسئولان آن است.

۳. کشورهای معاهد موظفند در قراردادهای استرداد مجرم که پس از لازم الاجرا شدن معاهده حاضر میان خود منعقد می‌کنند جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف را در زمره جرائم مشمول استرداد قرار دهند.

۴. کشورهای معاهد که استرداد مجرم را موکول به عقد قرارداد کرده‌اند، چنانچه از جانب دولت دیگر معاهد که با آن چنین قراردادی نبسته‌اند تقاضایی مبنی بر استرداد مجرم دریافت کنند می‌توانند در مورد جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف، معاهده حاضر را مبنای حقوقی استرداد مجرم قرار دهند.

۵. کشورهای معاهدی که استرداد مجرم را موکول به وجود قرارداد نکرده‌اند، موظفند در روابط میان خود، جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف را در حکم جرائم قابل استرداد قرار دهند.

۶. استرداد مجرم در کلیه موارد، تحت شرایطی که قانون کشور مورد تقاضای استرداد معین کرده است و یا در قرارداد استرداد مشخص شده است صورت خواهد گرفت. این شرایط از جمله حداقل مجازاتی که برای استرداد مجرم لازم است و دلایلی که کشور مذکور می‌تواند تقاضای استرداد را رد کند و یا شرایط لازم برای استرداد را نیز در بر می‌گیرد.

۷. هیچیک از موازین معاهده حاضر را نمی توان به گونه ای تفسیر کرد که کشور معاهدی را موظف به استرداد مجرمی کند که به دلایل قوی، بیم آن می رود تقاضای استرداد او با انگیزه تعقیب کیفری یا مجازات وی به دلیل جنسیت، نژاد، دین، ملیت، خاستگاه قومی، عقاید سیاسی، تعلق به گروه اجتماعی خاص، انجام گرفته باشد و قبول استرداد، به دلایل مذکور موجب اضرار به شخص مزبور خواهد شد.

#### ماده ۱۴

۱. کشورهای معاهد در رسیدگی کیفری به جرم مفقود الاثر کردن افراد به عنف نباید از هیچ کمکی به یکدیگر دریغ کنند، از جمله ارائه و تبادل دلایل و مدارک تحت اختیارشان که در رسیدگی به موضوع ضروری است.

۲. کمک های متقابل قضایی تحت شرایط قوانین کشور مورد تقاضای استرداد و یا طبق قرارداد بین المللی کمک های متقابل قضایی منعقد شده میان کشورهای معاهد انجام خواهد گرفت. این شرایط به ویژه دلایلی که کشور مذکور می تواند کمک های متقابل قضایی را رد کند و یا تحت شرایط خاصی بدان مبادرت ورزد را نیز در بر می گیرد.

#### ماده ۱۵

کشورهای معاهد موظفند با یکدیگر همکاری کرده و در معاضدت به قربانی و جستجو و یافتن محل اختفا و آزاد ساختن او و در صورت فوت، نبش قبر و تشخیص هویت مفقود الاثر و تحویل جسد، از هیچ کمکی به یکدیگر دریغ نکنند.

#### ماده ۱۶

۱. کشورها نباید هیچ فردی را به سمت کشوری اخراج کنند، باز گردانند و یا تسلیم یا مسترد کنند که دلایل محکمی مبنی بر احتمال مفقود الاثر شدن فرد به عنف در آن کشور وجود دارد.

۲. برای تشخیص وجود چنین دلایلی، مقامات مسئول باید اوضاع و احوال را در کشور ذیربط مورد توجه قرار دهند از جمله در صورت وقوع نقض آشکار، مستمر و سازمان یافته حقوق بشر در این کشور، این امر را مد نظر قرار دهند.

#### ماده ۱۷

۱. بازداشت احدى را نباید پنهان کرد.

۲. کشورهای معاهد، با رعایت سایر تعهدات بین المللی خود در مورد موازین سلب آزادی افراد، موظفند موازین زیر را در قلمرو تحت صلاحیت قضایی خود اتخاذ کنند:

الف) پیشبینی شرایطی که بر طبق آن صدور دستور سلب آزادی یک فرد مجاز است؛

ب) تعیین مقام صلاحیتدار در صدور دستور سلب آزادی؛

ج) تضمین نگهداری افراد محروم از آزادی در مکان های حبس رسمی و تحت نظارت؛

د) تضمین حق افراد محروم از آزادی در تماس با خانواده، وکیل و یا هر فرد دیگر به انتخاب خود و ملاقات با آنها مگر در مواردی که قانون تحت شرایط مشخص آن را منع کرده باشد. چنانچه فردی که آزادی اش سلب شده است تابع کشور بیگانه باشد، تضمین حق او در تماس با نماینده کنسولگری کشور متبوع خود، طبق قوانین بین المللی؛

ه) تضمین دسترسی به اماکن حبس برای مقامات و نهادهای صالح بر طبق قانون، و در صورت لزوم با کسب اجازه از مقام قضایی ذی صلاح؛

و) تضمین حق در خواست تجدید نظر، تحت هر شرایطی، برای هر فردی که بازداشت شده است جهت بررسی فوری علت محرومیت از آزادی توسط دادگاه و صدور دستور آزادی فرد در صورت احراز غیرقانونی بودن آن و در صورت وجود ظن مفقود الاثر شدن فرد و یا عدم توانایی او در احقاق حق خود، تضمین این حق برای افراد دیگری که قانوناً ذینفع اند از جمله نزدیکان، نماینده قانونی، و یا وکیل بازداشتی.

۳. کشورهای معاهد موظفند ایجاد دفتر یا دفاتر رسمی جهت ثبت هرروزه اسامی افرادی که از آزادی خود محروم می شوند و یا به جای آن یا علاوه بر آن، تشکیل پرونده رسمی برای هر فرد محروم از آزادی را تضمین کنند.



اطلاعات ثبت شده در این دفاتر باید در صورت تقاضا، در اسرع وقت در اختیار مقامات قضایی و یا مقامات و نهادهای صالح، بر طبق قانون کشور معاهد ذیربط، و یا طبق اسناد حقوق بین الملل در این زمینه که توسط کشور ذینفع پذیرفته شده است، قرار گیرد. در دفاتر و پرونده مذکور در فوق باید حداقل اطلاعاتی به شرح زیر درج شود:

- الف) هویت شخص محروم از آزادی؛
- ب) تاریخ، ساعت، و مکان سلب آزادی فرد و مأمور مسئول اجرای آن؛
- ج) مقام مسئول صادر کننده حکم سلب آزادی و دلایل آن؛
- د) مقام مسئول ناظر بر سلب آزادی؛
- ه) مکان حبس، تاریخ و ساعت پذیرش در این مکان، و مقام مسئول این مکان؛
- و) وضعیت سلامتی شخص محروم از آزادی؛
- ز) در صورت فوت در دوران سلب آزادی، ثبت شرایط فوت و دلایل آن و مکان تحویل جسد متوفی؛
- ک) تاریخ و ساعت آزادی یا انتقال به بازداشتگاه دیگر و نشانی آن و هویت مسئول انتقال.

#### ماده ۱۸

۱. با رعایت ماده ۱۹ و ۲۰، کشورهای معاهد موظفند حداقل دسترسی به موارد زیر را برای افرادی که قانوناً در آگاهی از اطلاعات ذینفع اند از جمله نزدیکان، نماینده قانونی، و یا وکیل فرد محروم از آزادی، تضمین کنند:
  - الف) مقام مسئول صادر کننده حکم سلب آزادی؛
  - ب) تاریخ، ساعت، مکان دستگیری فرد، و تاریخ، ساعت پذیرش در مکان سلب آزادی؛
  - ج) مقام مسئول ناظر بر سلب آزادی؛
  - د) مکان بازداشت، و در صورت انتقال به مکان دیگر، نشانی محل جدید و هویت مسئول انتقال؛
  - ه) تاریخ، ساعت و مکان آزادی؛
  - و) وضعیت سلامتی شخص محروم از آزادی؛
  - ز) در صورت فوت شخص در دوران سلب آزادی اطلاع از شرایط فوت و دلایل آن و مکان تحویل جسد متوفی.

۲. در صورت لزوم باید تدابیری جهت حمایت از افراد مذکور در بند ۱ ماده حاضر و افراد دخیل در امر تحقیقات، در مقابل سوء رفتار و یا ارباب و یا مجازات به دلیل انجام تحقیقات در مورد فرد محروم از آزادی، اتخاذ شود.

#### ماده ۱۹

۱. اطلاعات شخصی از جمله مشخصات پزشکی و توارثی که در چهارچوب تحقیقات جهت جستجوی فرد مفقودالاثر جمع آوری یا منتقل شده است را نمی توان با هدفی به غیر یافتن مفقود الاثر، استفاده کرد و یا در اختیار کسی قرار داد. این حکم در مورد استفاده از اطلاعات در روال دادرسی کیفری مربوط به جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف و در احقاق حق جبران خسارت جاری نمی باشد.
۲. جمع آوری، به کارگیری، استفاده و نگهداری اطلاعات خصوصی از جمله اطلاعات پزشکی یا توارثی نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم ناقض حقوق بشر و آزادی های بنیادین باشد.

#### ماده ۲۰

۱. حق بر آگاهی از اطلاعات موضوع ماده ۱۸ منحصرأ هنگامی که شخص تحت حمایت قانون قرار دارد و یا محرومیت از آزادی تحت نظارت قضایی انجام می گیرد می تواند به طور استثنایی در موارد بسیار ضروری که قانون مجاز کرده است و یا در مواردی که انتقال اطلاعات مضر به زندگی خصوصی و یا امنیت شخص و یا انجام صحیح روال تحقیقات کیفری باشد و یا به دلایل مشابه دیگر که قانون مشخص کرده است محدود شود، این امر باید در تطابق کامل با قوانین بین الملل جاری و اهداف معاهده حاضر صورت گیرد. محدودیت حق آگاهی از اطلاعات طبق مفاد ماده ۱۸، در صورتی که تحت عنوان اعمال مذکور در ماده ۲ قرار گیرد و یا بند ۱ ماده ۱۷ را نقض کند جایز نیست.

۲. بدون آنکه از قاعده بررسی قانونی بودن محرومیت از آزادی یک فرد عدول شود. کشورهای معاهد موظفند حق ارجاع به دادرسی سریع و کارا را برای افراد مذکور در بند ۱ ماده ۱۸ جهت کسب فوری اطلاعات موضوع این بند، تضمین کنند. این حق را نمی توان تحت هیچ شرایطی معلق یا محدود کرد.

#### ماده ۲۱

کشورهای معاهد موظفند موازینی اتخاذ کنند که آزاد ساختن محبوسین به صورتی انجام گیرد که بتوان صحت آن را احراز کرد و در شرایطی آزاد شوند که بدون آنکه به الزامات قانونی آنها طبق قوانین ملی خدشه ای وارد شود، از سلامتی جسمی و توانایی روحی لازم جهت اعمال حقوقشان برخوردار باشند.

#### ماده ۲۲

با رعایت مفاد ماده ۶، کشورهای معاهد موظفند موازین لازم را جهت پیشگیری و مجازات اعمال زیر اتخاذ کنند:  
الف) ایجاد مانع و کارشکنی در روال دادرسی موضوع تبصره (و) بند ۲ ماده ۱۷ و بند ۲ ماده ۲۰؛  
ب) عدم ثبت هر محرومیت از آزادی و یا ثبت اطلاعاتی که مأمور ثبت کذب آن را احراز کرده است و یا موظف به احراز آن بوده است؛  
ج) خودداری از ارائه اطلاعات در مورد سلب آزادی یک فرد و یا ارائه اطلاعات غیر واقعی در حالی که تقاضای کسب اطلاعات مطابق با قانون بوده است.

#### ماده ۲۳

۱. کشورهای معاهد باید مراقبت به عمل آورند که تدریس و ارائه اطلاعات لازم در مورد موازین معاهده حاضر، در برنامه آموزشی مأموران حفظ نظم و اجرای قانون اعم از مجریان نظامی یا غیر نظامی، کارکنان امور پزشکی، مأموران رسمی، و سایر اشخاصی که محتمل است در نگهداری یا برخورد با افراد محروم از آزادی دخالت داشته باشند، با اهداف به شرح زیر، گنجانده شود.

الف) پیشگیری از شرکت افراد مذکور در فوق در جرائم مفقودالاثر کردن افراد به عنف؛  
ب) تأکید بر اهمیت پیشگیری و انجام تحقیقات کیفری در مورد مفقودالاثر شدن افراد به عنف؛  
ج) به رسمیت شناختن لزوم فوریت رسیدگی به جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف.

۲. کشورهای معاهد موظفند مراقبت به عمل آورند که صدور احکام و دستورات در تجویز یا ترغیب مفقود الاثر کردن افراد به عنف ممنوع شود و عدم مجازات فردی را که از چنین دستوراتی سرپیچی کرده است، تضمین کنند.

۳. کشورهای معاهد موظفند موازینی اتخاذ کنند که افراد مذکور در بند ۱ ماده حاضر که دلایل موجهی مبنی بر وقوع جرم مفقودالاثر شدن فردی به عنف و یا برنامه ریزی این جرم در دست دارند به مقامات مافوق و در صورت لزوم مقامات مسئول و یا مراجع نظارتی و یا دادخواهی ذی صلاح گزارش دهند.

#### ماده ۲۴

۱. در چهارچوب معاهده حاضر اصطلاح « قربانی » به فرد مفقود الاثر و کلیه افرادی که مستقیماً از این جرم آسیب دیده اند اطلاق می شود.  
۲. هر قربانی حق دارد از اوضاع و احوال جرم و روال و نتایج تحقیقات کیفری و سرنوشت مفقود الاثر آگاه شود. کشورهای معاهد موظفند موازین لازم را جهت تحقق این حق اتخاذ کنند.  
۳. کشورهای معاهد موظفند جهت جستجو و شناسایی مکان اختفای مفقودالاثر و آزاد ساختن وی و در صورت فوت شناسایی مکان و ادای احترام به جسد و تحویل آن، موازین لازم را اتخاذ کنند.  
۴. کشورهای معاهد موظفند در نظام قضایی خود برای قربانی جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف حق جبران خسارت و دریافت غرامت به فوریت و به طور عادلانه و به طریقی مناسب را تضمین کنند.

۵. حق بر جبران خسارت مذکور در بند ۴ ماده حاضر شامل خسارت های مادی و روانی است و در صورت لزوم میتواند موارد دیگر از جمله موارد زیر را نیز در بر گیرد:  
الف) اعاده و ترمیم؛  
ب) توانبخشی؛  
ج) جلب رضایت قربانی از جمله جبران بی احترامی به شئون او و اعاده حیثیت او؛  
د) تضمین عدم تکرار جرم.

۶. کشورهای معاهد موظفند در مورد وضعیت حقوقی مفقودالاثری که سرنوشتش مبهم مانده است و نیز وضعیت حقوقی خانواده او به ویژه در زمینه امدادهای اجتماعی، مشکلات مالی، حقوق خانواده و وضعیت مالکیت، موازین لازم را اتخاذ کنند. این امر نباید مانع از اجرای التزامات ناظر بر تعقیب کیفری و انجام تحقیقات جهت روشن ساختن سرنوشت و وضعیت مفقودالاثر شود.

۷. کشورهای معاهد موظفند حق تشکیل یا شرکت در سازمان ها و انجمن هایی که هدفشان احراز اوضاع و احوال ارتکاب جرم مفقودالاثر شدن افراد به عنف و آگاهی از سرنوشت مفقودالاثر و مساعدت به قربانیان این جرم است، تضمین کنند.

#### ماده ۲۵

۱. کشورهای معاهد موظفند جهت پیشگیری و مجازات اعمال زیر موازین لازم را اتخاذ کنند:  
الف. ربودن کودکان مفقودالاثر، فرزندان و یا کودکان تحت سرپرستی افراد مفقود الاثر و نیز نوزادانی که در دوران مفقودالاثر بودن مادران خود متولد می شوند.  
ب. تقلب در مدارک مشخص کننده هویت اصلی کودکان مذکور در تبصره فوق، و یا اخفاء یا امحای آن.  
۲. کشورهای معاهد موظفند در تطابق با روال قانونی و توافقات بین المللی، اقدامات لازم را جهت جستجو و شناسایی هویت کودکان مذکور در تبصره الف بند ۱ ماده حاضر و بازگرداندن آنها به خانواده هایشان به عمل آورند.

۳. کشورهای معاهد بایستی در جستجو و تشخیص هویت کودکان مذکور در تبصره الف بند ۱ ماده حاضر و نیز در یافتن محل اختفای آن ها همکاری های متقابل داشته باشند.

۴. با توجه به ضرورت حفظ مصالح عالی کودکان مذکور در تبصره الف بند ۱ ماده حاضر و با توجه به حق آن ها بر حفظ و احراز هویت از جمله ملیت، نام و روابط خانوادگی قانونی، در کشورهای معاهدی که نظام فرزندخواندگی و یا نظام های دیگر پذیرش و سرپرستی از کودکان وجود دارد، باید جهت تجدید نظر در مورد پرونده های فرزند خواندگی و یا پذیرش سرپرستی که ریشه در جرم مفقودالاثر شدن به عنف دارد و در صورت مقتضی، ابطال آن، روال دادرسی خاصی در قانون پیشبینی شود.

۵. در هر اوضاع و احوالی به ویژه در شرایط مذکور در ماده حاضر مصالح عالی کودک هدف اصلی تصمیمات را تشکیل می دهد. کودکانی که قوه تمییز امور را داشته باشند حق دارند آزادانه نظرات خود را بیان کنند. در چنین صورتی باید با توجه به سن و درجه رشد آن ها به نظرانشان اکیداً توجه شود.

### بخش دوم

#### ماده ۲۶

۱. به منظور اجرای موازین معاهده حاضر کمیته ای جهت رسیدگی به جرائم مربوط به مفقودالاثر شدن به عنف (که از این پس با کلمه کمیته بدان اشاره می شود) تشکیل خواهد شد. کمیته از ده کارشناس واجد صلاحیت اخلاقی عالی، خبره در زمینه حقوق بشر، مستقل و بی طرف، تشکیل خواهد شد که رأساً به نام خود و مستقل از کشور

معرف عمل خواهد کرد. این کارشناسان باید توسط کشورهای معاهد با توجه به تقسیمات عادلانه جغرافیایی و منافی که از شرکت افراد مجرب در امور حقوقی در کمیته حاصل خواهد شد، و نیز با توجه به توزیع عادلانه جنسیتی انتخاب شوند.

۲. اعضای کمیته در طی اجلاس دوسالانه کشورهای معاهد که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد به منظور این انتخابات، تشکیل می‌شود، با رأی مخفی از میان فهرست اسامی نامزدهایی که کشورهای معاهد از اتباع خود معرفی کرده اند، انتخاب خواهند شد. این جلسات با شرکت دو سوم اعضاء رسمیت خواهد یافت، افرادی انتخاب خواهند شد که بیشترین رأی و اکثریت مطلق آراء نمایندگان کشورهای معاهد حاضر و رأی دهنده در جلسه را کسب کرده باشند.

۳. نخستین انتخابات باید حداکثر ظرف شش ماه پس از لازم الاجرا شدن معاهده حاضر صورت گیرد. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است حداقل چهار ماه پیش از تاریخ انجام هر نوبت از انتخابات کمیته، کتباً از دولتهای معاهد درخواست کند ظرف سه ماه نامزدهای انتخاباتی خود را معرفی کنند. دبیرکل همچنین باید فهرستی به ترتیب حروف الفبا از اسامی افرادی را که بدین طریق نامزد می‌شوند با ذکر نام کشورهای معاهد آن‌ها تهیه و به کشورهای معاهد ابلاغ کند.

۴. اعضای کمیته برای مدت چهارسال انتخاب می‌شوند و نامزدی آن‌ها بیش از دور بار امکان پذیر نمی‌باشد. همچنین نمایندگی پنج تن از اعضاء منتخب در اولین انتخابات پس از پایان دو سال منقضی خواهد شد. اسامی این پنج تن بلافاصله پس از اجلاس مذکور در بند ۲ ماده حاضر، بحکم قرعه توسط رئیس جلسه مشخص خواهد شد. ۵. در صورت فوت یا استعفاى عضوی از اعضای کمیته و یا عدم توانایی او در انجام وظیفه به دلایل دیگر، دولت معرف او، با توجه به معیارهای پیشینی شده در بند ۱ این ماده کارشناس دیگری از اتباع خود را برای تصدی باقیمانده دوره نمایندگی معرفی خواهد کرد که باید به تأیید اکثر کشورهای معاهد برسد. پس از سپری شدن شش هفته از آگاهی کشورهای معاهد توسط دبیرکل سازمان ملل متحد از معرفی فرد جدید، فرض بر تأیید او قرار داده خواهد شد مگر اینکه حداقل نیمی از کشورهای مخالف خود را با آن اعلام کرده باشند.

۶. آیین نامه داخلی کمیته توسط این نهاد تدوین خواهد شد.

۷. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است کارمندان، تشکیلات و وسائل مادی ای را که کمیته برای انجام وظایفش به نحو احسن نیاز دارد، تأمین کند. اولین اجلاس اعضای کمیته به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

۸. اعضای کمیته از همان تسهیلات، امتیازات و مصونیت‌هایی برخوردار خواهند بود که در معاهده مربوط به امتیازات و مصونیت سازمان ملل متحد (در بخش مربوطه) برای کارشناسان در مأموریت این سازمان، پیش بینی شده است.

۹. کشورهای معاهد موظفند در چهارچوب صلاحیت‌هایی که برای کمیته شناخته اند با کمیته همکاری کرده و اعضای آن را در انجام وظایفشان، یاری دهند.

#### ماده ۲۷

حداقل چهار سال و حداکثر شش سال پس از لازم الاجرا شدن معاهده حاضر باید کنفرانسی از کشورهای معاهد تشکیل شود که عملکرد کمیته را مورد بررسی قرار دهد و طبق روال پیش بینی شده در بند ۲ ماده ۴۴ در صورتی که لازم تشخیص دهد ادامه کار نظارت بر اجرای این معاهده و وظایف مذکور در ماده ۲۸ و ۳۶ را - بدون حذف هر احتمالی - به مرجع دیگری بسپرد.

#### ماده ۲۸

۱. کمیته در چهارچوب وظایفی که طبق این معاهده بر عهده دارد موظف است با کلیه ارگان ها، دفاتر، نهادهای تخصصی، صندوق های ذیربط سازمان ملل متحد، کمیته هایی که بر طبق اسناد حقوق بین الملل ایجاد می شوند، روال های دادرسی ویژه سازمان ملل متحد، سازمان ها یا نهادهای منطقه ای بین الدولتی ذیربط، و نیز تمامی نهادها سازمان ها و دفاتر ملی که در حمایت از افراد در مقابل مفقود الاثر شدن به عنف فعالیت می کنند، همکاری کند.

۲. کمیته در چهارچوب وظایفش باید با سایر کمیته های ذیربطی که بر طبق اسناد حقوق بشر ایجاد می شوند، به ویژه کمیته حقوق بشر که طبق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ایجاد شده است، روابط مشورتی برقرار کند تا انسجامی در فعالیت های نظارتی و توصیه های این نهادها برقرار شود.

#### ماده ۲۹

۱. دولت های معاهد موظفند ظرف دو سال پس از لازم الاجرا شدن معاهده در کشورهای خود، گزارش موازینی را که جهت اجرای تعهدات مقرر در معاهده اتخاذ کرده اند، از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد به کمیته تسلیم کنند.

۲. دبیرکل سازمان ملل متحد، موظف است گزارش های مزبور را در اختیار کلیه کشورهای معاهد قرار دهد.

۳. کمیته موظف است هر گزارشی را جداگانه مورد بررسی قرار داده و چنانچه لازم بداند شرح، ملاحظات و یا توصیه های خود را به اطلاع کشور ذیربط برساند. کشور مذکور نیز می تواند به ابتکار خود و یا به دنبال تقاضای کمیته بدان پاسخ دهد.

۴. کمیته همچنین می تواند از کشورهای معاهد اطلاعات تکمیلی ای در مورد اجرای معاهده حاضر تقاضا کند.

#### ماده ۳۰

۱. نزدیکان فردی که مفقود الاثر شده است، نماینده قانونی و وکیل او و یا هر فرد دیگری که از طرف این افراد نمایندگی دارد و نیز کلیه افرادی که در این قضیه منافع قانونی دارند می توانند تقاضایی اضطراری مبنی بر جستجو و یافتن شخص مفقود الاثر، به کمیته تسلیم کنند.

۲. کمیته پس از دریافت تقاضای اقدام اضطراری که طبق بند ۱ ماده حاضر تسلیم شده است، چنانچه وجود شرایط لازم را در تقاضا احراز کند، از کشور معاهد ذیربط می خواهد ظرف زمانی که خود تعیین کرده است، اطلاعاتی در مورد فرد مفقود الاثر تسلیم کمیته کند. این شرایط به شرح زیر اند:

الف) تقاضا به وضوح مستدل باشد؛

ب) از حق ارسال یک چنین تقاضایی سوء استفاده نشده باشد؛

ج) پیش از ارسال تقاضا، به مراجع ذی صلاح کشور معاهد ذیربط از جمله به مقامات صالح تعقیب کیفری رجوع شده باشد، (در صورت وجود چنین امکان)؛

د) تقاضا با موازین معاهده حاضر منافاتی نداشته باشد؛

ه) موضوع تقاضا در مرجع تعقیب کیفری و یا دادرسی بین المللی مشابه ای در دست رسیدگی نباشد.

۳. کمیته پس از دریافت اطلاعاتی که کشور ذیربط بر طبق مفاد بند ۲ ماده حاضر تسلیم کرده است می تواند توصیه های خود را همراه با درخواست اتخاذ موازین ضروری از جمله موازین موقتی احتیاطی جهت یافتن محل اقامت و حفاظت از فرد مورد جستجو بر طبق معاهده حاضر، و مطلع ساختن کمیته در ظرف زمان مشخص از موازین اتخاذ شده، با توجه به اضطراری بودن قضیه، به کشور مذکور ارسال کند. کمیته موظف است فرد متقاضی اقدام اضطراری را از توصیه های خود و نیز از اطلاعاتی که از کشور ذیربط دریافت کرده است آگاه سازد.

۴. کمیته موظف است به فعالیت های خود با کشور ذیربط تا زمانی که سرنوشت فرد مفقود الاثر روشن نشده است ادامه دهد و شاکی را از وضعیت پرونده مطلع سازد.

#### ماده ۳۱

۱. کشورهای معاهد می توانند هنگام تنفیذ معاهده حاضر و یا پس از آن صلاحیت کمیته را در دریافت و رسیدگی به اطلاعیه هایی که رأساً و یا به نمایندگی از جانب افراد تابع حوزه قضایی اشان مبنی بر ادعای ضرر و زیان به دلیل نقض مقررات معاهده توسط این کشور، ارسال می شود، به رسمیت بشناسند. کمیته به اطلاعیه های ارسالی علیه کشوری که قبول صلاحیت نکرده است، ترتیب اثر نخواهد داد.

۲. کمیته به اطلاعیه های زیر رسیدگی نخواهد داد :

(الف) اطلاعیه هایی که بی نام و نشان باشد؛

(ب) اطلاعیه ای که سوءاستفاده از حق ارسال چنین اطلاعیه ای باشد و یا مطابق با موازین این معاهده نباشد؛

(ج) موضوع اطلاعیه در مرجع تعقیب کیفری و یا دادرسی بین المللی مشابه ای در دست رسیدگی باشد.

(د) شکایت مطرح در اطلاعیه، مراحل دادرسی قابل دسترس و مؤثر ملی را طی نکرده باشد. این قاعده در مواردی که رسیدگی به شکایت در حد نامعقولی به طول می انجامد جاری نخواهد بود.

۳. در صورتی که کمیته اطلاعیه را مطابق با مفاد بند ۲ ماده حاضر تشخیص دهد، آنرا به کشور معاهد ذیربط ارسال کرده و با تعیین مهلت از او می خواهد ملاحظات و نظرات خود را به کمیته ارسال کند.

۴. کمیته پس از دریافت اطلاعیه و پیش از اتخاذ تصمیم در مورد قابل رسیدگی بودن تقاضا می تواند هرآینه، جهت اقدام اضطراری کشور ذیربط، تقاضایی مبنی بر اتخاذ موازین احتیاطی موقتی به منظور پیشگیری از ایراد صدمات جبران ناپذیر بر قربانی نقض ادعایی معاهده، به کشور ذیربط ارسال کند. این اقدام به معنای قابل پذیرش بودن اطلاعیه و رسیدگی ماهوی به آن نخواهد بود.

۵. کمیته به اطلاعیه های موضوع ماده حاضر در جلسات محرمانه رسیدگی خواهد کرد. کمیته موظف است، فرستنده اطلاعیه را از پاسخ های کشور ذیربط مطلع گرداند. کمیته پس از رسیدگی به موضوع باید ملاحظات و نظرات خود را به اطلاع کشور معاهد و فرستنده اطلاعیه برساند.

#### ماده ۳۲

کلیه کشورهای معاهد می توانند هرآینه اعلام کنند که صلاحیت کمیته را در دریافت و رسیدگی به اطلاعیه يك کشور معاهد بر علیه کشور دیگر معاهد مبنی بر عدم اجرای تعهدات ناشی از مقررات این معاهده به رسمیت شناخته اند. کمیته هیچ اطلاعیه ای را از جانب یا بر ضد کشوری که قبول چنین صلاحیتی را اعلام نکرده باشد، نمی پذیرد.

#### ماده ۳۳

۱. چنانچه کمیته از طریق منبع خبری موثقی از نقض فاحش معاهده حاضر توسط یک کشور معاهد مطلع شود می تواند پس از رجوع به کشور ذیربط یک یا چند تن از اعضای خود را مأمور بازدید از کشور و کسب اطلاعات فوری برای کمیته کند.

۲. کمیته موظف است کتباً کشور معاهد ذیربط را از قصد بازدید، هیئت بازدیدکنندگان و موضوع مورد بازرسی مطلع کند. کشور معاهد موظف است در مهلتی معقول به کمیته پاسخ دهد.

۳. کمیته می تواند به دنبال تقاضای موجه کشور معاهد، بازدید را به تعویق اندازد و یا ملغی کند.

۴. چنانچه کشور معاهد موافقت خود را با انجام بازدید اعلام کند، کمیته و کشور مذکور جهت مشخص کردن طریقه بازدید باید تشریک مساعی کنند. کشور معاهد موظف است تسهیلات لازم جهت بازدید را فراهم آورد.

۵. کمیته موظف است پس از انجام بازدید ملاحظات و توصیه های خود را به کشور معاهد ذیربط ارسال کند.

#### ماده ۳۴

چنانچه کمیته اطلاعات موثق و مستدلی مبنی بر مفقودالاثر شدن افراد به عنف به صورت گسترده، مستمر و نظام مند در قلمرو قضایی کشور معاهدی کسب کند می تواند پس از رجوع به کشور مذکور جهت کسب کلیه اطلاعات موجود مربوط به وضعیت مذکور، مسئله را به صورت اضطراری، از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد، در مجمع عمومی این سازمان مطرح کند.

#### ماده ۳۵

۱. کمیته منحصرأ در رسیدگی به پرونده های افرادی صلاحیت خواهد داشت که پس از لازم الاجرا شدن معاهده مفقودالاثر شده اند.

۲. کشوری که پس از لازم الاجرا شدن معاهده، به آن بپیوندد، تعهداتش در مقابل کمیته عطف به ما سبق نمی شود و تنها در مقابل وقوع جرم مفقودالاثر کردن افراد به عنف پس از لازم الاجرا شدن معاهده نسبت به خود، مسئول خواهد بود.

#### ماده ۳۶

۱. کمیته موظف است سالانه گزارشی از فعالیت های خود جهت اجرای معاهده حاضر را تسلیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کشورهای معاهد کند.

۲. کمیته موظف است پیش از انتشار ملاحظات خود در مورد یک کشور در گزارش سالانه، کشور مذکور را از قصد خود با خبر ساخته و مهلت لازم را جهت پاسخ به موضوع در اختیار کشور مذکور قرار دهد. این کشور می تواند انتشار ملاحظات و نظرات خود را نسبت به موضوع در گزارش تقاضا کند.

### بخش سوم

#### ماده ۳۷

هیچیک از موازین معاهده حاضر مانع از اجرای موازین مؤثرتر در حمایت از کلیه افراد در مقابل مفقودالاثر شدن به عنف، که به طریق زیر پیشبینی شده است، نمی باشد:  
الف) در قوانین داخلی یک کشور معاهد؛  
ب) در قوانین بین المللی لازم الاجرا برای یک کشور معاهد.

#### ماده ۳۸

۱. معاهده حاضر جهت امضاء توسط کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد مفتوح است.

۲. این معاهده به تنفیذ کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد گذاشته شده است. اسناد تنفیذ باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

۳. معاهده حاضر جهت الحاق کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد مفتوح است. الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد انجام می گیرد.

#### ماده ۳۹

۱. معاهده حاضر سی روز پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تنفیذ و یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم الاجرا خواهد شد.

۲. پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تنفیذ یا الحاق، هرگاه کشور جدیدی معاهده را تنفیذ کند یا بدان ملحق شود معاهده سی روز پس از تاریخ تودیع سند تنفیذ یا الحاق، نسبت به آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

#### ماده ۴۰

دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است موارد ذیل را به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و کشورهایایی که این معاهده را امضاء کرده و یا بدان ملحق شده‌اند، ابلاغ کند:  
الف) امضاء و تنفیذ معاهده و الحاق بدان در اجرای ماده ۳۸؛  
ب) تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده در اجرای ماده ۳۹.

#### ماده ۴۱

موازین مذکور در این مقاوله نامه بدون هیچگونه محدودیت و استثنائی در تمامی واحدهای متشکل کشور فدرال لازم اجراست.

#### ماده ۴۲

۱. هرگونه اختلاف در تفسیر و یا در اجرای معاهده میان دو یا چند کشور معاهد که از طریق مذاکره و یا روال رسیدگی که به وضوح در معاهده پیشبینی شده است قابل حل نباشد، به درخواست یکی از طرفین، به داوری گذاشته خواهد شد. اگر پس از گذشت شش ماه از تاریخ تقاضای ارجاع به داوری، کشورها در مورد نهاد داوری به توافق دست نیافته باشند، هر یک از طرفین می‌تواند جهت حل اختلاف، دادخواستی به دیوان بین المللی دادگستری، با رعایت مقررات این نهاد، تسلیم کند.

۲. کشورهای معاهد می‌توانند هنگام امضاء یا تنفیذ معاهده و یا الحاق بدان عدم تعهد خود را نسبت به اجرای بند ۱ این ماده اعلام کنند. کشورهای دیگر معاهد، در محدوده بند ۱ ماده حاضر، نسبت به کشورهایایی که چنین اعلامیه ای صادر کرده اند، متعهد نخواهند بود.

۳. کشورهای معاهدی که برطبق بند ۲ این ماده اعلامیه صادر کرده اند می‌توانند هرآینه توسط ابلاغیه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد، از اعلامیه خود عدول کنند.

#### ماده ۴۳

معاهده حاضر موازین قوانین بشردوستانه بین المللی از جمله تعهدات کشورهای معاهد چهار معاهده ژنو، مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و مقاوله نامه های الحاقی به آنها، مورخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷، را نقص نمی‌کند. همچنین این مقاوله نامه بر موقعیت هایی که یک کشور می‌تواند به صلیب سرخ بین المللی اجازه دهد از مکانهای حبس در غیر موارد پیش بینی شده توسط حقوق بشردوستانه بین المللی بازدید کند، بی اثر خواهد بود.

#### ماده ۴۴

۱. کشورهای معاهد می‌توانند پیشنهادات اصلاحی ارائه کنند، در چنین صورتی باید متن پیشنهادی خود را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نمایند. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است طرح‌های پیشنهادی را به سایر دولتهای معاهد ارسال کرده و از آنها درخواست کند نظراتشان را در مورد تشکیل کنفرانسی از کشورهای معاهد به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرح پیشنهادی اعلام کنند. پس از گذشت چهار ماه از ارسال این اطلاعیه در صورتی که حداقل یکسوم کشورهای معاهد با تشکیل چنین کنفرانسی موافق باشند، دبیرکل کنفرانس را تحت حمایت سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد.

۲. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت دو سوم کشورهای حاضر و رأی دهنده در کنفرانس واقع شود، توسط دبیر کل جهت تصویب در اختیار کلیه کشورهای معاهد گذاشته خواهد شد.

۳. هر اصلاحیه ای که طبق بند ۱ ماده حاضر تصویب می‌شود زمانی لازم الاجرا خواهد شد که دو سوم کشورهای معاهد آنرا در تطابق با روال پیشبینی شده در قوانین اساسی اشان، پذیرفته باشند.



۴. اصلاحیه ها پس از لازم الاجراء شدن منحصرأ نسبت به کشورهای که به آن رأی داده اند الزام آورند و آن دسته از کشورهای معاهد که بدان رأی نداده اند تنها به رعایت مقررات این معاهده و هرگونه اصلاحی که پیش از آن پذیرفته اند، ملزم خواهند بود.

#### ماده ۴۵

۱. متن این معاهده به زبانهای انگلیسی عربی، چینی، اسپانیائی، فرانسه و روسی که از اعتباری واحد برخوردارند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

۲. دبیرکل سازمان ملل متحد موظف است رونوشت مصدق این معاهده را به تمامی کشورهای مذکور در ماده ۳۸ ارسال کند.



**The Abdorrahman Boroumand Foundation**

---

# **Human rights in the administration of justice**

**United Nation**



**Office of the United Nation  
High Commissioner for Human Rights**

3220 N St NW, Suite 357  
Washington, DC 20007

در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران  
طرح بنیاد عبدالرحمن برومند